

ع  
میرزا محمد  
سید  
برکات  
ستاد

یزدشاه - مسجد صدریه - تهران





مجموعه  
تفاسیر  
عجیب

# مجموعه‌ای از گفتارها : در بارهٔ حضرت مهدی

حق چاپ محفوظ

چاپ اول : چهار هزار جلد ، ۱۴۰۱ قمری

---

حروف چینی ، چاپ و صحافی : شرکت چاپ پنگوئن

قیمت : ۳۵۰ ریال

حضرت مهدی  
میلاد  
برگزار شد  
ستاد

نیمه شعبان - مسجد صدریه - تهران

# خوردنیها

نشریه :

ستاد برگزاری جشنهای میلاد حضرت مهدی علیه السلام .

نیمه شعبان ۱۴۰۱

تهران - مسجد صدریه، میدان خراسان، خیابان رسام .

وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ  
وَلَمْ يَكُنْ لَهُمُ الْهُدَىٰ فِيهَا لَمَّا كَفَرُوا لِيَبْذُلَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ  
خَوْفَهُمُ آمَنًا يُعْبَدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ  
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ





## الله نور السموات و الأرض

جهان بینی یک انسان آگاه ایجاب میکند که نظام هستی را تحت رهبری ولایت کلیه آلهیه و منور بنور رحمت حق بداند که "الله نور السموات و الأرض" (۱) و سپس بمقتضای مقام خلافت الهی انسان، همین مقام ولایت را در وجود انسانی کامل که دارای کمال وجودی و قرب معنوی بسوی پروردگار جهان است درک کند، چه آنکه کمال وجودی اولیاء خدا ولایت بر ما سوی الله را نیز در بردارد، و زمین هیچگاه از وجود ولی الله که واسطه فیض الهی می باشد خالی نیست، که فرمود:

"لولا الحجة لساخت الأرض باهلها" (۲)

پیروان اهل البیت (صلوات الله عليهم اجمعین) نور ولایت را در سیمای خاندان رسالت و امامان معصوم (علیهم السلام) دریافته اند، همانگونه که فرمود:

"لنور الائمةام فی قلوب المؤمنین انور من الشمس المضيئة بالنهار" (۳) و راه حق را در پیروی از ائمة الهداة تشخیص داده اند.

"افمن يهدى الى الحق احق ان يتبع امن لا يهدى الا ان يهدى" (۴)

۱ - سوره النور : ۳۵ .

۲ - مضمون چند حدیث در اصول کافی ج ۱ ص ۱۷۸ ح ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ باب ان الأرض لاتخلو من حجه .

۳ - اصول کافی ج ۱ ص ۱۹۴ باب ان الائمة نور الله عز وجل ، ح ۱ .

۴ - سوره یونس : ۳۵ .



شیعیان جهان در جستجوی امام غائب خود بهر در و برزنی میروند تا شاید دیده‌گان را بجمال دل آرایش روشن نموده و خود را از این انتظار طاقت‌فرسا رهایی بخشند .

" اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه و اجعلنا من انصاره و اعوانه " .

و میلاد با سعادتش را میلاد قسط و عدالت میلاد خوشبختی و سعادت ، می‌دانند .  
سناد برگزاری جشنهای میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف )  
امسال نیز همچون سال گذشته خدمت‌گزاری خود را در برگزاری جشن میلاد آن حضرت  
اعلام میدارد ، و نشریه‌ی را بنام (خورشید پنهان ) که مجموعه‌ی دیگر از گفتارهای  
نویسندگان اسلامی پیرامون حضرت بقیة الله الاعظم ( ارواحنا فداه ) است تقدیم  
به شیفتگان حضرتش مینماید ، امید است که مانند نشریه سال گذشته ( نور مهدی )  
مورد استقبال عموم برادران مخصوصاً " جوانان عزیز قرار گیرد .

باتشکر از نویسندگان محترم پیشنهاد میشود که عموم علماء اعلام و دانشمندان  
محترم در این راه قدمهای مؤثرتری بردارند و ملت مسلمان را مخصوصاً " در این عصر  
شکوفای انقلاب اسلامی بمقام ولایت آشنا تر سازند ، تا از تحریف منحرفین و راهزنی  
دزدان عقیده مصون بمانند ، که پیروزی اسلام به ایمان و عقیده است نه با قوای  
ظاهری .

" اللهم انصرنا علی اعدائنا و انظر الینا نظرة رحیمة نستكمل بها الكرامة عندک ثم  
لاتصرفها عنا بحدودک و کرمک یا ارحم الراحمین " .

محمد مهدی الموسوی الخلیجی

نیمه شعبان ۱۴۰۱

مسجد صدریه



گفتار اول

نور امید



نوشته : استاد سید رضا صدر  
گفتار: اول

### نور امید

امید و آرزو، از ویژگیهای انسان و فطریات بشر است. چون هر دو نگاهی به آینده دارند، و هموز ثابت نشده که در میان جانوران، جانوری آینده نگر باشد. و دانسته نشده که جانورانی که لانه می سازند و یا خوراک می اندوزند از روی دانش و بینش چنین میکنند ممکن است این کارها از روی غریزه باشد. و آنها بطور خودکار انجام وظیفه میکنند بدون آنکه خود بدانند که چه میکنند.

دانش اکتسابی است و نیاز به تعلیم و تعلم دارد. آیا نخستین معلم این گروه از جانوران که بوده؟! و کیفیت تعلیم آنها چگونه می باشد؟! ازین رو بیگمان میتوان گفت که لانه سازی و خوراک اندوزی جانوران از روی غریزه میباشد.

### امید و آرزو

پس امید و آرزو از ویژگیهای انسان میباشد و بس، چون انسان است که میتواند آینده نگر باشد و امید و آرزو بر پایه آینده نگری قرار دارد .  
امید و آرزو، هردو نمایانگر خواسته های بشر بوده و هر دو پیک سعادت انسان و نوید خوشبختی او می باشند .

تفاوتی که میان این دو موجود است و آنها را دو کرده و از هم جدا می سازد آنست که امید با عقل بشر همراه است و خواسته اش خردمندانه و امکان پذیر بوده و به چیزی محال تعلق نمی گیرد . بیمار، امید بهبودی دارد، ناتوان امید توانا شدن دانش پژوه امید دانشوری دارد . ستمدیده امید قطع دست ستمگر را دارد . ولی آرزو چنین نیست ، گاه با عقل هماهنگی ندارد و خواسته اش عقلائی و خردمندانه نبوده و امکان پذیر نخواهد بود . آرزو به محالها تعلق میگیرد و تقاضای هست شدن نشدنیها را دارد . پیر، آرزومند جوانی است ، کوسه آرزوی ریش دارد و چاه کن آرزوی رسیدن بگنج ، و هر کس در دم مرگ آرزوی حیات دارد .

ازین تفاوت میان امید و آرزو، تفاوتی دیگر زائیده میشود و آن عبارت است از آنکه آرزومند می نشیند و انتظار رسیدن با آرزو دارد ، هرگز گامی بسوی مقصد بر نمیدارد ، از آسمان انتظار دارد که آرزویش را محقق سازد و عملیات جوید و کمک کند . ولی امیدوار چنین نیست ، در پی امید خود میرود و هرگامی که برمیدارد به امیدی میرسد چون امید اصلی امیدهای فرعی میزاید و هر یک ازین امیدها که محقق شود پایه ای میگردد تا بسوی امید بالاتر گام بر دارد .

هنگامیکه امید اشتداد یافت و نیرومند گردید ، هدف و آرمان میشود زیرا که آرمان عقلائی است و امید خردمندانه و هر دو با یکدیگر همگام و همراه .

### امید فرد و اجتماع

فرد بشر امیدی دارد و اجتماع بشر، امیدی . امید فرد ، ویژه خود او است و



امید اجتماع از آن اجتماع است که همگی افراد، در آن شرکت دارند. گاه امید فرد برای اجتماع است، و فردی در راه آرمان اجتماع میکوشد و رنج میرد اینگونه افراد خدمتگذاران بشر هستند.

امید اجتماع، از قبیل آسایش، سعادت، خوشبختی، تندرستی، برقراری عدل، کوتاهی دست ستمگران و دیگر امیدها که همه افراد بشر در این خواسته ها شریکند خواه مردم مذهبی پیرو هر دین که باشند خواه مردم مسلکی دنیاله رو هر مسلک و گروهی باشند، خواه مردم ضد مذهب و ضد مسلک از هر دسته و طبقه، مردم بی تفاوت و لاابالی، و خوش نشین و صلح کل، نیز چنین امیدهایی دارند ولی تفاوت آنها با دگران آن است که تنبلی سر و پای آنها را فرا گرفته حال ندارند تا در راه سعادت خود و دگران، قدم بردارند!!

امید اجتماعی وقتی شدت یافت هدف اجتماعی و آرمان بشری خواهد شد. و همانطور که امید فرد، خود بخود، انجام شدنی نیست و بایستی در پی آن روان شد تا بدان رسید امید اجتماعی نیز چنین است بایستی کوشید رنج برد مقاومت کرد پایداری نمود تا بدان رسید. و از خطر نترسید آری بایستی ز جان گذشت تا به جانان برسید. این جا است که عظمت مقام انبیاء و اولیاء شناخته میشود و ارزش کوششهای آنان، در راه سعادت بشر، روشن میگردد اینان هستند که خدمتگذاران بشرند، آنها کسانی هستند که در راه سعادت بشر رنج میبرند گنج خود را فدا میکنند، حانیازی میکنند، فداکاری میکنند تا برای بشر پیک سعادت و خوشبختی باشند و هیچگونه پاداش نمیخواهند نه مقامی نه منصبی نه مدحی و نه ثنائی، نه سرمایه ای نه توانی، خورشید را اگر در دست راستشان گذاری و ماه را در کف چپشان، از آرمان مقدس خود دست برنمیدارند و اگر پیکر آنها را بسوزانی و زنده شوند از هدف عالی خویش انصرافی حاصل نمیکند.

این مردم میکوشند که اجتماع بشری را بسوی آسایش بسوی بیکبختی بسوی سعادت رهسپار سازند و موانع را از میان بردارند. همه افراد بشر را بکمک میخوانند و از همه میخواهند حسابهای شخصی را دور بیندازند بیکدیگر برسند و دست یکدیگر را بگیرند تا بدبختی یافت نشود و ستمدیده ای در زیر ستم نماند. بدینگونه بشر را رهنمائی

میکنند و خود را با بشر یکجور میدانند ، در برج عاج نمی‌نشینند همه را همانند خود میدانند . آری مقدس‌ترین افراد بشر پیامبران و فرستادگان خدا می‌باشند .

### مانع بزرگ

رسیدن بشر با امید اجتماعی خود موانعی دارد که خود بشر آنها را ایجاد کرده است و آنها بزرگترین مشکلی هستند که خدمتگذاران بشر با آن روبرو شده و بایستی با آن مبارزه کنند یکی از آن مشکلات و موانع ، خودخواهی بشر و خودپسندی او است که بصورت قدرتهای چپگرا و راستگرا ، زمام بشر را بدست گرفته اند و سد راه سعادت او شده اند چون سعادت بشر با انحصار طلبی آنها مغایرت دارد . خدمتگذاران بشر بایستی این مانع بزرگ را از پیش پای خود بردارند گام نخست برای برداشتن این مانع آموزش و پرورش بشر است هنگامیکه مردمی مهذب و پاکیزه در عرصه گیتی قدم گذارند نخستین قدم سعادت بشر خواهد بود .

انبیاء خدا در این راه کوششهای بسیار کرده و رنجهای بی‌شمار برده اند .

### خطای بشر

دیگر از موانع رسیدن با امید بشری و آرمان انسانی خطای بشر میباشد . خطای بشر درین است که ظلم را نمی‌بیند و ظالم را می‌بیند و بجای مبارزه با ظلم با ظالم می‌ستیزد و این نشانه کوتاه بینی او است که پیوسته در فکر کوبیدن اظالم میباشد نه ظلم و انتقام از این دید بشری ریشه میگیرد .

نبرد با ظالم ، چندان سودی برای جهان بشریت ندارد ، چون بشر را به هدف نزدیک نمیکند چه بسیاری در تاریخ بشر با ستمگران مبارزه کرده اند و آنها را کوبیده‌اند ولی حکومت عدل برقرار نگردیده است .

در مبارزه با ظالم ، اگر پیروزی نصیب شود ، ظالمی می‌رود و ظالمی دیگر بجای آن می‌نشیند و اگر شکست نصیب شود ظالم نیرومندتر شده و ظلمش دوچندان میگردد ، و روحیه مبارزین بسیار ضعیف میشود دیگر امیدی بموفقیت نخواهد بود و امیدبازرو



تبدیل می‌گردد.

ولی اگر بشر با ظلم مبارزه کند، چنان مشکل لاینحلی پیش نمی‌آید، بلکه بشر می‌تواند گام بگام درین راه جلو برود و سرانجام عروس موفقیت را در آغوش بگیرد. مبارزه با ظلم، مبارزه با ظالم نیز هست ولی مبارزه با ظالم مبارزه با ظلم نخواهد بود جهاد های اولیای خدا در طول تاریخ مبارزه با ظلم بوده است، مبارزه با ظلم قداست دارد و هیچگاه با گناه همراه نیست و قداست هدف وسیله ناپسند را، پسندیده نمی‌سازد، و گناه را نیکوکاری قرار نمیدهد.

گناه را بکارگرفتن و آنرا وسیله قرار دادن، خود ظلم است و نقض غرض میباشد اولیای خدا هیچگاه در جهاد خود، گناه را بکار نگرفته اند و از وسیله بد استفاده نکرده اند آری بوسیله گناه نمی‌توان گناه را شک و گنهکاری را برداشت.

### راه نزدیک

خردمندان برای رسیدن به هدف، راه نزدیک را برمی‌گزینند تا زودتر به هدف برسند و مقصود خود را دریا بند راه نزدیک رسیدن به هدف عالی بشری و امید اجتماعی که عدل جهانی و آسایش همگانی باشد، بیشتر از دو قدم نیست و آنچه که در اختیار بشر است همان نخستین گام است که قدم دومین در پی آن نهاده میشود.

۱- قدم نخستین، پیشرفت بشر در انسانیت و تکامل او میباشد بشر تکامل یافته آماده فداکاری است، شایستگی آنرا دارد که از خود بگذرد تا سعادت و خوشبختی دیگران تامین شود چنین بشری چیزی برای خود نمیخواهد انحصار طلب نیست از من میگذرد و من را فراموش کرده است، او همیشه در خاطرش جای دارد، هشیار است دانا است، خردمند است مبارزه با ظلم را می‌شناسد قدرتهای انسانی را از قدرتهای ضد انسانی تمیز میدهد هنگامی که در میان بشر چنین مردمی پیدا شد هر چند شماره آنها بسیار نباشد گام دوم برداشته میشود و بشر به هدف خود میرسد.

گام دوم ظهور رهنمای الهی و رهبر آسمانی است، رهبری که خدای ویرا برای نجات بشر از ظلم برگزیده است تا جهان را پر از عدل و داد کند این موجود مقدس دستیارانی میخواهد که شماره آنها بسیار کم و ناچیز است بوسیله آنها جهان را آباد

خواهد کرد و چنانچه یاد شد پیدایش آنان در میان بشر گام نخستین برای رسیدن به هدف عالی بشری است .

دستیاران حضرتش پاکیزه از گناه و پیراسته از عقده هستند ، زیرک و هشیارند ، گول نمیخورند تحت تاثیر جاه و مقام واقع نمیشوند و مظهر رحمت الهی هستند . آنان نمی ترسند از جان گذشته و آماده فداکاری هستند و بیش از آنچه که بگویند عمل میکنند چون مرد کارند نه مرد سخن . هرچند سخنور نیز می باشند ولی سخن منزّه و کارمنزه ، هیچگونه گناه در کارشان دیده نمیشود و از سخنشان گناهی شنیده نمیشود . این مردم اندک دستیار آن رهبر بزرگوار می باشند و دست الهی در پشت سر آنها جای دارد و آنان شکست ناپذیر خواهند بود و امید اجتماعی بشر تحقق خواهد یافت .

### از نظر فلسفی

آنچه که یاد شد از نظر اجتماعی بود اینک از نظر فلسفی ، بحث را دنبال میکنیم فلاسفه ما قسر دائم را در طبیعت محال شمرده اند چنانچه قسر بیشتری را نیز ، نشدنی میدانند منظور از قسر دائم آنستکه حقیقتی از حقایق هستی در دوره روزگارش از خواسته طبیعی خود محروم باشد . آتش هیچگاه حرارت نداشته باشد و در جهان نیروئی باشد که از آغاز پیدایش آتش تا هنگامی که آتش درین جهان برقرار است از حرارت آتش جلوگیری کند یا نیروئی یافت شود که از بردادن درخت سیب در دوره عمر این طبیعت جلوگیری نماید فلاسفه آنرا قسر دائم نامیده اند و آنرا محال میدانند . منظورشان از قسر بیشتر ، آنست که طبیعت در اکثر دوره عمرش از اقتضای ذاتی خود محروم گردد این را هم محال میدانند .

پس هر طبیعتی در بیشتر دوره عمر بخواسته طبیعیش میرسد و از خواسته طبیعیش محروم نخواهد شد و نیروی مزاحمی در برابرش نمی باشد .

این نظریه فلسفی که بشکل قانون در جهان هستی جاری است بما خبر میدهد که روزگار ظلم و جور در بشر ، سیری خواهد شد و روزگار عدل و داد خواهد آمد .

بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر بار دگر روزگار چون شکر آید

این نظریه فلسفی میگوید قسر انسانیت در عمر انسانیت محال است چنانچه



در بیشتر عمر انسانیت نیز محال خواهد بود پس روزگاری خواهد آمد که روزگار انسانیت باشد عمر حیوانیت که در بشر حکومت میکند سپری است و در رفتنی و عمر حکومت انسانیت در بشر درازتر از عمر حکومت حیوانیت خواهد بود اگر عمر حکومت حیوانیت در میان بشر هفت هزار سال است، عمر حکومت انسانیت چندین برابر آن خواهد بود چون قسر اکثری نیز محال است بطور یقین روزی خواهد آمد که بشر از اسارت و بردگی حیوان صفتان رهائی یابد و در سایه مهر انسانها زندگی کند شاید منظور از این جمله که فرمود: **لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ وَلِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ** نیز همین باشد.

بحث فلسفی را درین جا پایان میدهیم و دگر باره بسوی بحث اجتماعی روی میکنیم که عقل و خرد گواه هر دو میباشد.

### عدل موعود

عدل موعود و اقامه قسط ابدی که هدف از ارسال پیامبران میباشد و قرآن بدان گواهی میدهد، دو مرحله دارد: **تشریح و اجرا**.

مقصود از مرحله تشریح ایجاد قوانین عادلانه ای است که سعادت بشر بوسیله آنها تامین شود این مرحله بوسیله پیامبران بزرگ الهی بویژه پیامبر مقدس اسلام انجام شده و بر دنیای بشریت عرضه گردیده است.

آغاز پیدایش بشر با آغاز نخستین مرحله تشریح همراه بوده و بشر هیچوقت از رهنمائی غیبی و آسمانی محروم نبوده است این راهنمایان برای کمک و یاری عقل بشر آمده اند تا بشر در برابر نفس و خواهش دل بتواند مقاومت کند.

دومین مرحله اجرای قوانین عادلانه است که از نظر اهمیت کمتر از مرحله نخست نمیباشد چون قانون صحیح، اگر بطور صحیح اجرا نشود نقض غرض میباشد چنانچه قانون بایستی بطور طبیعی انجام شود یعنی مقداری از خود مردم بدرستی و صحت آن پای بند باشند و اجرا کنند قانونی را که مردم صحت آنرا نفهمند بدر اجرا نمیخورد و بایستی بزور اجرا گردد و عدلی که با فشار اجرا شود عدلی که با زور و قلدری پیاده گردد عدل نخواهد بود چون زور و قلدری با عدل منافات دارد بشر بایستی در آغاز بفهمد که قانون چیست و قانون گذار کیست و سود قانون چه خواهد

بود درین صورت خودش مجری خواهد بود و اگر همه مردم آنرا نفهمند و یا اکثریت نفهمد اقلیت هشیار میتواند اکثریت را بیدار کند و سود قانون را بدانها بفهماند . بشر جاهل تحمل زور و ظلم را میکند ، ولی تحمل قدرت عدل را ندارد ! چرا ؟ چون از ظلم و ظالم می ترسد تحمل ظلم میکند ولی از عدل و عادل نمی هراسد و بر ضد عدل بپا میخیزد تاریخ بر این سخن ما گواه است و نشان میدهد که ظالم های بشری بیشتر از دگران کامیاب بوده اند .

وقتی تکامل عقلی و فکری برای بشر پیدا شد هرچند تکاملی جزئی باشد و در افراد معدودی یافت شود قوانین عدل بطور طبیعی اجرا میگردد و زوری در کار نخواهد بود عدالتی که با زور اجرا شود پایدار نخواهد ماند و ابدی نمی باشد . همانکه زور بر طرف شد عدل هم می رود ، توده مردم نادان نیز با دیده دشمنی به عدالت خواهند نگریست نیکمردان بایستی بکوشند که زمینه را برای اقامه قسط و عدل موعبد آماده سازند چون همانطور که در آغاز سخن یاد شد در راه امید باید کوشید تا بدان رسید آنها امید بزرگ که سرنوشت جهانرا برای همیشه دگرگون خواهد ساخت .

آماده کردن زمینه عبارت است از بیدار کردن مردم و هشیار ساختن آنها به حقایق وقایع با رفتار و کردار نه آنکه با سخن دم از عدل بزنییم و در کردار ظالمانه رفتار کنیم بالاخره عدل موعبد بدست برگزیده حق اجرا خواهد شد و رنج و کوشش انبیا روزی ثمر خواهد داد آماده ساختن زمینه میتواند تسریع در ظهور برگزیده حق داشته باشد راهنما و مجری عدل همگانی کسی است که برگزیده خدای می باشد و میدانند که انبیا برای چه آمدند و چه کردند و چه خواستند و برای چه خدای آنها را فرستاد . و بایستی از نظر دانش و بینش بر همه بشر برتری داشته باشد گذشته از علوم الهی از دانش طبیعی بشر بهره وافق برده باشد عمری دراز کرده تجارب بسیاری اندوخته ، دورانهای بسیاری از تاریخ بشر را دیده با صدها هزار گونه مردم روبرو شده از احوال و اطوار و اخلاق و روحیات خلق جهان آگاهی یافته باشد .

جنگها دیده صلحها دیده ، مقاومتها و پایداریها ، شکستها و تسلیمها از برابر دیدش گذشته باشد ، و کیفیت اجرای عدل موعبد جهانی را در همه زمانها و نقاط مختلف جهان ، در کشور های بزرگ و کوچک و ملت های گوناگون عالم در نظر بگیرد .

شاید یکی از علل طول عمر حضرت قائم ال محمد نیز همین باشد چون حضرتش بیگار نمی‌نشیند و قلیان بکشد و تماشاچی باشد تا روز قیام برسد، وجود شریفش همیشه مورد عنایات خاصه الهی قرار دارد و در ترقی و تکامل است و در دریا های علم و معرفت غوطه‌ور می‌باشد ساعت بساعت تجربه می‌اندوزد و از خدای بزرگ دانش می‌آموزد.

علوم بشری ناقص است و محیط بهمه جهانیان نمی‌باشد از زمانهای آینده از مردم آینده نمی‌تواند اطلاع کافی داشته باشد تنها علم خدائی است که از زمانهای آینده و از مردم آینده آگاهی دارد و شاگردان مکتب الهی میتوانند از همه جا و از همه چیز و از همه کس اطلاع حاصل کنند و راه اجرای قوانین عدل را بخوبی میدانند، برای این مردم انسان موجود شناخته شده خواهد بود و انسان ناشناس پیش شاگردان مکتب حق مفهومی ندارد همه چیز در آنجا شناخته شده می‌باشد.

### عقل بشر در اسارت دل

عقل بشر که راهنمای او بایستی باشد، در اسارت دلش می‌باشد دل، عقل را استثمار میکند و آنرا بیگار میگیرد، و بسوی انجام خواسته اش روانه می‌سازد و عقلی که نماینده جنبه انسانی بشر است در خدمت جنبه حیوانی او بسر می‌برد.

بایستی بکمک عقل شتافت و وی را از اسارت و بیگاری نجات بخشید، مهپر ایزدی و رحمت الهی این کمک را فراهم کرده است و نیکمردانی را فرستاده تا بکمک عقل بشتابند و وی را از بردگی جانور دویا و راست قامت‌رهائی دهند تا کارگر شهوت نباشد تا برده غضب نباشد انحراف بسوی چپ و راست نداشته باشند، راه انسان را ادامه دهند و بس راهی را که عقل میگوید از راستگرایی و شهوت پرهیزند و از چپگرایی و غضب دوری کنند.

اینجاست که رحمت الهی مهدی را میفرستد تا عقل بشر را یاری کند و ویرا از اسارت و بردگی رهائی بخشد و جامعه انسانی تشکیل دهد و عدل جهانی را برقرار کند و بزرگی مهدی آن است که ظهورش با قدرت همراه است تا بتواند قدرتهای ضد انسانی را بکوبد خواه قدرت چپ، خواه قدرت راست چون جهان در دست این دو



قدرت میباشد یکی مظهر شهوت و دیگری مظهر غضب و هر دو قدرت حیوانی هستند و از قدرت انسانی بدور.

### نظریه مهدی

انسان کامل و مقدسی که رهبری جهان را در دست میگیرد و بکمک عقل بشر می‌شتابد و برپا دارنده عدالت ابدی جهانی خواهد بود، در زبان دانش و معرفت (مهدی) نامیده شده است آیا این نام را اسلام بر حضرتش نهاده است؟ آری. مهدی کسی است که ظلم و ستم را، از جهان برکند و خاور و باختر را و شرق و غرب را از عدل و داد، برای همیشه آکنده سازد.

نظریه مهدی سنبل مبارزه باظلم و برانداختن ستمکاری از صفحه روزگار میباشد چنانچه در گذشته یاد شده این نظریه از امیدهای اصلی و اجتماعی بشر بوده و هست و در کانون نهاد هر کس چنین امیدی موجود است.

همه ادیان و مذاهب بشری بدان خبر داده اند و کسی را نام برده که مهدی بشر او خواهد بود.

ارمیا پیغمبر، در تورات از جنگی عظیم و جهانی خبر میدهد که دو سوم مردم زمین را نابود میکند سپس سلطان عادل آید و جهان را اصلاح فرماید. زبور داود، از آمدن مصلحی نوید میدهد که دریا تا دریا داد کند و جمیع امتهای جهان اطاعتش کنند.

یهود و جهودان عزیز نبی را مهدی میدانند...

مسیحیان و ترسایان، مسیح را مهدی میخوانند...

نزد گبران و زردشتیان، نام مهدی بهرام است و فرزند سوم زرتشت و پسا سوشانت میباشد که جهان را پراز پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک خواهد کرد. بودائیان، برهمنیان که ۲۲۵ فرقه گوناگون هستند انتظار بازگشت پیشوای خود را دارند.

ایرانیان باستان کیخسرو را منتظر بودند. می‌گفتند روی نهان کرده و باز خواهد آمد. ولی هیچیک از ادیان گذشته مانند اسلام نظریه مهدی را محکم و استوار

ساخت اسلام نه تنها پیروان خود را بوجود مهدی مزده داد، پیروان مذاهب دیگر را متوجه این نظریه نمود و آگاه ساخت که در مذهب خودشان اصل وجود مهدی ثابت است و این یکی از حقهای بزرگ اسلام بر جامعه بشریت میباشد. آری عدل موبد یکی از ارمغانهای اسلام، برای اجتماع بشری است، حکومت واحد جهانی از ارمغانهای اسلام است مساوات نژادها الغاء طبقات اجتماع و برتریهای قومی و ملی از ارمغانهای اسلام است.

اکنون به کاوش پردازیم تا دریابیم که مهدی کیست؟ و چه کسی است؟

نخست از ویژگیهای مهدی بایستی پرده برداریم.

مهدی کسی است که بوسیله خدای تعیین میشود چون بشر نا توان است که چنین کسی را بشناسد تا تعیین کند مهدی کسی است که اجرا کننده تعلیمات همه انبیا و خواسته های همه اولیا میباشد بایستی دانشی نامتناهی داشته باشد بینشی نامتناهی داشته باشد استقامت و صبری نامتناهی داشته باشد خستگی ناپذیر باشد دارای بالاترین قدرت روحی باشد مهربان باشد دوست بشر باشد آنقدر در عدالت و دادگری پیشرفته باشد که نگذارد پوست ارزنی از دهان موری گرفته شود خوی خوش و خلق نیک داشته باشد و گرنه مردم از گردش پراکنده خواهند شد و کسانی که باقی خواهند ماند یا از ترس خواهد بود و یا از طمع و هر دوی آن با عدالت مهدی و دادگری او سازگار نیست.

بایستی از طرف خدای معرفی بشود و بشر او را بشناسد.

اکنون بایستی به دو پرسش پاسخ گفته شود:

آیا مهدی شخصی است و یا نوعی؟

اگر شخصی است آیا زنده و موجود است؟ یا در آینده زاده خواهد شد؟

پاسخ پرسش نخستین چنین است: مهدی شخصی است و نوعی نیست.

فرمود: اگر مهدی نوعی باشد نقض غرض خواهد شد و قیامش بشمر نخواهد

رسید و بشر بیچاره امید عدل همگانی را بگور خواهد برد!!!

چون بسیاری از مردم خودخواه چنین می پندارند که مهدی خودشان هستند، نیرومندان و زورداران ادعای مهدویت میکنند ساده دلان بشری و مردم جاهل و نادان گرداگرد

آنها جمع خواهند شد و بظلم و ستم خواهند پرداخت .  
جنگهای سخت بوجود خواهد آمد و بر جنگهای بشر جنگ دیگری افزوده خواهد شد و ظلم و ستم و کینه و انتقام سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و بجای عدل موعبد ظلم ابدی نصیب بشر خواهد گشت و رنجهای بشر و کوششهای خدمتگذاران بشر بر باد فنا خواهد رفت .

ازین گذشته وجود مهدی نوعی پس از ظهور قابل انکار و تردید میباشد ازین نظر هم دو دستگی و چند گروهی در میان بشر پیدا خواهد شد و جنگی جدید بر جنگهای جهان افزوده میشود و گمراهی بشر دو چندان میگردد و دریچه هدایت بسته میگردد .

ازین منطق دانسته شد که مهدی شخصی است معین ، تا هر کس و تا کس ، در اندیشه مهدی شدن نیفتد ، مهدی شخصی است معین تا بشر گمراه نگردد و گمراه نشود . و راه را از چاه بشناسد ، رحمت خدای نخواهد گذارد بشر ، راه را از چاه نشناسد . از این سخن ، پاسخ پرسش دوم روشن میشود که مهدی هم اکنون موجود است و در آینده زاده نخواهد شد .

چرا ؟ اگر بنا باشد که مهدی در آینده زاده شود باز هم بسیاری گمان میکنند که مهدی خود آنها می باشد و ساده دلهای بشری و مردم نادان بدانها می گروند و جنگهای مهدیگری آغاز میشود و ستم سرتاسر جهان را فرا خواهد گرفت .

اشکال دیگری که پیش می آید آن است که اگر مهدی در آینده زاده شود بایستی مردم او را بشناسند و کتابهای آسمانی از شهر او ، از دودمان او خیر دهند زیرا تا چنین نباشد مهدی شناخته نخواهد شد اگر چنین شد که کتابهای آسمانی از شهر و دیار او از نژاد و تبار او از خاندان و دودمان او از زمان و مکان او خیر دادند قدرتهای جهانی در هر زمان در صدد نابودی آن شهر ، آن دیار ، آن قوم ، آن نژاد آن دودمان خواهند شد تا نابودش کنند و نگذارند ازین شهر و یا ازین دودمان چنین کسی بوجود آید و حکومتشان را از دستشان بگیرد . پس بایستی قدرتی مافوق قدرت بشر بکار رود تا آن دودمان را محافظت کند ، و از گزند حوادث طبیعی محفوظشان بدارد ، در برابر ستمکاران جهان زورمندان قلدران که بقصد نابودی آن خاندان کمر

همت می‌بندند، در هر ساعت و در همه جا دیواری آهنین بکشد تا زمانی برسد که مهدی بایستی زاده شود. پدرانش مادرانش از شر ظالمان و ستمکاران ساعتی آسایش نخواهند دید پیوسته در هر ساعت در خطر مرگ قرار دارند چنانچه مردم آن شهر نیز در خطر نابودی خواهند بود، و خود شهر همیشه در خطر ویرانی میباشد. انواع قدرتهای آسمانی بایستی بکار رود تا آن شهر بماند و ویران نگردد تا آن دودمان بمانند و نابود نشوند، تا روزی برسد که مهدی زاده گردد. ولی اگر مهدی شخص معینی باشد زنده و پاینده و بطور نا شناس زندگی کند و از نیروی غیبی و قدرت الهی برخوردار باشد چنان دشواریهایی پیش نخواهد آمد تنها یکی قدرت بکار خواهد افتاد و آن ضمانت حیات او است از گزند حوادث. و چنین چیزی از نظر وجود مهدی بایستی باشد چون مردم باید نشانه قدرت خدائی را در وجود او بینند و گرنه با مردم دیگر تفاوتی نخواهد داشت، نا شناس بودن، خطر دشمنان را دفع میکند و نیروی الهی بوی عمر دراز می‌بخشد و از گزند بیماری‌ها نگاهش میدارد.

### مهدی کیست؟

مهدی امید بشر، مهدی برگزیده خدای، مهدی انجام دهنده هدف انبیاء مهدی دادگر کل، مهدی بنیانگذار عدل نو بدجوانی، مهدی انسان بزرگ، مهدی پاکیزه ترین فرد بشر و زنده و پاینده، کیست؟ سرپای وجودش از فضیلت و عدالت و بزرگواری آکنده است و گرنه ظلمت نور نزاید و نیستی هستی نیارد. نیاکانش همگی پاکترین مردم از نظر انسانیت بوده اند، عصمت و تقوی و فضیلت ویژه پدرانش میباشد و گرنه میراث ستمکار، جز ستمکاری نخواهد بود نیاکانش دارای عالی ترین منصب الهی بوده اند. و ظالمین را درین منصب راهی نیست، خود نمایندگی خدای بزرگ را بر کره خاکی دارد و سند نمایندگی حضرتش، عمر درازش میباشد دانش و عصمتش میباشد.



مهدی دین تازه ای نخواهد آورد اجرا کننده خاتم ادیان است که به وسیله خاتم النبیین بر جهان بشریت عرضه گردیده است .

مهدی ، ازدودمان رسول خدا (ص) است ، پسر فاطمه (ع) است و فرزند علی (ع) از نژاد حسین (ع) است ، نواده امام صادق (ع) است ، پدرش امام حسن عسکری (ع) است ، یازدهمین خلیفه و جانشین پیامبر بزرگ اسلام . .

خود دوازدهمین آنها است که از سوی خدا ، برای خلق تعیین شده است نامش نام رسول خدا ، کنیه اش کنیه رسول خدا (ص) خلقتش خلق رسول ، خویش خوی رسول ، دانش و عصمتش دانش و عصمت رسول . خویش خون رسول .

آیا پاکتر ازین دودمان ، با فضیلت تر ازین خاندان ، در دنیای بشر سراغ دارید ؟ آیا همانند آن در پاکی در فضیلت سراغ دارید ؟

دودمانی که سیصد سال در برابر دیدگان دوستان فدائی و دشمنان عقده ای زیستند هر دو گروه کوچکترین رفتار و گفتار آنانرا در نظر داشتند دوستان تابیا موزند دشمنان تا نقطه ضعفی بیابند و بتازند هر دو گروه نیافتند ، گواه این سخنان تاریخ تاریخی که بدست دوست و بخامه دشمن نگاشته شده است . سعادت مند ترین مردم کسانی هستند که پیرو چنین خاندانی باشند ، خوشا بحال آنها .

سید رضا صدر

۱۴۰۱/۲ ۶

گفتار دوم

مفهوم وابستگی جهان  
به وجود امام (ع)

نوشته : استاد صافی گلپایگانی - قم

گفتار: ۲

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيد رسله اجمعين ابي القاسم محمد وآله  
الطاهرين الذين هم اركان الايمان ، وامناء الرحمان و امان لاهل الارض فيهم يمسك  
الله السماء ان تقع على الارض الا باذنه و بهم يمسك الارض ان تميد باهلها و بهم  
ينزل الغيث و تنشر الرحمه و تخرج بركات الارض و لولا ما في الارض منهم لساخت  
باهلها (۱)

قال الامام ابو جعفر الباقر عليه السلام :

لو ان الامام رفع من الارض ساعه لماجت باهلها كما يموج البحر باهله (۲)  
ترجمه بمضمون : اگر زمین ساعتی خالی از امام بماند اهل خود را فرو خواهد برد و  
چون دریایی که بموحش اهلیش را مضطرب و بی قرار سازد در موج و اضطراب افتد .

## مفهوم وابستگی جهان به وجود امام علیه السلام

### پیشگفتار

باید توجه داشت که اصل وابستگی سائر ممکنات به وجود امام سلام الله علیه و چگونگی آن و مسائل مشابه آن را دانشمندان و علماء حکمت و عرفان با دلائل عقلی و فلسفی و عرفانی اثبات کرده اند چنانکه بوسیله وحی و خبر آنانکه با عالم غیب ارتباط و اتصال دارند و از غیب عالم و علم کتاب و روابط نهائی و پنهانی ممکنات با یکدیگر باذن الله تعالی و به عنایت و لطف او مطلع میباشند نیز ثابت است طبق همین اطلاعاتی که ایشان بما میدهند فرضاً "دلیل عقلی مستقل هم نباشد بآنچه خبر میدهند اعتقاد پیدا میکنیم .

زیرا برای تحقیق این گونه موضوعات خصوص تفصیل آن راهی مطمئن تر و باور بخش تر از وحی و اخبار انبیاء و اوصیاء آنها نیست (۳) چنانکه وجود ملائکه و اصناف آنها و مأموریت ها و مداخلاتشان در عالم و تصرفات و ارتباطاتی که با تنظیم عالم دارند برحسب قرآن مجید و احادیث شریفه ثابت و مسلم است و هر کس به نبوت و وحی و قرآن مجید و رسالت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مؤمن باشد بآن نیز ایمان دارد زیرا ایمان به صدق انبیاء و وحی و انبیاء و اخبار آنها قابل تبعیض نیست بنا بر این در این موضوع نیز این راه شناخت مورد استناد و کمال اعتماد و یقین آور و اطمینان بخش است .

برحسب روایاتی که در تفسیر بعض آیات قرآن مجید وارد شده و هم چنین روایاتی که مستقلاً "روایت شده وابستگی جهان به وجود امام علیه السلام ثابت است



و هر چند بعضی از این روایات به وابستگی بعضی از این عالم مثل زمین بیشتر دلالت نداشته باشد اما بعضی دیگر که دلالت بر وابستگی کل دارد. مضافاً اینکه بعضی از معیارها و ملاکها که این وابستگی را تأیید مینمایند عام است و وابستگی کل عالم را اثبات میکند.

نا گفته نماند که از طرق اهل سنت نیز احادیثی که فی الجمله دلالت بر این موضوع دارد روایت شده است.

مثل روایتی که عبدالله بن بظه عکبری که از محدثین مشهور و نامدار است (۴) در کتاب (الابانه) بسند خود از عبدالله بن امیه مولى مجاشع (۵) از یزید رقاشی (۶) از انس بن مالک (۷) باین لفظ روایت کرده است.

قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يزال هذا الدين قائماً الى اثني عشر فاذا مضوا ساخت الارض باهلها و في نسخة ما جت (۸)

ترجمه: انس گفت: رسول خدا صلی اله علیه و آله فرمود: همواره این دین بر پا خواهد بود تا دوازده نفر پس وقتی که آن دوازده نفر درگذشتند زمین اهل خود را فرو خواهد برد (و چنانکه در نسخه دیگر است) زمین اهل خود را در اضطراب خواهد انداخت.

و چنانکه از بعض احادیث استفاده میشود از صدر اول و عصر صحابه افراد برجسته ای از آنان مانند سلمان و ابوذر که نمی توان معتقداتشان را جز به استناد به هدایت و بیان و ارشاد حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله مستند دانست این وابستگی را بازگو کرده و بدیگران می آموختند من جمله از سلمان و ابوذر در مقام توصیف امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است:

انه لزل الارض الذى تسكن اليه و يسكن اليها ، و لوفقد لانكرتم الارض وانكرتم الناس (۹)  
ابن اثیر در نهاییه و ابن منظور در لسان العرب (زر) را به استخوانی که در زیر قلب است و قوام قلب را به آن گفته اند معنی کرده اند که بنابراین ترجمه این جمله این است.

علی علیه السلام قوام زمین است که زمین بسوی او آرام میگیرد و بسوی آن سکون و آرامش حاصل میشود و اگر او (یا جانشین او) نباشد هر آینه زمین را و مردم

را منکر و دگرگون و بوضع دیگر و ناشناخته خواهید دید .

حاصل اینکه با مراجعه اجمالی به روایات و احادیث شیعه و اهل سنت و زیارات معتبر مثل جامعه کبیره ارتباط وجود سائر ممکنات و بقاء زمین بلکه عالم و نزول باران و برکات و رحمت‌های الهی و افاضه فیوضات و نعمتها به وجود امام علیه السلام فی الجمله ثابت و مسلم است<sup>(۱۰)</sup> چنانکه شکی نیست که یگانه راه نجات و امان از گمراهی شناختن امام و قبول امامت او و پیروی از او است که علاوه بر احادیث متواتره ثقلین و سفینه و امان حدیث مشهورین شیعه و اهل سنت که حمیدی در جمع صحیحین آنرا روایت کرده است با کمال تأکید و توعید بر آن دلالت دارد متن این حدیث بروایت حمیدی ( در جمع صحیحین ) این است :

من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیه (۱۱)

یعنی هرکس بمیرد و نشناسد امام زمان خود را مرده است مرده است مردن جاهلیت . و تصریح به این بیان و اقتباس از فرمایش حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله است کلام معجز نظام خلیفه و وصی آن حضرت علی علیه السلام که مفخر علماء اسلام سید رضی از آن حضرت روایت نموده است :

وانما الائمه قوام الله علی خلقه و عرفاؤه علی عباده و لایدخل الجنه الا من عرفهم و عرفوه و لایدخل النار الا من انکرهم و انکره (۱۲)

یعنی این است و جز این نیست که امامان از سوی خدا و با امر خدا قائم بر خلق خدا و برپا دارندگان آنها و مدبر و مدیر امور و نگهبان مصالح و سرپرست بندگان خدا میباشند داخل بهشت نمیشود مگر آنکس که بشناسد ایشان را و ایشان او را بشناسند و داخل آتش نعیشود مگر کسی که ایشان را نشناسد و انکار کند و امامان علیهم السلام او را نشناسند و انکار نمایند .

و در رابطه با این مسائل است فرمایش دیگر آن حضرت :

الان مثل آل محمد صلی اله علیه و آله کمثل نجوم السماء اذا خوی نجم طلع نجم (۱۳)

یعنی آگاه باشید بتحقیق مثل آل محمد صلی اله علیه و آله مثل ستاره های

آسمان است هرگاه ستاره ای میل کند به غروب ستاره دیگر طلوع نماید .

اینگونه احادیث و احادیثی که مدلول آنها گسترده تر است از حدتواتر گذشته

است و مورد نظر در این رساله استقصا و احصاء آن احادیث و تحقیق در مقدار دلالت آنها نیست که احصاء و بررسی این احادیث به کاوش بسیار و مطالعات زیاد و تالیف کتابی مفصل و بزرگ نیاز دارد.

آنچه در این رساله بطور مختصر در نظر است توجیه و تفسیر عقلی و علمی و منطقی این وابستگی و بیان امکان و صورت وقوع آن است که در ضمن چند بیان توضیح و توجیه میشود. و اگرچه بحث و بررسی را میتوان در دو زمینه قرار داد یکی ارتباط اصل وجود ممکنات به وجود امام علیه السلام و دیگر ارتباط بقاء آنها به وجود آن حضرت علیه السلام اما به ملاحظه اختصار و عدم تکرار در طی چند بررسی و توجیه معقولیت و منطقی بودن هر دو جهت را به یاری خداوند متعال بیان خواهیم کرد.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

### توجیه و تفسیر اول :

عالم انسان که آنرا عالم صغیر میگویند نمونه کل جهان و مجموع عالم است که آنرا عالم کبیر و اکبر میخوانند چنانکه در شعر منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است.

اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر

بلکه همه عالمها از عالم اتمها تا عالم منظومه ها و کیهانشانها همه و همه نمونه مجموع عالم هستند و چنانکه همه دارای یک نقطه مرکزی هستند که وجودشان به آن مرتبط است مجموع عالم و کل جهان نیز دارای چنین نقطه مرکزی است این نقطه مرکزی در ظاهر هرچه باشد در باطن وجود ولی عصر و قطب هر زمان است چنانکه نقطه مرکزی انسان در ظاهر مغز است اما در باطن روح انسان یا به تعبیر دیگر قلب او می باشد انسان ظاهربین گمان میکند که ارتباطات منحصر در آن چیزهایی است که با حواس ظاهر یا با تجربه دریافت میشود و از ارتباطات عالم ظاهر با باطن و عالم شهادت و حضور با عالم غیب و ماوراء ستور و محسوس با معقول و آنچه از دسترس تجربه خارج است غافل است و ارتباطات ظاهری و محسوس را فقط بر اساس تاثیر و

تأثر ذاتی اشیاء می‌پندارد خصوصا " که نظام اتم و کهکشانها را بیک نوع می‌بیند و تحت یک برنامه و جریان متحد الشكل مشاهده میکند پس گمان میکند که یک جزء بالذات مرکز و ثابت است و جزء یا اجزاء دیگر با لذات یا به تأثیر دیگر سیار و متحرک است و از تأثیر عالم غیب در آن غافل است و نمیداند که (ذلک تقدیر العزیز العلیم) دل هر ذره را که بشکافی

و نمی‌پرسد که جهت جامعه و ارتباط بخش این اجزاء چیست؟ و چگونه این نظامها بر آنها حاکم شده و این عناصر مختلف بوجود آمده؟ و کجا و در چه مجلس و محفلی و با کدام عقل و شعوری این قرار را با یکدیگر گذاردند که با ترکیبات و اجزاء متفاوت این عناصر را بیافرینند؟ و از ترکیب آنها اینهمه صورتهای گوناگون را بوجود آورند و چه جهت جامعه‌ای این جهان را این چنین با هم مرتبط و متناسب ساخته که از قواعد و قوانین و تناسبی که در آن است بشر توانسته است با کشف قسمتی از آنها حتی در کیهان و جهانهای برین تصرف و رفت و آمد نماید، و از فاصله میلیونها سال نوری کسب اطلاع کند؟ خدا دانا است که در این همه عوالم چه خبرها و چه شگفتیها و چه پدیده‌ها، و چه زیباییها و چه اسرار و روابطی برقرار کرده است، و چه محکم و استوار است این آیه کریمه که میفرماید:

قل لو كان البحر مدادا لکلما ت ربي لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربي و لو جئنا بمثله مدادا (۱۴)

یعنی بگو اگر دریا برای نوشتن کلمات و آثار قدرت و آیات پروردگار من و مخلوقات او مرکب باشد هر آینه دریاتعام شود پیش از اینکه کلمات پروردگار من تمام شود اگر چه مانند آن مدد بیاوریم.

چه غافل میباشند آنانکه چشمشان از ظاهر به باطن نفوذ نمیکند و جهان را و صاحب جهان را نشناخته از این جهان میگذرند و مصداق يعلمون ظاهرا "من الحياه الدنيا و هم عن الاخره هم غافلون (۱۵) میباشد:

آری همه جا نظام او و دست قدرت او است از اتم تا کهکشانها و بالاتر آنچه هنوز بشر به کشفش موفق نشده همه آیات و نشانیهای اویند.

شنیدستم که هر کوكب جهانی است جداگانه زمین و آسمانی است



تو پنداری جهانی غیر از این نیست / زمین و آسمانی غیر از این نیست  
 چه نیکو و معرفت افزا است سخن سرور اولیا و اشرف اوصیا و رهبر عرفا  
 امیر المؤمنین علی علیه السلام : سبحانک ما اعظم شانک سبحانک ما اعظم مانری  
 من خلقتک ، و ما اصغر عظمه فی جنب قدرتک ، و ما اهل مانری من ملکوتک ، و ما احقر  
 ذلک فیما غاب عنا من سلطانک ، و ما اسبع نعمک فی الدنیا و ما اصغرها فی نعم  
 الاخره (۱۶)

یعنی تسبیح تو را میگویم چه عظیم است شان تو تسبیح تو را میگویم چه بزرگ  
 است آنچه را می بینیم از آفرینش تو و چه کوچک است بزرگی آن در کنار قدرت تو ، و  
 چه هولناک است آنچه را مشاهده میکنیم از ملکوت تو و چه حقیر است این در جنب  
 آنچه از ما پنهان است از سلطان تو .

والبته جهان بحکمت الهی و اراده ازلی دارای قوانین و قواعدی است که بهترین استه با  
 اقتباس از قرآن کریم بگوئیم دارای سنتی است و هر پدیده و حادثی معلول علتی است که علوم  
 مادی و طبیعی چیزی غیر از اطلاع و آگاهی بر بخش مختصری از این قواعد و سنن و سلسله  
 علل و معلولات چیز دیگری نیست اما چنان نیست که احتمال وجود عالم غیب ، و تاثیر  
 آن در حدوث و بقاء موجودات مادی ، و ارتباط وجود ولی و قطب در تاثیر و تاثری  
 که در اشیاء است با قانون علیت قابل نفی و انکار باشد ، و بطریق اولی نفی ارتباط  
 وجود عالم با وجود ولی قابل اثبات نمی باشد ، و هرگز چنین نفی و اثباتی امکان پذیر  
 و معقول و منطقی نیست زیرا قانون علیت میتواند نفی یا تاثیر بعض اشیاء را در وجود  
 تمام اشیاء یا بعض اشیاء اثبات کند ، و بعبارت دیگر با حذف بعض عوامل مادی که  
 علیت و ارتباط آن بوجود یک پدیده یا بقاء آن محتمل باشد عدم علیت آن و عدم  
 ارتباط بقاء آن پدیده بوجود آن عامل احتمالی قابل استکشاف است اما با حذف  
 عاملی که علیت آن نسبت بیک پدیده محتمل باشد بضر آنکه آن پدیده نیز حذف  
 شود ثابت نمیشود عاملی که حذفش حذف پدیده را در پی داشت علت مستقل آن  
 پدیده است زیرا معلوم نمیشود که تاثیر آن عامل بنحو شرط بوده یا بنحو مقتضی و  
 یا رافع مانع یا علت پس احتمال اینکه چیز دیگر و امر غیبی و غیر قابل تجربه هم  
 در وجود آن بنحو مقتضی یا شرط مؤثر باشد نفی نمیشود چنانکه با از کار انداختن

مغز یا قلب هرچند جسم انسان از کار می افتد و وجود عنصری و مادی او از تحرک و فعالیت باز می ایستد و تاثیر مغز و قلب در کار و اعمال اندام و اعضاء انسان ثابت میشود اما نمیتوان با این آزمایش نفی روح را ثابت نمود و رابطه اعضاء و بدن را در حال سلامت و صحت با روح و تاثیر روح را در آنها انکار کرد و هرگز صحیح نیست که بگوئیم حیات جزء مادی انسان که اندام او باشد فقط مرتبط به مغز یا قلب است ، و به روح و عالم غیب ارتباط ندارد .

اشتباه نشود نمیخواهیم با این بیان ارتباط ممکنات را با وجود امام یا اعضاء و اندام انسان را با روح او ثابت نمائیم بلکه میخواهیم بگوئیم که این ارتباط از مسائلی که با قانون علیت و آزمایش های مادی و تجربی و با اصطلاح بعضی علمی قابل نفی باشد ، نیست هرچند در مقام پذیرش و ایمان بآن باید به دلائلی که برای اثبات اینگونه موضوعات اقامه میشود استناد کرد ، و بالاخره میگوئیم ارتباط وجود سایر ممکنات با وجود ولی و قطب جهان بحکم خبر صادق مصدق یعنی پیغمبر اکرم صلی اله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام ثابت است اگر چه این ارتباط غیر ارادی باشد مثل ارتباط منظومه شمسی با شمس و اجزاء اتم با هسته مرکزی و هزارها و هزارها روابط تکوینی که در عالم جماد و نبات و حیوان و انسان و بین اعضاء و اجزاء آنها برقرار است ، و نفی تاثیر وجود قطب در وجود پدیده های این عالم باذن الله تعالی با قانون علیت و تجربه و آزمایش امکان پذیر نیست و امکان احتمال تاثیر آن بهیچوجه قابل رد نمی باشد و بنا بر این ایمان بآن علاوه بر ادله عقلی با توجه به احادیث و روایات نیز کاملاً "عقلانی و منطقی است و موجب شرک و غلو و اینگونه امور نخواهد بود چنانکه احتمال تاثیر یا یقین به تاثیر هر شیئی در شیئی دیگر بتقدیر الله تعالی شرک نمی باشد و حاصل این توجیه این است که چنانکه در ارتباطات و تاثیر و تاثرها وجود هسته مرکزی و مابها ارتباط و ما به البقاء و ما به النظام مادی دیده میشود و مثلاً " حیات اعضاء و اندام و بخش مادی وجود انسان به وجود مغز و قلب بستگی دارد و حتی بسیاری از تصرفات و بلکه بیشتر یا همه تصرفات غیب وجود افراد عادی ( روح ) در این عالم باین اعضاء بستگی دارد امکان دارد که وجود قطب و امام نیز ما به الارتباط تکوینی مجموع این عالم باشد

و همانگونه که آن ارتباطات و ارتباط ملائکه با این عالم توجیه میشود این ارتباط که دلائل عقلی و نقلی بر آن اقامه شده نیز توجیه و تفسیر میشود. (۱۷)

### توجیه دوم :

چنانکه ثابت و مسلم است تمام اجزاء عالم امکان بسوی موجود ممکن اشرف در حرکت است و بعبارت دیگر علت غائی عالم امکان و متحرکات وجود مخلوق اشرف است هر عالم مقدمه عالم بعد و عالم کاملتر است چنانکه عالم جنین مقدمه عالم دنیا و عالم دنیا مقدمه عالم آخرت است و بطور کلی هر مادونی مقدمه مافوق و هر ناقصی برای کامل و هر کاملی برای اکمل و بسوی کمال و بسوی اکمل در مسیر حیات و عالم امکان سیر میکنند ، تا در عین بفعلیت رسیدن استعداد خاص خود در مسیر کمالی خود کمال موجود کاملتر را فراهم سازند ، و به او بپیوندند پس اگر سیر جهان بدون موجود ممکن اکمل باشد ، و منتهی به آن نباشد جهان از هدف آسنی و اشرف خود محروم میشود ، و حرکت جهان اگر بی ثمر و بی هدف نباشد اقلاً " بدون فائده اکمل خواهد بود . لذا همیشه و تا حرکت در عالم امکان هست باید برای موجود اکمل و بسوی آن باشد و آن امام و حجت خدا و ولی دوران و قطب زمان خواهد بود که یا در کسوت و منصب نبوت ظهور دارد ، و یا در کسوت امامت و منصب و صایت قائم مقام و جانشین نبی و پیغمبر خواهد بود . بدیهی است با امکان موجود اشرف و فیاضیت خدا و عدم بخل در مبداء فیاض اکتفا بموجود غیر اشرف نخواهد شد .

و این بیان که وجود قطب و امام و بالخصوص حضرت رسول اکرم و سیده نساء العالمین و ائمه اثنی عشر صلوات اله علیهم اجمعین (۱۸) مقصد اصلی خلقت میباشد و دیگران وجودشان طفیل وجود آنها و فرع وجود آن بزرگواران میباشد مستفاد از روایات معتبره است و از جمله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه روایت است که در ضمن یکی از نامه های تاریخی خود بمعایوه مرقوم فرمود :

"فانا صنائع ربنا و الناس بعد صنایع لنا" (۱۹)

و از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : یا علی لولانحن ما خلق الله آدم و للاحواء و لالجنة و لالنار

### ولا السماء ولا الارض (۲۰)

و نظیر این ارتباط است ارتباط آفرینش آنچه در زمین است با آفرینش آدم و بنی آدم چنانکه در قرآن مجید میفرماید: "خلق لكم ما فى الارض جميعا" (۲۱) و در آیه دیگر میفرماید: "والارض وضعها للاء نام" (۲۲) و در آیه دیگر فرموده است: "الذى جعل لكم الارض فراشا و السماء بناء و انزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لكم" (۲۳)

و همچنین آیاتی که دلالت دارند بر تسخیر زمین و آفتاب و ماه و نجوم برای انسان.

چنانکه مرحوم پدرم آیت اله آخوند ملا محمد جواد صافی قدس سره در یکی از تالیفات خود بنام مصباح الفلاح یا تالیف دیگر بنام نفایس العرفان تحقیق کرده مثل آیه "و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون" (۲۴) نیز دلالت دارد زیرا وقتی خلقت جن و انس برای عبادت باشد با اینکه عالیترین مرتبه عبادت و اطاعت که نمایش و تبلور کمال اعلاى موجود ممکن است همان است که از امام علیه السلام صادر میشود و با توجه به اینکه عبادات دیگران نیز باید در خط عبادت امام و پیروی از او باشد تا از شرک و انحراف و معایب و موانع دیگر مصون بماند پس امام مقصد اصلی و علت غائی خلقت خواهد بود و نظیر این تحقیق است آنچه که آن مرحوم و دیگران از محققان بزرگ فرموده اند که غرض از خلقت تخلق به اخلاق الهی مثل علم و قدرت و ظهور قدرت ربوبی است که اگر چه در تمام اشیا و خلقت تمام کائنات آثار علم و قدرت و حکمت او ظاهر و هویدا است و هر چه هست آیه و کلمه او است اما ظهور علم و قدرت او در انسان و استعداد و تخلق انسان به اختیار خود به اخلاق الهی در مرتبه ای است که هیچ موجودی غیر از انسان آن استعداد را ندارد و تحقق و فعلیت کمال این استعداد و جلوه و نمایش برین و برترین آن وجود امام و افعال و اخلاق و جامعیت و نواحی متعدد کمالی او است بنا بر این باز هم امام مقصد اصلی خلقت و خلاصه و نتیجه علیای آن میباشد و خدا همه اشیا را برای بشر و بشر را برای انسان کامل که ولی امر هر عصر و قطب دوران و صاحب الزمان است آفرید چنانکه برای پدید آمدن میوه انسان به ایجاد باغ و آباد کردن زمین و ساختن و کندن جوی و جدول



و تهیه آب و احداث قنات و غرس درخت اقدام مینماید که در واقع همه را برای میوه میخواهد و میوه مطلوب با لذات و خواسته حقیقی و اولی او است و دیگر چیزها مطلوب بالعرض و خواسته تبعی و ثانوی است و شاید همین بود سر اینکه ملائکه گفتند: " انجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدر لک " (۲۵) و پاسخ خداوند متعال که فرمود: " انی اعلم ما لاتعلمون " (۲۶) اشاره بهمین باشد که اگر چه مفسد و خونریز در بین بشر پیدا خواهد شد اما چون این نظام منتهی و متضمن وجود بندگان صالح و شایستگان مقام خلافت الهی خواهد شد باید بر قرار شود و خدامیدانند که محصول این جعل خلیفه در زمین چه خواهد بود و چه موجودات کاملی را متضمن مییابد و مانند ابراهیم و موسی و عیسی و محمد خاتم الانبیاء و علی مرتضی و مهدی خاتم الاولیاء از آن بوجود خواهد آمد .

و مخفی نماند که محققین علماء اهل سنت نیز همه بر اینکه حضرت رسول اکرم صلی اله علیه و آله و سلم دارای چنین منزلتی و مقامی است اتفاق دارند و زبان حالشان این اشعار است .

محمد المجتبی معنی جیلته	و ما لادم طین بعد محبول
والمجتبی تاج علیاه الرفیع وما	للیدر تاج ولا للنجم اکلیل
لولاه ما کان ارض لا ولا افق	ولا زمان ولا خلق ولا جیل
ولا منا سک فیها للهداشهب	ولا دیاریها للوحی تزیل (۲۷)

و این اشعار :

یا صفوه الرسل الذی لولاه لم	یثبت علی حد المقام کلیم
کلا ولا سکن الجنان اب ولم	ینهض الی الروح المسیح رمیم
الله قد صلی علیک فکل ذی	مجد لمجدک دابه التسلیم (۲۸)

و این اشعار :

محمد کازل تا ابد هر چه هست	به آرایش نام او نقش بست
چراغی که انوار دانش بدو است	فروغ همه آفرینش از او است

و این حدیث قدسی معروف بین شیعه و دیگران است " لولاک لما خلقت الافلاک ، و همچنین این حدیث قدسی را روایت نموده اند .

"خلقتك لاجلی و خلقت الاشياء لاجلك"

و در همین معنی ظهیر فاریابی میگوید:

ایزد چو کارگاه فلک را بکار کرد  
اول تو را یگانه و بی مثل آفرید  
از کائنات ذات تو را اختیار کرد  
نی نی هنوز کافکن از نون خبرنداشت  
وانکه سپهر هفت و عناصر چهار کرد  
کایز در سوم دولت تو آشکار کرد

بدیهی است هر مقامی از اینگونه مقامات بغیر از نبوت و پیغامبری که به حضرت خاتم الانبیاء ختم شده است برحسب دلائل عقلی و احادیث برای اولیاء بعد از آنحضرت که ائمه اثنتی عشر علیهم السلام میباشند ثابت و مسلم است .

هم القوم من اصفاهم الود مخلصا  
هم القوم فاقوا العالمین مناقبا  
تمسک فی اخراه بالسبب الاقوی  
محاسنهم تروی و آیا تهم تتلی

و چه نیکو گفت ابو نواس در خطاب به حضرت رضا علیهم السلام .

تالله لما بری خلقا فاتقنه  
و انتم الملاء الملاء علی و عندکم  
صفاکم و اصطفاکم ایها البشر  
مطهرون نقیات جیوبهم  
علم الکتاب و ما جائت به السور  
تتلی الصلاة علیهم اینما ذکر و  
فماله من قدیم الدهر مفتخر  
من لم یکن علویا حین تنسبه

اگر گفته شود اینگونه ارتباطی که شما بان به ارتباط آب و جوی و حتی شاخه و برگ درخت یا میوه مثل زدید به عکس نیز وجود دارد یعنی میوه هم به وجود آب و جوی و باغ وابستگی دارد بلکه وابستگی آن بیشتر و مؤکدتر است زیرا بدون وجود آب و درخت میوه حاصل نمیشود در حالیکه بدون میوه وجود درخت امکان پذیر است .  
پاسخ داده میشود :

اولاً - آنچه در خارج دیده میشود از درختهای بی میوه غرض از وجودشان میوه نبوده است هرچند شخصی که آنرا کاشته است قصدش میوه بوده است و اگر او باین جهت عالم بود هرگز آنرا نمی کاشت اما مدبر حقیقی و فاعل واقعی که عالم به همه چیز است از وجود آن درخت آنچه را تکویناً خواسته است حاصل شده است و این اشکال از این ناشی شده که بین فاعل حقیقی عالم با فاعل ظاهری جاهل فرق نگذارده اند در اینجا موضوع سخن فاعل حقیقی عالم حکیم است که خود فرموده است :

افرایتم ما تحرثون، انتم تزرعونه ام نحن الزارعون<sup>(۲۹)</sup> افرایتم ما تمنون، انتم تخلقونه  
ام نحن الخالقون<sup>(۳۰)</sup>

و ثانیاً - ارتباط بدن عنصری امام مانند غیر امام با اشیاء مادی و عناصر بسیطه و مرکبه دیگر اگرچه معلوم و مسلم است اما این خصوصیت را که فرد خاصی چنان باشد که دیگران وجودشان با او وابستگی معنوی داشته باشد هیچکس غیر از امام دارا نیست چنانکه در عالم ارتباطات ظاهری خصوصیت اینکه فردی بدون پدر و مادر خلق شده باشد اختصاص به آدم و حوا دارد و خصوصیت اینکه فردی بدون پدر باشد اختصاص به مسیح دارد.

و ثالثاً - ارتباط وجود امام با مواد و عناصر مثل سائر افراد در جهت مادی آنها است در صورتیکه ارتباط آنها و وابستگی آنها به امام در جهت جسم و روح و ظاهر و باطن وجودشان میباشد و بعبارت دیگر اگرچه وجود عنصری امام به ماده و عناصر ارتباط دارد اما نفس این عناصر و مواد و غیب وجود تمام اشخاص و افراد به وجود امام و اغیب وجود آن حضرت که حقیقت وجود او و اصل ذات او است ارتباط دارد و این خصوصیتی است که باذن الله تعالی فقط امام و انوار پیغمبر اکرم صلی اله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام دارای آن میباشند.

و رابعاً - ارتباط میوه به وجود جوی و درخت و خاک و آب از قبیل ارتباط شیء با علت مادی آن است و ارتباط آنها با میوه از قبیل ارتباط شیء با علت غائی آن است بنا بر این ارتباط وجود عنصری امام با آب و خاک و تمام عناصر و هوا و آفتاب و سائر مخلوقات نظیر ارتباط شیء با علت مادی خود میباشد و اما ارتباط سائرین با او نظیر ارتباط شیء با علت غائی خود است و پر واضح است که علت غائی شیء از علت مادی و همچنین علت صوری آن افضل است زیرا که علت غائی مقصود بالذات و بالاصاله و استقلال است و علت صوری و مادی مقصود بالتبع و بالعرض است.

علیهذا ارتباط وجود ممکنات به وجود امام بگونه ای که بیان شد مقبول و مسلم و امر غریب و مورد استبعادی نیست همانگونه که بر حسب قرآن مجید و قانون مطابقت و ناموس تناسب معلوم میشود که آنچه در زمین است برای این بشر است و این بشر حاصل این خلقت و جلوه اتم و اکمل قدرت و علم الهی است و :

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند  
تا تو نانی بکف آری و بغفلت نخوری  
و :  
توئی تو نسحه صنع الهی  
همینطور انسانها نیز وجودشان به وجود امام مرتبط است و طفیل وجود امام  
و حجت خدا میباشند و باید گفت که :  
از رهگذر خاک بسر کوی شما بود  
روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست  
ناظر روی تو صاحب نظرانند و لیک  
همه کمالات به کمال رسول اکرم صلی اله علیه و آله و سیده النساء و ائمه طاهرین  
علیهم السلام می پیوندند و معیار و میزان کمال و مصدر هدایت و ارشاد و برهان خلق  
و حجت خدایند فهم مفتاح خزائن الرحمان و معادن العلم و العرفان و بنایع الحکمه  
والایمان .

چنانکه از حضرت صادق علیه السلام مروی است :

فی الاصل کنا نجوما " یستضاء بنا  
نحن البحورا لتی فیها لغائصها  
مساکن الخلد و الفرودس نملکها  
من شد عنا فبرهوت مکانته  
و فی البریه نحن الیوم برهان  
در ثمین و یاقوت و مرجان  
و نحن للخلد و الفرودس خزان  
و من اتا نا فجنات و رضوان (۳۱)

### توجیه سوم :

اگر تقدیر خداوند قادر حکیم چنان باشد که چنانکه بعضی از ملائکه واسطه نزول  
بعض برکات و انجام مأموریت‌هایی شده اند فیوض عامه و خاصه بواسطه امام بساثرین  
برسد و امام مجرای فیض باشد خواه نا خواه وجود و بقاء سائر ممکنات که به فیض  
الهی حدوث و بقا دارند به مجرای فیض او که بتقدیر او از آن مجرا فیض به  
آنها میرساند مرتبط خواهند بود ، و اگرچه در فرض عدم این مجاری فیض باز هم  
فیاضیت خدا اگر قصوری در مفاض نباشد بر قرار است اما میتوان گفت که  
ممکنات همه آن استعداد را ندارند که بدون واسطه تلقی فیض نمایند و قصور خودشان

مانع از کسب فیض بطور مستقیم است. لذا امام علیه السلام که در جنبه یلی الیه و یلی الخلقی کامل است واسطه ایصال برکات می باشد چنانکه بسیاری از نعمتهای الهی در این عالم بواسطه و بلکه بوسایط به ما میرسد، و چنانکه شاخه ها و برگهای درخت بواسطه تنه درخت و ریشه درخت از آب و مواد زمین که برایشان مقرر شده است استفاده مینمایند، و چنانکه همه مردم استعداد تلقی وحی را ندارند و باید بواسطه نبی و پیغمبر باشد امکان دارد که تمام فیوض یا بعض فیوض دیگر نیز بهمین نحو با وسایط مقتضی و مناسب به نیازمندان و مستعدان برسد بدیهی است چنین واسطه ای غیر از امام نخواهد بود و مسئله یک مسئله تکوینی خواهد شد که تخلف از آن نا معقول است.

یکی از محدثین بزرگ اهل سنت بنام ابراهیم بن محمد جوینی شافعی متوفی س (۷۳۰) در کتابیکه بنام (فوائد السمطین) آنرا موسوم کرده است (ص ۴۵- خ ۱۱) حدیثی را بسند منتهی به حضرت زین العابدین علیه السلام روایت کرده است. که در ضمن آن فرمود:

ونحن الذین بنایمک الله السماء ان تقع علی الارض الابدانه، و بنایمک الارض ان تمید باهلها و بناینزل الغیث، وینشر الرحمه و یخرج برکات الارض و لولامافی الارض منا لساخت باهلها.

یعنی ما ایم که بما نگاه میدارد خدا آسمان را از اینکه بر زمین افتد مگر به اذن او و به ما زمین را نگه میدارد از اینکه به اهلش مضطرب گردد و بواسطه ما (یا برای ما و بطفیل وجود ما) باران نازل میکند و نشر رحمت می نماید و برکتهای زمین را بیرون می آورد، و اگر آنچه (آنکس) که در زمین است از ما نبود زمین اهل خود را فرو میبرد (۳۲)

توجیه چهارم:

امام الگو و نمونه و اسوه و علامت است که هر تندرو باید بسوی او برگردانده شود و الا گمراه میشود، و هر کندرو باید خود را به او برساند و الا هلاک میگردد. چنانکه مضمون احادیث بسیار از طریق شیعه و اهل سنت است (۳۳) کمال دیگران

با و تضمین و تأمین میشود و حرکت و سیر همه در راه مستقیم فقط با حرکت و سیر او کنترل و نصیح و تعدیل میگردد.

بنا بر این نقش امام نقش سازنده ای است که بدون آن سالکان راه کمال نمی‌توانند به درستی مسیر خود اطمینان داشته باشند، و این است معنای احادیث متواتری مانند احادیث سفینه که پیغمبر صلی اله علیه و آله میفرماید :

مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس بر آن سوار شد نجات یافت، و هر کس تخلف کرد هلاک شد پس هر کس متمسک به امام و هدایت امام و تاسی با امام شود نجات می‌یابد و هر کس تخلف کند هلاک میشود، و همین است معنای احادیث ثقلین<sup>(۳۴)</sup> که پیغمبر صلی الله علیه و آله در آنها تمسک به قرآت و عترت را یگانه وسیله امان از ضلالت معرفی فرموده است بنا بر این کمال عالم و ما سوی الله بوجود امام منوط است و بدون وجود امام عالم فاقد کمال لایق بخود خواهد بود و ناقص خواهد شد، و چون فیض خدا کامل است و نقص در آن تصور نمیشود لذا نقص همه به کمال وجود امام کامل میشود و کسر همه به وجود او جبران میگردد.

#### توجیه پنجم :

چنانکه کل عالم و تمام آفرینش کلمه الله الکبری و کتابه التکوینی و آیه‌الجامعه و اسم‌الاعظم است و دلالت بر ذات جامع جمیع صفات کمال او دارد افراد و انواع و اجزاء و اعضاء این عالم نیز هر یک جدا جدا آیه و نشانه حقتعالی و کلمه و اسم و فعل و حرف کتاب تکوینی او هستند.

ففی کل شیء له آیه	تدل علی انه واحد
ولله فی کل تحریکه	و فی کل تسکینه شاهد
هر گیاهی که از زمین روید	وحده لا شریک له گوید
به نزد آنکه جانش در تجلی است	همه عالم کتاب حق تعالی است
عرض اعراب و جوهر چون حروف است	مظاهر همچو آیات و وقوف است

همه ظهور قدرت و علم او و تسلیم فرمان او هستند :



وله اسلم من فی السماوات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون (۳۵)

و دلیل بر کمال او و پاکی و تنزه او از تمام نقایص میباشند.

یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض الملك القدوس العزيز الحکیم (۳۶)

بر هر موجودی به حسب کمال مراتب وجودی خود، و بر هر انسانی به حسب کمال مراتب انسانیت و تخلق به اخلاق الهیه اسم او و کلمه او صادق می باشد هر چه کمال فرد و نوع بیشتر باشد صدق اسم و کلمه بر او کاملتر خواهد شد.

لذا در تفسیر آیه شریفه: ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها (۳۷) وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام: نحن والله الاسماء الحسنی الذی لایقبل من احد طاعه الا بمعرفتنا قال فادعوه بها (۱) یعنی ما ئیم بخدا سوگند اسماء حسنی که از احدی طاعتی پذیرفته نمیشود مگر بمعرفت ما که فرمود خدا پس بخوانید او را به آنها.

چون امام در بین تمام آیات و کلمات الهی آیت کبری و تامه و کلمه علیا و اسم اعظم تکوینی است چنانکه از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است:

ما لله آیه اکبر منی

امام اسم تکوینی (الولی) و (الحاکم) و (الهادی) و (العادل) و (العالم) (و القادر) است، و به عبارت دیگر امام کسی است که هر یک از اسماء و صفات الهی را که در ممکن در حد امکانیتش امکان حصول داشته باشد دارا باشد بدیهی است همه کلمات و اسماء الهیه هستند و در کثرت چنانند که در قرآن کریم میفرماید:

قل لوکان البحر مدادا " لکلمات ربی لنفذ البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مدادا " (۳۸)

همه آیات خداهستند اما مانند اسماء لفظی که دلالت آنها بر مسمی در صراحت و ظهور و ذات و صفت، و صفت ذات و فعل متفاوتند اسماء تکوینی نیز متفاوتند مثلا " هر عالمی علمش دلالت بر علم خدا دارد اما دلالت علم یک شاگرد دبستانی در حد یک معلم و دلالت علم یک معلم و در حد یک استاد و یک فیلسوف و مجتهد و مرجع تقلید نیست.

دلالت علم کسیکه عنده علم من الكتاب (۳۹) است در حد علم من عنده علم الكتاب (۴۰)

که امام علیه السلام است نمیباشد .

انسان در بین تمام انواع موجودات ممکنه استعداد ترقی و کمالش از همه بیشتر است و چنانست که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است .

الصورة الانسانية هي اكبر حجج الله على خلقه ، و هي الكتاب الذي كتبه بیده و هي الهيكل الذي بناه بحكمته ، و هي مجموع صور العالمين و هي المختصر من العلم في اللوح المحفوظ (۴۱)

یعنی صورت انسانیت بزرگترین حجت های خدا بر خلق او است و آن کتابی است که خدا با دست توانائی خود آنرا نوشته و آن هیكلی است که بحکمت خود آنرا بنا کرده و آن مجموع صورت جهانها و عوالم است و آن مختصر علومی است که در لوح محفوظ است .

بر اساس همین شرافت و شان و استعداد انسان نیازش به تربیت الهی و بارش باران رحمت و فیض ربوبی از همه بیشتر است نیاز یک کوزه به آب بهمان مقدار است که شاعر گفت :

گر بریزی بحر را در کوزه ای      چند گنجد قسمت یک روزه ای

اما نیاز جوی و نهر و رودخانه بمقدار ظرفیت آنها است انسان برحمت بیشتر به علم زیادتر به تربیت متعالی تر محتاج است چنانکه رودخانه و دریا به آب بیشتر نیاز دارد .

آب کم جو تشنگی آور بدست      تا بجوشد آبست از بالا و پست

موجودات بر حسب استعداداتی که برای کمالات دارند ، و بر حسب سعه درکی که به سعه فقر و حاجت خود داشته باشند از فیوض غیبی و عنایات لاریبی بهره مند خواهند شد .

بدیهی است فقر نباتات به تربیت از فقر جماد بیشتر است یعنی قابلیت قبول تربیت در آن زیادتر است ، و فقر و نیاز حیوان هم از نباتات بیشتر چنانکه فقر و حاجت انسان از کل ممکنات زیادتر و وسیعتر است ، و فقر افراد انسان نیز بحسب ذات و بعض عوارض و امور غیر اختیاری متفاوت است ، و بحسب جهل و علمشان تفاوت میکند جاهل اگرچه فقر علمی دارد آن چنانکه عالم احساس فقر میکند احساس نمیکند

یک دانشجو یا یک طلبه با یاد گرفتن چند اصطلاح بسا گمان کند که همه علوم را یاد گرفته است در حالیکه یک نفر فقیه و عالم و فیلسوف هرچه علمش زیادتر میشود فقر و نیاز و وابستگی و تعلق خود را بخدا بیشتر درک میکند، و تواضع و فروتنیش زیادتر میشود، و خود را در برابر علم الهی چون قطره ای از دریا و از آن کمتر و فرومایه تر می یابد، و زبان حالش این شعر خواهد شد.

یکی قطره باران را بری چکید  
خجل شد چو پهنای دریا بدید  
که جایی که دریا است من کیستم  
ور او هست حقا که من نیستم

از این جهت است که امام انسان ما فوق (نه ما فوق انسان) و ممکن ما فوق (نه ما فوق ممکن) است رئیس فقرا است یعنی تمام هویتش فقر و احساس و نیاز به خدای بی نیاز است چنانکه از دعاهائی که از امامان علیهم السلام روایت شده است و از حالاتشان در هنگام دعا و عبادت استفاده میشود چنان عرض فقر و مسکنتی که از آنان در درگاه خدا ظاهر شده از دیگران حتی بزرگترین فلاسفه الهی دیده نشده است، و این شعور به فقر و نیاز و خود را ندیدن و چیزی نشمردن در آن بزرگواران چنان شدت و رسوخ داشته است که احساس به حاجت بخدا و لطف و کرم او از بزرگترین و متعالی ترین درجات ایشان بوده است غزت خود را به عبودیت و پرستش و بندگی او میدانستند که در مقام مناجات عرضه میداشتند.

الهی کفی لی عزا ان اکون لک عبدا و کفی لی فخرا " ان تکون لی ربا "  
و حجت خود را فقر خود قرار میدادند، و به آن از خدا حاجت می طلبیدند  
که الهی حجتی حاجتی و وسیلتی فاقتی.

حقا " باید سیر قافله ممکنات و کاروان انسانیت برای وصول به این مقام و برای نزدیک شدن به این مقام و شباهت یافتن به صاحبان این مقام باشد که اگر این نباشد مسیر آنان لغو و پوچ و بیهوده خواهد شد و عالم به آنگونه که اگزیستانسیالیستها و سارترها و مارکسیسم ها و ملحدان دیگر معتقدند هیچگونه تفسیر و توجیهی نخواهد داشت، و همان بهتر که با بمب های ویران کننده یکباره آنرا ویران و نابود کنند، و به این مرارتها و جنگها و کشمکشها و ناکامیها و ناراحتیها و فلاکتها پایان دهند، و همه را و آیندگان را از این تاریکخانه و وحشتکده خلاص سازند.

اما اگر بشر به منتهای واقعی مسیر جهان و مسیر انسان آگاه شد، و نظام امامت و انسان کامل و کمال انسان را شناخت آگاهی می یابد و امیدوار میشود، و به زندگی و کمال و ترقی علاقمند میگردد، و عالم را با معنی و با محتوا می شناسد معنائی که جمال حقیقت را به انسان نشان میدهد، و عالم را گلستان و با روح و با هدف معرفی می نماید ..

چه زیبا و چه با حقیقت است حرکت جهان که بسوی شخصیت‌هایی مانند ابراهیم و محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین می‌رود، و افرادی مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و شهیدانی چون حمزه و جعفر و پاکبازان و فداکارانی چون شهیدان کربلا، و کوبندگان ستمگران چون حجر بن عدی و عمرو بن حمق و میثم و رشید هجری، و دانشمندان و علمائی مانند زراره و محمد بن مسلم و ابن ابی عمیر و زکریا بن آدم قمی و کلینی و صدوق و شیخ مفید و سید مرتضی و رضی و شیخ طوسی و علامه حلی و شهیدین و شیخ انصاری و میرزای شیرازی و آیت اله بروجردی و هزارها افراد از این قبیل در هر رشته از کمال انسانی بدنیا تحویل میدهد.

از نظریک نظام سوسیالیستی سیر جهان و سیر انسان بسوی جامعه ای است منتهای درک‌های انسانی و معنویات سیر بسوی جامعه‌ای که فردی مثل استالین در آن دیکتاتور و فرمانروا و عملاً " و بی منازع مدعی خدائی باشد یا فرعون دیگر مثل برژنف زمامدار باشد که کشوری ضعیف را که در همسایگی او قرار دارد مورد هجوم وحشیانه قرار دهد و از زمین و هوا به کشتار مردم و ویران کردن خانه های مردم مستمند روستاها و شهرها بپردازد و مدرن ترین اسلحه ها را برای زیر یوغ گرفتن یک ملت آزاده بکار برد و بیش از یک میلیون انسان از کوچک و بزرگ و زن و مرد را قتل عام و بیش از یک میلیون نفر را از خانه و کاشانه آواره سازد و هنوز هم که هنوز است دست از سر آنها بر ندارد و چنان نشان دهد که تا کشورشان را تصرف نکند اگرچه بقیمت جان تمام مردم باشد تصمیم سبانه خود را نخواهد شکست .

چنین جامعه ای با چنین رهبران خونخوار و بی ایمان به شرف انسانیت اگر هم در بین خودشان با استضعاف دیگران و غارت مستضعفان خوراک و مسکن و سایر وسائل رفاه مادی را فراهم کنند از یک دام داری آماده و پراز گاه و علف که در آن همه

ارزشهای متعالی انسان پوچ و بی معنی و مسخره باشد بیشتر نخواهد بود .  
 و اما از نظر نظام سرمایه داری هم بهتر از این نیست که هدف سیر آن ، سیر  
 بسوی خودکامگیها و حیوانیت و شهوات و آزادیهای غیر سالم و نا محدود و طبقه بندی  
 و تبعیض و استثمار و استعمار و کاخ سفید و آن تجملات و حکومت کندی های شهوتران  
 و آلوده دامان و کارتر و هنرپیشهای چون ریگان و نوکرهای صهیونیسم و سرمایه داران  
 خون آشام است .

حتما "هدف جهان را هرچه بگویند و مقصد جهان را هرچه بدانند این جامعه ها  
 و این نظامها که سرنوشت بشریت در اختیار دو نفر وحشی درنده قرار دارد که جز  
 از جهت ترس بسوی یکدیگر حمله نمیکنند نمیباشد ، و این رژیمها که بخش عمده  
 محصول زحمت و تلاش انسانها را صرف تجهیزات جنگی و ساختن سلاحهای مخرب  
 و وحشتناک برای ادامه استکبار و استغلاي خود می نمایند نیست و اگر این هدف باشد  
 ( که هرگز نیست ) جا دارد همه با فرشتگان هم زبان شوند و بگویند :  
 اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء (۴۲)

نظام الهی امامت بهمم این پرسش ها پاسخ میدهد و وجود امام همه این  
 ایرادات را از میان میبرد و بر همه این کاخ نشینها و استکبارها و استغلاها و استعباد  
 انسانها که در عصر بزرگترین و ستمکارترین و برتری جوترین آنها حکومت مارکسیسم  
 و ملحد شوروی و رژیم استعمارگر و صهیونیسم پرور امریکا است خط بطلان میکشد و  
 علو و برتری جوئی راحتی در کمترین جلوه اش بشدت محکوم میسازد و شعار و بنیاد  
 رابطه خود را با مردم و هر قوی و نیرومندی را با ضعیف این آیه میداند :

تلک الدار الاخره نجعلها للذین لا یریدون علو فی الارض و لا فسادا و العاقبه للمتقین (۴۳)

هر کجا ذره ای علو خواهی و برتری جوئی بر دیگران است آنجا نظام امامت  
 مستقر نیست ، طغیان و دیکتاتوری و زور و استبداد حتی در یک ده و یک خانه و از  
 یک کدخدا و یک سرپرست خانواده بهر صورت و بهر شکل محکوم است و اینان از  
 بهشت خدا محرومند و عاقبت نیک و پایان خوب برای کسانی است که از مظاهر  
 گردنکشی و خود برگزینی و فخر و اعتبار فروشی و استضعاف و کوچک شمردن دیگران  
 پرهیز مینمایند .

نظام امامت یعنی حرکت همه برای علی و بسوی روش علی و حکومت علی و مهدی علیهما السلام

در این نظام است که حکومت بعنوان یک هدف مقصود نیست و هرکس هم آنرا بعنوان یک هدف بخواهد شایسته حکومت و هیچ منصبی در این نظام نیست بلکه حکومت وسیله اقامه عدل و دفع باطل و ستم و احقاق حقوق و اجراء احکام و ترقی واقعی انسانها و کمک به ضعفا و تامین رفاه و امنیت و آزادی همگان است .  
الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر  
ولله عاقبة الامور (۴۴)

رهبران این نظام امامت افرادی هستند که خدا میفرماید : اگر آنها را در زمین متمکن و صاحب نیرو گردانیم نماز را برپا داشته و زکوه را میدهند و امر بمعروف و نهی از منکر مینمایند و پایان کارها با خدا است . در پرتو این نظام است که زندگی اصالت می یابد معنی پیدا میکند و برای آن سیر و کوشش و حرکت و کار و تلاش با ارزش و عقلانی خواهد شد .

و الا بشر کجا میرود؟ و کجا میرود؟ بسوی بمب های اتم و شیدروژن و جنگهای جهانسوز؟ یا بسوی دنیای مادی و صنعتی ، و تمدنی که اینهمه بدبختیها ، و فشارها و عیاشیها و تجمل پرستیها و تبعیضات را بوجود آورده است؟ یا بسوی نژاد پرستی و استعمار آمریکا؟ یا بسوی جامعه حیوانی و ماشینی و سلوب الاختیار کمونیسم که در آن آزادی و انسانیت به معانی حقیقی و متعالیش قابل درک نیست؟

کدام یک از این نظامها و سازمانها میتواند هدف نهائی و پاسخگوی روح وسیع بشر باشد؟ بشر بهر کدام رسید گمشده خود را در آن نیافت .

این سازمانهای بین المللی است که هر کدام زیر نفوذ یک ابر قدرت قرار دارند و به اسم حق باطل و به اسم عدل ظلم و بنام همزیستی مسالمت آمیز و حسن همجواری توطئه و خیانت و تجاوز به همسایه مینمایند و از هیچ گونه عمل خلاف قواعد انسانی روی گردان نمی باشند .

این سازمان ملل است که علاوه بر هزار و یک ایراد که بیان وارد است یارزترین نشان اساس حبیث آن که حفظ منافع زورمندان و استضعاف گران است حق (وتو) است



که پنج حکومت مستکبر و جهانخوار و عامل عمده فساد دنیا و عقب ماندگی مستضعفان در این سازمان دارند این حق غیر شرعی و خلاف عدالت این پنج حکومت را مسلط میسازد از اجراء هر تصمیمی که مخالف منافع خودشان باشد جلوگیری نمایند و آنرا وتو کنند دیگر این مطرح نیست که چرا این حق برای آنها باشد؟ و چرا حکومت های دیگر و کوچک این حق را نباید داشته باشند؟ و چرا در تمام افریقا یک کشوری دارای این حق نیست؟ همه این سخنان و نقشه هایی که ابرستمگران برای فریب عوام یا بهانه داشتن و بهانه ساختن برای مداخله در امور دیگران عنوان میکنند فاقد حقیقت و ارزش است چنانکه وقتی که سازمان ملل تشکیل شد و دولتها در آن قبول عضویت میکردند خطاب بحضرت ولی عصر عجلاله تعالی فرجه در ضمن اشعاری عرض کرده ام

منشور سازمان ملل حرف است	چون نیستش حقیقت و مبنائی
آوازه عدالت و آزادی	اسم است و هیچ نیست مسمائی
تا کی بجان و مال بشر دارند	این رهزنان حکومت و آقائی

واقعا "اگر امید به رسیدن به حکومت جهانی مهدی علیه السلام، و برقرار شدن نظام امامت در محدوده های کشوری و منطقه ای در تحت ولایت نواب عام آن حضرت "فقهاء عادل" نباشد هیچگونه امیدی برای بشر باقی نخواهد ماند و تمام سعی و تلاشهای او بیهوده و بی نتیجه خواهد شد.

این آزمایشهایی که بشر از رژیمهای گوناگون کرده و این که به هر رژیمی روی می آورد آنرا برآورنده خواسته های واقعی خود نمی بیند موجب میشود که وقتی منادی آسمانی مردم را به حکومت جهانی مهدی سلام الله علیه بخواند جمعیت های محروم و گروههای مستضعف در همه جهان از آن استقبال نمایند، و حکومت الهی را بجای تمام این حکومت های گوناگون از جان و دل بپذیرند.

چنانکه در روایات قریب به این مضمون روایت شده است که هنگامی حکومت مهدی علیه السلام اعلام و برقرار میشود که تمام حکومتها و رژیمها را بشر امتحان کرده باشد، و ناتواناییها و نارساییها و مفاسد و معایب آنها را دانسته و فهمیده باشد که در حقیقت برایش یک راه و یک امید بیشتر باقی نمانده باشد.

متن روایت این است :

لن یبق اهل بیت لهم دوله الا ولوا قبلنا حتی لایقول احد و انالو ولینا لعدلنا مثل  
هؤلاء (۴۵)

بدیهی است در چنین وضعی که همه از کارسازی رژیمها و مکتبهای گوناگون مایوس شدند دعوت الهی مهدی علیه السلام را از جان و دل می پذیرند و مستضعفان جهان به یاری آن حضرت که منصور برعب و مؤید به نصر خدا است برمیخیزند و مستکبران را از صحنه مداخله در امور جوامع بشری برکنار مینمایند و در چنان جهانی که پراز استکبار و استضعاف شده و همه چشم براه و منتظر یک حرکت و نهضت و بیرون آمدن دست غیبی از آستین مصلح جهان و موعود پیغمبران باشند ناگهان وعده الهی محقق میشود و مهدی موعود که علائم و نشانیها و خصوصیاتش در صدها حدیث بیان شده است ظهور میفرماید و عالم را پراز عدل و داد میکند .

فیملأ الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا " (۴۶)

در اینجا سخن را در این رساله به پایان میرسانیم و خوانندگان کاوشگر و معرفتجو را به کتابهای محققین علما و آگاهان به کتاب و سنت و معارف آل محمد صلوات الله علیهم ارجاع میدهم فقط به پرسشی که ممکن است برای بعضی در رابطه با مطالب گذشته پیش بیاید در خاتمه این رساله جواب میدهم .

پرسش این است که آنچه گفته شد از وابستگی جهان به وجود امام علیهم السلام در صورتی صحیح است که امام و حجت همراه با وجود عالم همواره و حتی قبل از خلقت آدم و حوا وجود داشته باشد اما در صورتیکه سلسله حجج الهیه به وجود آدم منتهی شود یا بعبارت دیگر از او آغاز گردد سائر اجزاء عالم قبل از خلقت حجج چه وابستگی به وجود آنها خواهند داشت و چگونه این وابستگی قابل توجیه است؟ پاسخ اینکه : اولاً " بر حسب بعض توجیهات که یادآور شدیم حتی اگر شخصی که اکمل و اشرف کاینات است و وجود جهان وابسته به او است بعد از خلقت عالم و بصورت یک جزء و یک واحد از اجزاء عالم آفریده و موجود شود وابستگی سائرین به وجود او قابل انکار نخواهد بود و بقول خاقانی همان وجود او بعد از اینکه جهان مراحل طی کرد دلیل بر کمال او است .

خاقانی میگوید :

اگر چه بعد همه در وجودش آوردند  
نه سوره از پس ابجد همی شود مرقوم  
نه روح را پس ترکیب صورت است نزول  
و ثانیاً " بر حسب اخبار معتبره انوار پیغمبر اکرم و ائمه طاهرين صلوات الله  
عليهم اجمعين پيش از همه خلق شده اند (۴۷) و اول ما خلق الله آن بزرگواران  
بوده اند ، و از حضرت مولی امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود :  
كنت مع الانبياء سراکما كنت مع محمد صلی اله علیه و آله جہرا "

روایاتی که گزارش معراج حضرت رسول صلی اله علیه و آله وارد شده و همچنین  
بعض احادیثی که در تفاسیر آیاتی مثل و ان من شیعتہ لابراہیم وارد شده نیز براین  
دلالت دارند که انوار ختمه طیبه و سائر ائمه معصومین علیهم السلام پیش از ظهور  
و تجلی آنها در این جهان آفریده شده اند ، و بعض پیامبران مانند حضرت ابراهیم  
خلیل الله علیهم السلام به دیدار و زیارت آن انوار نایل شده و به آن بزرگواران  
در حوایج مهم و شاداید متوسل شده و خدا را بحق آنها خوانده اند و یکی از نکته‌ها  
و اسرار اینکه عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام با آن مقام کلمة الهی و روح الهی  
بر حسب اخبار متواتره که از طریق سنی و شیعه روایت شده است به حضرت مهدی  
ارواحنا فداه در نماز اقتدا میکند همین موضع بلند و علو رتبه و کمال آن حضرت  
است که باید حتی مثل عیسی به آن مقتدای جهانیان اقتدا نماید و موعید این مطلب  
حدیث معروف از رسول اکرم صلی اله علیه و آله است که فرمود :

لوکان موسی حیا لما وسعه الا اتباعی و حدیث : آدم و من دونه تحت لوائی و چه  
نیکو سروده شده است :

جهان روشن از لمعه روی او	شب قدر تاری ز گیسوی او
چو سازد لوای خلافت بلند	در آرد سر عاصیان در کمند
نهالی است از گلشن اصطفای	ثمر بخش اصحاب صدق و صفا
سرشته به آب کرامت گلش	محیط علوم لدنی دلش
مه رایتش ثالث ماه و خور	ز عدلش شود جمله آفاق پر

چو گردد به محراب این مقتدا      کند پور مریم بدو اقتدا  
 و چون در این موضوع اگر بخواهیم بسط سخن بدهیم و پیرامون این  
 روایات و تحقیقات و لطائف و مطالبی که علماء اهل تحقیق فرموده اند سخن بگوئیم  
 از وضع اختصاری که در این رساله منظور است خارج خواهیم شد با تقدیم درود به  
 صاحب مقام ولایت عظمی و امامت کبری حضرت بقیه الله صاحب العصر و ولی الامر  
 حجه بن الحسن العسکری و کلیه شیعیان و مؤمنان به ولایت آنحضرت ، و منتظران  
 ظهور آن یگانه رهبر و ولی امر کل ارواح العالمین له الفدا .  
 و ضمن عرض ضراعت و مسکنت با این سه بیت شعر خطاب به آستان فرشته  
 پاسبان آن ولی دوران و قطب زمان نموده رساله را پایان میدهیم .

دل دردمند عاشق ز محبت تو خون شد      نکشی به تیغ هجرت نه بوصل میرسانی  
 نمی روم ز دیار شما به کشور دیگر      برون کنیدم از این در در آیم از درد دیگر  
 من از چه هیچ نیم هر چه هستم آن توام      مرا مران که سگی سر بر آستان توام  
 و این چند بیت را نیز از اشعار مرحوم آیت اله والد که تضمین اشعار معروف  
 خواجه حافظ شیرازی است اضافه میکنم :

ای زیب ده عالم مجموعه زیبائی      سر حلقه جن و انس سر دفتر دانائی  
 در پرده غیبت چند ای مهر جهان پائی      ای پادشه خوبان داد از غم تنهائی  
 دل بی تو بجان آمد وقت است که باز آئی

ای عشق تو اول فرض در مذهب اسلامی      جان میدهمت گر باد آرد ز تو پیغامی  
 صحرای تجلی را از مهر بنه گامی      ای درد توام درمان در بستر ناکامی  
 و ای یاد توام مونس در گوشه تنهائی

امید وصال تو ایدوست جوانم کرد      عشق تو مرافارغ از هردو جهانم کرد  
 باز آ که فراق تو بی تاب و توانم کرد      مشتاقی و مهجوری دوراز تو چنانم کرد  
 کز دست بخواهد شد پایان شکیبائی

الهم عجل فرجه و سهل مخرجه و زين الارض بطول بقائه و اجعلنا من انصاره  
 و اعوانه و المجاهدين بين يديه و صل عليه و على آباءه الطاهرين .  
 و اخرد عوانا ان الحمد لله رب العالمين ۲۳ ربيع المولود ۱۴۰۱ - لطف الله صافی

گفتار سوم

ابعاد حکومت‌های  
جهانی مهدی (ع)

نوشته : استاد ناصر مکارم شیرازی - قم  
گفتار: ۳

### ابعاد حکومت جهانی مهدی (عج)

رسیدن بیک جامعه ای انسانی ملو از عدل و داد، پیشرفته، مترقی، آزاد و آباد، خودکفا و مستقل از هر نظر، خالی از هرگونه تجاوز و تبعیض آنهم در سطح تمام جهان، نیازمند بیک انقلاب وسیع در زمینه فرهنگ، و تکنولوژی و هدایت و کنترل و دادرسی است.

\* \* \*

ممکن است این تصور برای بسیاری پیدا شود که حکومت مهدی (ع) بر اساس یک سلسله معجزات و خارق عادات میگردد در حالیکه این تصور کاملاً " اشتباه است و زندگی تمام پیامبران و امامان نشان میدهد که پیشرفتهها و پیروزیهای آنها معمولاً با استفاده از وسائل و طرق ظاهری بوده، و مسئله اعجاز در میان آنها کاملاً " جنبه استثنائی داشته و معمولاً " برای اثبات مقام نبوت یا وصایت بوده است.



بنا بر این باید به این حقیقت کاملاً "توجه داشته باشیم ، اگر مهدی (ع) دست به تاسیس یک حکومت جهانی میزند که امنیت و عدل و داد و مساوات آن همه روی زمین را زیر پوشش خود قرار میدهد ، مستضعفین جهان را از جنگال مستکبران رهائی میبخشد ، و گردنکشانرا بر سر جای خود می نشاند ، و منابع زمین را در مسیر رفاه و سعادت همه انسانها بسیج میکند ، همه اینها از طریق استفاده از جهان اسباب و وسائل مختلف خداداد خواهد بود .

جهانی میسازد خالی از تبعیضها و طبقه بندیهای مفسده آفرین ، خالی از جدائیها و پراکندگیها ، خالی از جنگ و خونریزی ، و بالاخره خالی از خنده های مستانه استعمارگران و ناله های محرومان .

و مسلماً " رسیدن به چنین جهانی کار ساده ای نیست .

خطوط اصلی نظامات چنین جامعه ای آنقدر مهم و پیچیده است که بدون یک رهبری آگاهانه معنوی و مادی و بهره گیری از همه امکانات خداداد ، ممکن نیست . در روایات اسلامی کلیات برنامه مهدی (ع) برای پیاده کردن این اصول دقیقاً " ترسیم شده است که فشرده آنرا ذیلاً " از نظر می گذرانیم .

#### ۱ - اقدام بیک انقلاب فرهنگی وسیع و همه جانبه :

نخستین گام انقلابی ، در انقلاب مهدی (ع) چیزی جز انقلاب فرهنگی در تمام ابعادش ، نیست ، زیرا می دانیم هیچ برنامه انقلابی بدون یک جهش فکری و فرهنگی پایا و پویا نخواهد بود ، و رشد و تکامل لازم را نخواهد یافت ، لذا بدون شک نخستین گام در تحقق بخشیدن به چنین هدفی اقدام بیک انقلاب فرهنگی است که افکار را از دو سو بحرکت درآورد :

از طرفی در زمینه علوم و دانش هائیکه مورد نیاز یک جامعه آباد و آزاد و سالم است ( این از نظر مادی و روبنائی ) و از سوی دیگر در زمینه آگاهی به اصول یک زندگی صحیح انسانی آمیخته با ایمان در جهت معنوی و زیربنائی .

در حدیثی از امام صادق (ع) چنین می خوانیم :

" العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى

اليوم غيرالحرفين فاذا قام قائمنا اخرج الخمسه والعشرون حرفا فبثها في الناس  
وضم اليها الحرفين حتى يبتها سبعة وعشرين حرفا " .

علم و دانش بيست و هفت حرف (بيست و هفت شعبه و شاخه) است تمام آنچه  
پيامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف  
را نشناختند اما هنگامیکه قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف (بیست و پنج شاخه و  
شعبه) دیگر را آشکار میسازد و در میان مردم منتشر میسازد و دو حرف دیگر را به آن  
ضمیمه میکند تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر گردد .

این حدیث بروشنی جهش فوق العاده علمی عصر انقلاب مهدی (ع) را مشخص  
میسازد که تحولی به میزان بیش از ۱۲ برابر نسبت به تمام علوم و دانشهایی که در  
عصر همه پیامبران راستین و بشریت عطا شد پیش می آید، و در های همه رشته ها و  
شاخه های علوم مفید و سازنده، بروی انسانها گشوده میشود، و راهی را که بشر طی  
هزاران سال پیموده و بمیزان ۱۲ برابر در دوران کوتاهی می پیماید، چه جهش از  
این بالاتر و سریعتر؟

حدیث دیگر از امام باقر (ع) نقل شده، حدیث فوق را تکمیل میکند آنجا که  
میگوید :

" اذا قام قائمنا وضع الله يده على رءس العباد فجمع بها عقولهم و كملت بها احلامهم "  
هنگامیکه قائم ما قیام کند خداوند دهنش را بر سر بندگان می گذارد، و عقول  
آنها را متمرکز کرده، و افکارشان را تکامل می بخشد .

و اینگونه در پرتو و ارشاد و هدایت مهدی، و در زیر دست عنایت او، مغزها  
در مسیر تکامل بحرکت در می آیند، اندیشه ها شکوفا میگردند، و تمام کوته بینی ها  
و تنگ نظریها و افکار پست و کوتاه که سرچشمه بسیاری از تضادها و تراحمها و برخورد  
های خشونت آمیز اجتماعی است بر طرف میگردد .

مردمی بلند نظر، با افکاری باز و سینه هائی گشاده، همتی والا و بینشی وسیع  
پرورش می یابند که بسیاری از مشکلات اجتماعی را در روح خود حل میکنند و جهانی  
از صلح و صفا می سازند و امروز نیز هرگونه اصلاح اجتماعی در هر مقیاس بستگی به  
این دگرگونی فکری و انقلاب روحی دارد .

## ۲ - جهش فوق العاده ای در صنایع :

بسیار سادگی است اگر تصور کنیم که مهدی حکومت جهانی خود را بر وسائل ساده صنعتی هزاران سال پیش بنا میکند این موضوع غیر قابل قبولی است مگر اینکه تمام کارها جنبه اعجاز داشته باشد ، با اعجاز از نقطه ای به نقطه دور دست دیگر حرکت کند ، نه تنها خودش لشکریان و پیروانش کارمندان و کارگزارانش ، و همچنین هرگونه نقل و انتقال و ارتباط موصلاتی و نظارت و کنترل در امور این کشور پهناور ، و خاموش کردن آتش فتنه ها ، از میان بردن توطئه ها ، همه باید از طریق اعجاز صورت گیرد ، و گرنه با وسائل بسیار ابتدائی گذشته ، اداره چنین کشور پهناوری آنهم بر اساس عدل و داد کامل از طرق عادی امکان پذیر نیست ، و هر کس با الفبای مدیریت آشنا باشد این حقیقت را میداند .

از روایات متعددی که در زمینه چگونگی پیروزی مهدی (ع) بر مشکلات وارد شده بخوبی استفاده میکنیم که جهش فوق العاده ای در عصر او در صنایع و تکنولوژی و وسائل اطلاعاتی آنقدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را همچون کف دست آشکار میسازد و بحکومت مرکزی تسلط کامل بر اوضاع جهان میبخشد تا بموقع و بدون فوت وقت برای حل مشکلات جهانی بکوشد و هرگونه فساد را عمدی و غیر عمدی در نطفه خفه سازد ، مسئله انرژی و نور آنچنان حل میشود که حتی نیاز به انرژی خورشیدی که بازگشت همه انرژیها ( جز انرژی اتمی ) به آن است نیست .

و این شاید در پرتو یک سیستم تکامل یافته انرژی اتمی - با تصفیه کامل از تشعشعات زیان بار کنونی که در حال حاضر بزرگترین مشکل استفاده از این انرژی تشکیل میدهد - خواهد بود .

وسایل سریع السیر که با وسایل کنونی قابل مقایسه نیست ، نه فقط برای دور زدن کره زمین در یک زمان کوتاه ، بلکه برای مسافرتهاى دور دست فضائی در اختیار آن حکومت قرار میگیرد و این نیز کیفک به اهداف اصلاحی این حکومت میکند .

در حدیث دیگر از امام صادق چنین آمده است :

" ان قائمنا اذا قام مدالله بشيعتنا في اسماعهم و ابصارهم حتى لا يكون بينهم وبين القائم برید يكلمهم فيسمعون و ينظرون اليه و هو في مكانه " .

هنگامیکه قائم ما قیام کند خداوند آنچنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت میکند که میان آنها و قائم (رهبر و پیشوایشان) نامه رسان نخواهد بود با آنها سخن میگوید و سخنش را می شنوند و او را می بینند در حالیکه او در مکان خویش است .

( و آنها در نقاط دیگر جهان ! )

یعنی وسایل انتقال " صدا " و " تصویر " بطور همگانی و ساده و آسان در اختیار همه پیروان او قرار میگیرد آنچنان که چیزی بنام اداره پست در عصر حکومت اوشیعی زائدی محسوب میگردد ! و مسائل جاری این حکومت بدون نیاز به کاغذبازی آنچنان که راه و رسم دنیای امروز است و شاید نیمی از وقت و نیروی انسانی را تلف کرده و گردش همه کارها را کند میسازد و رسیدن حق را به حق داران به تأخیر می اندازد حل و فصل میشود .

همه دستور ها و برنامه ها با سیستم " شهود و حضور " ابلاغ و اجرا میگردد و چه عالی است چنین طرحی برای اداره جامعه های انسانی و حذف برنامه های زائد و دست و پا گیر و وقت تلف کن !

حدیث گویای دیگری که در این زمینه از امام صادق (ع) نقل شده این موضوع را بنحو بارزی تکمیل میکند ، آنجا که فرمود :

" ان المؤمن في زمان قائم و هو بالشرق سیری اخاه الذی في المغرب ، و کذا الذی في المغرب یری اخاه الذی بالشرق " .

مؤمن در زمان قائم در حالیکه در مشرق است برادر خود را در مغرب می بیند همچنین کسی که در غرب است برادرش را در شرق می بیند .

ارتباط مستقیم نه تنها در سطح حکومت بلکه در سطح عموم عملی میشود و با پیوند های ظاهری و جسمانی پیوند های معنوی دلها را استحکام می بخشد آنگونه که جهان را برآستی بشکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده خواهند بود .

و به این ترتیب علم و دانش و صنعت در اختیار بهسازی وضع جهان و تحکیم

پایه های اخوت و برادری - و نه در راه ویرانگری - قرار خواهد گرفت .

### ۳ - طرح عظیم اقتصادی :

میدانیم برای رسیدن به هدفهای معنوی و تکامل انسانها یکی از شرایط اساسی مبارزه با فقر اقتصادی است و فراهم آوردن حد لازم برای زندگانی آبرومندانه همه انسانها است .

بنا بر این سومین خط اصولی برنامه حکومت مهدی که مقدمه ای است برای آمادگی تعلیمات معنوی و انسانی همان تنظیم یک طرح اقتصادی کامل و خودکفا برای سراسر جهان انسانیت است .

زمینی که در آن زندگی می کنیم امکانات فراوانی برای زندگی ما و نسل های آینده و جمعیت هائی بسیار زیادتر از جمعیت کنونی ما دارد ، اما عدم آگاهی کافی به منابع موجود و منابع بالقوه زمین از یک سو و عدم وجود یک نظام صحیح برای تقسیم ثروت زمینی از سوی دیگر سبب احساس کمبود از جنبه های مختلف شده است تا آنجا که در عصر ما همه روز گروهی از انسانهای مفلوک از گرسنگی می میرند .

نظام حاکم بر اقتصاد جهانی امروز که یک نظام استعماری است در کنار خود یک نظام جنگی ظالمانه را پرورش میدهد که قسمت مهمی از نیروهای فکری و انسانی را که می بایست بطور مداوم و پویا در جستجوی منابع جدید برای بهسازی زندگی انسانها به تلاش برخیزند می بلعد و نابود میکند .

اما به هنگامی که این نظام و نظام جنبی آن دگرگون شود نیروها برای استخراج منابع بیشمار زمینی بکار میروند و علم و دانش پیشرو در اختیار این برنامه قرار میگیرد و بسرعت منابع تازه ای کشف میگردد و شکوفائی خاصی به اقتصاد بشریت می بخشد .

لذا در روایات مربوط به حکومت آن مصلح بزرگ اشارات پر معنائی باین توسعه اقتصادی دیده میشود که از هرگونه توضیح بی نیاز است از جمله در حدیثی چنین میخوانیم :

" انه یبلغ سلطانہ المشرق و المغرب و تظہر لہ الکنوز و لا یبقی فی الارض خراب الامرہ "

یعمیره (منتخب الاثر ص ۴۸۲)

حکومت او شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنجینه های زمینی برای او ظاهر میگردد در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر اینکه آن را آباد خواهد ساخت .

و برآستی باید چنین شود زیرا ویرانیهای زمینی نه بخاطر کمبود نیروی انسانی است و نه کمبود مالی بلکه مولود ویرانگری انسانها و صرف بیهوده صنایع مالی و انسانی و عدم احساس مسئولیت است و هنگامیکه اینها در پناه یک نظام صحیح اجتماعی بر طرف گردد این آبادی حتمی است بخصوص که از پشتوانه منابع جدید فوق العاده ای نیز برخوردار خواهد بود .

در حدیث جالب دیگری از امام صادق (ع) میخوانیم :

" اذا قام المقائم حکم با العدل و ارتفع الجور فی ایامه و آمنت به السبل و اخرجت الارض برکاتها و رد کل حق الی اهله . . . و حکم بین الناس بحکم داود و حکم محمد (ص) فحینذ تظهر الارض کنوزها و تبدی برکاتها و لایجد الرجل منکم یومئذ موضعا لصدقه و لالبره لشمول الفنی جمیع المومنین "

هنگامیکه قائم قیام کند حکومت را بر اساس عدالت قرار میدهد و ظلم و جور در دوران او برچیده میشود و جاده ها در پرتو وجودش امن و امان میگردد ، زمین برکاتش را خارج میسازد و هر حقی به صاحبش میرسد در میان مردم همانند داود و محمد داروی میکند در این هنگام زمین گنجهای خود را آشکار میسازد و برکات خود را ظاهر میکند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد زیرا همه مؤمنان بی نیاز و غنی خواهند شد . . .

تکیه روی ظاهر شدن برکات زمینی و خارج شدن گنجها نشان میدهد که هم مسئله زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود میرسد و هم تمام منابع زیرزمینی کشف و مورد استفاده قرار میگیرد و درآمد سرانه افراد آنقدر بالا میرود که در هیچ جامعه ای فقری پیدا نمیشود و همه به سرحد بی نیازی و خودکفائی میرسند .

و بی شک اجرای اصول عدل و داد و جذب نیرو های انسانی به مسیرهای سازنده چنین اثری را خواهد داشت زیرا همانگونه که گفتیم گرسنگی و فقر و نیازمندی بر اثر

کمبودها نیست بلکه نتیجه مستقیم و غیر مستقیم مظالم و تبعیضها و بیدادگریها و تلف شدن نیروها و هدر دادن سرمایه هاست!

در حدیث دیگری که در منابع اهل تسنن آمده است از ابوسعید خدری چنین نقل شده:

"قال رسول الله (ص) ابشركم بالمهدى يملاء الارض قسطا كما ملئت جورا و ظلما يرضى عنه سكان السماء والارض يقسم المال صحاحاً فقال رجل ما معنى صحاحاً قال با السويه بين الناس و يملاء قلوب امة محمد ص غنى و يسعهم عدله حتى ياء مر منادياً ينادى يقول من له با المال حاحه فليقم فما يقوم من الناس الارجل واحد (ثم يامر له با المال فيا خذتم يندم ويرده) ."

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

"شما را بظهور مهدی (ع) بشارت میدهم زمین را پراز عدالت میکند همانگونه که از جور و ستم پر شده است ساکنان آسمانها و ساکنان زمین از او راضی میشوند و اموال و ثروتها را بطور صحیح تقسیم میکند."

کسی پرسید: معنی تقسیم صحیح ثروت چیست؟

فرمود:

بطور مساوی در میان مردم.

سپس فرمود:

و دلنهای پیروان محمد (ص) را پراز بی نیازی میکند عدالتش همه را فرامیگیرد تا آنجا که دستور میدهد کسی با صدای بلند صدا زند هرکس نیاز مالی دارد برخیزد هیچکس جز یک نفر بر نمیخیزد.

سپس در ذیل حدیث میخوانیم که امام دستور میدهد مال قابل ملاحظه ای به او بدهند اما او به زودی باز میگردد و پشیمان میگردد که چرا آزمند و حریص بوده است.

#### ۴ - کنترل و نظارت دقیق:

بحث از این است که در حکومت مهدی آنچنان اصول عدالت اجرا میشود که



هیچ مظلومی بی پناه باقی نمی ماند بلکه اصولاً "مظلومی معمولاً" وجود نخواهد داشت و اگر استثناء "شخصی مورد ستم و تجاوز قرار گیرد (چون مسلماً "آزادی اراده در آن زمان وجود دارد و انسانها معصوم نخواهند بود) در نخستین فرصت احقاق حق میشود و دست متجاوز و ستمگر کوتاه میگردد این کار قطعاً "بدون یک سیستم کامل کنترل و سپس قضاوت امکان پذیر نیست عبارت دیگر :

برای مبارزه با فساد و تجاوز و ستم از یکسو تقویت پایه های ایمان و اخلاق لازم است و از سوی دیگر بوجود آمدن یک سیستم صحیح و نیرومند قضائی با هوشیاری کامل و احاطه وسیع :

مسلماً "پیشرفت کامل صنایع و وسایلی را در اختیار بشر می گذارد که با آن بخوبی میتوان در مورد لزوم - حرکات همه مردم را تحت کنترل قرار داد و هر حرکت ناموزون و نابجائی را که منتهی بفساد و تجاوز و ستمی میشود زیر نظر گرفت و با علائم و آثاری که مجرمان در محل جرم باقی می گذارند از آنها عکسبرداری کرد ، صدای آنها را ضبط نمود و آنها را بخوبی شناخت قرار گرفتن چنین وسایلی در اختیار یک حکومت صالح عامل مؤثری برای پیشگیری از فساد و ستم در صورت وقوع چنین موضوعی رساندن حق به صاحب حق است .

شک نیست که در عصر آن مصلح بزرگ جهان آموزشهای اخلاقی با وسایل ارتباط جمعی فوق العاده پیشرفته آنچنان وسعت میگیرد که اکثریت قاطع مردم جهان را برای یک زندگی صحیح انسانی و آمیخته با پاکی و عدالت اجتماعی آماده سازد . ولی از آنجا که بالاخره انسان آزاد آفریده شده و در اعمال خویش از اصل جبر پیروی نمیکند خواه ناخواه افرادی - هرچند در اقلیت باشند - در هر اجتماع صالح ممکن است پیدا شوند که از آزادی خود سوء استفاده کنند و از آن برای وصول بمقاصد شومی بهره گیرند .

لذا باید یک دستگاه قضائی سالم و کامل " آگاه و مسلط باشد که حقوق مردم را بآنها برسانند و ستمگر را بر سر جای خود بنشانند .

با مطالعه و دقت روی جرائم و جنایات و مفاسد اجتماعی و طرق پیشگیری از آنها روشن میشود که اولاً " با اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت ریشه

بسیاری از مفسد اجتماعی که از تنازع و کشمکش بر سر انداختن ثروتها و استثمار طبقات ضعیف و حيله و تزوير و انواع تقلبها و دروغ و خیانت و جنایت بخاطر درآمد بیشتر از هر راه با هر وسیله سرچشمه میگیرد برچیده میشود و شاید رقم بزرگ فساد و ظلم در هر جامعه ای از همین رهگذر است .

یا از میان رفتن ریشه اصلی شاخ و برگها خود بخود می خشکد .  
این از یک سو . . . از سوی دیگر :

آموزش و تربیت صحیح اثر عمیقی در مبارزه با فساد و تجاوز و انحرافات اجتماعی و اخلاقی دارد و یکی از علل مهم توسعه فساد در جوامع امروز این است که نه تنها از وسائل ارتباط جمعی از آن استفاده برای آموزش صحیح نمی شود بلکه همه آنها غالباً " در خدمت کثیف ترین و زشت ترین برنامه های استعماری فساد است و شب و روز بطور مداوم از طریق آراء فیلمهای بدآموز و داستانها و برنامه های گمراه کننده و حتی اخبار دروغ و نادرستی که در خدمت مصالح استعمار جهانی است به ظلم و تبعیض و فساد خدمت میکند .

البته اینها نیز از جهتی ریشه اقتصادی دارد و در جهت تخدیر مغزها و به ابتدال کشیدن مفاهیم سازنده و نابود کردن نیروهای فعال و بیدار هر جامعه برای بهره گیری بیشتر غولهای استعمار اقتصادی حرکت میکند بی آنکه بمانع مهمی روبرو شوند .

هرگاه این وضع دگرگون گردد در مدت کوتاهی بطور قطع قسمت مهمی از مفسد اجتماعی فرو خواهد نشست و این کار جز از یک حکومت صالح و سالم جهانی که در مسیر منافع توده های جهان - و نه استثمارگران - برای ساختن جهانی آباد و آزاد و مملو از صلح و عدالت و ایمان ساخته نیست .

از سوی سوم ، وجود یک دستگاه قضایی بیدار و آگاه با وسیله مراقبت دقیق که نه مجرمان از چنگ آن فرار کنند و نه از عدالت سر باز زنند نیز عامل موثری در کاهش از میزان فساد و گناه و تخلف از قانون است .

و اگر این سه جنبه دست بدست هم بدهد ابعاد تاثیر آن فوق العاده زیاد خواهد بود .

از مجموع احادیث مربوط بدوران حکومت مهدی (ع) استفاده میشود که او از تمام این سه عامل بازدارنده در عصر انقلابش بهره میگیرد. آنچنانکه جمله معروفی که حکم ضرب المثل را دارد جامعه عمل بخود میپوشد همان جمله که میگوید:

زمانی فرا میرسد که گرگ و میش در کنار هم آب میخورند مسلماً "گرگان بیابان تغییر ماهیت نمی دهند لزومی هم ندارد که چنین شود و نه میشها از حالت کنونی درمی آیند این اشاره به برقراری عدالت در جهان و تغییر روش گرگ صفتان خونخوار که با سازش با حکومتهای جبار قرنهای بخوردن خون قشرهای مستضعف جامعه انسانی ادامه میدادند می باشد.

آنها در پناه نظام جدید یا بکلی تغییر روحیه میدهند چرا که گرگ صفتی هرگز جزء سرشت بشر نبوده و نیست و از نهاد های عرضی و قابل تغییر است و یا حداقل بر سر جای خود می نشینند و بجای خوردن منافع دیگران در کنار آنها از مواهب الهی بطور عادلانه بهره میگیرند همانگونه که گرگ در کنار میش و بر سر "چشمه".

در غیر این دو صورت مشمول تصفیه شده و وجودشان از میان برداشته خواهد شد.

از جمله اشارات قابل توجه در این زمینه همان است که در مورد تقسیم صحیح مال در حدیثی از پیامبر نقل شده که آنقدر مردم غنای جسمی و روحی پیدا میکنند که اموال اضافی می ماند و طالبی ندارد یعنی مردم در یک نظام صحیح حکومت آنچنان تربیت میشوند که اموال زائد بر نیاز خود را در دسری برای خویش می بینند و تمام شور و شرها و قال و غوغائی که از این رهگذر پیدا میشود فرو می نشیند. زندگی همه تامین و از آینده نیز هیچگونه نگرانی نخواهند داشت تا بخاطر تامین آن تن به آلودگیها و مسابقه جمع ثروت بدهند و نیز در حدیث دیگری خواندیم که سطح افکار مردم در عصر حکومت او چنان بالا میرود که بهیچوجه با امروز قابل قیاس نیست، و طبعا "تضادها و کشمکشهایی که مولود کوته نظریها و تنگ چشمیها و پائین بودن سطح افکار و خلاصه کردن شخصیت در میزان مال و ثروت است برجیده خواهد شد.

گفتار چہارم

انقلاب مہدی<sup>(ع)</sup>  
وسر انجام جامعہ ہا

نوشته: استاد جعفر سبحانی - قم  
گفتار: ۴

### انقلاب مهدی و سرانجام جامعه‌ها

- ۱ - آیاهمه جامعه‌ها و تمدن‌ها، و فرهنگ‌های مختلف در یک جامعه واحد و در فرهنگ واحد ادغام میشوند، و صلح و صفا جای ستیزه‌جوئی و خونریزی را میگیرد.
- ۲ - در صورت مثبت بودن پاسخ به پرسش، یک چنین اظهار عقیده معلول ساده انگاری و خوش بینی نیست بلکه به خاطر "افزایش رشد اجتماعی بشر" و "فطری بودن میل به تکامل" در انسان است.
- ۳ - نظریه دانشمندان در این مورد، با وحدت جامعه‌ها موافق است.
- ۴ - قرآن از تکامل جامعه‌ای انسانی که همگی زیر لوای توحید گرد می‌آیند گزارش می‌دهد.
- ۵ - احادیث اسلامی از افزایش رندها و خردها، از تکامل صنایع، از تسلط بشر بر گنجینه‌های زمین، از گسترش عدل و داد و برقراری حکومت واحد جهانی در دوران ظهور حضرت مهدی (ع) گزارش میدهد.

چهره واقعی انسان اجتماعی، آنگاه بخوبی روشن میشود که از کلیه غرائز و نهادهای درونی او که زیربنای زندگی اجتماعی او را تشکیل میدهد، و طراح سرنوشت زندگی اجتماعی او می باشد، آگاه باشیم.

نگاه سطحی و نگرش کوتاه در زندگی انسان، ما را از سرانجام و سرنوشت بشر در آینده آگاه نمی سازد زیرا او موجودی دو چهره است و به تعبیر معروف "صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی".

چهره ظاهری و برونی جامعه انسانی، کاملاً "یاس آور است و خطوط برجسته سیمای او را، شقاوت و بدبختی، جنگ و ستیزه جوئی، ترک عواطف و افزایش سلاحهای هسته ای، ناسامانیهای اخلاقی و فکری و ... تشکیل میدهد.

هرگاه وسیله شناخت و محور قضاوت ما درباره سرنوشت انسان، همین خطوط ظاهری آن باشد قطعاً "باید از تکامل بشریت و بازگشت انسان به خویشتن مایوس گردیم و پیوسته در انتظار فاجعه ها باشیم فاجعه هایی که انسان و تمدن ماشینی و صنعتی او را هرچه زودتر به کام خود فروکشیده و از "تاک و تاک نشان" اثری باقی نخواهد گذارد.

در حالی که زیر این چهره کریه و ناخوشایند انسان، چهره واقعی او، پوشیده مانده و پیوسته امید بخشش و سرور آفرین میباشد و میگوید: پشت سر این شب ظلمانی، روز روشنی وجود دارد و پایان این شب سیه سپید است.

### علت امیدواری :

علت اینکه به آینده بشرا امیدوار هستیم، دو چیز است، یکی از این دو چیز / عبارت است از: افزایش رشد اجتماعی، دیگری عبارت است از: فطری بودن تکامل اینک تشریح هر دو علت .

### ۱ - افزایش رشد اجتماعی :

چیزیکه ما را به آینده بشر و تحول عمیق در زندگی انسانها، امیدوار می سازد یک رشته صفات عالی و سجایای اخلاقی است که با آفرینش او سرنوشت شده است .

و این صفات در طول تاریخ بوسیله رادمردانی بزرگ و پیروان پاک آنها، از طریق: عدالت خواهی، حق طلبی، ایثارگری، مبارزه با ظلم و تعدی، و نثار جان و مال در راه احیای اهداف عالی، خود را نشان داده و ثابت کرده است که در وجود انسان علاوه بر قوای حیوانی و غرائز نفسانی که مبداء شر و خونریزی است، یک رشته احساسات پاک وجود دارد، که اگر به فعلیت برسند، تمام غرائز حیوانی را کنترل کرده و همه را تعدیل می‌کنند. و در مسیر حق و حقیقت فرار میدهند.

چیزیکه هست احساسات ظریف انسان در طول تاریخ بر اثر کمبود رشد مقهور "خودخواهی" و "جاه طلبی" انسان بوده، و از این جهت قسمت اعظم از صفحات تاریخ او را سیاه ساخته است، ولی این قاهریت و مقهوریت همیشه و پیوسته نیست، چه بسا بر اثر بالا رفتن رشد فردی و اجتماعی در انسان، عقل و خرد، زمام غرائز مرز شناس انسان را به دست گرفته و آنها را کنترل کند، و به صورت نیروی بازدارنده از نفوذ هر یک در قلمرو دیگری، جلوگیری کرده، و مرز هر کدام را مشخص سازد، و در نهایت قوای حیوانی را در خدمت تکامل انسان قرار دهد.

## ۲ - عشق به تکامل از درون انسان شعله می‌کشد:

یک چنین امیدواری علت دیگری دارد و هرگز ناشی از ساده لوحی و یا خوش بینی زیاد نیست، بلکه به خاطر اینستکه علوم انسانی به روشنی ثابت کرده است که عشق به کمال در وجود انسان ریشه هائی دارد و از درون او شعله می‌کشد، و یگانه امتیاز انسان از سایر جانداران، همان عشق به تکامل است و بخاطر همین عشق به تکامل است که هر روز زندگی خود را رنگین تر و متنوع تر میسازد، در حالی که دیگر جانداران میلیونها سال است که درجا میزنند و زندگی یکنواخت و آرام دارند.

هرگاه عشق به کمال با گوشت و خون او آمیخته شده و هیچگاه از او جدا نمی‌گردد، قهرا روزی او را در بستر کمال، در مسیر تکامل قرار خواهد داد، و چیزی نخواهد گذشت که این نقاب کریه از چهره زیبای او برافتاده و چهره معصومانه او را در ظل برقراری یک حکومت جهانی الهی خواهیم دید.

نشانه عشق او بکمال، تکامل زندگی مادی او است، او در طی این قرون از

گوخ نشینی به کاخ نشینی، از تسخیر حیوانات به تسخیر فضا، از بهره‌گیری از سنگهای سه گوش و آتش و مفرغ، به بهره‌گیری از انرژی اتمی، ترقی کرده است، به گونه‌ای که اگر بشرهای نخستین، بار دیگر به این جهان برگردند، جهان را غیر آن جهان، و انسان را غیر آن انسان دیرینه خواهند انگاشت.

ولی بطور مسلم تکامل مادی، تکامل یک بعدی است و هرگز نمی‌توان نام آن را تکامل نهاد اگر ابعاد معنوی با آن توأم نباشد، چه بسا به قیمت نابودی انسان تمام خواهد شد تا آنجا که کارشناسان نظامی تأیید میکنند که قدرت بمبهای هسته‌ای در زرادخانه‌های جهان، به اندازه‌ای است که تنها با بکار بردن چند عدد از آن، میتوان فاتحه انسانیت را خواند، اما با این وصف می‌توان یک چنین تکامل یک بعدی را تکامل واقعی و جامع خواند.

بنا بر این باید گفت: به حکم اینکه میل به تکامل جزو سرشت انسان است، جامعه انسانی هرچه زودتر باید این تکامل یک بعدی را به صورت تکامل در تمام ابعاد، تکامل در مادیات و معنویات درآورد و چهره واقعی خود را از این راه نشان دهد و گرنه تکامل او ضد تکامل خواهد بود.

\* \* \*

در اینجا دو سؤال مطرح می‌باشد، یکی مربوط به وحدت تمدنها و فرهنگها و ادغام همه جامعه‌ها در یک جامعه است، دیگری مربوط به محو ظلم و استثمار و جایگزینی عدل و دادگری بجای آن است، و ما هر دو پرسش را مطرح کرده و بروشنی از آن، پاسخ می‌گوئیم.

#### ۱ - آیا وحدت جامعه‌ها و تمدنها و فرهنگها امکان پذیر است:

آیا روزی فرا میرسد که جوامع مختلف فرهنگها و تمدنهای گوناگون، که هرکدام برای خود آهنگ خاصی دارد، بصورت جامعه واحد، فرهنگ و تمدن واحد، درآیند و زیر پوشش حکومت واحدی قرار بگیرند.

پاسخ این سؤال را بحثهای مربوط به طبیعت جامعه و اینکه گرایش انسان به زندگی اجتماعی چگونه است، میدهد، آیا این گرایش همانطور است که قرآن میگوید:



زندگی اجتماعی طرحی است که خلقت در او قرار دارد و او با انگیزه درونی شبیه غریزه، بسوی زندگی جمعی گام بر میدارد، اگر زندگی اجتماعی او، روی این اصل استوار است قطعا "روح جمع‌گرائی در جامعه بشریت، کم‌کم گسترش بیشتری پیدا کرده و همه جامعه‌ها در جامعه واحدی ادغام خواهند شد.

و به عبارت دیگر: اگر بر زندگی انسان، روح جمع‌گرائی و گروهی، حاکم و سایه افکنده است و سایه آن لحظه به لحظه در حال گسترش است، قطعا "جوامع و فرهنگها و تمدنهای مختلف رو به شکل و وحدت گذارده و درآینده نزدیکی با تکامل فرهنگی و افزایش وسائل ارتباط جمعی، جامعه‌های مختلف آهنگ واحدی پیدا خواهند کرد، و بصورت یک جامعه در خواهند آمد، و آن روحی که مایه پیدایش شکل‌ها و جامعه‌های کوچک شده است، همان روح این جامعه‌ها را در مسیر انسجام و توحید قرار خواهد داد.

درباره علت زندگی اجتماعی انسان، نظریه‌های گوناگونی مطرح شده است. گاهی گفته میشود که زندگی جمعی انسان، معلول حس استعمار و سودجویی انسان است که او را بسوی زندگی جمعی می‌کشد، گاهی گفته میشود که یک محاسبه فکری و عقلی انسان را به زندگی اجتماعی دعوت میکند، زیرا انسان با یک محاسبه آسان در یافته است که تنهایی، به زندگی لذیذ و شیرین، قادر و توانا نیست، و گاهی نظریات دیگری مطرح میگردد.

نظریه صحیح و استواری که مورد تائید دلائل حسی و عینی است، و آیات قرآن نیز آنرا تصدیق میکند این است که زندگی اجتماعی برای انسان یک امر فطری است و چنین زندگی از نخست در خلقت او طراحی شده است<sup>(۱)</sup> (و به اصطلاح گذشتگان "الانسان مدنی بالطبع") در این صورت روح جمع‌گرائی که در طول تاریخ از صورتهای بسیط بصورت کاملتر رسیده است، قطعا درآینده زندگی انسان، گسترش بیشتری پیدا کرده و همه جوامع و فرهنگها و تمدنها، همه حکومتها در جامعه واحدی که یک فرهنگ و یک تمدن و یک حکومت دارد، ادغام میشوند، و نشانه‌های چنین گسترش، در زندگی بشر قرن بیستم، کم و بیش به چشم میخورد.

زیرا در حالیکه در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم ، عده ای بفرآهیا فکر "ناسیونالیسم" و ملیت پرستی بودند ، و گروهی در قیافه های مختلفی از آن به شدت دفاع میکردند ، ناگهان مسئله "انترناسیونالیسم" و لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی ، در چشم انداز متفکران غرب قوت گرفت و جنگهای بین المللی اول و دوم در طول این مدت ، به این اندیشه قوت بخشید ، و آنان با بینائی خاص دریافتند ، که وجود مرزهای مصنوعی میان ملتها ، عامل جنگ و خونریزیها است ، و برای رهایی از این بدبختی ، چاره ای جز این ندیدند که مرزهای مصنوعی را درهم بکوبند ، و همه انسانها را کنار هم ، زیر یک لوا و پرچم و حکومت واحد قرار دهند .

کشتارهای وحشیانه جنگ جهانی اول ، سبب شد که اتحادیه بزرگی به صورت جامعه ملل بوجود آید و در آن ۲۶ کشور عضو و متحد گردند ، تا در سایه آن بتوانند از بسیاری از خونریزیها جلوگیری کنند و مسائل بین المللی را از طریق مذاکره حل و فصل نمایند ولی چون این اتحادیه بصورت ناقص تاسیس شده بود ، نتوانست جهان را از آتش جنگ دوم برهاند .

در اثنای جنگهای بین المللی دوم ، فکر تاسیس یک جامعه جهانی به صورت واقع بینانه تر قوت گرفت و نقطه اتکائی بنام "سازمان ملل متحد" و "اتحادیه های بین المللی ( بوجود آمد و اهداف این سازمان در منشوری بنام "منشور سازمان ملل متحد" تشریح گردید .

متفکران و سیاستمداران بزرگ جهان پیش بینی میکنند که ممکن است سازمان ملل که در حقیقت یک پارلمان جهانی است در آینده بصورت مرکز یک حکومت واحد جهانی درآید ، و وحدت انسانها و برابری تمام بشرها اعلام بدارد .

این نوع جامعه ها و سازمانها و تبلیغ از "انترناسیونالیسم" بجای "ناسیونالیسم" گواه بر این است که ادعای جامعه ها در یک جامعه ، و تبدیل حکومتها ، بیک حکومت جهانی آنچنان اندیشه دور و غیر ممکن نیست بلکه به اندازه ای است که گروهی از متفکران جهان که هوادار حکومت واحد جهانی می باشند در اعلامیه خود که در کنگره توکیو در سال ۱۹۶۳ منتشر کرده اند ، خطوط اساسی طرح خود را آورده اند و خطوط برجسته آن عبارت است از :

- ۱ - پارلمان جهانی .
- ۲ - شورای عالی اجرائی .
- ۳ - ارتش جهانی .
- ۴ - دیوان دادگستری بین المللی . (۲)

این نوع طرز تفکرها و تشکیل چنین کنگره‌ها و طرحها نشانه آن است که طرح الهی که پیامبران و اولیاء گرامی خدا از آن گزارش داده‌اند، در شرف تکوین و در حال جوانه زدن است و آنچه را که فلسفه مهدویت که به آینده نگری خاصی، خواهان حکومت واحد جهانی توأم با وحدت و فرهنگ و تمدنهای می‌باشد اندیشه بس ممکن و قریب الوقوعی است که کم و بیش نشانه‌های آن بچشم می‌خورد .

\* \* \*

## ۲ - صلح و صفا به جای خونریزی :

دومین پرسشی که در اینجا مطرح است این است که تاریخ بشر مملو از جرائم و تعدی است، انسان با شنیدن نام جباران، مستکبران، مترقان، مسرفان، طواغیت، حلاطین، امیران، بیاد خونریزیها، آدمکشیها، تعدیها، تجاوزهای بی حد و حساب می‌افتد، و باخود می‌اندیشد که آیا پایان این شب سیه سپیدی دارد؟ و آیا روزی فرا میرسد که انسان، در زندگی تجاوز و ستم را کنار بگذارد و برادروار کنار هم زندگی کنند .

پاسخ به این سؤال از بحثی که در آغاز مقاله انجام گرفت روشن گردید زیرا در آنجا گفته شد محاسبات فلسفی و اجتماعی ایجاب میکند که انسان به عالیترین درجه کمال مادی و معنوی برسد و حرکت او بسوی کمال، منحصر در جهات مادی نباشد، و جهات معنوی او را نیز در برگیرد، رشد مادی انسان اجتماعی از نظر صنعت و علم قابل انکار نیست، و گسترش قدرت او بر دریا و خشکی، بر همه واضح و روشن است ولی آیا تکامل مادی او که تکامل یک بعدی است، میتواند ضامن سعادت و خوشبختی انسان باشد؟ بطور مسلم نه، زیرا تکامل واقعی آنگاه صورت می‌پذیرد، که در کنار علم و صنعت، در جنب سفاین فضائی، و قمرهای مصنوعی، و زیر دریاییها

و آسمان خراشها و صنایع بزرگ مادر، عدالت و دادگری، رافت، عاطفه و اخلاق و انسانیت نیز حکومت کند، و در غیر اینصورت جامعه بسان مرغ یک پر خواهد بود که با پرش مختصری به زمین افتاده و نابود خواهد شد.

\* \* \*

"علامه طباطبائی در این مورد می نویسد: نوع انسان بموجب فطرتی که خداوند در نهاد او قرار داده، خواستار سعادت حقیقی خود می باشد، و سعادت واقعی در این است که نیازهای جسم و جان او هر دو تامین شود، دنیا و آخرتش هر دو منظور گردد، اینکه می بینیم که گاهی انسان از راه سعادت واقعی منحرف شده و بیراهه می رود، نه از این جهت است که ندای فطرت را نشنیده گرفته و گوش بفرمان آن نداده است بلکه این انحراف ها مولود اشتباه و خطا در تطبیق است. ( او به دنبال سعادت و کمال است، ولی تصور میکند که آن مورد انحرافی تضمین کننده کمال او است) و باید دانست که دستگاه آفرینش به هدف و مقصود نهائی که در پیش دارد دیر یا زود خواهد رسید. (۲)

### قرآن و آینده جامعه ها :

قرآن درباره سرنوشت جامعه ها به روشنی سخن گفته است و با ملاحظه آیاتی که در این زمینه وارد شده است می توان نظریه قرآن در جهات مختلف مسئله، دریافت، و ما آیات دهگانه ای را که در این موضوع وارد شده است در چند بخش مطرح میکنیم:

#### ۱- وارثان زمین صالحانند :

آینده نگری انسان، او را وادار میکند که از آینده جهان و سرنوشت بشر خبری به دست آورد زیرا از سپیده دم تاریخ نزاع و نبرد پیوسته میان صفوف حق و باطل، برقرار بوده و پیروزی دست به دست میگشت و به تعبیر قرآن "و تلک الایام نداولها بین الناس (آل عمران آیه ۱۴۰)

"ما ایام و روزهای (شیرین پیروزی) را میان مردم دست به دست می گردانیم" با اینکه روش تاریخ بشر تاکنون، صورت مبادله پیروزی بوده است ولی قرآن

معتقد است که سنت الهی را بر این تعلق گرفته که در آینده، فقط صالحان وارثان زمین خواهند بود، و حکومت جهان و اداره امور را به دست خواهند گرفت و حق حقیقت در موضع خود استوار خواهد بود و باطل بر آن پیروز نخواهد شد. و همه جهانیان زیر لوای حکومت صالحان قرار خواهند گرفت و حکومت واحدی بر جهان مستولی خواهد شد چنانکه میفرماید:

"ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذکر ان الارض يرثها عبادي الصالحون (انبیا آیه ۱۰۵)  
ما در کتاب زیور، پس از "ذکر" (شاهد مقصود تورات باشد) چنین نوشتیم،  
که در آینده صالحان و پاکان، وارثان زمین خواهند بود، و صفحه جهان برای ابناء  
از لوث وجود افراد نا صالح پاک خواهد شد.  
و در آیه دیگر باز میفرماید:

"وعدالله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف  
الذين من قبلهم" (سورهٔ نور آیه ۵۵)

خداوند به افراد با ایمان از شما را که دارای عمل نیک هستند، وعده قطعی  
داده است که آنان را خلیفه و جانشینان خود در روزی قرار خواهد داد.  
جانشینی این گروه از خداوند، یا از پیشینیان در روی زمین همان تدبیر امور  
زندگی، و برقراری عدل و عدالت در اجتماع و توسعه عمران و آبادی در زمین است.  
در آیه سوم، سرانجام از آن تقوی پیشگان میدانند و یادآور میشود که:

"و العاقبه للتقوی" (سورهٔ طه آیه ۶۱-۱۳۲)

سرانجام اینک در تقوی و پرهیز کاری است.

## ۲ - استقرار آئین خدا و گسترش امنیت در جهان:

قرآن معتقد است که سرانجام، خداوندی آئینی را که برای بنندگان خود  
پسندیده است در روی زمین مستقر خواهد ساخت، آئینی که از هر نوع شرک و  
دوگانه پرستی پیراسته می‌باشد.

در آن روز امنیت سراسر جهان را فرا خواهد گرفت پیروان حق، بدون وا همه  
و ترس، خدای جهان را پرستش خواهند کرد، دیگر اثری از تقیه و معاشات با مخالفان

و گروههای باطل وجود نخواهد داشت . چنانکه میفرماید :

"ولیکنن لهم اینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلهم من بعد خوفهم انا یعبد و ننی لایشرون بی شیئا" (سوره نور آیه ۵۵)

آئینی را که برای آنان پسندیده مستقر خواهد ساخت و به آنان پس بیم و ناامنی، امنیت خواهد بخشید مرا عبادت خواهند کرد و کسی را شریکی قرار نخواهند داد .

### ۳ - گسترش اسلام در سراسر جهان :

قرآن در دو مورد از برقراری آئین اسلام در جهان، و پیروزی آن، بردینهای دیگر خبر داده است و این گزارش غیبی تا کنون محقق نگردیده و طبق روایات ظرف تحقق آن، دوره دیگری است که در آن، آخرین وصی پیامبر حضرت مهدی (ع) زمام امور را بدست میگیرد و اسلام را در سراسر شرق و غرب منتشر سازد چنانکه میفرماید :

"هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون (توبه آیه ۳۳) و (سوره صف آیه ۹)

او است که پیامبر خود را با هدایتها و آئین استواری فرستاده است تا دین حق را بر تمام دین ها پیروز گرداند هر چند گروه شرک آنها دوست نداشته باشند .

در آیه دیگر، همین مطلب را به تعبیر دیگر و اینکه "نور خدا خاموش شدنی نیست" وارد شده است چنانکه میفرماید :

"یریدون لیطفنوا نور الله بافواهم والله متم نوره ولو کره الکافرون" (صف آیه ۸)

میخواهند نور خدا را با دهان های خود خاموش کنند، خداوند نور خود را به پایان میرساند هر چند کافران دوست نداشته باشند .

### ۴ - پیروزی پیامبران :

پیامبران در طول تاریخ برای اشاعه مکتب خود، مجاهدتها و کوششها کرده اند ولی هرگز نتوانسته اند مکتب خود را در سراسر جهان پیاده کنند و در هر عصری گروههای بیشماری به مخالفت با پیامبران برخاستند و سد راه آنان بودند .

ولی قرآن مبارزه‌های اهل باطل را با مکتب حق یک مبارزه موقت تلقی میکند و معتقد است که سنگرهای باطل سرانجام فروریخته و برنامه پیامبران در جهان گسترش پیدا خواهد کرد.

قرآن این حقیقت را طی آیاتی چند بیان میکند:

" انا لنصر رسولنا والذین آمنوا فی الحیاة الدنیا فی الآخرة " ( غافر آیه ۵۱ )

ما پیامبران و فرستادگان خود و افراد باایمان را در دنیا و آخرت کمک میکنیم.

قرآن در آیه دیگر از تعلق مشیت الهی بر پیروزی پیامبران در آینده سخن

میگوید آنجا که میفرماید:

" ولقد سبقت کلمتنا لعیبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون "

( صافات آیه ۱۷۲ )

اراده و مشیت ما به پیروزی پیامبران تعلق گرفته است، آنان کمک شده گان

هستند و سپاه ما ( سپاه توحید ) پیروز است.

و در آیه دیگر میفرماید: " کتب الله لاء غلبن انا و رسلی " ( محادله آیه ۱۲ )

خداوند بر خود واجب و لازم شمرده است که او و پیامبران وی بر قوای کفر

غلبه کنند.

۵- در مبارزه حق و باطل، حق پیروز است:

آیات قرآنی نه تنها نظام تکوین را نظام خیر، و غلبه خیر بر شر میدانند بلکه

سرانجام نظام اجتماعی انسان را، نظام استوار میدانند که در آن نظام توحید بر

نظام شرک و طاغوت غلبه کرده و پیروزی از آن صالحان و راستگویان خواهد بود از

این جهت می‌فرماید:

" بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق " ( انبیا آیه ۱۸ )

ما حق را بر باطل می‌زنیم و آنرا نابود می‌سازیم ناگهان آن پوچ و تباه است.

قرآن در آیه دیگر حق و باطل را به آب و کف تشبیه میکند، باطل بسان کف

بردوش حق سوار میشود و با حرکت حق، حرکت میکند، اما دیری نمی‌پاید باطلهای

کف گونه، فروکش کرده و حق و حقیقت بسان آب حیات در دلها باقی می‌ماند آنجا

که میفرماید :

" اما الزبد فيذهب جفاء و اما ما ينفع الناس فيمكث في الارض " ( رعد آیه ۱۷ )  
کفها روی آب نابود میشوند و آنچه برای مردم مفید است در زمین باقی میماند .

۶ - کمک های غیبی در سرانجام جامعه ها :

قرآن معتقد است که در سرانجام جامعه ها افراد فداکاری پیدا میشوند که با تمام قدرت در عزت اسلام و دلت کفر می کوشند و از این طریق به گروهک ها هشدار میدهد، که اگر از جاده مستقیم توحید منحرف شوند و به وی جاهلیت بازگردند هرگز آئین حق با انحراف آنان نابود نمی شود . و در طول تاریخ که جامعه انسانی رو به کمال است ، افرادی پیدا میشوند که خداوند آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند ، آنان در مقابل گروه با ایمان متواضع و در برابر کافران عزیز و سرکشند ، در راه خدا کوشش میکنند و از سرزنش و سرزنش کنندگان نمی ترسند ، آنجا که میفرماید :  
" يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف ياتي الله بقوم يحبهم و يحبونه  
اذله على المومنين اعزلة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم " ( مائده آیه ۵۴ ) .

\* \* \*

اکنون باید این وعده ها و نویدهای قرآن که تاکنون بصورت جهانگیر و عالمی جامعه عمل نپوشیده است کی تحقق خواهد پذیرفت ، این مشکل را میتوان با مراجعه به روایات صحیح اسلامی گشود ، روایات اسلامی انگشت روی این مجهولهای گذارند و از تحقق این نوید ها در عصر حضور امام زمان گزارش میدهند .  
روایات از یک رشته تکاملها و پیشرفتها در عقول و خرد در صنایع و تکنیک ، گزارش داده همچنانکه از جهانی شدن عدل اسلامی و آئین توحید قاطعانه خبر میدهد اینک این روایات را بصورت فشرده در اینجا می آوریم . و از هر موضوعی تنها بنقل یک حدیث اکتفاء می کنیم .



سرانجام جامعه‌ها از نظر احادیث اسلامی :

۱- تکامل عقول و خردها :

مرور زمان و تجارب تلخ و شیرین ، مایه شکوفائی عقل انسانی می‌گردد و بشر در پرتو الطاف الهی درمی‌یابد که : دیگر ، سازمانهای بشری و تدابیر انسانی قادر به حل تضادها و مشکلات نیست از این جهت بی‌درنگ به‌ندای حضرت قائم پاسخ می‌گویند و انسانها با رضایت خاطر ، به انقلاب امام می‌پیوندند .

امام باقر (ع) در این مورد می‌فرماید : اذا قائم قائمنا وضع الله یده علی رؤس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم . (۴)

آنگاه که قائم ما قیام کند ، خداوند دست لطف و رحمت خدا را بر سر بندگان خود می‌گذارد و از این طریق ، به عقول آنان وحدت می‌بخشد و به وسیله او خردهای آنان تکامل پیدا میکند .

۲- تکامل صنایع :

یک انقلاب جهانی ، بدون تکامل صنایع امکان پذیر نیست ، رهبر انقلابی که می‌خواهد صدای خود را به آخرین نقطه جهان برساند ، بدون تکامل تکنیک ، امکان پذیر نمی‌باشد ، از این جهت احادیث اسلامی نوید می‌دهد که در عصر ظهور امام ، صنایع بحدی تکامل پیدا میکند که جهان حکم یک شهر را پیدا میکند و افرادی که در خاور زندگی میکنند ، کسانی را که در باختر زندگی میکنند ، می‌بینند و سخنان آنان را می‌شنوند .

چنانکه امام در این مورد می‌فرماید : ان المؤمن فی زمان القائم و هو بالمشرق لیری اخاه بالمغرب و کذا الذی فی المغرب یری اخاه الذی بالمشرق . (۵)

در زمان قائم ، فرد با ایمان که در مشرق زندگی میکند ، برادر خود را که در مغرب زندگی میکند ، می‌بیند .

در حدیث دیگر مطلب بطور روشن تر بیان شده است و آن اینستکه :

"ان قائمنا اذا قام مدالله لشيئنا في اسماعهم و ابصارهم ، حتى لا يكون بينهم وبين القائم يرید يكلمهم ، فيسمعون و ينظرون اليه و هو مكانه" (۶)

آنگاه که قائم ما قیام میکند خدابه دیدگان و گوشهای پیروان او قدرت میبخشد تا آنجا که میان آنان و رهبر خود ، حائلی باقی نمی ماند او با آنان سخن می گوید ، و سخنان او را می شنوند و به او می نگرند در حالیکه او در جای خود قرار دارد .

( تکامل وسائل ارتباط جمعی )

جهانیان در پوشش اسلام در می آیند :

احادیث اسلامی نویدهای قرآنی را درباره جهانی گشتن آئین اسلام ، بر ظهور امام قائم تطبیق میدهد آنجا که امام باقر (ع) میفرماید :

"يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله عز وجل به دینه علی الدین کله و لـو کره المشرکون" (۷)

قدرت و تسلط او شرق و غرب را فرا میگیرد و خدا وسیله او ، دین خود را بر تمام ادیان پیروز میگرداند هرچند مشرکان دوست نداشته باشند .

### تکامل اخلاقی :

در محاسبات گذشته به این نقطه رسیدیم که تکامل حقیقی باید ابعاد مادی و معنوی داشته باشد و تکامل یک بعدی ، تکامل واقعی نیست .

احادیث اسلامی از تکامل اخلاقی در عصر ظهور امام دوازدهم گزارش می دهد / آنجا که همه محدثان اسلامی این جمله را از پیامبر نقل میکنند که یکی از ویژگیهای حکومت امام قائم ، گسترش عدل و داد و برجیده شدن بساط ظلم و ستمگری است و جمله "يعلاء الارض قسطا و عدلا" بیانگر این تکامل اخلاقی است .

### ترمیم خرابی‌ها :

احادیث اسلامی از آبادی جهان و تسلط بشر برگنجینه‌های نهفته در دل زمین در زمان ظهور امام بروشنی گزارش میدهد و جمله یاد شده در زیر در روایات ما وارد شده است .

"و تظهر له الكنوز ولا يبقى في الارض خراب الا يعمره" ( منتخب الاثر ص ۴۸۲ ) .  
گنجینه‌های نهفته در دل زمین در اختیار امام قرار گیرد و او با نفوذ و قدرت مادی و معنوی که دارد ، تمام ویرانی‌های موروث از تسلط ظلم و جور را آباد میکند . نتیجه اینکه آنچه را که محاسبات عقلی و اجتماعی درباره سرانجام جامعه‌ها نشان میداد ، مورد تصدیق قرآن و احادیث اسلامی قرار میگیرد ، چیزی که هست ، احادیث اسلامی زمان و وقت این تکامل‌ها را به روشنی تعیین میکند و ظهور امام قائم را همگام با این تحولات میداند .

گفتارِ بیجم

امید و انتظار

نوشته : حسین حقانی زنجانی  
گفتار: ۵

## امید و انتظار

اصل ضرورت امید و انتظار و آثار مختلف آن در زندگانی فردی و اجتماعی انسانها مسئله ایست غیر قابل انکار و در عینیت جامعه نیز جلوه ها و شواهد آنرا بروشنی می بینیم و اصولاً "پیروزی و شکست و عذاب و سعادت و شقاوت در زندگی این دنیا و سرای آخرت در رابطه نزدیکی یا اعمال یا زیر بنای امید و انتظار و کیفیت آن قرار دارد .

این ، خصیصه تمام انسانها در تمام عصرها و زمانها در هر فرقه و طایفه ای است و هیچ انسانی بمقتضای فطرت خویش از امید و انتظار فی الجمله خالی نیست و برای حفظ شخصی از انحراف و خطا و ایجاد مقاومت در برابر مشکلات و گرفتاریها و

بالاخره حرکت بسوی تکامل و ابتکار و پیشرفت و بکار انداختن سرمایه های ارزنده انسانی، هیچ وسیله ای بهتر از امید و انتظار، کارساز نیست و در مقابل، برای نابودی شخصیت والای انسانها و تخریب کلیه امکانات اجتماعی یک جامعه هیچ زهری موثرتر از ناامیدی و یأس نیست.

دشمنان انقلاب اسلامی نیز برای بن بست کشاندن جمهوری اسلامی و سقوط آن از این حربه مهلک و کشنده ایجاد یأس توسط عمال داخلی خود استفاده میکنند و اسلام و بدنبال آن رهبری انقلاب، امام امت نیز با توجه به آثار سوء ناامیدی و یأس، به پیروان خود را همواره با امید و کوشش و مقاومت و صبر و تحمل و فداکاری دعوت میکند.

لاتیاء سوا من روح الله انه لایبأس من روح الله الا الکافرون. (۱)

"ای مسلمانان از رحمت پروردگار نا امید نشوید زیرا جز کافران از رحمت خدا نا امید نیستند"، زیرا آثارهای فحشاء و فساد و مسکرات و بی بند و باریها نشان میدهد که ریشه اغلب گرایش باین امور باطل را همان یأس و ناامیدی از زندگی و پیروزی قطعی حق بر باطل تشکیل میدهد.

تمام مکاتیب دنیا از قدیم و جدید و تمام ادیان آسمانی و حتی ادیان ساخته شده دست بشر، در ضرورت و عینیت مسأله "امید و انتظار" اتفاق نظر دارند و لکن در محتوای انتظار و مقصود و منظور اصلی از آن و کیفیت و مورد آن، اختلافهای اساسی وجود دارد و این اختلافها و برداشتها، بر اساس خط مشی و هدف اساسی و کیفیت تلقی انسان استوار است و از اینجا می توان به اصالت مکتبها و دین ها و آئین ها پی برد و مقدار فطری بودن و غیر فطری بودن آنها را دریافت که کدام یک نسخه های شفابخشی در مورد عاقبت زندگی و پایان حیات انسانهای فرسوده و خسته و مریض می دهد و فکر و اندیشه انسانها را اقناع و انسانهای تشنه حقایق را سیراب می کند؟ و کدام یک، بشرها را گمراه و به فساد می کشاند؟.

در میان مکاتیب و ادیان آسمانی موجود، تنها اسلام است که اهمیت خاصی به مسأله انتظار و امید و برای آن کیفیت خاصی پیش بینی کرده است، آیات و اخبار و روایات زیادی در این مورد وجود دارد که شما می توانید با مراجعه به قرآن و کتب

اخبار آنها را بدست آورید .

و در میان فرق مختلف اسلام نیز تنها مذهب تشیع است که به مسئله انتظار و امید عنایت بخصوصی داشته و بآن ، در زندگی انسانها عنایت خاصی می بخشد و آنرا در مسأله " انتظار ظهور مهدی امام دوازدهم " متبلور میسازد .

گو اینکه اساس چنین انتظاری در تمام ادیان موجود کم و بیش وجود دارد چنانکه زرتشتیان بجنگ دائمی " اهورمزدا " و " اهریمن " و پیروزی نهائی اهورمزدا اعتقاد دارند و تکلیف دینی خود را همکاری با خدا در آبادی دنیا و غلبه بر شیطان میدانند و حتی انتظار مصلح آخر الزمانی را میکشند و آنرا " سوشیانی " می نامند . و برهمنان نیز نظیر همین عقیده را داشته ، انتظار مصلحی بنام " ویشنو " را می کشند و در دین مسیح نیز زمینه " چنین انتظاری از قبیل بازگشت مسیح ، ظهور مسیای موعود ، وجود دارد چنانکه یهودیها نیز منتظر مصلحی بنام " ماشیح " مهدی بزرگ ، از نسل اسحاق می باشند .

و در روایات و اخبار معتبر وارد در کتب اهل سنت نیز با وجود برخی از مسائل حکومتی متجاوز از ۵۰۰ روایت از رسول اکرم (ص) در مسئله مهدویت و انتظار امام غائب از دودمان رسالت وارد شده است که همگی اینها میسراند که این ، مسأله اتفاقی بین مسلمین می باشد .

لکن در مذهب شیعه ، این مسأله تبلور خاصی داشته و از اصل و اساس و آثار مترتب بر آن با سایر مکاتب بلکه با سایر فرق اسلامی نیز فرق فاحشی دارد بطوریکه این مسأله یکی از ارکان عقاید شیعه بشمار میرود و آثار مختلف دنیوی و اخروی - اجتماعی و فردی بر آن بار میشود تا آنجا که مذهب شیعه را در میان سایر ادیان و مذاهب ممتاز گردانیده است .

نتیجه مطالب بالا این شد که مسأله " انتظار امام غائب " در حوزه اسلام نیز ریشه قدیمی داشته و بشخص نبی اکرم (ص) میرسد و علی رغم ادعای برخی از مستشرقین نه از دین زرتشت (دین ایرانیان قدیم) شده است . و نه مسأله انتظار مصلحی ، اختصاص به تشیع دارد و مطالعه کتب و روایات وارد از اهل تسنن ایسن گفته را بخوبی ثابت میکند و یکی از دلائل مقبولیت آن در میان تمام مسلمین و

ریشه دار بودن آن همان ادعای مدعیان مهدویت از اوائل اسلام باین طرف در تمام اقطار اسلامی است و وجه مشترک همه این ادعاها، با قطع نظر از کیفیت ادعا و صحت و سقم آن و علل و انگیزه این ادعا، همان قیام علیه ستمگری خلفاء و حکام و یا داعیه اختلافات مذهبی بوده است.

مسأله "انتظار و قیام مهدی" از جنبه های گوناگون قابل بحث و بررسی است و ما در این مختصر در مورد سه مسأله:

- ۱- فلسفه تاریخی امید و انتظار و در طول تاریخ در مذهب شیعه.
- ۲- قیام مهدی در افق روشن آینده (امید بآینده).
- ۳- فضیلت انتظار از نظر روایات و اخبار و اینکه مراد از انتظار چیست؟

\*\*\*\*\*

### فلسفه تاریخی :

انتظار فرج و اعتقاد به ظهور و پیروزی نهائی، فلسفه تاریخی بقاء شیعه در طول تاریخ اسلام و یکی از رموز نشو و نما و مقاومت در مقابل ستمگران و مخالفان اهل بیت بوده است زیرا طائفه شیعه بجهت عقیده خاص خود در رهبری و مجریان قوانین الهی، همواره در مقابل خلفاء و مدعیان جانشینی رسول اکرم در طول تاریخ قرارداداشتند و مردانه این عقیده را تاکنون با تمام زجرها و اهانتها و قتل و کشتارها و شکنجه هایی که در سینه تاریخ تفصیل آن ضبط شده است حفظ نمودند و انقلاب اسلامی امروز ما نیز دنباله همان قیامها و خونهای ریخته شده در پای درخت اسلام اصیل می باشد.

از نظر تاریخی مسلم است که در طی قرون متمادی هرچه قدرت و رسمیت و امکانات مادی و غیر مادی در عالم اسلام بوده، بدستگاه خلفاء از خلفاء راشدین گرفته تا بنی امیه و بنی العباس تا سلاطین عثمانی، تعلق داشته و هرچه رنج و تعب و گرفتاری و شکنجه و آزار و توسری خوردن بوده، تمام متوجه شیعیان و علماء اسلام بانحاء مختلف گردیده است و خواننده عزیز از این، می تواند به اهمیت انتظار و فلسفه تاریخی آن پی ببرد.



آری! همین بارقه، امید و انتظار فرج است که نه تنها شیعه را در میان مذاهب بعنوان مذهب زنده و پویا و فعال مکتب‌های موجود نگاهداشته بلکه امید به جامعه متمدن خسته و ناامید جهان صنعتی حیران و وامانده میدهد از اینرو است که "دکتر علی وردی" استاد جامعه شناس دانشگاه بغداد در کتاب "وعاظ السلاطین"، شیعه را، "برکان الجامد" - یعنی آتشفشان خاموش میدانند آتشفشانی که هنوز دود و بخار و گاهی تکانهایی از خود بروز میدهد - بیجهت نیست که او عقیده دارد که مذهب تشیع نه تنها مرکز انقلابات اجتماعی زیاد بوده بلکه سرخ جمیع انقلابهای دنیای اسلام، مستقیم و غیرمستقیم، بدست مذهب شیعه و علماء شیعه میباشد و در هر یک از مظاهر مذهبی شیعه (مثل مراسم عزاداری عاشورا - تقیه - اجتهاد - تقلید و...) آثار انقلاب و عناصر اجتماعی مبارزات ملی و مکتبی را می‌توان دید.

فلسفه اصلی این طرز تفکر و مبارزات و کشت و کشتار شیعیان و شکنجه‌های زیاد در طول تاریخ شیعه، همان تفسیر خاصی است از کلمه "اولی الامر" که در آیه؛

"یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم . . ."

- سوره نساء آیه ۵۸ -

"ای مسلمانان از خدا و رسول و صاحبان امر که از خودتان باشد فرمانبرداری نمائید". مطابق این آیه، شیعه هرگز زیر بار زر و زور هر خلیفه و حاکم و سلطانی که خود را خلیفه رسول الله و اولی الامر میدانند، نرفته و نمی‌رود و همواره برای "اولی الامر" شرائطی قائل میباشد و عقیده دارد که "ولی امر" باید تالی تلو "الله" و رسول او بوده و برخلاف امر خدا و رسول او حکمی نکند و تنها از طرف خدا و پیامبرش "بولی امری" منصوب شده و وصایت و امامت داشته باشد در غیاب امام ولی امر بعنوان نایب عام او باید شرائطی از قبیل تقوی و عدالت و علم و صلاحیت و... را داشته باشد و همین عقیده باین مسأله اساسی است که شیعه را از سایر مذاهب اسلامی جدا کرده و در مقابل امویان و بنی العباس و خلفای بعدی که بنام اسلام ستم بر مردم را روا داشته و بناحق حکومت را غصب کرده بودند قرار داد.

با این طرز تفکر مسلماً "اگر عامل روحی و امید و انتظار فرجی نمی‌بود، آیا شیعیان دلسوخته بچه امیدی پای در رکاب می‌گذارند؟ و با وجود مشکلات عدیده‌ای

که از طرف خلفاء و مستبدین و مخالفین و از همه بالاتر استعمار کهنه و نوآیا شیعیان پوپا باقی می ماندند و مذهب امیدبخش خود را تبلیغ می نمودند یا نه؟ مسلماً نه. ولکن می بینیم شیعیان در شدیدترین حالات و گرفتاریها و ضعفها، شعله های گرمی در دلها و نور ایمان در قلبها و انتظاری در چشمهای آنان بود و در حقیقت خاکستر سرد و خاموشی موقتی، روی تفکرات و انقلابها و قیامهای شیعیان را فراگرفته بود اما گرم بود و سوزان و هر قدر که آنان را بکوبند و قطعه قطعه کنند باز در فرصتهای مناسب از باقیمانده های آنان با پیوستن بهم، جلوه هایی از نور، شعله و گرمی پیدا شده و در سایه آن نهالهای برومند و شاداب در افکار آماده را رشد داده و بذرهای انقلاب را خواهند ریخت و در حقیقت یکی از فلسفه های امید و انتظار، همان پاشیدن بذر انقلاب در طول تاریخ جوامع بشری بخصوص در سرزمین های اسلامی است.

و بجز آن میتوان ادعا کرد که انقلاب اسلامی امروز ما یکی از فلسفه های انتظار فرج در طول تاریخ اسلامی ما بود. یعنی نوید ظهور مهدی آخر الزمان را که رسول اکرم (ص) و امامان به پیروان خود میدادند که به نسلهای آینده برسد و تصریح مینمودند که اسلام حقیقی ضعیف میشود و مؤمنان با گرفتاریها دست و پنجه نرم میکنند ولکن باید صبر و استقامت کرد و یقین داشت که خلافت روی زمین و سرکوبی دشمنان عدل و قسط بالاخره از آن ما خواهد بود. و کسانی که چنین صبر و امید و انتظار را داشته باشند و راه حق را ادامه دهند مثل مجاهدان صدر اسلام هستند.

و با این نوع بشارت و نوید، درس دلداری و امیدواری و سرمایه جاودانی برای پیروزی را به امت خویش میدادند و بدین طریق پرچم مکتب اسلام و مکتب اهل بیت را همیشه برافراشته نگاهداشته و در تمام مشکلات و پیش آمده ها در طول تاریخ ناظر آینده بوده، خود را پیشتاز حل مشکلات و نیازمندیها، در تمام زمانها و عصرها، معرفی میکنند. این، تنها ادعا نیست بلکه دانشمندان که با بیطرفی کامل در مذاهب اسلام بلکه ادیان عالم نگاه میکنند باین حقیقت اعتراف دارند چنانکه پروفیسور " کرین " استاد دانشگاه پاریس چنین میگوید:

"... مسیحیت، دین زنده نیست، هرچه تلاش و فکر میکند نظرش بعیسی و و گذشته است، داعیه جوابگوئی بمسائل ( فکری - فلسفی - اجتماعی و غیر آن )

روز را ندارد، دین مسلمانهای اهل سنت نیز، به نبوت و خاتمیت متوقف می‌شود فقط شیعه هست که پرونده اش، بسته نیست و امید به امام آینده برای حل مسائل دنیا وجود دارد. (۲)

قیام مهدی در افق روشن آینده!

امید بآینده درخشان و جایگزینی حق بر باطل، منشاء قرآنی دارد چنانکه در آیه ۵۴ سوره ۷ میفرماید:

"وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین الخ" (۳)

یعنی: "خداوند بکسانی از شما که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند وعده کرده است که حتماً آنها را در زمین جایگزین و خلیفه قرار میدهد، همانطوریکه پیشینیان شان را جایگزین کرده است..."

و اصولاً "امید بآینده یک مسأله فطری است و صاحب هر عقیده و ایده ای و طرفدار هر مکتب و مرامی باشد خواه حق یا باطل، مکتب و یا عقیده خود را بر اساس آینده و رسیدن به پیروزی نهائی طرح ریزی می‌نماید زیرا بیهوده است که کسی پیشاپیش خود را مقهور و ارزش فکری خود را که بنظر خودش صحیح می‌باشد نسبی و یوچ‌شدنی بداند.

صاحبان فلسفه‌های سیاسی و فکری نیز که واقع بین تر و دوراندیش تر می‌باشند بستر عریض و طویل آینده را در نظر داشته و تحقق کامل نظریات و تعلیمات خود را در یک محیط آینده و کم و بیش روئیائی، تعقیب کرده اند.

مطالعه تاریخ فکر بشر، قرن‌ها قبل از میلاد مسیح، این حقیقت را به ثبوت میرساند. "افلاطون" دنیائی و جامعه ای را بعنوان مدینه فاضله تصویر می‌کند که در زمان خودش چه بسا کاملاً "روئیائی و خیالی بود و لکن آنرا مدل و سر مشق تعلیمات و افکار خود قرار میدهد.

سوسیالیست های اروپائی قرن ۱۹ نیز اساس مکتب اجتماعی و اقتصادی خود را بناء یک شهر بهشت مثل (اوتوپیا) و سایر مکتبهای مادی مثل مکتب مارکسیسم،

پیروزی نهائی مکتب خود را، ساختن نظامی ایده آل که بهشت کمونیست! می باشد میدانند و حکومت کامل "پرولتاریا" و طبقه کارگر بر کارفرما و ایجاد جامعه ای به اصطلاح "بی طبقه!" و خالی از استثمار و استعمار!! آخرین امید آنان میباشد.

مکتب هائی که از منبع وحی تغذیه میشوند نه تنها این خصیصه بانیان مکاتب فکری بشری را دارند بلکه اصیل ترین و واقعی ترین حقیقتها را بصورت مجموعه "دین و وحی الهی" به بشرهای دلسوخته و متفکر، تقدیم داشته و از تمام جنبه های فکری - روحی - جسمی - اجتماعی و ... بشر را اداره و مطابق فطرت پاک و سلیم، راهنمایی و تربیت می نماید.

یک مکتب توحیدی اصیل که بر اساس حکومت (الله) و مالکیت موجود واحد قادری قرار گرفته است روی اشاعه و اجرای کامل و قطعی نهائی تعلیمات خود، تکیه میکند و بشرهای تشنه و طالب حقیقت را بسوی او باز میخواند پس امید بآینده در جوهره تعلیمات چنین مکتبی خصوصا "اسلام و در میان فرق اسلام نیز بالاخص در مذهب تشیع وجود دارد که با دستورات قاطع قرآنی و اخباری خود بدوران آخرالزمان و مسأله عدالت و امنیت و برکت را تصریح کرده، وظائف و اعمال و جزئیات قیام مهدی را جزو معتقدات دینی شیفتگان خود قرار داده است و از هر فرصتی که پیش آمده، برای تثبیت و تجسم پیروزی نهائی حق بر باطل را که در ضمن دعاها وارد شده استفاده کرده، انتظار و آرزوی چنان دولتی را وظیفه و برای او ثواب قرار داده است آنجا که امام علی (ع) در دعای افتتاح که در شبهای ماه مبارک رمضان خوانده میشود چنین میفرماید:

"اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعزبها الاسلام و اهله و تذل بها المساق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاء الي طاعتك و القادة الي سبيلك و ترزقنا به كرامة الدنيا و الاخرة"

یعنی "پروردگارا، همانا، ما انتظار بر پائی دولت قدرتمندی را می کشیم که اسلام و مسلمین با گسترش این دولت عزت یابند و منافقان بذلت برسند و ما را از جمله کسانی قرار بده که سایرین را به اسلام دعوت کنیم و راهنمای راه تو، بوده باشیم و کرامت دنیا و آخرت را بما ارزانی ده!"

مطابق این دعای پر ارزش و پرمحتوا، شیعه آخرین ایده و بالاترین سعادت و پیروزی را از خداوند درخواست می‌نماید و مصلح و قیام‌کننده و نجات‌دهنده مستضعفان جهان را از دست سلطه‌گران و ستمگران، حی و معین و طرف‌خطاب قرار داده و خود را در ایجاد دولت حق، بدست وی، سهیم میدانند و عزت اسلام و مسلمین را با قیام حکومت جهانی عدل وی میسر میدانند و ذلت و خواری منافقان را جدا از خداوند درخواست میکند و کرامت و شرافت در دنیا و آخرت برای انسانها را در اطاعت از دستورات دولت حق می‌داند.

#### تحقق این دولت حق چگونه است؟

تا اینجا مسأله امید بآینده و پیروزی را ثبوتاً یعنی تنها از جنبه عقیدتی و روانشناسی اجتماعی و آثار آن بدون توجه بواقعیت خارجی آن مورد بررسی قرار دادیم و اما از جنبه تحقق خارجی که آیا چنین فکر و آرزو و امیدی، تحقق پذیر است یا نه؟ میتوان بجراعات ادعا کرد چنانچه سابقاً ذکر کردیم تمام متفکران و دانشمندان و مصلحان خیراندیش و فلاسفه و صاحبان ادیان آسمانی و صاحبان مکاتیب با تمام اختلافات اساسی که در بینشان وجود دارد در این مسأله اختلاف ندارند که آینده‌ای درخشان و جامعه‌ای ایده‌آل بالاخره پیش روی بشرهای مستضعف قرار دارد و در آرزوی تحقق آن هستند گو اینکه در محتوا و خصوصیات و کیفیت آن، آراء مختلف بوده و هر صاحب مکتبی بگونه‌ای برداشت از آن دارد و روند تکاملی علوم و فنون و صنایع و طرز تفکر و اندیشه نیز، رقم‌تأیید تحقق این آرزوی بزرگ بشر را زده و مثل آئینه‌ای، نشانه‌های وصول و تحقق این آرمان را نشان می‌دهد هرچه صنعت پیش میرود و اندیشه بشر متعالی میگردد و ترقیات روزافزون حاصل میگردد بمنزله گامهای مثبتی است بسوی هدف اصلی حرکت کاروان بشریت و تسلط حکومت عدل و امنیت بر سراسر جهان.

ولی نکته قابل توجه اینکه تحقق حکومت عدل جهانی جز در سایه حاکمیت عقیده و دینی که از منبع وحی خالص پر بار شده باشد امکان پذیر نیست زیرا تنها دین آسمانی است که دستورات و قوانین خود را بر متن فطرت خالص قرار داده،

تمام احوال و اوصاف و قومیت و شرائط محیط و امیال نفسانی و غیر آنها را در حاکمیت دین و عقیده دخیل نمی‌داند و مرزهای جغرافیایی و ملیت و نژاد را در حاکمیت (الله) نیز در جوامع بی‌اثر اعلام میکند و میخواهد تنها عدالت و برادری کامل را در جهان حکمفرما سازد و اختلاف و اجحاف و استعمار و استثمار و سلطه‌گری را باطل میداند و تنها اتحاد مسلک و عقیده و هدف را تحت پرچم اسلام معتبر میداند و جز خدا پرستش هیچ موجودی را جایز نمی‌داند.

#### مشخصات بارز جامعه ادعائی شیعه :

اصولاً "در تمام انسانها، حس والاگرائی و تکامل جوئی و انگیزه<sup>۱</sup> پیشرفت ، ذاتی و فطری است که جامعه<sup>۲</sup> برتر و زندگی انسانی و عالیتر را برای خود الگو قرار داده و در مسیر وصول بآن حرکت میکند و در ساختن آن دائماً "کوشا است و همه ادیان و مکاتب و اندیشمندان برای تحقق این آرمان بزرگ بشر ، طرح های مختلف داده اند برخی از این طرح ها مثل مدینه فاضله افلاطون در مراحل اولیه آن ، صرفاً " وهمی و خیالی است و لکن همین خیالی بودن نیز از آنجا که حس فطری انسانها را برمی‌انگیزد بی‌اثر نبوده ، موجب انگیزش خلق ها بوده ، اثری قوی و محکم در حیات معاصر حتی در زمانهای آینده نیز میگذارد چنانکه برخی از شهرهای آسیائی یونان تحت تاءثیر این طرح افلاطون قرار گرفت (۳) و از افلاطون و طرفداران وی خواستند تا نظام سیاسی مناسب با طرح مدینه فاضله وی ، ایجاد کنند و برای تاءسیس چنین حکومتی اقدام کنند . (۵)

از اینرو برای تربیت افراد ، شخصیت‌های نمونه را در طول تاریخ در میان تمدنهای گذشته و حال ، الگو و اسوه برای سایرین قرار میدهند و قهرمانان تاریخ را مجسم میکنند تا افراد معمولی سعی کنند خود را طبق آن مدل و نمونه بسازند تا بفضیلت‌هایی که در آنها وجود دارد نائل آیند و کمونیستها و ماتریالیستها حتی منافقان و التقاطیون وطنی ما نیز از این احساس فطری برای ایجاد تحرک و خود جوشی در پیروان خود ، سوء استفاده کرده تا بخيال خود افراد متحرک و انقلابی بسازند و برای پیروان خود و بخصوص در ذهن جوانان کم سن و سال و کم تجربه و نا آشنا ، بهشتی بنام جامعه

بی طبقه! ترسیم کنند که بالاخره تضاد طبقات و تکامل تاریخ و دگرگونی در ابزار تولید و در نتیجه پدید آمدن نسلی نو، متضاد با نسل دیروز و کشایش بین آنها، بآن جامعه روءیائی منتهی خواهد شد.

ولکن اینگونه طرح ها چون متکی بر منبع وحی و هدایت پیامبران و منابع اصیل اسلامی از قرآن و سنت معتبر نیست جز طرحی خیالی و مشغول کننده نخواهد بود ولی در طرح جامعه آینده آل شیعه، چشم اندازی عمیق جلو انسانهای اندیشمند گذارده شده و دنیائی پر از عدل و داد و زندگی عادلانه در سایه قانون را وعده داده و نکات دقیق و حکیمانه ای در آن نهفته است و با انتظار فرج تحقق این آرمان و امید را (علاوه بر وعده بهشت در سرای دیگر) در همین دنیا به بشر وعده داده و بفردای بهتر نوید داده، آینده ای سرشار از خوشی و خرمی و دادگری و انسانیت را ترسیم کرده است تا آنجا که رسول اکرم (ص) میفرماید:

"... لولم یبق من الدنيا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج فیه ولدی المهدی... (۶) یعنی:

"اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد خدا آنروز را طولانی می کند تا پسر مهدی (ع) خروج کند"

مشخصات طرح شیعه برای ایجاد جامعه ایده آل بقرار زیر است:

۱ - ایجاد حکومت واحد جهانی یعنی بهم خوردن مرزهای جغرافیائی و حکومتهای دیکتاتوری، قبیله‌ای و فئودالی و سرنگونی تمام شاهان و رئیس جمهوریه‌ها و تمام تشکیلات اداری در سراسر جهان که بر اساس افکار و رسومات و عادات و آداب محلی و جغرافیائی و قومیت های ممالک گوناگون بوجود آمده است و برپائی یک حکومت واحد قسط حاکم بر کل انسانهای روی زمین و...

البته بدیهی است برخی از متفکران جهان از جمله "راسل" و غیر آن که بر اساس بینش مادیگرانه خود بر حل اختلافات در جهان می نگرند تشکیل حکومت واحد جهانی را تنها راه حل مشکلات پیچیده جهان پیشرفته صنعتی میدانند و لکن بنظر اسلام تشکیل این حکومت نه تنها نمی تواند به تنهایی حلال مشکلات فوق العاده

جهان بوده باشد چنانکه می بینیم هرگز تشکیل یک حکومت واحد کمونیستی - مارکسیستی در کشور ۲۵۰ میلیون نفری اتحاد شوروی نتوانسته مشکلات اقتصادی و اجتماعی و نیازمندیهای روحی و انسانی آن دیار را حل و فصل نماید و آرامش و آسایش جسمی و روحی مورد انتظار ایجاد نماید .

از اینرو، اسلام، تشکیل حکومت واحد جهانی را در تحقق آرمان واقعی انسانهای در مسیر حل مشکلات و گرفتاریهای مستضعفان را به تنهایی کافی نمی داند و عناصر دیگری را نیز لازم میداند .

بهر حال اسلام و تشیع، تحقق حکومت واحد جهانی را تحت رهبری امام غائب در آینده، امری ضروری میداند چنانکه روایات معتبر زیادی بر این امر دلالت دارد از جمله این روایت زیر است :

"والذی بعثتی بالحق بشیرالولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج فیه ولدی المهدی (ع) فینزل الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه و تشرق الارض بنور ربها و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب" (۷)

یعنی : " پیامبر گرامی اسلام فرمود : " سوگند بآن کسی که مرا برانگیخت تا مؤده دهندده اسلام راستین بوده باشم اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند همان یک روز را باندازه ای طولانی میگرداند تا فرزندم مهدی (ع) خروج کند پس از خروج، عیسی روح الله، بزمین فرود آید و در پشت سر وی نماز گذارد، آنگاه زمین با فروغ پروردگار خویش روشن شود و حکومت (جهانی) مهدی به شرق و غرب عالم برسد ."

خوانندگان عزیز چنانکه ملاحظه میکنند این روایت بدو مطلب اساسی و مهم / اشاره دارد :

الف - ضرورت و قطعیت ظهور و خروج امام مهدی (ع) بطوریکه اگر از عمر عالم حتی یکروز باقی نمانده باشد آنحضرت در همان روز باید ظهور کند ، پس رسول اکرم (ص) از همان اوان طلوع اسلام و رسالت و پیامبری، حتی قبل از اینکه فرزندش امام مهدی (ع) بدنیا آمده باشد از چنین پیش آمدی خبر داده، یک افق روشن و آینده امیدواری در معرض دید و اندیشه پیروان خود بلکه جهانیان قرار میدهد .



ب - گسترش معنویت و رحمت و اشراق نور خدا بر سراسر جهان و حضور پیاپی بران الهی و بیعت با وی فینزل روح الله عیسی و برجیدن بساط ستم و زور و دیکتاتوری و مرزهای جغرافیائی کشورهای جهان و جملهء و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب باین حقیقت اشاره دارد و در روایت دیگری وارد است : اذاقام القائم ذهب دولة الباطل یعنی : " چون امام قائم بیا خیزد دولتهای باطل سرنگون شوند " (۸)

۲ - رشد عقل و اندیشه - انسانها در این جامعه بقدری رشد عقلی خواهند داشت که سایر قوای بازدارنده و مخرب از قبیل احساسات عامیانه و عواطف غیر عقلانی و قوهء شهوت بی حد و میل به آزادیهای بی پایان و سایر امیال روحی در کنترل قوهء عقل و اندیشه باشد و خود را با ساززی و خودسازی کرده ، آمادهء اجرای عدالت باشند ولو اینکه در مواردی بضرر شخص او یا فامیل و وابستگان بوده باشد ، چنین رشدی ، از زمینه های روحی ایجاد حکومت عدل و قسط بشمار می رود از اینرو در برخی از روایات از رسول اکرم (ص) وارد شده است :

" اذاقام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم " (۹)

یعنی " امام مهدی (ع) بهنگام ظهور خویش ، نیروهای عقلانی توده را تمرکز میدهد و خوبیهای نیکو و آرزوهای آنان را بکمال میرساند " یعنی ظهور امام مهدی (ع) در نهایت تکامل اندیشه و فکر و اخلاق و صفات روحی انسانها قرار دارد و نیز در مرحله تکاملی تاریخ ، در دنبالهء ناکامیها و شکست ها و ستمها و بی عدالتیها و فقر و بدبختی و دیکتاتوری و ... بشرها قرار گرفته ، بتمام آنها پایان میدهد و یک زمینهء روحی مناسب با قسط و عدل مطلق و صد درصد ایجاد می نماید .

امام صادق (ع) در روایتی چنین فرمود : " لا یبقی فی الارض بقعة عبد فیها غیر الله " (۱۰) یعنی : " در سراسر گیتی سرزمینی نخواهد ماند که در آن غیر خدا پرستش شود " .

۳ - بالا بودن سطح علم و دانش :

در زمان امام غائب به جهلها و نادانیها پایان داده میشود زیرا معلوم است با وجود نادانی و جهل و عدم آگاهی کافی اجراء موازین قسط و عدل در سراسر گیتی گسترش پیدا نمی کند .

رسول اکرم (ص) فرمود: . . . "تو تون الحكمة في زمانه حتى ان المراه لتقضى في بيتها بكتاب الله تعالى و سنة رسول الله" (۱۱)

یعنی: "در حکومت مهدی (ع) (حکومت صالحان) بهمه شما حکمت و علم بیاموزند تا آنجا که در خانه ها با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند".  
از این روایت بخوبی معلوم میشود که سطح آگاهی در حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) با اندازه ای میرسد که هر فردی دارای قوه استنباط و اطلاعات دینی قوی و دارای قوه قضاوت باشد که نیاز به آگاهیها و اطلاع از مبانی تفصیلی فقهی دارد تا آنجا که افراد خانواده ها در سطح عالی علمی و بینش دینی می باشند که میتوانند با استناد بموازین شرعی از کتاب و سنت، قضاوت نمایند.

#### ۴- اقتصاد سامان یافته و تعمیم آن بر سراسر گیتی:

این نیز یکی از مشخصات حکومت جهانی امام غائب (ع) می باشد و در این باره تنها اکتفاء بروایتی می کنیم، رسول اکرم (ص) فرمود:  
القائم منا منصور بالعرب و مؤيد بالنصر و تطوى له الارض و تظهر له الكنوز و يبلغ سلطانه المشرق والمغرب و يظهر الله عزوجل به دینه علی الدین کله و لو کره المشركون فلا يبقى في الارض خراب الا عمر الى ان قال: و ذلك بعد غيبة طويلة ليعلم الله من يطيعه بالغيب و يؤمن به (۱۲)

یعنی: "امام غائب را تاءبید میرسانند و زمین را برای او درنوردند و گنجها را باو بنمایانند و حکومت و سیطره او شرق و غرب را فرا گیرد و پروردگار به دست مهدی (ع) دین خویش را بر همه دینها پیروز سازد گرچه مشرکان و بی دینان این را نخواهند، در روزگار حکومت مهدی (ع) همه جا آباد خواهد بود . . . اما این همه بعد از دوران غیبت طولانی است تا خداوند اطاعت و ایمان مردم را بیازماید . . ." چنانکه ملاحظه میکنید دنبال رشد عقلی و بالا رفتن سطح آگاهی طبیعی است که زمینه نفوذ دین در دلها زیاد بوده و سایر ادیان در قبال حکومت قسط و عدل تاب مقاومت ندارد و نیز طبیعی است کوشش و فعالیت و نیروی جسمی و روحی در مسیر پیشرفت و آبادانی با تمام قوت و شدت بکار می افتد و سراسر زمین بسوی آبادانی پیش میرود و تعبیر پیامبر در این مورد فلا يبقى في الارض خراب الا عمر که با کلمه

"الا" بعد از نفی "لا" آورده است و دلالت بر انحصار دارد بسیار جالب است و بصراحت میرساند که هیچ زمینی در روی زمین وجود نخواهد داشت مگر اینکه آباد بوده باشد.

### ۵- مساوات و برادری :

مساوات و برادری در زمان ظهور امام غائب در سطح جامعه بشری، گسترش پیدا میکند و این در اثر ترقی فکر و اندیشه و نیروی عقل و خرد و تکامل ایمان امکان پذیر میگردد بطوریکه آرامش بر قرار و زندگی در کنار همدیگر، لذت بخش میشود و درآمد و پول و سرمایه یکی محل استفاده دیگری واقع میشود.

ممکن است برخی از خوانندگان استقرار چنین جامعه ای را خیالی و روءیائی بدانند و لکن حقیقت اینست که حرکت تکاملی جهان نوید وصول چنین جامعه ای را می دهد.

امام باقر (ع) ضمن روایت طولانی بعد از بیان وضع نابسامان زمان غیبت چنین میفرماید :

"... حتی اذا قام القائم جائت المزابلهه و یاءتی الرجل الی کیس اخیه فیاخذ حاجته لایمنعه" (۱۳)

یعنی : "... اما بهنگام رستاخیز امام قائم ، آنچه هست دوستی و یگانگی است تا آنجا که هرکس هرچه نیاز دارد از جیب آن دیگری بر میدارد بدون هیچ مانعتی ."

دستور بالا یعنی یگانگی و هم آهنگی و برآوردن نیاز همدیگر از دستورات مهم دین اسلام می باشد و لکن در زمان غیبت در اثر عدم رشد عقلی و عدم آگاهی و عدم تعادل قوای مخرب روحی و عدم استقرار حکومت قسط آنطور که شایسته است بمرحله عمل در نمی آید و لکن بهنگام ظهور امام مهدی (ع) تمام زمینه های عملی این دستور حکیمانه و انسانی اسلام فراهم میگردد و هرکسی از نیروی کار دیگری سهم می برد و شریک کار و زحمت و درآمدی دیگری میشود .

البته این جامعه دارای مساوات و برادری ، غیر از جامعه ایست که منافقین خلقی ! و طرفداران باصطلاح (جامعه بی طبقه ! ) ادعا میکنند زیرا آن معنی از جامعه

بی طبقه که هیچ تفاوتی بین اقشار مختلف وجود نداشته باشد و همه مردم از همه لحاظ در یک سطح باشند ادا " تحقق خارجی ندارد و اصولاً " معقول نیست و مطالعه طبیعت و نهادهای طبیعی و اختلاف نیروی فکر و اندیشه و کشش روحی افراد و دست آورد آنها در تمام جوامع بشری هرگز این تصور ایده آلیستی خلقیها را تأیید نمیکنند که در جای دیگر بایستی، بتفصیل آنرا از جهات مختلف مورد بررسی قرار داد.

آنچه از روایات معتبر استفاده میشود اینست که در جامعه تحت حکومت امام مهدی (ع) مسأله تکاثر در اموال و کنز و ربا و جمع آوری مال و ثروت اصولاً مطرح نیست نه اینکه اجباری در این مورد وجود دارد بلکه روحها تکامل یافته و اندیشهها سطح بالا پیدا کرده و تنها جنبه های انسانی در این جامعه، مورد توجه قرار میگیرد و تمام کوشش و فعالیتها و آبادانیها بر طبق دستور اسلام انجام میگیرد و لکن مصرف بقدر احتیاج و نیاز زندگی می باشد و طبعاً " از رقابتها و اندوخته های غیر معقول و حرص و طمع و تکاثر و تفاخر خبری نیست، روی این حساب این گفته امام ( هر چه نیاز دارد از جیب دیگری بر میدارد بدون هیچ مانعتی ) نه تنها هیچ استبعادی ندارد بلکه واجب همگانی است که بیکدیگر وسائل برسانند و نیرو بخشند.

اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) نقل میکند که فرمود:

... انما ذلک اذا قام قائمنا و جب علیهم ان یجهزوا اخوانهم و یقوؤهم " (۱۴)

" یعنی: " این بهنگام ظهور قائم ما است که در آن روزگار واجب همگانی است که به یکدیگر وسائل زندگی برسانند و نیرو بخشند " حتی در برخی از روایات وارد است که مسأله سود و ربح در تجارتها در زمان حکومت عدل مهدی (ع) وجود ندارد چون همه امکانات در اختیار همه است بقدر نیاز و احتیاج و این از مشخصات جامعه ای است که اسلام تحقق آنرا، بهنگام ظهور امام مهدی (ع) وعده داده است.

راوی میگوید: از امام صادق (ع) پرسیدم که این روایت: " سود گرفتن مسلمان از مسلمان ربا است معنایش چیست؟ فرمود: " این، بهنگام ظهور حق و رستاخیز قائم آل محمد (ص) است اما اکنون اگر کالائی بفروشد و سود بگیرد اشکالی ندارد " (۱۵)

### ۶- صفای زندگی و نزول برکات برای همه بندگان :

گرفتاریها و قحطی ها و بدبختیها و فقر و ناداری هائی که در دوران غیبت در گوشه و کنار جهان دیده میشود و زیاد در مطبوعات و رسانه های گروهی میخوانیم که در افریقا و آمریکای لاتین و... انسانهایی از گرسنگی جان میدهند و اکثر ممالک دنیا حتی ممالک مترقی از چین گرفته تا شوروی به کمبود غذائی دچار هستند و استعمارگران نیز از این موقعیت استفاده کرده به استثمار جامعه های گرسنه و فقیر می پردازند در دولت حضرت مهدی (ع) وجود نخواهد داشت.

پیامبر گرامی اسلام فرمود : **یکون فی امتی ، المهدی تنعم امتی فی زمانه نعیمالم تنعم مثله قسط. . . ترسل السماء مدارارا و لم تدخر الارض شیئا من نبات (۱۶)** یعنی : "مهدی (ع) در امت من خواهد بود ، بهنگام ظهور آنحضرت آسمان باران فراوان دهد و زمین ، هیچ روئیدنی را در دل نگاه نمی دارد " .

امام علی (ع) فرمود : **لوقام قائمنا لاتزلت السماء قطرها ولاخرجت الارض نباتها ولذهبت الشحناء من قلوب العباد واصطلحت البهائم حتی تمشی المراه بین العراق الی الشام لاتضع قدمیها الا علی النبات و علی راء سهازینتها لایهیجها سبع و یخافه (۱۷)** اگر قائم ما ظهور کند آسمان چنانکه باید ، باران بارد و زمین ، گیاه رویاند ، کینه ها از سینه ها بیرون رود ، حیوانات نیز باهم سازگاری کند ، زن با همه زیب و زیور خود از عراق درآید و تا شام برود نه جائی ، زمینی ، بی سبزه باشد و نه درنده ای ، او را نگران سازد " .

از این روایت و نظائر آن بخوبی استفاده میشود که در جامعه ادعائی اسلام و شیعه بهنگام ظهور حضرت مهدی (ع) و فور نعمت بوده ، امنیت و آبادانی بحد کمال می باشد و برکات آسمانها بزمین و اهل زمین فرود می آید و رحمت پروردگار و فیض او بحد نهایت ، همه افراد جامعه را فرا میگیرد زیرا تمام بدبختیها و کمبودها و گرفتاریها همه ، بموجب آیات وارده در قرآن بدست خود انسانها در اثر طغیان و خودسری و عدم معرفت خدای خود و عدم خضوع در برابر خالق و بطور کلی تغییر نعمت و انحراف مسیر کمال و ترقی و سعادت برای انسانها تنها بدست خود انسان انجام میگیرد . **ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم .**

" البته خداوند نعمت خود و رحمت خویش را از بندگان دریغ نمی‌کند مگر اینکه خود بشرها جلو تکامل خود را بگیرند و مسیر آنرا عوض کنند ".

### فضیلت انتظار :

نظریه و برنامه‌های آینده زندگی در نهایت ، پیروزی حق بر باطل و استقرار حکومت قسط و عدل ، اهمیت انتظار فرج نزد شیعه بلکه تمام مسلمانان و تحقق جامعه ایده آل اسلامی برای خوانندگان واضح میگردد .

از اینرو بی جهت نیست که این همه توصیه و سفارش در امید بآینده و ترتب ثواب و اجر در مقابل انتظار ظهور حضرت مهدی (ع) در دستورات اسلامی وارد شده بلکه بالاترین عمل عبادی امت قرار داده شده است .

پیامبرگرامی اسلام فرمود : افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل (۱۸)

" بالاترین کار امت من انتظار ظهور مهدی (ع) می باشد "

و نیز میفرماید : " افضل العبادۃ ، انتظار الفرج " (۱۹)

" بالاترین عبادت انتظار فرج می باشد " .

و حتی در برخی از روایات برای انتظار ، پاداشی بمانند پاداش شهدای جنگ بدر و احد می‌داند .

امام سجاد (ع) فرمود : " من ثبت علی موا لاتنافی غیبه قائمنا اعطاه الله

عزوجل اجرالف شهید من شهداء بدر واحد " (۲۰)

" آنکس که در غیبت قائم ما بر ولایت ما پایدار بماند خدای بزرگ ، پاداش

هزار تن از شهدای بدر و احد را با او می‌دهد " .

آری ، انتظار فرج یکی از نشانه‌های بارز پایداری بر ولایت امامان می‌باشد و

ثواب هزار شهید جنگ بدر و احد را دارد زیرا در دوران غیبت اگر کسانی دل‌بامی

که بحسب ظاهر غایب می‌باشد بدهند و بدستورات او عمل کنند و او را الگوی اعمال

خود قرار دهند طبعاً " یک نوع مجاهده با نفس کرده اند بجهت اینکه مجبورند کنترل

شدیدی در اندیشه و اعمال خویش قائل شوند و در حقیقت دست به جهاد اکبر

که جهاد افضل است بزنند ، و در اینصورت از یاوران حقیقی امام غایب محسوب

می‌شوند چنانکه امام صادق (ع) فرمود :

"من مات منکم و هو منتظر لهذا الامر کان کمن هو مع القائم فی فسطاطه... لابل کمن نازع معه بسيفه" (۲۱)

: "هرکس از شما که چشم براه این امر، از دنیا برود مانند کسی است که در

خیمه<sup>۶</sup> او همراه او باشد... نه، بلکه مانند کسی است که در کنار او شمشیر بزند".

گفتار ستم

أمال مہدویت



توشته : آقای مهدی پور - قم  
گفتار: ۶

### اصالت مهدویت

در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان اعم از وثنیت ، کلیمیت ، مسیحیت ، مجوسیت ، اسلام و . . . از مصلحی که در آخر زمان ظهور خواهد کرد و به جناینها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهد داد و شالودهٔ حکومت واحد جهانی را ، براساس عدالت و آزادی استوار خواهد کرد ، گفتگو شده است . و نوید آن مصلح بزرگ جهان ، علاوه بر قرآن مجید ، در تمام کتابهای آسمانی چون : انجیل ، تورات و زبور آمده است .

اگر چه غیر از قرآن مجید ، همهٔ کتابهای دیگر آسمانی ، دستخوش تحریف شده اند ، لکن باز جملاتی از دستبرد دیگران مصون مانده است که در آنها از آمدن

مهدی موعود و مصلح جهان و بنیانگزار حکومت واحد جهانی گفتگو شده است، و چون این مطلب بصورت پیشگوئی و مربوط به آینده است، و مضامین آنها در قرآن مجید و اخبار متواتر و قطعی اسلامی وارد شده است، از این رهگذر مسلم میشود که این عبارتها از منطق وحی سرچشمه گرفته و از دستبرد انسانها در طول تاریخ مصون و محفوظ مانده است.

اینک ما متن قسمتی از نوید های مهدی موعود را از کتب مقدسه یهودیان، مسیحیان، زردشتیان و سایر کتابهاییکه در میان پیروان خود به عنوان کتاب آسمانی شناخته شده، نقل می‌کنیم تا اصالت مهدویت و جهانی بودن اعتقاد به ظهور مهدی روشن گردد:

\*\*\*\*\*

مهدی موعود در زبور داود:

در زبور داود (ع) که تحت عنوان "مزامیر" در لابلای "عهد عتیق" آمده، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی داده شده است. و میتوان گفت: در هر بخشی از زبور اشاره ای بظهور آنحضرت و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی، و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف بیک دین محکم و آئین مستقیم، موجود است.

جالب توجه اینکه مطالبی که قرآن کریم در پیرامون ظهور حضرت مهدی از زبور نقل کرده، در زبور فعلی عیناً موجود است و از تحریف مصون مانده است. قرآن کریم چنین میفرماید:

"ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون" (۱)

ترجمه: علاوه بر ذکر "تورات" در "زبور" نوشتیم، بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

طبق روایات متواتر اسلامی، از طریق شیعه و سنی، این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی (ع) میباشد. قرآن کریم این مطلب را از زبور نقل میکند و عین همین عبارت در زبور موجود است، اینک متن زبور:

۱ - " زیرا که شیران منقطع خواهند شد ، و اما منتظران خداوند ، وارث زمین خواهند شد ، هان بعد از اندک زمانی شیر نخواهد بود ، در مکانش تا مل خواهی کرد و نخواهد بود . و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد . . . زیرا که بازوان شیر شکسته خواهند شد . و اما صالحان را خداوند تا عید میکند . خداوند روزهای کاملانرا میداند . و میراث آنها خواهد بود تا ابد الابد " (۲)

۲ - و در فصل دیگر میفرماید :

" . . . قومها را به انصاف داوری خواهد کرد . آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد . دریا و پیری آن غرش نمایند . صحرا و هرچه در آنست به وجد آید . آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند . زیرا که می آید ، زیرا که برای داوری جهان می آید . ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد . و قومها را به امانت خود " (۳)

نوید های حضرت مهدی (ع) در زبور بسیار فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه نوید ظهور آنحضرت موجود است ، طالبین میتوانند به متن "مزامیر" در "عهد عتیق" مراجعه کنند .

\*\*\*\*\*

مهدی موعود در عهد عتیق (تورات و ملحقات آن) :

در "سفر پیدایش" چنین میخوانیم :

۱ - "خداوند بر ابراهیم ظاهر گشته گفت : به ذریت تو این زمین را میبخشم . تمام این زمین را که می بینی بتو و ذریت تو تا به ابد خواهم بخشید . . . به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار ، هرگاه توانی آنها را شمرد . . . ذریت تو نیز چنین خواهد بود . . . من هستم یهوه که ترا از کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین به ارثیت تو بخشم " (فصل ۱۲ بند ۷ و فصل ۱۳ بند ۱۵ و فصل ۱۵ بندهای ۵ - ۸)

۲ - " نام تو ابراهیم خواهد بود زیرا که تو را پدر امتهای بسیار گردانیدم ترا بسیار بارور نمایم ، و امتهای از تو پدید آورم و پادشاهان از تو بوجود آیند . و عهد خویش را در میان خود و تو ، و ذریتت بعد از تو استوار گردانم . که نسلا " بعد

نسل عهد جاودانی باشد . . .

اما در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم ، اینک اورا برکت داده بارور گردانم ، و اورا بسیار کثیر گردانم ، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی بوجود آورم . . . از ابراهیم امتی بزرگ و زور آور پدید خواهد آمد و جمیع امنهای جهان از او برکت خواهند یافت " (۴)

۳ - و نهالی از تنه یسی\* بیرون آمده ، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شگفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت . . . مسکینان را به عدالت ، داوری خواهد کرد ، و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد .

. . . گرگ بابره سکونت خواهد کرد ، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم ، و طفل کوچک آنها را خواهد راند . . . و در تمامی کوه مقدس من ، ضرر و فساد نخواهند کرد ، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد " (۵)

۴ - " بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوههای خویش از یهودا بظهور خواهم رسانید ، و برگزیدگانم ورثه آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد . و اما شما (خطاب به یهود) که خداوند را ترک کرده و کوه مقدس مرا فراموش نموده اید ، و ماعده به جهت بخت مهیا ساخته و شراب ممزوج بجهت اتفاق ریخته اید ، پس شما را بجهت شمشیر مقدر ساختم . و جمیع شما برای قتل خم خواهید شد . . . و اورشلیم را محل وجد خواهم نمود و از قوم خود شادی خواهم کرد و آواز گریه و آواز ناله بار دیگر در او شنیده نخواهد شد " (۶)

۵ - " و در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو (خطاب بحضرت دانیال) ایستاده است ، خواهد برخواست . . .

. . . و بسیاری از آنانیکه در خاک زمین خوابیده اند ، بیدار خواهند شد . . . و آنانکه بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالاباد . اما تو ای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن . بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود . . . خوشحال آنانکه انتظار کشند " (۷)

۶ - " اگرچه تاخیر نماید ، برایش منتظر باش ، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد . . . بلکه جمیع امتها را نزد خود جمع میکند و تمامی قومها را

برای خویشتن فراهم می‌آورد" (۸)

نظربه اینکه متن نویدها گویا بود توضیحی ندادیم و برای اختصار به نمونه‌های یاد شده اکتفا کردیم ، برای توضیح بیشتر میتوانید در "عهد عتیق" به کتاب‌های اشعیا نبی (فصل ۱ و ۴۵) زکریا نبی (فصل ۱۴) صفیا نبی (فصل ۳) سلیمان نبی (فصل ۲) حجی نبی (فصل ۲) اول سموئیل (فصل ۲) دوم سموئیل (فصل ۱۲ و ۲۳) و حزقیال نبی (فصل ۲۱) مراجعه فرمائید .

مهدی موعود در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن) :

در انجیل برنا با نویدهای حضرت مهدی (ع) به صراحت آمده است ، ولی نظر به اینکه مسیحیان آنرا معتبر نمی‌دانند در اینجا فقط نویدهای موجود در اناجیل معتبر را می‌آوریم :

۱ - "همچنانکه برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر میشود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد . . . آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد . و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید . . . آسمان و زمین زایل خواهد شد ، اما سخن من هرگز زایل نخواهد شد ، اما از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان ، جز پدر من و بس . . . لهذا شما نیز حاضر باشید ، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید" (۹)

۲ - "اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود آید ، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست ، و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کنند ، به قسمی که شبان میش‌ها را از بزها جدا میکند" (۱۰)

۳ - آنگاه پسر انسان را ببینید که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می‌آید ، در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد .

. . . ولی آن روز و ساعت ، غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد ، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم . پس بر حذر و بیدار شده ، دعا کنید ، زیرا نمیدانید که آن

وقت کی میشود" (۱۱)

۴ - " کمرهای خود را بسته ، چراغهای خود را افروخته بدارید . و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند ، که چه وقت از عروسی مراجعت کند ، تا هر وقت آید و در را بکوبد بیدرنگ برای او باز کنند . خوشا بحال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد . . . پس شما نیز مستعد باشید ، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید " (۱۲)

۵ - انجیل یوحنا ( فصلهای ۱۲ - ۱۷ ) نوید های جالب و جامعی درباره رسول اکرم (ص) و حضرت مهدی (ع) دارد . همچنین به مکاشفه یوحنا ( فصل ۱۹ ) و رساله دوم پطرس ( فصل سوم ) مراجعه شود .

توضیح اینکه کلمه " پسر انسان " مطابق نوشته "مستر هاکس آمریکائی" در کتاب خود " قاموس کتاب مقدس " ۸۵ بار در انجیل و ملحقات آن ( عهد جدید ) تکرار شده که فقط ۳۵ مورد آن با حضرت عیسی قابل تطبیق می باشد . (۱۳) و ۵۵ مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن میگوید که در آخر زمان ظهور خواهد کرد ، عیسی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطلاع ندارد . و او کسی جز حضرت مهدی (ع) نمی باشد .

مهدی موعود در کتب مقدسه هندیان :

در کتابهای مقدسه ای که در میان هندیان بعنوان کتابهای آسمانی شناخته شده و آورندگان آنها بعنوان پیامبر شناخته می شوند ، تصریحات زیادی به مهدی موعود شده است که قسمتی از آنها در ذیل از نظر خوانندگان گرامی میگذرد . پیش از ورود به اصل موضوع ، یادآوری این نکته را لازم میدانیم که : ما این کتابها را به عنوان " کتاب آسمانی " نمی دانیم ، و آورندگان آنها را بعنوان " پیامبر " نمی شناسیم ، بلکه معتقدیم که آنها یا پیامبر بوده اند و یا این مطالب را از کتابهای پیامبران گذشته ، اقتباس کرده اند . زیرا این مطالب راجع به آینده است ، و پیشگوئی آنها منحصرآ از منابع وحی میتواند سرچشمه بگیرد . از این رهگذر به نقل برخی از پیشگوئیهای آنان می پردازیم تا جهانی بودن این ایده و عقیده روشن تر گردد :

- ۱- در کتاب "باسک" از کتب مقدسه هندیان چنین آمده :  
 "دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان ، که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد . و حق و راستی با او باشد ، و آنچه در دریاها و زمینها و کوه ها ، پنهان باشد همه را بدست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر میدهد ، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید ."
- ۲- در کتاب "شاکمونی" از کتب مقدسه هندیان میگوید :  
 "پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق در دوجهان "کشن" (۱۴) تمام شود و کسی باشد که برکوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند ، و جن و انس در خدمت او شوند ، و از "سودان" که زیر خط استوا است تا سرزمین "تسعین" که زیر قطب شمالی است ، و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد و نام او " ایستاده" باشد و خداشناس باشد"
- ۳- در کتاب "ریک و دا" از کتب مقدسه هند چنین آمده :  
 "ویشنو" در میان مردم ظاهر میگردد . . . او از همه کس قویتر و نیرومند تر است . . . در یک دست "ویشنو" (نجات دهنده) شمشیری بمانند ستاره دنیاله دار و دست دیگر انگشتری درخشنده دارد ، هنگام ظهور وی خورشید و ماه تاریک میشوند و زمین خواهد لرزید" (۱۵)
- ۴- در کتاب "دید" از کتب مقدسه هندیان چنین آمده :  
 "پس از خرابی دنیا ، پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او "منصور" باشد . تمام عالم را بگیرد ، و به دین خود آورد و همه کس را از موعن و کافر بشناسد و هرچه از خدا بخواهد بیاورد" (۱۶)
- ۵- در کتاب "وشن جوک" چنین میخوانیم :  
 "سرانجام دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او "فرخنده" و "خجسته" باشد" (۱۷)
- ۶- در کتاب "داد تک" از کتب مقدسه برهمنیان هند چنین آمده است :  
 "بعد از آنکه مسلمانی بهم رسد ، در آخر الزمان ، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی دینتی امیتان و

حسد حاسدان بر طرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند... دست حق برآید و جانشین آخر "ممتا" (۱۸) ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا... و خلایق را هدایت کند"

۷- در کتاب "پاتیکل" از کتب مقدسه هندیان چنین آمده است :  
"چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیداشود، از فرزندان دو پیشوای جهان، یکی ناموس آخر الزمان و دیگر وصی بزرگتر وی که "پشن" (۱۹) نام دارد، و نام آن صاحب ملک تازه "راهنما" (۲۰) است، به حق پادشاه شود و خلیفه "رام" (۲۱) باشد و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد"  
آنچه در بالا از لحاظ خوانندگان گرامی گذشت قسمتی از نویدهای کتب مقدسه هندیان درباره موعود جهانی بود، همه آنها با اختلاف عباراتی که داشتند، صریحتر از نوید های دیگر کتب مقدسه بودند.

\*\*\*\*\*

و در کتاب "شابه‌رگان" کتاب مقدس مانویه، ترجمه "مولر" نام "خردشهرایزد" آمده که باید در آخر الزمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترده. همچنین در تعالیم مانی از مرد عظیمی بحث شده که ۱۲ جانشین دارد و بوسیله آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت میروند.

\*\*\*\*\*

مهدی موعود در منابع زردشتیان :

۱- در کتاب "زند" که از کتب مقدسه زردشتیان است، پس از آنکه مقداری در پیرامون شیوع فساد در آخر الزمان گفتگو کرده و گوشزد میکند که غالباً "قوت و شوکت با اهریمنان خواهد بود میگوید :

"آنگاه از طرف اهورامزدا به ایزدان یاری میرسد، پیروزی بزرگ از آن ایزدان میشود و اهریمنان را منقرض می‌سازند... بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست...



۲- "جاماسب" در کتاب معروف خود جاماسب نامه " از "زردشت" نقل میکند که:  
 "از فرزندان دختر پیغمبر که "خورشید جهان" و شاه زمان نام دارد، کسی  
 پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان، که جانشین آخر آن پیغمبر باشد".

۳- باز در جاماسب نامه میخوانیم:

"مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ  
 تن و بزرگ ساق، و بر دین جد خویش باشد. با سپاه بسیار، روی به ایران نهاد و  
 آبادانی کند و زمین را پر داد کند".

۴- جاماسب در تعالیم خود میگوید:

"پیامبر عرب آخرین فرستاده است که از میان کوههای مکه ظاهر شود... از  
 فرزندان پیامبر شخصی در مکه پدیدار خواهد شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو  
 دین جد خود میباشد... از عدل او گرگ با میش آب میخورد و همه جهان به آئین  
 "مهر آزمای" (محمد) خواهند گروید".

۵- قسمتی از پیشگوئیهای دیگر زردشت، درباره "ظهور و علایم ظهور در  
 "بهمن یشت" به تفصیل آمده است. (۲۲)

۶- در بخش "گاتها" که یکی از بخشهای چهارگانه "اوستا" است در صفحات  
 ۲۴ و ۹۸ نویدهایی در مورد موعود جهانی، مصلح و پایه گزار حکومت واحد جهانی  
 دیده میشود.

۷- در تفسیر زند به ظهور عیسی نیز تصریح کرده میگوید:

"اشیرزیکا ظهور خواهد کرد و همزمان با او پتیاره نیز ظاهر میشود، اشیرزیکا  
 بر دنیا مسلط میشود".

۸- در "زند و هومن یسن" از ظهور "سوشیانس" (نجات دهنده بزرگ جهان)

خبر داده میگوید:

"نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت  
 میکند و فرشتگانی از شرق و غرب بفرمان او فرستاده میشوند و همه دنیا پیام  
 میفرستند".

آنگاه به مقاومت شیران در برابر او اشاره کرده نوید میدهد که سرانجام همگی

در برابر او سر تعظیم فرود می‌آورند .

۹ - قسمت دیگری از پیشگوئیهای زردشت در مورد سوشیانس را در " یسنا " فصلهای ۳ و ۱۲ و ۱۶ میخوانیم .

۱۰ - هنگامیکه " گشتاسب " در مورد کیفیت ظهور سوشیانس و چگونگی ادارهٔ جهان میپرسد ، جاماسب حکیم ، شاگرد زردشت توضیح میدهد :

" سوشیانس ( نجات دهندهٔ بزرگ جهان ) دین را به جهان رواج دهد ، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد ، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده ، مردم جهان را همفکر و هم گفتار و هم کردار گرداند " ( ۲۳ )

اعتقاد به ظهور " سوشیانس " در میان ملت ایران باستان بقدری رایج بود که در شکستهای جنگی و فراز و نشیبهای زندگی با یادآوری ظهور او خود را از یأس و ناامیدی نجات میدادند .

در جنگ قادسیه پس از درگذشت " رستم فرخزاد " سردار نامی ایران ، هنگامیکه یزدگرد با کسان خود آماده فرار میشد ، بهنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مداین ، ایوان مجلل خود را خطاب کرده و گفت :

" هان ای ایوان ! درود من بر تو باد من هم اکنون از تو روی می‌تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور آن فرا نرسیده است بسوی تو برگردم " سلیمان دیلمی میگوید : هنگامیکه به محضر امام صادق ( ع ) شرفیاب شدم مقصود یزدگرد را از جملهٔ ( یکی از فرزندان خود ) پرسیدم ، فرمود :

" او مهدی موعود و قائم آل محمد است که بفرمان خداوند در آخر الزمان ظهور میکند . او ششمین فرزند من ، و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او میباشد " ( ۲۴ )

این روایت را " احمد بن عیاش " هزار و اندی سال پیش در کتاب نفیس خود " مقتضب الاثر " آورده است . ( ۲۵ )

\*\*\*\*\*

آنچه از لحاظ خوانندگان گرامی گذشت ، نمونه ای از نوید های جاوید کتب مقدسه ادیان و مذاهب مختلف جهان بود که همه آنها با مضمونهای مختلف خود ،

آمدن مصلحی را بنام "مهدی" در آخرالزمان نوید میدهند و می‌رسانند که اوصاحب قدرت عظیم و نیروی شگرف و معجزآسا خود بود، و حکومت واحد جهانی را در ربع مسکون کره زمین بر اساس عدالت و آزادی استوار خواهد کرد.

و از نقل همین مختصر اصالت مسئله مهدی و جهانی بودن آن آفتابی میشود و روشن میگردد که این عقیده اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه پیروان همه ادیان در انتظار چنین مصلح جهانی بسر می‌برند. و اگر از اسم "مهدی" و "قائم" صرف نظر کنیم، اعتقاد بظهور مصلح مقتدری را در عقاید "یونانیان" و مردم ایران باستان و کتب قدیمی "چینیان" و در بین اهالی "اسکاندیناوی" و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان وحشی "مکزیک" نیز میتوان یافت که در ذیل به برخی از آنها اشاره میشود:

#### ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی:

- ۱- ایرانیان باستان معتقد بودند که "گرزاسپه" قهرمان تاریخی آنان زنده است و در کابل زندگی میکند و صد هزار فرشته او را پاسانی میکنند تا روزی قیام کند و جهان را اصلاح نماید.
- ۲- گروهی دیگر از ایرانیان می‌پنداشتند که "کیخسرو" پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروائی، دیهیم پادشاهی به فرزند خود داده و بکوهستان رفت، و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.
- ۳- نژاد "اسلاو" بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.
- ۴- نژاد "ژرمن" معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و "ژرمن" را بر دنیا حاکم گرداند.
- ۵- اهالی "صربستان" انتظار ظهور "مارکو کرالیویچ" را داشتند.
- ۶- "برهمنیان" از دیرزمانی بر این عقیده بودند که در آخرالزمان "ویشنو" ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته و مخالفین را خواهد کشت و تمام دنیا برهنم گردد و به این سعادت برسد.

- ۷ - ساکنان جزایرانگلستان از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که "آرتور" روزی از جزیره "آوالون" ظهور نماید و نژاد ساکسون را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.
- ۸ - یهودیان معتقدند که در آخر الزمان "ماشیح" (مهدی بزرگ) ظهور میکند و ایدالایاد در جهان حکومت میکند. ولی او را از اولاد حضرت اسحق می پندارند، در صورتیکه تورات او را صریحا " از اولاد حضرت اسماعیل دانسته است، چنانکه در دومین بشارت عهد عتیق گذشت.
- ۹ - نصاری نیز بوجود مهدی قایل هستند و میگویند که در آخر الزمان ظهور کرده، عالم را خواهد گرفت. ولی در اوصافش اختلاف دارند.
- ۱۰ - ملل و اقوام مختلف هند، مطابق کتابهای مقدسه شان، در انتظار مصلحی هستند که ظهور کرده حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد.
- ۱۱ - اسن ها معتقدند که پیشوائی در آخر الزمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.
- ۱۲ - سلت ها میگویند پس از بروز آشوبهایی در جهان "بوریان بورویهم" قیام کرده، دنیا را متصرف خواهد شد.
- ۱۳ - اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم بلاهائی میرسد، جنگهای جهانی اقوام را نابود میسازد، آنگاه " اودین" با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره میشود.
- ۱۴ - یونانیان میگویند " کالویبرک" نجات دهنده بزرگ، ظهور کرده، جهان را نجات خواهد داد.
- ۱۵ - اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور "بوخص" میباشند.
- ۱۶ - چینی ها معتقدند که " کرشنا" ظهور کرده، جهان را نجات میدهد.
- ۱۷ - اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که " کوتز لکوتل" نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان، پیروز خواهد شد.
- ۱۸ - گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در شهر "مفیس" زندگی میکردند معتقد بودند که سلطانی در آخر زمان با نیروی غیبی بر

جهان مسلط میشود، اختلافات طبقاتی را از بین میبرد و مردم را به آرامش و آسایش میرساند.

۱۹ - گروهی دیگر از مصریهای باستان معتقد بودند که فرستاده خدا در آخر زمان، در کنار خانه خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر میکند.

۲۰ - قبایل "ای پوور" معتقد بودند که روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند، و آن سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است.

آنچه در بالا از نظر خوانندگان گرامی گذشت، با مهدی موعود اسلام کاملاً تطبیق نمیکند، حتی برخی از آنها اصلاً وفق نمیدهد، لیکن از یک حقیقت مسلم حکایت میکند، و آن اینکه نوید مصلح جهانی به گوش آنها رسیده و عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر در آخر زمان در اعماق دلشان جا گرفته است، ولی چون از فروغ حق بیش از این برخوردار نبوده اند در تطبیق آن دچار اشتباه شده اند.

علیرغم کومه نظراتی که خیال میکنند همه انبیاء از مشرق زمین برخاسته اند، ما معتقدیم که در میان تمام ملل و اقوام در همه اقطار و اکناف جهان، پیامبرانی برخاسته و مردم را بسوی دین قویم و صراط مستقیم فراخوانده اند، چنانکه منطق وحی به آن تصریح میکند: **انما انت منذر و لكل قوم هاد (۲۶)**

یعنی: "تو (ای محمد) بیم دهنده هستی، و برای هر ملتی رهبر و راهنمایی هست".

از این رهگذر روشن میشود که همه آن عقاید، از منبع شریف وحی سر چشمه گرفته است، ولیکن در برخی از مناطق دور دست که شعاع حقیقت کمتر تابیده است در طول تاریخ از فروغ آن کاسته شده و فقط کلیاتی از نویدهای مهدی موعود بجای مانده است، و در تطبیق آن دچار اشتباه شده اند.

صرفنظر از ایمان که پایه این ایده و عقیده را تشکیل میدهد، هر فردیکه به سرنوشت بشریت بیندیشد و خواهان تکامل و ترقی جهان انسانیت باشد، و ببیند که چگونه با وجود این همه ترقیات فکری و علمی و پیشرفت روز افزون تکنیک و صنعت نه تنها اخلاق و معنویت پیشرفت نمیکند، بلکه با سرعت تکان دهنده ای و اندوهباری

عقب‌گرد نموده، بسوی سقوط و نابودی می‌گراید و ترقیات ماشینی بر فساد و انحطاط معنوی آنها افزاید و ...

با اندک تلاء ملی، طبق فطرت ذاتی خود متوجه درگاه حضرت احدیت خواهد شد و از برای رفع این جنایتها و خیانتها یاری خواهد طلبید و با الحاح و نیایش خواستار مصلحتی خواهد شد که به این وضع رقت بار خاتمه دهد.

از این رهگذر آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی همواره در دل‌های خدا پرستان وجود داشته است، و تمام پیامبران الهی و سفیران آسمانی نوید هائی درباره وی ابراز نموده اند.

#### مهدی موعود از دیدگاه وسیعتر :

در عصر اخیر دوشادوش پیشرفت همه جانبه ای که در تمام مسائل علمی نصیب بشریت شده، این ایده و عقیده نیز از مرز ادیان و مذاهب قدم فراتر نهاده و بعنوان یکی از مهمترین مسائل حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

اندیشمندان بزرگ برای از بین بردن جنگها و خصومتها و برطرف ساختن بحرانهای منطقه‌ای و بالاخره جلوگیری کردن از جنگها و کشمکشهاییکه احتمالاً به جنگ جهانی سوم خواهد انجامید، تنها راهی که پیدا کرده اند اینست که باید فکر پوسیده "نژاد برتر" را از مغزها بیرون ریخت، "جهان وطنی" را جایگزین تبلیغات ناسیونالیستی قرار داده، مرزهای جغرافیائی را درهم ریخته، شالودهٔ حکومت واحد جهانی را استوار ساخت. اینک عین گفته دو تن از اندیشمندان مشهور جهان را در ذیل می‌آوریم :

۱ - انیشتین : "یا باید حکومت جهانی با کنترل بین المللی انرژی تشکیل شود، و یا حکومت‌های ملی جداگانه فعلی همچنان باقی بماند و منجر به انهدام بشری گردد" (۲۷)

۲ - برتراند راسل : "چون هم اکنون خرابی جنگ بیش از قرون گذشته است، یا باید حکومت جهانی را بپذیریم و یا بعهد بربریت برگردیم و به نابودی نژاد انسانی راضی شویم" (۲۸)

اکنون باید دید کدام مصلحتی خواهد توانست مرزهای جغرافیائی را در هم گوید و شالودهٔ حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی پی ریزی کند؟ و آن مهدی موعود و مصلح جهانی که ضرورت ظهور آن را علم و دین خبر می‌دهد و میلیونها انسان در انتظار وی دقیقه شماری میکنند، کیست؟ پاسخ این سؤال را، تنها از کسانی که بامنع وحی و جهان ماوراءطبیعت ارتباط نزدیک دارند، باید شنید.

#### مهدی موعود از دیدگاه اسلام :

مهدی موعود یکی از مسائل بسیار حیاتی اسلام بشمار میرود و با سایر عقاید و احکام اسلامی پیوند ناگسستنی دارد. آیات متعددی در قرآن مجید وارد شده است که پیشوایان دینی به مهدی موعود تفسیر کرده اند و در ضمن صدها حدیث، مشخصات آنحضرت را بیان نموده اند که از حوصلهٔ این کتاب بیرون است. (۲۹)

در لابلای روایات متواتری که از حضرت رسول اکرم (ص) و سایر پیشوایان دین صادر شده است، کلیهٔ اوصاف و تمام جزئیات زندگی مصلح جهانی و پایه گزار حکومت واحد جهانی بیان شده است.

احادیث وارد شده دربارهٔ "امام زمان" (ع) از طریق شیعه و سنی بیرون از شمار است. از این رهگذر ما فقط فهرست قسمتی از آنها را در ذیل از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم :

- ۱- در ۲۹۳ حدیث تصریح که او فرزند امام "حسن عسکری" است.
- ۲- در ۹۵ حدیث تصریح شده که او نوهٔ امام "هادی" و نبیره امام "جواد" است.
- ۳- در ۹۵ حدیث وارد شده که وی چهارمین فرزند حضرت "رضا" است.
- ۴- در ۱۹۹ روایت آمده که او پنجمین فرزند حضرت موسی بن جعفر است.
- ۵- در ۲۵۲ حدیث وارد شده که او ششمین فرزند حضرت صادق است.
- ۶- در ۱۵۳ حدیث وارد شده که او هفتمین فرزند حضرت باقر است.
- ۷- در ۱۸۵ خبر آمده که او هشتمین فرزند حضرت سجاد است.

- ۸- در ۳۵۸ حدیث تصریح شده که وی نهمین فرزند حضرت حسین است .
  - ۹- در ۲۱۴ حدیث وارد شده که او دهمین فرزند حضرت علی است .
  - ۱۰- در ۱۹۲ روایت آمده که وی از اولاد حضرت فاطمه است .
  - ۱۱- در ۴۸ حدیث تصریح شده که وی همنام حضرت پیامبر (ص) است .
  - ۱۲- در ۱۳۶ حدیث تصریح شده که او دوازدهمین امام و آخرین پیشواست .
  - ۱۳- در ۹۱ حدیث به غیبت طولانی تصریح شده است .
  - ۱۴- در ۷ حدیث کیفیت انتفاع مردم از آنحضرت در زمان غیبت بیان شده است .
  - ۱۵- در ۵۱ حدیث سیرت و صورت او توصیف شده است .
  - ۱۶- در ۴۷ روایت تصریح شده که در عصر او اسلام دین جهانی خواهد شد ، و آیه شریفه " لیظهره علی الدین کله " تحقق خواهد یافت .
  - ۱۷- در ۱۲۳ روایت وارد شده که او شخصا " عدالت اجتماعی را در روی زمین برقرار می‌کند .
  - ۱۸- در ۲۹۳ از تولد آنحضرت گفتگو شده است .
  - ۱۹- در ۶۵۷ حدیث درباره ظهور و علایم ظهور بحث شده است .
  - ۲۰- در ۳۱۸ روایت عمر طولانی آنحضرت مطرح شده و در برخی از آنها تصریح شده که عمر شریفش بقدری طولانی میشود که جز مؤمنان راستین ، کسی در اعتقاد خود استوار نمی‌ماند .
- متن ۳۶۹۲ روایتی که فهرست آنها در بالا گفته شد ، باضافه ۲۵۱۵ روایت دیگر در پیرامون آنحضرت در منابع شیعه ، از پیشوایان معصوم بدست ما رسیده است ، در کتاب نفیس " منتخب الاثر " جمع آوری شده است .
- مؤلف این کتاب که از فضلی حوزه علمیه قم میباشد ، روایات مربوط به امام زمان (ع) را تا جائیکه توانائی داشته ، از کتابهای معتبر و مدارک دست اول شیعه استخراج ، و در این کتاب گرد آورده است .
- در این کتاب جمعا " ۶۲۵۷ روایت با ذکر ماخذ از ۱۵۴ کتاب معتبر نقل شده است .



### مهدی موعود در منابع اهل تسنن :

روایاتی که در پیرامون بنیانگذار حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی مهدی موعود، قائم ال محمد (ص) در منابع معتبر اهل تسنن آمده است، دست کم از روایات شیعیان نمیباشد و حتی در "صحاح سته" که معتبرترین کتاب روایتی اهل تسنن است روایات مهدی (ع) بشرح زیر آمده است :

- ۱ - صحیح بخاری، جلد چهارم " کتاب الاحکام " و باب " نزول عیسی بن مریم "
- ۲ - صحیح مسلم، جلد اول، باب " الفتن و الشراط الساعه " و باب " نزول عیسی "
- ۳ - سنن ابن ماجه، جلد دوم، باب " خروج المهدی " .
- ۴ - سنن ابی داود، جلد دوم کتاب " المهدی " .
- ۵ - سنن ترمذی، باب " ما جاء فی المهدی " .

همچنین در مسند احمد، پیشوای حنبلی ها و دیگر سنن و جوامع اهل تسنن روایات حضرت مهدی (ع) را احتواء کرده است .

استاد " علی محمد علی دخیل " اسامی ۲۵۵ کتاب از بزرگان علمای سنی را در کتاب خود " الامام المهدی " آورده است که تعداد ۳۵ نفر آنها مستقلاً " درباره " حضرت ولی عصر (ع) کتاب نوشته اند، و ۳۱ نفر شات فصلی را در کتابهای خود به روایات حضرت مهدی اختصاص داده اند و ۱۴۴ نفرشان به تناسبهای مختلف روایات مهدی را در کتابهای خود آورده اند .

اگر بخواهیم اسامی همه این کتابها را نقل کنیم، سخن به درازا میکشد، از این رهگذر فقط از کتابهایی که مستقلاً " درباره " حضرت ولی عصر (ع) از بزرگان اهل سنت به رشته تحریر آمده است، به ترتیب حروف تهجی نام می بریم :

- ۱ - ابراز الوهم من کلام ابن حزم، تألیف : احمد بن صدیق بخاری .
- ۲ - الاحادیث القاضیه بخروج المهدی، تألیف : محمد بن اسماعیل امیر یمنی، متوفی ۷۵۱ .

۳ - احادیث المهدی، تألیف : ابوبکر بن خثیمه .

۴ - احوال صاحب الزمان، تألیف : سعد الدین حموشی، متوفی ۷۲۲ هجری .

- ۵- اخبار المهدي، تاليف: حماد بن يعقوب رواجني .
- ۶- اربعين حديث في المهدي، تاليف: ابونعيم اصفهاني، متوفى ۴۳۰ هجري (۳۰)
- ۷- اربعين حديث في المهدي، تاليف: ابوالعلاء همداني .
- ۸- ارشاد المستهدي في نقل بعض الاحاديث والاثار الواردة في شأن الامام المهدي، تاليف: محمد علي حسين بكرى مدني .
- ۹- البرهان في علامات مهدي آخر الزمان، تاليف: ملا علي متقي هندي .  
متوفى ۹۲۵ هجري . (۳۱)
- ۱۰- البرهان، تاليف: محمد بن عثمان كراچكي .
- ۱۱- البيان في اخبار صاحب الزمان، تاليف: محمد بن يوسف گنجي شافعي  
متوفى ۶۵۸ هجري . (۳۲)
- ۱۲- تحديق النظر في اخبار المهدي المنتظر، تاليف: محمد بن عبدالعزيز بن مانع . (۳۳)
- ۱۳- تلخيص البيان في علامات مهدي آهر الزمان، تاليف: ابن كمال پاشا صفي، متوفى ۹۴۰ هجري . (۳۴)
- ۱۴- تلخيص البيان في اخبار مهدي آخر الزمان، تاليف: ملا علي متقي،  
متوفى ۹۲۵ هجري . (۳۵)
- ۱۵- التوضيح في تواتر ما جاء في المنتظر والدجال والمسيح، تاليف: شوكاني .
- ۱۶- الجواب المقنع المحرر، في الرد على ابن طغى و تبحر، بدعوى انه عيسى او المهدي المنتظر، تاليف: محمد حبيب الله بن ما ياني جكني شنقيطي .
- ۱۷- الرد على بن حكم و قضي، ان المهدي جاء و مضى، تاليف: ملا علي قاري، متوفى ۱۰۱۴ هجري . (۳۶)
- ۱۸- رساله في المهدي، تاليف: ابن حجر مكي، متوفى ۹۷۳ هجري . (۳۷)
- ۱۹- رساله مهدي ال الرسول، تاليف: ملا علي قاري، متوفى ۱۰۱۴ هجري . (۳۸)
- ۲۰- العرف الوردى في اخبار المهدي، تاليف: جلال الدين سيوطي متوفى  
۹۱۰ هجري . (۳۹)

- ۲۱ - العرف الوردی فی اخبار المہدی، تالیف: یوسف بن یحییٰ دمشقی شافعی، متوفی ۶۸۵ ہجری. (۴۰)
- ۲۲ - العرف الوردی فی دلائل المہدی، تالیف: عبدالرحمن بن مصطفیٰ (۴۱)
- ۲۳ - العطر الوردی، فی شرح القطر الشہدی، فی اوصاف المہدی، تالیف: محمد بن محمد بن احمد بلبیسی، متوفی ۱۳۰۸ ہجری.
- ۲۴ - عقد الدر فی اخبار المہدی المنتظر، تالیف: یوسف بن یحییٰ دمشقی شافعی، متوفی ۶۸۵ ہجری. (۴۲)
- ۲۵ - علامات المہدی، تالیف: جلال الدین سیوطی، متوفی ۹۱۰ ہجری.
- ۲۶ - الغواصم عن الفتن القواصم.
- ۲۷ - الفتویٰ فی مسائلہ المہدی المنتظر، شیخ محمد منتصر کتانی. (۴۳)
- ۲۸ - فرائد الفوائد، تالیف: مرعی بن یوسف مقدس، متوفی ۱۰۳۱ ہجری (۴۴)
- ۲۹ - فوائد الفکر فی المہدی المنتظر، تالیف: نامبرده، (۴۵)
- ۳۰ - القطر الشہدی فی اوصاف المہدی، تالیف: احمد بن احمد حلوانی شافعی، متوفی ۱۳۰۸ ہجری. (۴۶)
- ۳۱ - القول المختصر فی علامات المہدی المنتظر، تالیف: شہاب الدین احمد بن محمد ہیثمی شافعی. (۴۷)
- ۳۲ - القول المنتظر فی علامات المہدی المنتظر، تالیف: ابن حجر مکی، متوفی ۹۷۳ ہجری. (۴۸)
- ۳۳ - مرآة الفکر فی المہدی المنتظر، تالیف: مرعی بن یوسف مقدسی، متوفی ۱۰۳۱ ہجری.
- ۳۴ - المشرب الوردی فی مذهب المہدی، تالیف: ملا علی قاری، متوفی ۱۰۱۴ ہجری. (۴۹)
- ۳۵ - مناقب المہدی، تالیف: ابو نعیم اصفہانی، متوفی ۴۳۰ ہجری.
- ۳۶ - المہدی، تالیف: ابن قیم جوزیہ، متوفی ۷۵۱ ہجری.
- ۳۷ - المہدی، تالیف: ابوداؤد (صاحب سنن) متوفی ۲۷۵ ہجری.
- ۳۸ - المہدی، تالیف: ادريس العراقي المغربي.

- ۳۹ - مهدی ال الرسول، تألیف: علی بن سلطان محمد هروی حنفی .
- ۴۰ - المهدی الی ماورد فی المهدی، تألیف: محمد بن طولون .
- ۴۱ - نبذه من علامات المهدی، تألیف: جلال الدین سیوطی . متوفی ۹۱۰ هجری . (۵۰)
- ۴۲ - النجم الثاقب فی بیان ان المهدی من اولاد ابیطالب . (۵۱)
- ۴۳ - النظم الواضح العبین، تألیف: عبدالقادر بن محمد سالم .
- ۴۴ - نعت المهدی، تألیف: ابونعیم اصفهانی، متوفی ۴۳۰ هجری .
- ۴۵ - الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون، تألیف: ابوالعباس بن عبد المؤمن المغربي .
- ۴۶ - الهدیه المهدویه، تألیف: ابوالرجا محمد هندی .
- ۴۷ - الهدیه الندیة، للامه المحمدیه فیما جاء فی فضل الذات المهدیه .
- تألیف: قطب الدین مصطفی بن کمال الدین حنفی، متوفی ۱۱۶۲ هجری .
- ۴۸ - نخستین کتابیکه از علمای اهل تسنن درباره حضرت مهدی نوشته شده کتاب "صاحب الزمان" تألیف: ابوالعباس محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی، قاضی صیمره و متوفی ۲۷۵ هجری است . که شاید تاریخ نگارش آن پیش از تولد حضرت مهدی (۲۵۵ هـ) باشد . (۵۲)
- در پایان گفتار، تذکر یک نکته لازم است و آن اینکه :
- در کتابهای اهل تسنن که روایات حضرت مهدی آمده است، به نقل روایات کلی اکتفا نشده، بلکه از اوصاف و خصوصیات آنحضرت نیز بحث شده است . مثلاً
- در ۳۵ کتاب از دانشمندان سنی، تصریح شده که "مهدی موعود" فرزند بلافصل حضرت امام حسن عسکری میباشد . (۵۳)

#### سیری در مسئله غیبت :

جالب توجه این است که تمام مسائل مربوط به حضرت مهدی، در میان توده مردم در هر عصری مشهور و زبانزد خاص و عام بود و حتی در هر جنبه‌ی آن کتابهای مستقلی نوشته شده است . اگر روزی بتوانیم کتابهایی را که در هر عصری در پیرامون



حضرت موضوع غیبت مطرح شده است. (۶۲) مثلاً "حسن بن محبوب" یکی از محدثین مورد اعتماد، صد سال پیش از ولادت حضرت مهدی، احادیث مربوط به غیبت را در "مشیخه" خود آورده است. (۶۳)

### مدعیان مهدویت :

یکی دیگر از دلایل روشن اصالت مهدویت، مدعیان مهدویت است. از پیش از ولادت حضرت مهدی (ع) تا به امروز در هر عصری فرد یا افرادی پیدا شده که به دروغ ادعای مهدویت کرده است خود این مسئله از دلایل اصالت موضوع مهدویت است، زیرا اگر چیزی اصالت نداشته باشد هرگز تقلبی آن یافت نمی شود، چون همواره اشیاء تقلبی را می سازند تا بجای اصلی آنها قالب کنند، شما حتماً در زندگی تان با ۵ ریالی تقلبی و ۱۰ ریالی تقلبی روبرو شده اید ولی هرگز با ۷ ریالی تقلبی مواجه نشده اید، چرا ؟

پر واضح است که هیچ دیوانه ای ب فکر ساختن ۷ ریالی تقلبی نخواهد افتاد، زیرا ۷ ریالی اصالت ندارد و هر چیزی که اصالت و واقعیت ندارد تقلبی آن مفهوم ندارد.

در تاریخ "فرعون ها" ادعای خدائی کرده اند، چون "خدا" اصالت دارد و اصالتش برای همگان روشن و ثابت است، از این رهگذر عده ای خواسته اند که خود را بجای آن حقیقت و واقعیت جا بزنند. "مسئله ها" ادعای نبوت کرده اند، چون نبوت اصالت دارد و عده ای خواسته اند که خود را بجای آنها قالب کنند. "مهدویت" نیز اصالت دارد و لذا عده ای چون "علیمحمد باب" خواسته اند خود را بجای مهدی واقعی جا بزنند. از این رهگذر وجود "متمهدی" ها (مدعیان دروغگوی مهدویت) خود یکی از دلایل اصالت و واقعیت مهدویت است.

گفتار هفتم

رابطه انقلاب‌های شیعه  
با عقیده به انتظار

نوشته : آقای مهدی پیشوائی - قم  
گفتار: ۷

## رابطه انقلابهای شیعه

با عقیده به انتظار

"محمد بن ابراهیم (۱) که در زمان حکومت ستمگر عباسی برضد این حکومت قیام کرد، روزی در یکی از راههای منتهی به کوفه، چشمش به پیره زنی افتاد که به دنبال چهارپایان حامل خرما راه میرفت و دانه‌های خرما را که از بارشترها و حیوانات به زمین میریخت جمع میکرد و در دامن لباس کهنه خود میریخت، محمد پرسید: چه میکنی؟

پیره زن جواب داد: من بیوه زنی هستم که شوهر و سرپرستی ندارم که مخارج مرا تأمین کند و چند دختر دارم که قادر به تأمین زندگی خود نیستند، من این دانه‌های خرما را جمع میکنم تا خود و دخترانم با آن سد جوع کنیم!



محمد از شنیدن این سخن بشدت گریه کرد و گفت : وضع تو و امثال تو، مرا وادار میکند که فردا قیام کنم تا خونم ریخته شود. وی که قبلا " از ستمگریهای حکومت عباسی بشدت رنج میبرد، با دیدن این صحنه کاسه صبرش لبریز شد و تصمیم به قیام و انقلاب گرفت "... (۲)

\*\*\*\*\*

"زید بن علی ( فرزند امام چهارم ) که پرچمدار نهضت و قیام برضد حکومت ستمگر بنی امیه در زمان "هشام بن عبدالملک" بود، هنگام اخذ بیعت از مردم کوفه جهت شرکت در انقلاب چنین گفت :

"ما شما را به اجرای دستورهای قرآن و سنت پیامبر، جهاد با ستمگران، دفاع از مستضعفان، رسیدگی بحال محرومان، تقسیم بیت المال بطور یکسان، پس گرفتن حقوق مظلومان، مهار کردن آتش فتنه، و یاری خاندان پیامبر در برابر دشمنان و منکران حق ما ( خاندان پیامبر ) دعوت می کنیم "... (۳)

\*\*\*\*\*

آنچه در بالا خواندید، دو نمونه از طلوعهء دو انقلاب شیعی برضد دو حکومت ستمگرا موی و عباسی است. چیزی که درسرخنان این دو رهبر انقلاب شیعیان بروشنی بچشم میخورد، بی تابی و عکس العمل شدید آنان در برابر ظلم و ستمگری، و به استضعاف کشاندن توده های بی پناه از طرف زمامداران زورمند و ظالم می باشد. و اگر بقیه انقلابهای شیعی را نیز بررسی کنیم، خواهیم دید این روحیه در همه آنها موج میزند.

اکنون این سؤال پیش می آید که چه انگیزه ای باعث شده بود که شیعیان در طول تاریخ، در برابر مظاهر ستمگری و استکبار، این چنین بی تابی از خود نشان بدهند و در برابر حکومتهای جبار، دست به قیام های پی درپی بزنند؟ پاسخ این سؤال را باید در ریشه های عقیدتی شیعیان جستجو کرد زیرا این مبارزات از مبانی عقیدتی تشیع تغذیه میکرد.

### آئین رهائی بخش :

توضیح اینکه اصولاً "اسلام از آغاز پیدایش، موضع ضد ستمگری و حمایت از توده‌های محروم داشت و در مبارزه با هر نوع استثمار و استکبار، هیچگونه سازش از خود نشان نمیداد. اسلام که دنبالهٔ نهضت‌های پیامبران گذشته بود، پیوسته با ستمگران و طاغوت‌های زمان مبارزه نموده از مستضعفان و توده‌های ستم کشیده دفاع میکرد. بهمین دلیل، پیشگامان پذیرش اسلام، از میان ثروتمندان یا مالکان بزرگ و یاروئسای قبایل نبودند، بلکه از میان بردگان و گمنامانی مانند "بلال"، "صهیب" و "عمار" برخاستند زیرا آنان اسلام را آئین رهائی بخش و مکتب انسانی یافته بودند که در آن، حاکمیت، از آن خدا بود و ایستادگی در برابر خدایان زمین، وظیفهٔ حتمی هر مسلمانی بشمار میرفت.

مذهب تشیع بواسطهٔ ویژگیهای عقیدتی، در این زمینه موضع سرسخت تری داشت و بهمین علت، شیعیان در طول تاریخ اسلام، بیش از پیروان سایر فرق و گروه‌های اسلامی، مبارزه کرده، فداکاری نموده و قربانی میدادند و همیشه پرچم مبارزه با قدرتهای جبار را که بنام اسلام حکومت میکردند، بر دوش می‌کشیدند (۴)

### انتظار عاملی حرکت آفرین :

شیعیان از یکسو خاطرهٔ حکومت "عدل" علی (ع) را بیاد داشتند و از سوی دیگر در حالت "انتظار" بسر می‌بردند، انتظار ظهور مهدی موعود و استقرار حکومت عدل گستر جهانی توسط او که طبق وعده‌های قطعی الهی، روزی پرچم آن درپهنهٔ گیتی برافراشته خواهد شد. انتظار استقرار چنین حکومتی باعث میشد که شیعیان در برابر حکومت‌های ضد اسلامی "نه" بگویند و با نفی نظامهای حاکم جبار، هرروز به امید آینده‌ای درخشان پیش بروند، و در برابر فشارها؟ کشتارها، روحیهٔ خود را از دست ندهند. و چون این "انتظار" و "اعتراض" برای حکومت‌های جبار، قابل تحمل نبود، همیشه شیعیان را زیر فشار می‌گذاشتند و در تضعیف نیروهای آنان از هر کوششی فروگذار نمی‌کردند.

چرا راه دور برویم؟ همین انقلاب بزرگ اسلامی ایران را در نظر بگیریم، این انقلاب به اعتراف همه، یک انقلاب اسلامی و مذهبی بود و ریشه های آن در عمق تعالیم اسلام و مکتب تشیع (مکتب انتظار) قرار داشت. در سال ۵۷ در اوج گسترش انقلاب اسلامی ایران، نویسندگان، مفسران سیاسی، و خبرگزاری های مختلف جهان پیرامون انقلاب ایران و ریشه ها و انگیزه های آن به بحث و بررسی می پرداختند ولی از میان آنان کمتر کسی بود که به عمق مذهبی و ریشه های اصیل دینی این انقلاب پی ببرد. تنها معدودی از آنان که از نزدیک در ایران و پاریس با رهبر انقلاب و مردم مبارز ایران تماس گرفته بودند، به ریشه های انقلاب پی برده بودند. یکی از دانشمندان ایتالیا که از زمره این گروه اندک بود، پس از دیداری از ایران، مقاله جالبی نوشته بود که خلاصه آن تا آنجا که در خاطر نگارنده مانده، چنین بود:

"انقلاب ایران از عمق عقاید دینی مردم شیعه ایران سرچشمه میگیرد زیرا شیعیان به حکومت امامان معتقدند و عقیده دارند که امام دوازدهم، غایب است و هنگام ظهور، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. بنا بر این شیعیان، هر روز در انتظار حکومت بهتری بسر می برند و هر حکومتی که در جامعه آنان روی کار بیاید، آنرا با حکومت عدل علی و حکومت عدل و قسط امام دوازدهم مقایسه میکنند، اگر فاقد این خصلت بود، مشروعیت خود را از دست میدهد و شیعیان زیر بار آن نمیروند" این دانشمند افزوده بود که: "تا زمان قاجار، روحانیان ایران (به نشانه آمادگی برای ظهور امام دوازدهم) شمشیر به کمر می بستند".

چنانکه ملاحظه میشود، برداشت این دانشمند، از واقعیت برخوردار است و نقش انتظار و مکتب اعتراض را در انقلاب اسلامی ایران بخوبی درک کرده است. رژیم گذشته، در اوج تسلط خود، و به هنگامیکه اختناق سیاهی را بوجود آورده بود تا برای آنکه ارزشهای والای دینی را از بین ببرد، خود را هرچه بیشتر، بدامن غرب می انداخت و با تمام توان، غرب زدگی را ترویج میکرد، ولی در همان زمان، مردم مبارز ایران که امید به پیروزی را در مکتب تشیع آموخته بودند، به شدت در مقابل این جریان ایستادگی میکردند و بمنظور آنکه به آن رژیم مزدور دهن کجی

نشان بدهند، در بزرگداشت سنت‌های مذهبی و از آن جمله بزرگداشت نیمه‌ شعبان / بیش از پیش کوشش میکردند بطوریکه مرحوم "جلال آل احمد" در همان زمان بهمین مناسبت، نوشت:

"مسلمانان ایران جشن نیمه‌شعبان را چنان با شکوه و عظمت برگزار میکنند که نوروز از حسد دق میکند!" (۵)

#### نقشه‌های استعمارگران:

از آنجا که اثر حرکت آفرینی "انتظار" و اعتقاد به حکومت عدل جهانی موعود، مانع بزرگی در برابر مقاصد شوم استعمارگران بود که همیشه هدف‌های خود را در سایه تخدیر فکری و جمود و رکود ملت‌ها جستجو میکنند، استعمارگران در صدد برآمدند که چراغ امید و انتظار را در دل‌های مردم مسلمان و به ویژه شیعیان زجر کشیده خاموش سازند تا بتوانند برای همیشه از تسلیم آنان مطمئن شوند. برای این منظور، مدعیان دروغین مهدویت را در مناطق حساسی مانند ایران و شبه‌جزیره هندوستان که بالقوه همچون مراکز آتشفشانی، در آستانه انفجار و خاتمه دادن به عمر سیاه استعمار بودند، علم کردند تا به مردم این مناطق تلقین کنند که ظهور منجی موعود سپری شده و دیگر آمیدی به آینده ندارند!

بر اساس همین برنامه بود که میرزا "علی محمد باب" را (زیر حمایت سفارت خانه‌های خود) در ایران علم کردند و "غلام احمد قادیانی" را در هندوستان. (۶) هدف استعمارگران این بود که از نیروی مذهب بر ضد مذهب استفاده کرده با ایجاد فرقه‌ها و مذاهب ساختگی مانند "بهائیت" و "قادیانیت" اثر ضد استعماری و رهائی بخش آئین اسلام را خنثی کنند. از این نظر تعالیمی که از کانال مهدی نمایان مزدور تبلیغ میکردند، درست در جهت اهداف استعماری آنان بود که از آن جمله میتوان از تحریم مداخله در سیاست نام برد. سران بهائیت در برنامه‌های ارشادی خود صراحتاً دستور میدادند که: "احدی از شما ماء‌ذون نیست در سیاست دخالت کند" و نیز تصریح میکردند که: "اگر در مجلسی بودید دیدید که کسی وارد بحث‌های سیاسی، بدانید از "احباء" نیست. (۷)

نیاز به توضیح ندارد که هدف از تحریم مداخله در سیاست، این بود که مردم مسلمان، در مسائل اجتماعی و سیاسی مداخله نکنند و در لاک خود فروروند تا میدان برای فعالیت های سیاسی استعمارگران خالی بماند و بدین وسیله بر سرنوشت کشور مسلط شوند.

### لغو جهاد!

در زمانی که استعمار انگلیس بر هندوستان و برخی دیگر از کشورهای منطقه حکومت میکرد و امواج توفنده مبارزات آزادیخواهی و استقلال طلبی و جهاد بر ضد استعمارگران در حال گسترش بود، استعمارگران، گوشه دیگری از طرح ایجاد مذاهب ساختگی را توسط "غلام احمد قادیانی" در شبه جزیره هندوستان پیاده کردند. غلام احمد، پیشوای مذهب قادیانگیری که مدعی مهدویت بود، به رسالت محوله از طرف اربابان انگلیسی جامه عمل پوشانید و بار جهاد را از دوش مردم مبارز این منطقه برداشت!

او صراحتاً "در کتابهای خود نوشت: "من از کوچکی تاکنون که به مرز شصت سالگی رسیده ام، همیشه کوشیده ام طی نوشته ها و سخنرانیهای خود، محبت و دوستی انگلیسی ها را در دلهای مسلمانان جای دهم! و آنان را وادار کنم که از جهاد بر ضد اشغالگران انگلیسی، خودداری کنند"!! (۸)

وی در یکی دیگر از کتابهای خود، چنین می نویسد:

"بزرگترین بخش دوران عمر خود را در راه کمک به انگلستان و دفاع از این دولت صرف کرده ام. کتابهای فراوانی در این باره نوشته و طی آنها جهاد بر ضد دولت انگلستان را تحریم کرده ام و اگر کتابهایی که در این زمینه نوشته ام، گردآوری شود، بالغ بر پنجاه جلد خواهد بود"!! (۹)

در سال ۱۹۰۷ م که در ایالت "پنجاب" هندوستان یک جنبش ملی بوجود آمده بود، غلام احمد در کنار نیروهای انگلیسی قرار گرفت و طی اعلامیه ای، پیروان خود را به دوستی و طرفداری از انگلیسی ها و کمک به خاموش ساختن آتش جنبش ملی، دعوت نمود! (۱۰)

### دعا به جان رژیم پنجم !

اگر غلام احمد در شبه جزیره هندوستان از منافع انگلستان دفاع کرد ، (محمد علی باب " و اخلاف او نیز چنین رسالتی را ابتداء در باره دولت روسیه ، و سپس در حق انگلستان انجام دادند . آنان که دست پرورده انگلستان بودند ، مراتب سپاسگزاری خود را از انگلستان کتمان نمیکرد ، چنانکه "عباس افندی" پسر میرزا حسینعلی بهاء طی دعائی که در شان امپراتور انگلیس نازل فرموده ! چنین میگوید :

"خداوندا ! براستی سراپرده داد و عدل ، بر خاور و باختر این سرزمین پاک ، برپا شده است . سپاس میگوئیم تو را به مناسبت رسیدن این فرمانروای دادگرو فرماندار چیره که نیروی خود را در راه آسایش زیردستان و رفاه مردمان بکار می برد !

خدایا ! امپراتور بزرگ ژرژ پنجم پادشاه انگلستان را با توفیقات خود یاری کن ! و سایه گسترده او را بر این کشور بزرگ ، بیاری و نگهبانی و پشتیبانی خود ، پایدار فرما ، توئی توانا و بلند و گرامی و بخشنده" . (۱۱)

آری رسالت آنان این بود که مردم را از امید به وجود رهبر و "انتظار" ظهور او محروم سازند و با لغو جهاد ، آنان را دست بسته تحویل استعمارگران بدهند . حقیقتاً "هم هر مکتبی که نه رهبر داشته باشد و نه بجهاد پردازد ، محکم به شکست است !

گفتارہستم

پاسخ بہ  
پنج سوال

نوشته : آقای محمد مهدی اشتهاردی - قم  
گفتار: ۸

### پاسخ به پنج پرسش

- ۱- قرآن و مسئله حکومت جهانی
- ۲- آرامش و صفا در سرتاسر قلمرو حکومت
- ۳- لقب "قائم" چرا؟
- ۴- چگونگی وضع زندگی حضرت مهدی (ع)
- ۵- یاران مهدی (ع) کیانند؟

\* \* \*

۱- می پرسند: اگر حکومت حضرت مهدی (ع) سراسر جهان را فرا خواهد گرفت، و پرچم اسلام و توحید در همه نقاط زمین به اهتزاز در می آید، آیا در قرآن مجید این سند محکم و بزرگ و خلل ناپذیر اسلام، سخنی در این باره به میان آمده است؟! پاسخ: در آیات متعددی از قرآن این مطلب بیان شده که سه نمونه آنرا ذیلا " می خوانیم:



\* در سورهٔ صف آیهٔ ۹ میخوانیم: " او خدائی است که رسولش را با دلائل رهنمون بخش فرستاد تا آنرا بر تمام دینها غالب گرداند هر چند این موضوع خوش آیند مشرکان نیست " (۱)

این آیه صریحا " نوید میدهد که روزی خواهد آمد که آئین اسلام همهٔ ادیان و مرامها را تحت الشعاع خود قرار میدهد و سراسر جهان زیر لوای اسلام قرار میگیرد، که منظور همان وقتی است که حضرت مهدی (ع) در سراسر جهان حکومت واحد اسلامی تشکیل می دهد.

\* در سورهٔ انبیا آیهٔ ۱۰۵ میخوانیم: " یقینا (بدانید که) ما در زبور (کتاب حضرت داود) نوشتیم پس از آنکه ( این مطلب را) در تورات (نیز) نوشته بودیم که: حتما "بندگان صالح من وارث زمین میشوند " (۲)

این آیه حاکی است که در کتابهای آسمانی زبور و تورات و قرآن موضوع حکومت انسانهای شایسته بر سراسر زمین نوشته شده است، روشن است که وعدهٔ خدا حق است، روزی خواهد آمد که بندگان صالح که از نظر قرآن، مسلمین راستین هستند، حکومت واحد صالحان را بر همهٔ نقاط زمین برقرار می سازند، که اشاره به حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) است.

\* در سورهٔ نور آیهٔ ۵۴ میخوانیم: " خداوند به آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته میکنند وعده داده که آنان را نمایند (خود) در زمین گرداند همانگونه که گذشتگان آنانرا خلیفه زمین کرد (و وعده داده که) دینشان را که برای آنها پسندیده، نیرومند گرداند و ترسشان را مبدل به امنیت و آرامش کند، آنها مرا می پرستند و برای من شریک نمی گیرند " (۳)

این آیه بیانگر حکومت واحد بر سراسر زمین است، به آنانکه ایمان و عمل صالح دارند (یعنی منتظر واقعی هستند و با ایمان و عمل نیک خود زمینه سازی برای ایجاد آینده درخشان میکنند) نوید میدهد که خداوند حکومت زمین را بدست آنها می سپرد، دین آنها نیرومند و قوی میگردد، در نتیجه آرامش و امنیت جانشین خوف و ناآرامی می شود.

در پایان آیه اشاره به این مطلب میکند که حکومت آنها بر سراسر زمین براساس توحید و پرستش خدای یکتا و نفی هرگونه شرک است .  
چنانکه در حدیثی پیامبر (ص) در مورد ایدئولوژی این حکومت واحد سراسری فرمود : **ولا یبقی علی وجه الارض الا من یقول لا اله الا الله .**  
"هیچ فردی در زمین نمی ماند مگر اینکه معتقد است خدائی جز خدای یکتا نیست" (۴)

\* \* \*

می پرسند : اگر سراسر زمین تحت یک حکومت توحید قرار میگیرد و همه زیر لوای " لا اله الا الله " بسر می برند و امنیت و آرامش و صفا بر همه جا پرتوافکن میشود ، پس جنگ حضرت مهدی با کفار و مخالفان و توطئه گران و سرکوبی آنها چیست ؟ آیا این موضوع دلیل عدم آرامش و حاکی از وجود ناراضی در حکومت جهانی آنحضرت نیست ؟ !

پاسخ : بنظر میرسد این نا آرامیها و جنگها در مراحل اول ظهور باشد ، چنانکه نوعاً " دوره اول انقلابها تواءم با درگیریها و جنگها است ، وانگهی آنانکه منافع مادیشان در خطر است و مانع عدالت اجتماعی میشود ، به مخالفت برمی خیزند ، که اولاً " در اقلیتند و ثانیاً " ناراضیتی آنها دلیل عدم آرامش و حاکی از نقص حکومت نیست .

اینکه در روایات آمده که : امام عصر (ع) پنج یا هفت سال و یا چهل سال و یا ۳۵۹ سال ( به مقدار خواب اول اصحاب کهف در آن غار معروف ) حکومت می کند ، شاید اشاره به مراحل حکومت باشد ، به این بیان که تشکل و پایه ریزی حکومت در پنج و هفت سال اول صورت میگیرد و پس از گذشت چهل سال ، بحد تکامل میرسد و بیش از سیصد سال ادامه می یابد ، بنا بر این ممکن است این درگیریها ، و یا توطئه و کارشکنی عناصر کافر و سوجدو ، در آن سالهای اول حکومت باشد ، اما پس از چهل سال عدل و داد همه جا را فرا میگیرد و دیگر هیچ مانع و مزاحم و توطئه گرو ضد انقلابی باقی نمی ماند .

چنین فرضی از نظر عقل و جامعه شناسی ، صحیح بنظر میرسد زیرا طبیعی است که بعضی از برنامه ها ( اگر از طریق اعجاز نباشد ) نیاز به انقلاب فرهنگی درازمدت دارد ، و نمی توان یک شبه همه را حل کرد .

\* \* \*

می پرسند : چرا حضرت مهدی (ع) با کلمه "قائم" خوانده میشود ، و این کلمه اشاره به چیست ؟ و اینکه بعضی با شنیدن این لقب ، برمی خیزند و می ایستند ، برای چیست ؟ !

پاسخ : در بسیاری از روایات ، آنحضرت با عنوان "قائم" یاد شده است ، حتی در بعضی از موارد که حادثه طاقت فرسا و ظلمی در زمان بعضی از ائمه هدی (ع) واقع می شد ، و ائمه (ع) قادر بر جلوگیری نبودند ، بنیاد حضرت مهدی (ع) افتاده میفرمودند : "قائم ما" می آید و کارها را درست میکند !

قائم یعنی قیام کننده ، نظر به اینکه قیام و نهضت حضرت مهدی (ع) جهانی است و در تمام تاریخ بشر چنین قیام و حکومتی نبوده ، آنحضرت با این عنوان خوانده میشود .

اما اینکه عده ای با شنیدن این لفظ ، و یا تلفظ این کلمه بلند میشوند ، اینکار یک نوع عمل مستحبی است و احترام و اظهار پیوند و انتظار است ، و ضمناً "مردم را به یاد نهضت و قیام حضرت مهدی می اندازد ، و برای آنها تلقین عملی میشود که باید برخاست ، نهضت کرد ، امیدوار بود ، و زمینه سازی کرد برای ظهور و قیام جهانی رهبری معصوم و قاطع که امید پیامبران و امامان و همه مستضعفان جهان ، و قلب طپنده جهان هستی است :

این کار حتی در زمان امام صادق (ع) در میان شیعیان معمول بوده حتی نقل شده : در خراسان در حضور امام رضا (ع) کلمه "قائم" ذکر شد ، امام رضا (ع) برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود : اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه .

"خداوندا بر فرجش شتاب کن و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان" (۵)

\* \* \*

می پرسند : وضع زندگی حضرت مهدی در دوران حکومتش چگونه است ؟

پاسخ: پاسخ این سؤال روشن است که زندگی او همچون طاغوتیان و مستکبرین نیست که در کاخهای آسمان خراش بنشینند و لباسهای فاخر بپوشد و از بهترین غذاهای گوناگون استفاده کند، بلکه زندگی او بسیار ساده است، و همچون زندگی جدبزرگوارش پیامبر (ص) است که علی (ع) در مورد پیامبر (ص) فرمود:

" او هنگام غذا خوردن روی زمین می نشست، و با دست خود کفشهایش را می دوخت و لباسش را وصله میکرد " (۶)

و همچون زندگی علی (ع) که فرمود: " امام شما (یا اینهمه قدرت و مکنیت) از دنیا به دو لباس کهنه و عادی و از غذا به دو قرص نان اکتفا کرده است " (۷)

و در مورد حضرت مهدی (ع)، حضرت رضا (ع) فرمود: **وما لباس القائم الا الغلیظ وما طعامه الا الجشب .**

" لباس قائم (ع) جز پارچه خشن و غذای او جز غذای ساده نیست " (۸)

این عمل انقلابی پیامبر و امامان باید سرمشق و الگو برای ما باشد، چرا که تا انسان خود را از اسارت‌های مادی نرهاند، نمی‌تواند در فضای معنویت به پرواز درآید، و انگهی مفاسد و آثار شومی که از پرخرجی و تحمل پرستی سرچشمه میگیرد به کسی پوشیده نیست.

\* \* \*

می‌پرسند: یاران و علاقمندان حضرت مهدی (ع) کیانند؟ و دارای چه نشانه‌ها و صفاتی می‌باشند تا ما نیز آن نشانه‌ها و صفات را در خود به وجود آوریم و در صف یاران آن قلب عالم امکان، قرار بگیریم!

پاسخ: در پاسخ این سؤال بهتر این است که به ذکر روایتی بپردازیم که با دقت در آن، پاسخ خود را دریابیم.

امام صادق (ع) فرمود: "همراه ظهور قائم (ع) بیست و هفت نفر از پشت کوفه (نجف اشرف) ظاهر شده (و به حضرت مهدی می‌پیوندند) پانزده نفر آنها از قوم موسی (ع) هستند که به سوی حق هدایت میکنند و حاکم بحق و عدالتند و هفت نفر آنها اصحاب کهنه‌اند و بقیه عبارتند از: یوشع بن نون، سلیمان، ابودجانانصاری، مقداد و مالک اشتر، اینها در خدمت امام زمان بعنوان یاران و فرماندهان آنحضرت

بشمار می آیند" (۹)

با توجه به اینکه گروه کوچکی از افراد صالح و طرفدار حضرت موسی (ع) که همه جا حامی موسی بودند و تسلیم دعوت سامری نشدند و همواره در این فکر بودند که از خط موسی خارج نشوند، چنانکه در قرآن آیه ۱۵۹ سوره اعراف اشاره ای به این گروه صالح و در خط حق و عدالت شده است، که همان پانزده نفر مذکور در روایت فوق باشند. و همچنین با توجه به داستان زندگی آزاد مردان و حق طلبان همچون اصحاب کهف و مبارزه منفی آنها با طاغوت زمانشان... و همچنین با توجه به حمایتها و فعالیتهای یوشع بن نون (وصی حضرت موسی) در راه توحید چنانکه در تاریخ آمده و با توجه به زندگی برجسته مردانی همچون ابودجانہ انصاری و مقداد و مالک اشتر، در می یابیم که یاران راستین حضرت مهدی، باید چگونه افرادی باشند؟ و در چه خطی باشند و چگونه در راه حق از جان و مال دریغ نورزند؟!!

گفتار نهم

راز طول عمر

امام غائب

نوشته : آقای داود الهامی - قم  
گفتار: ۹

## راز طول عمر امام غائب

طبق اعتقاد شیعه، امام غائب (عج) نزدیک به یازده قرن و نیم عمر کرده و هنوز هم زنده است و بعد از این هم چه مدتی عمر خواهد کرد، جز خدا کسی نمیداند. چون این جریان برخلاف نظام عادی طبیعت است، این سؤال پیش می‌آید که چگونه ممکن است، انسانی به این درازا عمر کند؟!

این جهان نظامی دارد:

در پاسخ این سؤال نخست باید بیک نکته توجه نمود و آن اینکه انسان در محیط زندگی خود بیک سلسله از امور عادت نموده است و اگر واقعه‌ای برخلاف آنچه

عادت کرده، بشنود، بسیار بعید و بلکه غیرممکن می‌شمارد.  
مثلاً "ما سبز شدن و باردار شدن درخت میوه را در محیط زندگی خود اینچنین دیده ایم: فصل بهار که برسد هوا ملایم میشود کم‌کم شاخه‌های بی برگ درختان شکوفه و گل و برگ درمی‌آورند و پایبای گرمی هوا پیش می‌روند، همینکه فصل تابستان فرا رسد میوه‌های رسیده بر شاخه‌ها ظاهر میشوند، به این وضع ما عادت کرده‌و خو گرفته‌ایم ولی ناگفته پیداست، چنانکه از روز اول غیر از این وضع را دیده بودیم مسلماً " بهمان عادت می‌کردیم و هیچ جای تعجب هم نبود.

همچنین ما چنین دیده ایم افراد بشر که از مادر متولد می‌شوند چندین سال (تقریباً " ۱۵ سال) دوران کودکی خود را می‌گذرانند و بعد به دوران جوانی قدم می‌گذارند و مدتی هم (۱۵ - ۴۰) معمولاً " در سن جوانی هستند و سپس مراحل پیری و ناتوانی را می‌گذرانند، سرانجام بعد از سپری شدن دوران پیری (۴۰ - ۷۰) می‌میرند، انسان چون از روز اول این چنین دیده و با این وضع عادت کرده است و لذا همینکه می‌شنود انسانی هزار و اندی سال عمر کرده است، تعجب میکند.

البته اگر از روز اول بغیر این، عادت می‌کردیم مثلاً " می‌دیدیم افراد بشر بیش از این عمر میکنند به آن خو می‌گرفتیم.

بنا بر این رسیدگی به شرایط و اوضاع زندگی ما را بیک اشتباه فکری دچار کرده است و هرچیزی که برخلاف عادت و خو گرفته‌های ماست بعید می‌شماریم و آنچه به آن انس گرفته ایم حقیقت پنداشته و آن را بر نوامیس و حقایق کلی جهان آفرینش غلبه می‌دهیم و کارگاه عظیم و حیرت انگیز جهان خلقت را مسخر فکر محدود خود می‌کنیم.

از آنجا که کارهای طبیعت مانند امور ریاضی تحت ضبط نیست، از بس طبیعت مشتمل بر غرائب و نوادر است و از بس کارهای غیر عادی دیده میشود لذا فلاسفه می‌گویند باید هر چیزیکه انسان از غرائب و عجائب می‌شنود اگر دلیل علمی قطعی بر محال بودن آن نباشد، نباید آن را انکار کند.

در اینجا باید گفت: کدام دلیل عقلی و علمی داریم بر اینکه عمری به این درازی محال و غیر ممکن است؟



آیا تا حال هیچ دیده شده است که کتابی میزان انسان را تعیین کند؟ کدام دانشمند و فیلسوف میزان عمرها را تعیین کرده است؟ اساساً "در کدام نظامنامه، عمر بشر تحت ضبط درآمده است؟ و کدام لیستی در این باره امضاء شده است که قوای طبیعی انسان همان است که در زیر نظر ما گذاشته شده است؟ بالاخره از نظر علمی این چه ایرادی است و کدام دانشمند عمر طولانی را محال دانسته است.

فقط چیزی که هست انسان می تواند بگوید که این امر قدری بعید است باصطلاح چون برخلاف جریان عادی است، عادتاً "بعید است انسانی به این طولانی عمر کند و البته عمری به این درازی در زمان ما قابل استبعاد است ولی هیچکس نمی تواند بگوید محال است.

چنانکه استاد علامه طباطبائی می نویسد: "... کسی به اخباری که در خصوص امام غائب از پیغمبر اکرم (ص) و سائر ائمه اهل بیت (ع) وارد شده، مراجعه نماید خواهد دید، نوع زندگی امام غائب را به طریق خرق عادت معرفی میکنند. " و البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم هرگز نمی توان خرق عادت را نفی کرد" (۱)

بدینجهت اعتراض پیروان ادیان دیگر، مانند کلیمیها و مسیحیها و سایر فرق اسلامی در این باره به شیعه بسیار شگفت آور است، چه اینکه بموجب کتابهای خودشان خرق عادت و معجزات را درباره پیامبران خداوند پذیرفته اند و آنان از این نوع مسائل هر جوابی بدهند شیعه نیز همان جواب را در این باره خواهد داد.

ممکن است کسی بگوید: هرچند قدرت ما محدود است و این کار هم امکان دارد ولی این چه اصراری است که هرچه ممکن باشد باید به آن معتقد بود زیرا این جهان یک نظم مخصوصی دارد باید به آن معتقد بود ولی چیزیکه بیرون از نظام عادی طبیعت است اگر به آن اعتقاد کنیم در آن صورت نظم کلی جهان طبیعت بهم می ریزد، هرج و مرج و بی نظمی جهان را فرا میگیرد؟

در پاسخ این سؤال باید گفت: البته تنها قدرت الهی و امکان چیزی منشاء وجود آن نیست، به این معنی اینطور نیست بمجرد اینکه چیزی امکان وقوع داشته

باشد باید به آن اعتقاد کرد و این جهان روی اسباب و مسبباتی استوار است ولی نباید ما تصور کنیم علل و معلول جهان همانهایی است که ما آنها را می‌شناسیم و فکر ما به آنها عادت کرده است مسلماً "حقایق و نوامیس این جهان منحصر بهمین کشفیات علمی امروزی نیست و غیر از اینها اسرار و رموز بیشماری است که هنوز بشر آنها را نشناخته است .

"هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار میکنند تنها همانهایی هستند که ما آنها را دیده ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم ، یا آثار و اعمال آنها را ندیده ایم یا نفهمیده ایم ، وجود ندارد از این رو ممکن است که در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی بوجود آید که عمری بسیار طولانی هزار یا چند هزار ساله برای ایشان تا ۶۰مین نماید و از اینجا است که جهان پزشکی تا کنون از پیدا کردن راهی برای عمرهای بسیار طولانی نومید و مایوس نشده است" (۲)

آری اگر بشر بتمام حقایق و رموز جهان هستی واقف میشد و مقیاسی هم برای سنجش قوه حیاتی انسان از حقایق اتخاذ میکرد در آن صورت مقیاس ، مقیاس کاملی بود و بوسیله آن می‌توانستیم طول حیات انسان را اندازه بگیریم و تحت ضبط کلی در آوریم .

ولی از آنجائیکه مقیاس سنجش عمرها از فکر و مانوسات ما تولید شده است مسلماً " نمی‌تواند در مقام سنجش ، مقیاس سلب و ایجاد کلی قرار بگیرد .

**نظم کلی این جهان برای بشر ناشناخته است :**

نظر ما همیشه به نظام عادی طبیعت است نظامیکه با آن انس گرفته ایم و آن را فی‌الجمله شناخته ایم ولی هنوز نظم کلی این جهان با عظمت برای ما ناشناخته است و هرگز ما نمی‌توانیم در کلیه امور فهم خود را مقیاس قرار دهیم و هرچیزی که از احاطه علم ما بیرون است آنرا نفی نموده و هرچه در خور فهم ما است آنرا اثبات کنیم .

بد نیست این مطلب علمی در ضمن یک مثال ساده بیان شود ، مثلاً " شما گندم

را ملاحظه کنید و آن در انبار بیش از یکی دو سال باقی نمی ماند ، از بازار گندم فروشان سؤال کنید آیا طبیعتاً " گندم چه مدت باقی می ماند ؟

در پاسخ خواهند گفت : اگر در جای مرطوب نگهدارند بیش از شش ماه عمر نمی کند ولی اگر در جای خشک نگهداری شود از یک سال الی دو سال عمر می کند ، می گویند این طبیعت گندم است . اگر بخواهیم همین گندم را در سنبل نگهداری بکنیم بیش از هفتاد و هشتاد سال عمر میکند . به این حقیقت در قرآن مجید نیز اشاره شده است آنجا که یوسف پیغمبر خواب شاه را تعبیر میکند ، قرآن از زبان او چنین نقل کرده است : **قال تزرعون سبع سنین دابا فما حصدتم فذروه فی سنبله الاقلیلا مماتا کلون** " (۳)

یوسف فرمود : هفت سال فراوانی ، به توسعه زراعت بکوشید و مازاد مصرف ضروری را در انبار ها ذخیره کنید و دانه ها را همچنان در خوشه نگهدارید تا سالم و پاکیزه بماند .

و حتی امکان دارد بیش از این باقی بماند . چنانکه در کاوشهای باستانی حفاریهایی که در مصر باستان بعمل آمده در مقبره فرعون مصر ، گندمهایی در سنبل از اهرام مصر بدست آوردند و در شک بودند که آیا قوه نمو در آنها باقی است یا نه ؟ آنها را برای امتحان کاشتند کاملاً " سبز و بارور شد و به ثمر رسید . (۴) حساب کنید که آیا چند سال بر آنها گذشته است ؟ دست کم چهار هزار سال البته اینها از جنس همان گندمهایی است که در انبار گندم بیش از یکی دو سال عمر نمی کند .

ولی از آنجائیکه سرو کار مردم با گندم انباری است اگر از کسی سؤال کنند ، گندم چه مدت می تواند قوه نمو خود را حفظ کند ، مقیاسی که برای سنجش قوه حیاتی گندم بدست میدهد دو سال است . ولیکن ما می بینیم اگر همان گندم را در خوشه نگهداری کنند بقدری عمر گندم زیادتر میشود که انسان از شنیدن آن تعجب میکند .

حال باید دید گندمی که عمر طبیعی آن در نزد ما بیش از دو سال نیست چطور میشود در شرایط دیگر عمر آن به چهار هزار سال میرسد ؟!

فکر کنید اگر عمر دو ساله گندم در شرایط دیگر به چهار هزار سال برسد چه مانعی دارد عمر طبیعی انسان ( ۷۰ - ۸۰ سال ) را یک واحد فرض کرده و چهار هزار برابرش کنیم تا مطابق عمر گندمهایی باشد که از اهرام مصر بدست آمده است ، این همان است که تعجب و شگفت انسان را برمی انگیزد .

بنا بر این ، از نظر علمی و امکان واقعی ، هیچ بعید نیست که انسانی در یک شرایط دیگر بیش از هزار سال زنده بماند .

#### تحقیقات جهان پزشکی درباره طول عمر :

از نظر علم طب نیز عمر انسان به هفتاد و هشتاد سال نیست و بلکه تمام اعضاء بدن انسان جدا جدا برای یک عمر طولانی ساخته شده است . یکی از دانشمندان در مقام مقایسه عمر انسان با سایر موجودات ، مطالعات فراوان نموده و بالاخره ثابت کرده است که : " بدن آدمی برای آن ساخته شده که هزاران سال عمر کند " (۵) یکی از پزشکان میگوید : " برای مدت زندگانی انسان ، حدیکه تجاوز از آن محال باشد معین نشده است " (۶)

یکی دیگر از دانشمندان میگوید : " اگر می توانستیم نیم پائین روده ها را از تفاله بر از پاک نگهداریم و نگذاریم بدن از آن ناحیه مسموم شود مرگ را جواب می گفتیم و بعض دیگر این ادعا را درباره جهازات دیگر کرده اند " (۳)

بعضی دیگر از دانشمندان میگویند : تمام اعضاء رئیسه جسم حیوان ، استعداد زندگی غیر محدودی دارد چنانکه عوارض و حوادثی پیش آمدن کند برای انسان امکان دارد هزاران سال عمر کند " (۸)

حتی اینکه " ریمندوبرل " استاد دانشگاه " جونس هیگنس " میگوید :

" اعضاء رئیسه جسم انسان ، استعداد قابلیت خلود و دوام را دارند و این موضوع با آزمایشها اثبات شده ، و اقلاً " احتمال و حدس را حجتی است ، زیرا حیات اجزاء مورد آزمایش هنوز ادامه دارد " (۹)

" ژان دوستانه " بیولوژیست معروف میگوید : " من قبول دارم عوامل طبیعی پیری در شخص وجود دارد ولی یقین دارم که بسیاری از سلولهای بدن فناپذیر نیستند

و این صحیح نیست که گویند این سلولهای جاویدان جمع شده و جسم مرده ای را به وجود آورده اند " (۱۰)

البته سخن این دانشمندان از روی حدس و خیال نیست بلکه نتیجه آزمایشهای آنان است. کوتاه سخن آنکه نهایت چیزی که تا کنون ثابت شده، این است که: علت مرگ فرا رسیدن عمر طبیعی (۷۰ - ۸۰) سال نیست بلکه علت اصلی، امراض و عوارضی است که بیکی از اعضاء عارض شده است در نتیجه، آن عضو را از انجام کار باز میدارد و به واسطه ارتباط و اتصالی که بین اعضاء برقرار است، از مرگ آن عضو، مرگ سایر اعضاء نیز فرا میرسد. پس هنگامیکه نیروی دانش توانست جلوی عوارض را بگیرد یا از تأثیر آنها مانع شود دیگر برای عمر هزارساله انسان مانعی ماقی نمی ماند.

#### پیری خود یک نوع بیماری است:

بفرض اگر دانش بشری روزی بتواند جلو امراض و عوارض را بگیرد ولی با پیری چه میتوان کرد؟ جلو پیری را چگونه می توان گرفت؟ پیری خود یک امر طبیعی است که در وقت معین بسراغ انسان می آید و انسان را از کار می اندازد. پیری را بطور کلی می توان یک نوع بیماری دانست که اخیراً "مطالعه درباره عوارض مربوط به پیری و اعضاء بدن آدمی، مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است دانشمند آمریکائی "روی لی. والفورد" استاد آسیب شناسی دانشگاه "کالیفرنیا" میگوید: "پیری یک نوع بیماری مزمن و طولانی ناشی از نقل مکان سلولهاست" (۱۱) آنچه را هم اکنون متخصصان این رشته بدان معتقدند این است که: مراحل گوناگون پیری تابع قوانین وابسته به دگرگونیهای فیزیولوژیکی از قبیل تغییر در توانایی ترشحات غددی است و بهیچوجه جنبه نابودی و نیستی گزائی اجباری ندارد.

یکی از دانشمندان "مچینکوب" عقیده داشت که: سمومات حاصله از تخمیر میکروبهای روده و بیبوست ممکن است باعث پیری شوند و اگر بتوان آنها را از بین برد بر طول عمر اضافه خواهد شد " (۱۲)

حتی از نظر علمی این مرض قابل جلوگیری است چنانکه بیولوژیست و برنده جایزه نوبل "یوشالدوبرک" گفته است: "از طریق تکنیک‌ها و روشهای نوین علم بیولوژی، و به اهمیت کارشناسان و متخصصان زبده، این کار محتملاً عملی است (در زمان نامعلومی در آینده) و بیماری پیری بطور قطع قابل علاج خواهد شد. باید اعتراف کرد که بتوان در فواصل زمان معینی آن را برای تعمیر و سرویس پیاده و سوار کرد و این وضع همچنان تا ابد ادامه خواهد داشت. تا روزی که بشر بر مرگ غلبه کند و با عمر طولانی و بسیاری بدست آورد. (۱۳)

یکی از پزشکان در این باره می‌نویسد: "حال اگر بشر پس از کشف علت اصلی پیر شدن در صدد رفع و دفع آن برآید یا ماده پیرکننده‌ای را که ایجاد شده، با عناصر دارویی خنثی نماید آیا قبول است که عمر متوسط را زیادتر کرد و پیروزی بزرگی بدست آورد است؟ تلاش بشر در این راه نشان دهنده چنین واقعیتی است که در نهادش این احساس در غلیان می‌باشد که میتواند عمر خود را به هزار سال و بیشتر برساند" (۱۴)

امروز بشر در این فکر است که به کرات دور دست آسمانی که احتمالاً "صدها و هزارها سال وقت میخواهد، سفر کند و چون عمر کوتاه انسان با این نوع مسافرتها طولانی وفق نمی‌دهد در این صدد برآمده اند که برای رسیدن به کرات آسمانی عمر انسان را زیادتر کرد و لذا امروز در دانشگاههای مهم دنیا کرسی دو علم جدید "ژریاتری" و "جرونتولژی" بهمین منظور مشغول فعالیت است و دانشمندان پیش بینی می‌کنند روزی خواهد رسید که بشر هم عمر خود را به هزاران سال می‌رساند و هم بکرات دور دست آسمانی سفر میکند.

چندی قبل در یکی از مجلات علمی این مطلب جلب توجه میکرد: "زندگانی جاویدان در طول تاریخ همواره از روایاهای طلائی و دیرینه انسان بود. اما اکنون این رویا به حقیقت پیوسته است" (۱۵)

بدین ترتیب، عمر انسان از نظر علمی حد ثابت و معینی ندارد و بلکه انسان قابلیت آن را دارد که هزاران سال عمر کند و هرگز زنده ماندن انسان برای سالیان دراز تعجب آور نیست.

از این جهت جهان پزشکی در آینده عمر متوسط بیشتری را پیش بینی نموده و بلکه قطعی دانسته است.

"پرفسور هندی اسمیس" استاد دانشگاه "کلمبیا" میگوید: "حصر و حد سن و عمر مانند دیوار صوتی است و همچنانکه دیوار صوتی امروزه شکسته این دیوار سن و عمر نیز روزی خواهد شکست" (۱۶)

روی این اصل طول عمر امام زمان (ع) از نظر تحقیقات علمی، علاوه بر اینکه هیچ استبعادی ندارد بلکه از یک واقعیت علمی پرده برداشته و آنرا با ثبات رسانده است.

**عمر هر موجود زنده تابع شرایط خاص زندگی است:**

طبق نظریه زیست شناسان، مدت عمر طبیعی هر موجود زنده از نظر علمی حد معین و ثابتی ندارد که اگر به آن حد برسد مرگ آن حتمی باشد. یعنی این چنین نیست که هر فرد با مقدار معینی از انرژی بدنیا می آید مثل ساعتی که کوک شده باشد، این انرژی تا کاملاً "بمصرف نرسیده بحیات خود ادامه میدهد ولی همینکه ماده حیاتی خاتمه یافت مثل ساعت که کوکش تمام بشود، دیگر از حیات باز نمی ماند. بلکه عمر هر موجود زنده تابع شرایط زندگی است و با تغییر شرایط، میزان عمرها نیز کم و زیاد میشود.

چنانکه بعضی از دانشمندان موفق شده اند عمر یک نوع حشره میوه را نهصد برابر عمر طبیعی افراد آن نوع گردانند، این موفقیت در اثر آن بوده که آن حیوان را از سموم دشمنان حفظ نموده و محیط مناسبی برایش فراهم ساخته اند. (۱۷)

همچنین "دکتر جرج کلیبر" استاد دانشگاه "هال" و زیست شناس معروف، روی گیاهی که "سایرولینا مگسنا" نامیده میشود، آزمایش کرده و گیاه مزبور که معمولاً بیش از دو هفته عمر نمی کند آنرا پرورش داده تا عمر آن را شش سال کرده و با این تناسب ممکن است عمر آدمی به ده هزار و نهصد و بیست سال برسد" (۱۸)

یک دکتر سوئدی، رئیس انجمن علمی آمریکائی طول عمر، معتقد است که پیری از آن جهت حاصل میشود که مولکولهای از "پروتئین" به سلولهای بدن گیر کرده

آنها را کم کم از کار باز میدارد و موجب مرگ میشوند .  
دکتر مزبور در جستجوی کشف ماده ایست که این گیر را بگسلد و دستگاه بدن را از نوبراه اندازد و باین ترتیب دوره پیری را از بین ببرد .  
در آزمایشگاهها موفق شده اند که مدت زندگی بعضی حیوانات آزمایشی ، از قبیل خوک هندی را با افزودن ویتامین "ب۶" "ز" اسید نوکلئیک و اسید پانتونکسیک در غذای آنها تا ۴/۴۶ درصد افزایش دهند . (۱۹)  
زیست شناس روسی "فیلاتف" امیدوار است که بتواند دوران پیری را با استفاده از نسوج فاسد از بین ببرد چه این نسوج قدرت عجیبی دارند که میتوانند مانند کود زراعتی مزرعه بدن ما را حاصلخیز سازند ، گذشته از این ، هم اکنون اصولی در دست می باشد که رعایت آنها بر طول عمر می افزاید . (۲۰)  
بنابراین عمر هر موجود زنده بسته بشرایط و خصوصیات زندگی است و با تغییر شرایط ، عمرها نیز تغییر می یابد . بدن انسان در مقابل بیماریها ، حوادث ، گرما و سرمای شدید ، تغذیه نامتناسب و سایر خطرات محیط آسیب پذیر میگردد ، احتمال مرگ در هر لحظه نزدیکتر میشود بالاخره تصادم و عوامل خارجی با جسم انسان ، فکر زیاد تا راحتیهای عصبی و ... از طول عمر میکاهند و مرگ انسان را نزدیکتر میکنند . روی این حساب اگر بشر روزی بتواند به عوامل و عوارضی که سبب کوتاهی عمر انسان میگردد ، چیره شود و بدن انسان را از هرگونه تصادم و حوادث بیمه کند در آن صورت بشر می تواند هزاران سال عمر کند .  
چنانکه نخستین هدف "جرونتولوژی" این است که تمام عواملی را که سبب میشوند انسانی بر لبه پرتگاه راه میرود با گذشت زمان دچار لغزش گردد ، کشف و ارزیابی نماید ، تا کنون هم تعداد زیادی از این عوامل شناخته شده است . فی المثل : وراثت ( ژنتیک ) در طول عمر نقش قطعی دارد بطوریکه به تجربه دیده شده است کسانی که والدین آنها عمر طولانی کرده اند عمرشان درازتر از کسانی است که زندگانی والدینشان کوتاه بوده است .

و همچنین در علم زیست شناسی ثابت شده است که در میان تمام حیوانات نسبت وزن مغز به وزن بدن طول عمر را تعیین میکند . و این که عمر انسان از تمام



پستانداران طولانی‌تر است، علت آن، اندازه و پیچیدگی مغز اوست و حتی فعالیت و کوشش در کار بویژه فعالیت‌های روحی در درازای عمر مقام مهمی دارند یعنی بر طول عمر انسان می‌افزایند.

بعضی از کارشناسان غذایی معتقدند که منحصرًا "بوسیله بهداشت غذایی میتوان زندگی را به بیش از صد سال رسانید ما از آنچه میخوریم ساخته شده ایم. (۲۱) پس این شرایط و خصوصیات جسمی و روحی هر فرد از افراد بشر تعیین کننده میزان عمر اوست.

خلاصه، داشتن عمر بسیار طولانی از نظر علم هیچگونه اشکالی ندارد هیچ استبعاد ندارد برای یک نفر تمام شرایط و خصوصیات جسمی و روحی و اوضاع زندگی طوری فراهم شود که بتواند هزاران سال عمر کند، با تجربه‌های بسیار که دانشمندان متخصص نموده‌اند ثابت کرده که ممکن است انسان تا موقعی که خداوند بخواهد عمر کند.

کریمی کاین جهان پاینده دارد  
تواند حجتی را زنده دارد  
طول عمر امام زمان، از یک واقعیت علمی پرده برداشته است.

\* \* \*

بنابر آنچه گذشت، طول عمر امام زمان نه تنها مخالف علم و عقل نیست بلکه پیدایش بعضی از اکتشافات و دانش‌های جدید را پیشگویی کرده و از موقعیت آنها خبر داده است. به این معنی این عقیده خود نشان دهنده این حقیقت است که بشر پس از پایان پژوهش‌های علمی بالاخره خواهد توانست عمر بسیار طولانی بدست آورد. حتی روایاتی که درباره حضرت مهدی از ائمه اطهار وارد شده شامل نکات بسیار جالبی است که از نظر کارشناسان و متخصصان علم "جروئتولژی" نیز قابل توجه است. در روایتی از امام حسن (ع) نقل شده که فرمود:

"یطیل الله عمره فی غیبه ثم یظهره بقدرته فی صورة شاب دون اربعین سنه ذلک لیعلم ان الله علی کل شیء قدیر" (۲۲)

خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی گرداند و پس از آن، بقدرت خود او را بصورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد ظاهر میسازد تا بدانند خداوند بهر

چیز قادر و تواناست".

در روایت دیگر: "ابوصلت هروی" از امام رضا (ع) از نشانه های امام قائم سؤال میکند و آنحضرت در پاسخ میفرماید:

"علامته ان یکون شیخ السن شاب المنظر حتی ان الناظر لیحسبه ابن اربعین سناه و دونها و ان من علامته ان لایهرم بمرور الایام واللیالی حتی یاتیها جله" (۲۳)

نشانه آنحضرت اینست که سن و سالش زیاد میشود ولی قیافه اش جوان می نماید، بطوریکه اگر کسی آنحضرت را مشاهده کند گمان میکند چهل سال و یا کمتر از چهل سال دارد و نشانه دیگر این است که او هیچوقت با گذشت زمان پیر نمی شود تا عمرش به پایان برسد.

این نوع روایات، خبر شگفت انگیز و پیشگوئی اعجاز آمیز پیشوایان اسلام است که در آینده بشر می تواند پیری را بتأخیر اندازد و دوران جوانی را طولانی سازد. چنانکه از طریق تکنیک و روشهای نوین علم "بیولوژی" نیز این مطلب پیشگوئی شده است.

بالاخره علوم "ژنیاتری" و "جروئولوژی" در آینده موفقیت شایانی را بدست خواهند آورد گویا که از ۱۴ قرن قبل خبر مسرت انگیز پیروزی آنها را اسلام داده است.

گفتار دهم

مہدی اہل البیت

نوشته : آقای حسن سعید - تهران  
گفتار: ۱۰

## مهدی اهل البیت<sup>ع</sup>

در مسیر تکاملی انبیاء برای تشکیل حکومت عدل جهانی توان می‌بخشد

جهان پدیده ایست که با دست نیرومند الهی از هزاران هزار موجود ریز و درشت شناخته شده و شناخته نشده هستی یافته و بسیر تکاملی مقرر ادامه میدهد و از مبداء تا منتهی با یک نظم غیرقابل تزلزلی حرکت می‌نماید و این مجموعه هستی که از آن بعالم آفرینش تعبیر شده یک موجودی زنده و با انرژی است که از موجودات گوناگونی که همه با هم ربط داشته و عضو فعال زندگی میباشند تشکیل یافته است بطوریکه اگر یک موجود از مدار خود خارج شود و یا یک پدیده بموقع خود وجود پیدا نمیکرد نقص و کمبودی درعالم وجود داشت و دیگر جهان کمالی نداشت تا بر تمامیت

و کمال خالق آن دلالت کند (۱) اکنون که انسان با دید تحقیق و بررسی کامل تا آنجائیکه دانش او میرسد دریافته که در سرتاسر هستی با همه گسترش و موجودات پیدا و ناپیدائی که دارد و ابتدا و انتهایش را نمیتواند درک کند و یا بطور تقریب برای آن نظریه قاطعی بدهد ولی یک اصل غیرقابل انکاری را بطور قطع درک میکند و در تمام ادوار تاریخ بشری این اصل مورد قبول بوده و در هیچ مکتبی برخلاف آن سخنی و یا نظامی خردمندانه آورده نشده و آن اساس خلل ناپذیر نظام عالم هستی است که خودگواه بر کمال آفریننده جهان میباشد. و این بحث با همه دقت و بررسی که دانشمندان ارزنده در طول تاریخ نموده‌اند و درباره آن کتابها و مقالاتی نوشته و از جهات عدیده ای در موضوع یاد شده بحث کرده اند ولی باید گفت هر کس در هر سطحی از دانش و علم که بخواهد در این باره فکر کند با اندک دقتی در محیط خود و حیات انسانی خویش میتواند این نظام را درک کند و تعامیت جهان طبیعت از امور فطری است که انسانها میتوانند نسبت ب میزان درک و بینش خود آن را دریابند و اصل کلی آنرا بالطبع قبول کنند البته خصوصیات و تطبیق آنرا در موارد کاری بسیار دشوار بلکه باید گفت بطور کلی برای انسان محدود غیرقابل فهم و باید از دید الهی در این راه استفاده کند تا بمقدار استعداد خود بحقایق برسد.

انسان در چنین محیط مجهول و پراضطرابی خود را می بیند که برطبق غریزه ذاتی خود میخواهد پیشروی کند و خود و همه موجودات بسته بخویش را به پیش ببرد و زندگی بهتری را برای خود مهیا سازد و بکمال انسانی برسد از طرفی هم آنقدر مجهولات او را احاطه نموده که نمیتواند با اطمینان کامل گامی بردارد و در آن موقع است که ازدل فریاد سر میدهد آفریدگارا اگر انسان را خلقت نمینمودی جهان آفرینش دچار کمبودی بود که هیچ موجودی نمیتوانست آنرا جبران کند و آفریدن موجودات دیگر برای چه بود چه خود گفتی من عالم را تمام آفریدم و آنرا از آن تو قرار دادم و ما می بینیم هرچه هست مسخر و برای انسان است و اگر مرا مانند دیگر موجودات مجبور می آفریدی و از خوداراده و اختیاری نداشتم باز ارزشی برای من نبود که جهانی را برای من بوجود آوری و اگر مرا با تمام غرائز و امتیازات می آفریدی و بخودوا می گذاشتی نمی توانستم با اینهمه مجهولات موقعیت خود را در جهان تامین کنم و طبعاً چنین

خلقتی در این جهان ناتمام بود و پدیده تو از نظر آفرینش ناقص بشمار می‌آمد تنها راهی که جهان خلقت را با داشتن موجودی بنام انسان که دارای اراده و اختیار است می‌تواند کامل نماید اینست که در جهان حکومت عدل الهی تشکیل داده تا انسانها را با تهیه و طرح چنین دولتی در مسیر طبیعت قرار داده و بسوی کمال مطلوب سوق دهد چنانچه نخواستند با قافله پیشرو حرکت کنند و دچار انحراف شدند از خط خارج نموده و از زندگی انسانی دور سازند و آنها را فدای انسانها کنند تا راه برای انسانها در جهان هستی ( دنیا و آخرت ) باز گردد پس انسان وقتی می‌تواند بزندگی انسانی خود ادامه دهد و بکمال مطلوب برسد که برای آنچه خلقت شده در مسیری که آفرینش صورت گرفته گام بردارد و از خود در مجموعه هستی استفاده کند و از موجودات به نفع خویش بهره برداری نماید و رسیدن باین هدف جز در سایه حکومت عدل در جهان میسر نیست و انسان روزی می‌تواند بمقصد خود برسد که عدل در سرتاسر جهان هستی حکومت کند و همه بحق خود برسند و از خلقت خویش و سایر موجودات یکسان استفاده نمایند .

نکته قابل توجه اینجاست که بشر در همان لحظه ای که در درون خود این این گفت و شنودها را دارد و با هزاران افکار مختلف در جنگ و گریز است و برای خود راه فرار و نجاتی را نمی‌بیند و نمیتواند پیش بینی کند ناگهان در خود احساس میکند جهان کامل با داشتن مخلوقی بنام انسان که اینگونه مشخصات دارد و نیازی بحکومت عدل الهی برای او هست باید مکتبی داشته باشد که مستقیماً " با خدای جهان در ارتباط باشد و از هرگونه انحرافی که ناشی از جهل و نادانی و عدم تعادل قوای بشری می‌باشد بدور بوده و تنها به بی‌نیازی مطلق گرائیده و او فرمانده این مرکز تربیتی باشد تا بشر با یک دنیا آرامش بتواند تسلیم قوانین و مقررات از لحاظ قانون و معلم گردیده و اگر بخواهد در مسیر جهان هستی بکمال مطلق برسد بداند بایستی از این روش استفاده کند و اگر چنین مکتبی وجود نداشت ناچار انسان بجای اینکه از موجودات بنفع خویش بهره برداری نماید همه موجودیتها را در نابودی و هلاکت خود صرف مینماید و ناچار مسیر طبیعت عوض میشود ( لولا الحجة لساخت الارض باهلها )<sup>(۲)</sup> عجب اینجاست که انسان از روز اول خلقت هر وقت بر خود نظر

کرده و جهان را دیده است این حس را داشته که کمال انسان در حرکت او در مسیر طبیعت است وقتی میتواند باین کمال برسد که از مسیر اطلاع پیدا کند و روزی بر این حقیقت آگاهی پیدا میکنند که با خدا و آفریننده جهان خلقت بوسیله انبیاء ارتباط برقرار سازد تا حکومتی بر پایه عدل تشکیل دهد.

از آنچه یاد شد از روز نخست این مکتب الهی با خلقت آفرینش افتتاح یافت و با سیر عالم هستی به پیشرفت خود پرداخت و انبیاء الهی در زمانهای مختلف و در سطح های گوناگون با دستورات پروردگار براهنمائی انسانها پرداختند و آنها را در حدودیکه بینش بشری استعداد داشت با معارف الهی آشنا کردند و در مرزی که ممکن بود انسانها را در مسیر حرکت تکاملی عالم هستی قرار دارد تا هرکه خواست بسیر تکاملی خود ادامه داد و یا خود را از گردونه خارج ساخته و در وادی هلاکت سقوط کند این حکومت الهی که بوسیله پیامبران تشکیل گردیده پیوسته با گذشت زمان موقعیت خود را استوارتر و قدرت خویش را افزون تر می نماید و بر وسعت کار خود متناسب با پیشرفت بشر بیافزاید گرچه در تطبیق آن در موارد مختلف بشر اشتباهات و انحرافات پیدا میکند و ناچار استفاده او کم میشود و به نتیجه نمی رسد ولی اصل عمده که درک نیاز و تشنگی بشر و توجه کلی او بمبدأ فیاض عالم است روز بروز افزون میگردد تا جائیکه برای رسیدن بحکومت عدل جهانی دست و پا میزند و آنچه ظلم و ستم دامان بشر را میگیرد و فساد و تباهی آسایش را از آنها سلب میکند که همه یکدل و یکزبان ناله میزنند و رهائی از وضع موجود را درخواست مینمایند.

دین اسلام که آخرین مکتب تکامل یافته الهی است که برای تشکیل حکومت عدل و داد خدای جهان مقرر داشته و بوسیله رسول بزرگوار بجامعه انسانیت ابلاغ نموده / قرآن کریم را برنامه این حکومت قرار داده و بمردم اعلام داشته است که این کتاب آسمانی از متن طبیعت گرفته شده و بر طبق روشی است که جهان آفرینش در آن مسیر حرکت مینماید بنا بر این تنها راه رسیدن به هدف پیروی و اجراء بدون کم و زیاد این دستورات آفرینش است که بر طبق خلقت انسان و آفرینش تعیین گردیده است و از طرفی آنچه محکم و پا برجاست که هیچ نیروئی نمیتواند در باره آن کمبودی احساس کند و آنرا تغییر و تبدیل دهد و خواه ناخواه این مکتب پیش

می‌رود تا پس از مدتی کوتاه یا بلند حکومتی جهانی بر محور عدل و داد تشکیل دهد و البته رسیدن باین کمال انسانی نیاز بزمان و پیدایش رویدادهای گوناگون بشری دارد تا بشر با مدد پروردگار باین سعادت بزرگ که نتیجه خلقت و آفرینش است برسد همانطور که انسان در سایر شئون زندگی مادی خود نیاز بزمان و پیش‌آمدها و تلاشها دارد و بدون کوشش و رنج موفقیتی بدست نمی‌آورد در جنبه معنوی و حکومت عدل هم که بزرگترین و عالیترین مقام انسانی است که پیروی از حکومت عدل کند و با ظلم فسادوتیاهی مبارزه نماید ناچار باید حداکثر جهاد و کوشش را انجام دهد و هرگونه زحمت و رنجی را بر خود هموار سازد تا بچنین مقامی بزرگ نائل آید ،  
 به آرزو و هوس بر نیاید این معنی به آب دیده خون جگر تواند بود  
 قرآن کریم با کمال صراحت اعلام میدارد که هدف نبوت انبیاء عظام عدل و برپاداشتن حکومت عدل در جامعه انسانی است ؛  
 لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط  
 سوره حدید آیه ۲۵ .

ما پیامبران خود را با دلائل روشنی بسوی مردم فرستادیم و با آنها دستورالعمل و میزان سنجش حق از باطل را گذاردیم تا آنها حکومت عدل را برپا کنند و با ردیگر موجودات عالم هستی که همه بر مبنای عدل بنا نهاده شده همکاری نمایند در نتیجه از خلقت خویش همانطور که خلقت یافته اند با اختیار خود استفاده نمایند و گرنه از راه دور میشوند و بهلاکت میرسند پیامبر اسلام فرموده ؛  
 بالعدل قامت السموات و الارض<sup>(۳)</sup> ای انسان تو یکی از موجودات عالم هستی میباشی و از خود اختیاری داری که بقافله هستی بییوندی و بکمال انسانی خود بررسی و یا مخالفت کنی و دچار هلاکت شوی نگاه کن آسمان زمین بین آنچه آنها را برپا داشته عدلی است که درباره آنها رعایت گردیده و همه وجود هستی و شرایط حیات آنها را بجا و بموقع قرار داده است همان آفریننده توانای سایر اجزاء عالم تو را خلقت نموده و تمام لوازم زندگی تو را که بتوانی با دیگر مخلوقات بسیر تکاملی خود ادامه دهی فراهم نمود و اگر بتو اختیار داده است تو را با دیدن مکتب انبیاء و بررسی قوانین الهی و پیروی از مقررات دین مسیری که بایستی به پیمائی و حکومتی عدل پرور



آنطور که خدا خواسته بکمال مادی و معنوی خود بررسی و در روز قیامت که خدای بزرگ میفرماید: **و نضع الموازين القسط ليوم القيمة فلا تظلم نفس شيئا وان كان مثقال حبه من خردل اتينا بها و كفى بنا حاسبين انبياء ۴۷** .

از عدل الهی استفاده نموده و آنچه در راه رسیدن به هدف و ایجاد عدالت رنج دیده ای بمقتضای عدل پاداش نیک به بینی و در زندگی جاودانی خود برخوردار شوی و آنچه از دستورات سرپیچی نموده و از عدالت انحراف پیدا کرده ای باز بمقتضای عدل الهی از فیض و بهره دور بمانی و عذاب شوی خلاصه عدل بمعنای اجتماعی و فلسفی خود هدف و مبنای پیامبران و معاد است و همانطور که خالق آسمان زمین خلقت و پایداری آنها را بروی عدل بنا نموده و همه را روی میزان که باید بنا نهاده **والسمااء رفعها و وضع الميزان<sup>(۴)</sup>** همینطور هم انسان را آفریده و روی عدل خود برای ادامه حیات انسانی او دینی را فرستاده و مکتبی را تهیه کرده که تمام نیازمندیهای او را بر طرف میکند و تمام شرایط حیات را بدون کوچکترین کمبودی در اختیار میگذارد و برای اینکه آفرینش کامل باشد باو اختیار میدهد تا خط مشی خود را خود اختیار کند اگر میخواهد با دیگر موجودات بسیر تکاملی ادامه دهد بایستی بدستور پروردگار رفتار کند و هر قدر بیشتر پیروی و تبعیت از حکومت الهی نماید بهتر و زیادتر از فیض الهی برخوردار است و هر قدر خود را از فرمان خدا دور بدارد بهلاکت و سیه روزی و عواقب وخیم انحراف از مسیر طبیعت گرفتار است .

بنا بر آنچه یاد شد در تمام موضوعات دینی و اسلامی بایستی بکتاب خدا و سنت رسول خدا **فان تنازعتم في شئ فردوه الى الله والى رسوله<sup>(۵)</sup>** اطاعت و فرمانبرداری بدون چون و چرا بایستی از خدا کرد چه او همانطور که مشاهده می نمائیم در تکوینیات کوچکترین نقصی وجود ندارد و همه عالم خلقت را روی اساسی قوی و درست و خلل ناپذیر بنا نهاده در عالم تشریح هم رعایت اتقان و استحکام را فرموده و ناگفته چیزی را نگذاشته است و خود ضامن بقاء دین و اساس اسلام گردیده **نحن نزلنا الذکر و اناله لحافظون<sup>(۶)</sup>** بلکه باید بگوئیم دین و قرآن کریم از همان افعال صادره از حق است که خلل و نقص در آن راه ندارد و بموجب همین قرآن کریم آخرین مکتب تربیتی الهی اسلام است که بوسیله آخرین فرستاده پیامبر اسلام رسیده و او مامور است

که بدنبال دستورات انبیاء گذشته در تربیت انسانها در تمام اعصار و امکانه در سطح عالی و وسیعی بکوشد و آنها را با خدا مرتبط سازد و از هیچ مقام، منصب و یا تهمت و ناسزائی باک نداشته باشد و الله يعصمک من الناس<sup>(۷)</sup> خداوند نگهدار و پاسدار توست در میان مردم جهان تو باید همه مقررات و دستوراتی که بتو سپرده ام بمردم برسانی و ما خود برای حفاظت از دستبرد و خیانت در آن به نگهداری آن می پردازیم و آنچنان ترا فتح و پیروزی عطا کنم که همه انسانها بعظمت تو پی ببرند و تمام سخنان بیپوده و نایجائی که درباره<sup>۶</sup> تو گفته اند در جهان صورتی دیگر پیدا کند ،  
 انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفرلك ما تقدم من ذنبك وما تاخر<sup>(۸)</sup>

همه درمی یابند آنچه تو گفته ای برطبق واقع است هیچ مطلب گزافی ندارد و هرچه دامنه علم بیشتر پیش رود عظمت گفتار تو واضح تر خواهد شد ،

رسول اسلام اینسان این مکتب الهی را بنا گذاشت و بدستور خدای متعال برای آینده آن هم برنامه ای عالی ترتیب داد چه رسیدن به هدف مقدس نیاز بزمان و گذشت مراحل بی شمار داشت همانطور که در امور طبیعی و مادی باید زمانی بگذرد و تخمی در زمین افشانده شود و فصول مختلفی از سرما و گرما ببیند و در تمام مراحل مبارزاتی با دیگر موجودات پیش آید تا سرانجام پس از گذشت دورانها میوه شادابی را باغبان تحویل گیرد در این مورد هم حکومت الهی تشکیل میگردد قانون الهی تدوین میشود مجریان الهی برای اجراء آن همت می گمارند ولی باید فراموش ننمود که همه افراد یکسان دین را نمی پذیرند و تمام انسانها بصورت واحدی تسلیم خدا نمی شوند و نمیتوان در مدت کوتاهی بشر را بدین خدا آشنا ساخت زمان میخواهد و مبارزه بی گیر آنها در ابعاد مختلف اجتماع با گروههای رنگارنگی که هریک برای خودجائی در اجتماع پیدا میکنند پیامبری که مأمور است مکتب را در عمود زمان باز نگهدارد تا همه مردم روی سنت الهی از دین خدا آگاه شوند و بطور متعارف دین بپذیرند و هیچگاه سنت الهی بر آن قرار نگرفته که بطور غیرعادی و از مجری غیر طبیعی انسانها را مجبور به پذیرش اجباری کند و میوه ای را نارس بجامعه تحویل دهد باید دین باو برسد و او مراتب را ببیند تا بپذیرد یا رد کند طبق متعارف تبلیغ و مبارزه شروع شود سرانجام یا تسلیم گردد یا بسرنوشت مردمیکه در مقابل حق ایستادگی میکنند مبتلا

گردد بر همین روش عقلانی اسلام بکار خود ادامه می‌دهد و خود را در مقابل هرپیش آمدی مجهز مینماید و با دو سلاح شکست ناپذیر تربیت و علم در جامعه بشری رخنه میکند و معارف خود را منتشر می‌سازد و در تمام نشیب و فرازها و پیکار صلحها گرمیها و سردیها و همه و همه مشکلات دست از کار خود برنمیدارد و انحرافی از خود نشان نمیدهد و با یک دنیا اطمینان و صلابت برنامه خود را اجراء میکند تا حکومت جهانی بدست گیرد و جهانی را آزاد سازد.

چنین مکتب پرارزشی را پیامبر اسلام افتتاح و بنیان گزارد و بعنوان امامت در شیعه آمده و امام و معلم او را علی (ع) و فرزندانش طبق دستور الهی قرار داده (۹) و مردمی را که بدنبال پیشوا و رهبر معصوم گام بر میدارند شیعه نامیده است و با کمال صراحت با آنها وعده داده است که پیروزی نصیب شماست و علی و یارانش رستگاران دنیا و آخرت میباشند (۱۰) و این سخن گرانبهای پیامبر اسلام را علمای بزرگ اسلام در کتب احادیث و تفاسیر و تواریخ یاد کرده اند بنا بر این ریاست دین و دنیای مسلمانان را امام عهده دار است و بایستی در حفظ و پاسداری مکتب و مسلمان بصورتیکه بتواند در جهان روز ادامه خدمت دهند و بکوشند و در هر زمانی بمقتضای آن عصر بدون کوچکترین تغییر و یا تاویلی روشی عاقلانه اتخاذ نمایند و خدا در تمام این مراحل در پنهان و آشکارا مددکار آنها میباشد.

پیامبر اسلام مکتب تشیع را بمضامین مختلف بگوش مسلمانان و جهانیان رسانده و حتی نسبت بائمه ظاهریین سخنانی مکرر گفته است و رویدادهای جهان را پس از خود بعناوین گوناگونی در مواقع مختلف بیان کرده تا مردم مسلمان کورکورانه بچاه نیافتند و از حق منصرف نگردند ولی با تمام پیش بینی های لازم باز کسانی که نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند تسلیم حق گردند هر روزی بشکلی پس از رسول اسلام بمبارزه و مخالفت برخاستند و با صورتی حق بجانب قوانین و مقررات را بشکلی دیگر در می‌آوردند و مردم را با تهدید و تطمیع بجانب خود میکشاندند و احکام الهی را بنفع خود تغییر میدادند پاسداران الهی با حفظ مقررات اسلام آزادی در عمل نداشتند و اصولاً "حکومت را میخواستند که دستور الهی را اجراء کنند نه آنکه دین را بهانه کرده بودند تا بمقامی برسند و بر مردم حکومت نمایند بسیار بین این دو دسته فرق

بود لذا رنجی که ائمه طاهربین با تعداد کمی از پیروان خود می بردند آنچنان طاقت فرسا بود که راستی جهانی از تحمل آن قاصر بود این دسته قرآن خوانده بودند که اعلام نموده بهشت در سایه کوشش و فداکاری است .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما ياتكم مثل الذين خلوا من قبلكم مستهم البساء والضراء و زلزوا حتى يقول الرسول و من آمن معه متي نصر اللاله ان نصر الله قريب (۱۱) چگونه ممکن است زمین را بهشت برین سازد و حکومتی گسترده بر پایه عدالت در جهان مستقر کند و در نتیجه در آخرت وارد بهشت موعود گردند ولی سختی هائی که ملت های گذشته در راه دفاع از حق و پیشرفت مکتب خداپرستی تحمل نموده اند نبیند آنها ، آنچنان سختی و نا راحتی دیده اند که پیامبر و پیروانش بجان آمده و فریاد میزدند کی و چه وقت خدا ما را یاری میکند در چنین وقتی نصرت الهی آنها را نجات میداد ، علی و پیروانش هم این مکتب دفاع از حق را تا سر حد جان دیده اند و برای جان در مقابل حق ارزشی قائل نیستند و از تعداد کم یاران نمی هراسند همانطور که در مقابل شماره<sup>۶</sup> زیاد دوستان مغزور نمی شوند آنها میدانند لولا التضاد لما صح الفيض عن المبداء الفياض (۱۲)

باید همه<sup>۶</sup> قشرها بمخالفت برخیزند و بر حق و واقع ضدیت کنند تا طرفداران حق از فیض الهی کامیاب گردند .

در طول دو قرن ائمه طاهربین در صحنه های مبارزه بصورت های مختلف جلوه نمود و از حق دفاع کرده و آنچنان حکومت الهی را پاسداری نمودند و مکتب را توسعه دادند و راه و روش پیاده کردند و احکام اسلام را به پیروان خود آموختند و آنها را در فراگرفتن معارف و علوم تشویق و تقدیر کردند که نقطه مجهولی برای شیعه باقی نماند و راه رهایی از چنگال دژخیعان هر عصری را متناسب با آن عصر فرا گرفتند و عجب اینجاست با اینکه همه ائمه شیعه در سختی و رنج بسر میبردند و مجال فعالیتی صورتا " نداشتند ولی با همه این احوال در زندان میدان نبرد گوشه تبعیدگاه ، کنار بستر بیماری ، آنچنان حق را جلوه دادند و بر باطل مهر بطلان زدند که همه<sup>۶</sup> جهانیان از دور و نزدیک چون بوضع آنها آشنا میشوند و درباره<sup>۶</sup> زمان و روش آنان بررسی و مطالعه میکنند باستان آنها تعظیم و در مقابل آنها سر فرود

می‌آورند و به دشمنان اسلام که دشمن انسانیتند نفرین می‌فرستند و این روش و طرز در این مدت درسی است که به شیعه در طول تاریخ می‌دهد تا بتوانند در هر فصلی وظیفه خود را انجام دهند و اسلام را با برنامه تعیین شده حفظ و پاسداری کنند، نوبت پاسداری به امام دوازدهم رسید او بگفته پیامبر اسلام بایستی حکومت عدل جهانی تشکیل دهد و به کشور و جمعیت خاصی اکتفا ننماید، او اراده الهیه که حکومت مستضعفین است باید در عالم اجرا کند و همه جهان از نعمت امنیت و آزادی در پرتو حکومت عدل الهی تحت رهبری معصومی که از طرف پروردگار منصوب است برخوردار گردند او باید نتیجه زحمات انبیاء گذشته را در تشکیل حکومت الهی و توسعه آن دریابد او ضامن است بگفته نبی اکرم که علت غائی و هدف عالی از بعثت انبیاء را که حکومت بعدل است در سرتاسر جهان گسترش دهد و ستگران و دژخیمان را سرکوب و ملت مسلمان را بر سرنوشت خود مسلط فرماید و همه در اجراء قانون اسلام و تبعیت از رهبر عالیقدر اسلام کوشا باشند رسیدن باین هدف که همه انبیاء برای آن مبعوث شده و طبیعت هستی کمال آنرا طلب می‌نماید و روزی جهان خلقت بکمال مطلوب میرسد که باین هدف رسیده باشد بنا بر این وظیفه بسیار سنگینی را بعهده دارد و بایستی همانطور که رسول اسلام در موارد عدیده خبر داده، مهدی اهل بیت نجات دهنده بشریت و جبران کننده آلام انسانیت است و همه تلاش رهبران الهی برای پیروزی امام دوازدهم است تا جائیکه پیامبر مژده می‌دهد: ابشركم بالمهدی<sup>(۱۳)</sup>، من بجامعه بشریت با یکدنیا قاطعیت اعلام میدارم که مهدی می‌آید و بهمه بدبختیها و سیه روزیها خاتمه میدهد و حکومت عدل را تشکیل میدهد و نعمت خدای متعال بر همه افراد انسانها بلکه همه موجودات بطور گسترده‌ای پخش میشود دیگر ظلم مفهومی ندارد اگر ائمه طاهرین هر یک افتخار میکنند که مهدی از ماست، اگر پیامبر اسلام برای تسلیت تنها دختر خود بانوی بزرگ اسلام می‌گوید: مهدی از ماست برای اهمیت و موقعیت ممتازی است که او در جهات طبیعت و عالم هستی دارد همه خلقت و تمام بعثت انبیاء همه و همه برای این است که دستگاه آفرینش برای آنچه خلق شده بکار بیافتد و از تمام ابزارهای هستی بنفع انسانهای خداپرست آزادمنش استفاده گردد و این مقصد اساسی خلقت روزی تحقق می‌پذیرد

که انسانها در جهان حکومت کنند و پیشوائی معصوم در رأس حکومت قرار گیرد دولتی که میخواهد در سرتاسر هستی این برنامه را پیاده کند جز با نیروئی مددگرفته از غیب که سالیانی غیر محدود چنین قدرتی را تعبیه و تهیه کرده باشند و همه اطراف و جوانب کار را از دید عمیق هستی بررسی نموده باشند میسر نخواهد بود و بهترین جمله‌ای را که در این موقع میتوان گفت: اینست که تنها آفریدگار چنین جهان پهنآوری با چنین مشکلات نامحدودی در شرایطی که شماره آنها برای بشر عادی غیر ممکن است تنها و تنها بایستی انسان دقیق و روشن با ستانه خدای متعال رو آورده و تسلیم اراده و مشیت او گردد و سعی کند خواست او را بدست آورد و هر چه از او رسید بدون کم و یا زیاد بپذیرد او برای رسیدن بخواست او تنها تبعیت از رسول اسلام است که گفته او را خدا تضمین نموده.

(۱۴)

ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم فانتهوا . و خوشبختانه آنقدر احادیث معتبر از شیعه و سنی در این باب رسیده و بزرگان اسلام در این موضوع کتابها و مقالات نوشته اند که هر دانشمندی با اندک مراجعه ای میتواند حقایقی را درک کند و نسبت به حضرت مهدی (ع) ایمان آورد و آنچه می بیند تحقق بخش اخباری است که نبی اکرم فرموده و سرانجام بخواست خدای متعال حکومت جهانی الهی تشکیل میگردد و همه بینوایان عالم بنوا می رسند و جهان عرصه فعالیت انسانهای مؤمن قرار میگیرد.

سخن بدینجا که رسید بایستی عمیقتر فکر نمود و در آنچه از انبیاء عظام و اولیاء رسیده است بیشتر دقت کرد تا نسبت بشخصیت بزرگ عالم خلقت اندیشه‌های دیگر داشت.

سخنم شد بلند می ترسم که مرا خبری از دهان بجهد

رهنورد بیان عجب تنداست ترسم از دست من عنان بجهد

آنکس که میخواهد نتیجه مکتب الهی را در جهان هستی پیاده کند و تمام معارف گذشتگان در خدمت اویند و همه خلقت در انتظار فرمانبری از او می باشند تا نتیجه آفرینش و کمال هستی بصورت چشمگیری ظاهر گردد و دنیای انسانی به تمام معنی الهی گردد و مردمی که در دورانهای تاریخ ستم و رنج کشیده، حاصل دسترنج

خود را ببینند چنین انسانی که مهدی امت انسانی است رنگی دیگر دارد و بوی دیگر، برنامه ای دیگر و اسلام را از دریچه دیگری مینگرد و عالم را بصورت دیگری میبیند و همه عوالم را مورد استفاده خود و انسانها قرار میدهد چنین نظامی حیرت انگیز، چنان رهبر معجزه آفرین هم میخواهد که گذشتگان مزده آمدن او را بدهند و مردم با خدا انتظار مقدم او را داشته باشند و همه انسانها بواسطه او با اسلام و پیامبر اسلام آشنا میشوند و از این راه با خدا ارتباط پیدا میکنند و دستگاه آفرینش همانطور که قرآن خبر داده مسخر آنها میگردد و حقایق اشیاء را می بینند و با دید الهی خود بهره برداری مینمایند، نه تنها رهبری او معجزه آساست (۱۵) بلکه کسانی که از او پیروی می نمایند بصورت غیر عادی و وضعی بهت آور معارف را درک می کنند گویی جسم و جان آنها از مواهب الهی لبریز میگردد و انسانی کامل میشوند و موجودی الهی در عرصه جهان عرض اندام می نمایند تا جائیکه معصوم آرزوی دیدن آنها را میکند و بآنها تبریک میگوید و نه تنها انسانها بهره برداری می نمایند بلکه همه موجودات علوی و سفلی در چنین حکومتی بهره های خود را بطور کامل در اختیار انسانها میگذارند و آنچه موجب برکت و نعمت است بر همه طبقات داده میشود گویی ظلم و جور دیگر در این خاکدان طبیعت وجود ندارد و همه در مسیری که باید و برای آن خلقت شده اند به بهترین وجهی سیر می نمایند. راستی قلم عاجز است از اینکه بتواند چنین دورانی را ترسیم کند و زبان ناتوان است چنین عصر مشعشی را بیان نماید. و بقول زراره بن اعین... فتلك امارات تجيء لوقتها و مالک عما قدر الله مذهب. (۱۶)

بنا بر این بگذارم دوستان به بررسی و مطالعه روایاتی که از پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام اله رسیده که همه دارای نکات و وقایعی است که مراجعه بآن وضع را تا حدودی روشن میسازد، توصیه نمایم و جدا "درخواست کنم که در این باب به اینگونه کتبی که از احادیث و روایات خاندان عصمت الهام گرفته اند توجه بیشتری بنمایند.

نا گفته نماند امام زمان در مسیر تکاملی انبیاء برای تشکیل حکومت جهانی اجتماع را توان میبخشد تا بتوانند قدرت بدست گیرند و بر هر چه غیر از خداست

خط بطلان بکشند و برای رسیدن به این هدف فرصتی مناسب لازم است که اجتماع از اسلام بهره کافی داشته باشند و از آنچه غیر از اسلام است بطور کامل رنجیده شده و به تنگ آمده باشند .

خلاصه در اثبات و نفی بصورتی درآید که حد وسطی در میان وجود نداشته تا مردم یک سره بدر خانه خداوند روند و دستور او را بپذیرند . پس در این صورت دواصل اساسی باید رعایت شود و نگهداری کامل بعمل آید ، اصل اول این است که مکتب بدون کوچکترین آسیبی همانطور که رسول اسلام از وحی گرفته در دسترس عموم قرار گیرد و مطالب روشن و بدون ابهام در اختیار مردم باشد ، همه بدانند . آنچه هست از خداست دیگری دستی در آن نبرده و کسانی دروس الهی را به مردم آم؟خته اند که در مرز عصمت (۱۷) بوده و شاگردانی در این راه تربیت کرده که همه این روش را دنبال میکنند و در این قسمت باید اذعان کرد که ائمه طاهرین در ادوار مختلف که اجتماع شکلهای گوناگون بخود میگرفت آنچنان کوشش نموده که راستی احتیاجات نیازمندان را مرتفع نموده و اگر نقصی بچشم میخورد بستگی بمردم دارد و آنها جان دادند ، دین را صحیح با آموزگارانی کار کرده بدست جمعیت سپردند اصل دوم پذیرش انسانها در سطح جهانی است در اینجا باید توجه داشت که تحقق این امر در خارج بصورتیکه بطور عموم یا اغلب بپذیرند بصورتی غیر عادی انجام گیرد یا باید بطور متعارف مردم را متوجه نمود . در صورت اول که برای انسان ها امتیازی نخواهد داشت و با سلب اختیار از انسان دیگر ارزشی برای او نمی ماند و بزرگترین ظلم درباره او انجام شده است و اگر بنا بود اراده و اختیار از او گرفته شود این روش در نخستین روز خلقت انجام میگرفت و او را بدون اراده خلقت مینمودند و در این حال جهان هستی موجودی ناقص بشمار می آمد و در صورت دوم که روی منطق و عقل باید انسان را بطور متعارف در سطح عالی تربیت نمود و چنانچه دوره های لازم را بشر دید بازخواست تسلیم اراده خدا نگردد ، آن روز است که خود ارزش خویش را از دست داده و هرچه بیند از کارکرد خویش است ، در این صورت لازم است که افراد بشر هرچه ممکن است دوره های مختلف زندگی را ببیند و در زمانهای گوناگون و نشیب و فراز های اجتماعی و آشنا شدن با مکتبهای بشری و مبارزه کردن



با افکار و عقائد گروههای کوچک و بزرگ و دیدن حکومتهای طاغوتی خود را برای پذیرش مکتب انسانی مجهز سازد و ظلم و بیدادگری و هزارها بدبختی، سیه روزی که بهر دری زده، نا امید گشته و سرش بسنگ خورده در دل بجستجوی راهی روشن و اساسی نجات بخش میگردد. در چنین موقع تمام قواء خواه نا خواه بطور ناگهانی بدنبال نورالهی میگردد و از همه رو برمیگرداند، در چنین زمانی دزدان راه و مردم از خدا بیخبر، یا خود را بیدار نیستی میفرستند یا اجتماع آنها را طرد می کند در نتیجه در جهان که ظلم و ستم انسانها را سخت در فشار قرار داده بود یکباره برای پذیرش اسلام آماده میگردند آنوقت است که پیشوای معصوم جلوه میکند و با نیروی الهی خود، از فرصت استفاده نموده و انسانها را در سطح گسترده علمی و اخلاقی با خدای خود مرتبط میسازد و اجتماعی پاک و مجتبعی دارای علم و فضیلت در جهان حکومت می نمایند، بنابراین برای تشکیل حکومت جهانی ناچار باید شرایط و مقتضیات وجود پیدا کند و بطور متعارف در سطح عالی پذیرش باشد تا امام معصوم با مدد پروردگار از فرصت استفاده نماید و حکومتی الهی در جهان تشکیل دهد و این موقعیت بدون تردید احتیاج به زمان دارد و هرگز نمی توان زمان آن را پیش بینی کرد.

از آنچه گفته شد روشن گشت که برای تشکیل حکومت جهانی فرصتی لازم است و برای رسیدن بآن زمان لازم می باشد، در اینجا سئوالی پیش می آید که در این زمان که به انتظار فرصت و ایجاد شرائط لازم بسر می بریم چرا امام زمان (ع) غیبت میکند که مردم بآن دسترسی نداشته باشند؟

جواب این سئوال واضح است زیرا ما در آنچه بیان شد دانستیم که شرائط و مقتضیات وجود ندارد و محیط جهان متناسب نیست.

بنا بر این اقدام امام بدون اثر می ماند و طبعاً " در چنین وضعی یا کشته میشود در میدان و یا او را مسموم میسازند و از صحنه فعالیت خارج میگردانند و نتیجه ای هم از این کار بنفع دین گرفته نمیشود زیرا بدون وجود مقتضیات امری انجام گرفته و حجتی از دست رفته است و اگر ائمه دیگر چنین روشی را اتخاذ فرموده و در میدان معرکه حاضر شده و مبارزه بصورتهای گوناگون پرداخته اند آنها عهده دار حفظ

مکتب و مسلمانها در سطح محیط زندگانی عصر خویش بودند ولی پیشوای دوازدهم وظیفه دار بود حکومت جهانی را در موقع مقتضی که از آن در روایات تعبیر شده به عصریکه ظلم و جور ، فساد عالمی را فرا گرفته ، تشکیل دهد . پس اگر قبل از موقع قیام کند طبعاً "نتیجه مطلوبه را نخواهد گرفت ، شاهد این مطلب سئوالاتی است که از چند امام معصوم در چند مورد میشود که شما قائم آل محمدید ، جواب می دهند ما همه وظیفه داریم که بوظیفه خود قیام کنیم اما قائم آل محمد حضرت مهدی است او باید در جهانی قیام کند و حکومت جهانی تشکیل دهد .

بنابر این غیبت امام زمان (ع) ناشی از ما و طاغوتهای زمان است که در محیط جهانی خود پذیرش عمومی ایجاد نمی کنیم و اگر او جلوه کند طبق متعارف او را شهید و از میدان فعالیت بیرون می نمائیم ، امامان هر یک در زمان خود در جهان جلوه نمودند و برای حفظ مکتب و نشان دادن حق و راه مبارزه با دزدان راه و بت پرستان اجتماع تا مرز شهادت کوشیدند و موضع دین را در اجتماع و محیطهای مختلف مستحکم و پابرجا ساختند تا همه پیروان حق راه مبارزه را دریابند و با سلاح تربیت و علم مکتب را تا سرحد جان دادن دنبال کنند . در اینجا سئوال دیگری مطرح میشود که در عصر غیبت که مدت آنها معلوم نیست نقش امام زمان (ع) نسبت به مکتب و مسلمانان چیست ؟

باز باید برای روشن شدن مطلب بگفته های گذشته پرداخت . امامت از نظر شیعه ریاست مطلقه در امور دین و دنیای مردم است در جهان ، و امام کسی است که از طرف پروردگار باین مقام منصوب گردیده تا مردم بوظایف دینی خود عمل کنند و در صورت تخلف آنها را بعواقب وخیم مخالفت خدای متعال آشنا سازند و برای امام بگفتهء متکلم بزرگ خواجه طوسی قدس اله سره هشت صفت ذکر شده که مهمترین آنها مقام عصمت است که بهترین تعریفی که از آن شده این است که صاحب عصمت در پیشگاه خدا ارزش و مقامی دارد که در آن مرز هیچگونه موجبی برای ترک فرمان الهی و یا ارتکاب معصیت در خود نمی بیند و به تعبیری که حکما میگویند ملکه ای دارد که با آن صفت راسخ هرگز معصیت و گناه از او سر نمی زند . (۱۸)

بنا بر این امام باید در دین و دنیای انسانها حکومت داشته باشد و مردم از

او تبعیت کنند و پیروی نمایند و حکومت در امام در طول حکومت و سلطه خداست بر مردم ، و همانطور که پروردگار بر جامعه حکومت دارد و با آنها فیض میرساند و انسانها بموقع خود بهره می‌برند و هستی خود را از خداوند میدانند و هرچه هست و نیست از او می‌شناسند و روی همین اصل دستورات الهی را بدون کم و زیاد در تمام شئون اجتماعی و سیاسی و دینی می‌پذیرند و انسانهایی را که او معرفی نموده و بر حسب شخصیتی که داشته‌اند مقام داده ، مورد احترام قرار میدهند و امر خدا را در امثال او امر آنها می‌شناسند و در خلوت و جلوت خدا را در تمام حالات و شئون حاکم و ناظر در امور میدانند و آنچنان حکومت الهی در دل خداپرستان قدرت و نفوذ دارد که همه چیز را در این راه ایثار میکنند تا بمقام عبودیت برسند و دیگر بندگی احدی را نپذیرند و اصولاً " موجودی مؤثر و فیاض بخشی بی نیاز و دستگیری جزء معبود بی همتا نمی‌بینند تا برای او حکومتی قائل شوند آنها خدا را با چشم نمی‌بینند ولی با دل در تمام وجود و جهان هستی مشاهده میکنند و حکومت او را در سرتاسر عالم کون بصورت غیر قابل تغییری درک می‌نمایند . همین طرز حکومت برای پیامبر و امام از طرف پروردگار معین گردیده و چون انسان پیامبر و امام را می‌شناسد در همان لحظه شناسائی در او حکومت آنها جلوه میکند و بدنیال فراگرفتن او امر و دستورات آنها میرود . چه بسا رسول و نماینده الهی را ندیده ولی دل بهاو داده و با او عشق میورزد و احکام او را اجراء مینماید و با این ترتیب خود را از مکتب و پیروان راستین او قرار میدهد و پیامبر هم معاشقه او را می‌پذیرد و با کمال صراحت اعلام میکند : انى اشم رائحه الود من الیمن <sup>(۱۹)</sup> . درست مانند حکومت روح در بدن می‌ماند که چون در جسم انسانی حلول کرد تمام اعضا و جوارح او در اختیار او قرار میگردد . با اینکه روح را نمی‌بینند .

خواجه میگوید : الامام هو الحاکم فى عالم الباطن . <sup>(۲۰)</sup> پیشوای الهی انسان در دل آدمی حکومت میکند و او را بخداسوق میدهد و همانطور که امام ملکه ای را بلطف خداوند پیدا میکند که تسلیم اراده او میشود و جزء او چیزی را نمی‌پذیرد و نمیخواهد مؤمن هم در مرتبه ضعیف همین روح خداپرستی را دارد که چون ایمان آورد و امام را نماینده خدا شناخت ، طبعاً " از حکومت او تبعیت نموده و حکومتی را جزء حکومت

او که حکومتی الهی است نمی‌پذیرد و نمیخواهد، البته پذیرش حکومت الهی بستگی بمیزان تربیت و تعلیم شخص دارد تا چه حدی در مقام سیر و سلوک پیشرفته و در شناسائی حقایق جهان هستی تا چه درجه‌ای نور گرفته است و بواقع رسیده است، بنا بر این آنچه مطرح است وجود او و شناسائی پیروان و شیعیان از اوست اما دیدن و ندیدن او مورد سخن نیست، همانطوریکه حاکم در محلی استقرار دارد و دیگران شاید او را در تمام عمر نبینند ولی حکومت آنرا چون پذیرفته‌اند از دستوراتش پیروی مینمایند و امام در تمام امور بر آنها نظارت دارد و بموقع خود اعمال قدرت مینماید. با توجه بمسائلی که گفته شد حکومت در اجتماع یا فرد برای تنظیم روابط و تحکیم اساس انسانیت است تا جامعه بتوانند در سایه نظام الهی با روش طبیعی جهان آفرینش گام بردارند و به اوج سعادت دنیوی و اخروی برسند و مقام شامخ انسانیت را حائز شوند، موانع کار را بردارند شرایط را ایجاد کنند و برای رسیدن به چنین هدف مقدسی نیاز به قانون و اجراء صحیح آن است.

رسول اسلام بواسطه وحی و الهام از مبداء و آفرینش همه نیازمندیهای فردی و اجتماعی در تمام ابعاد حیاة را تامین نموده و بصورت قرآن و سنت آنرا در اختیار ملت مسلمان نهاده است، و برای اینکه از زمانهای مختلف این برنامه هستی بخش بصورت صحیح بدست مردم برسد و ستمگران و جاه طلبان بنفع خود آنرا توجیه و تاویل نکنند و با استفاده از آن از سلاح تربیت و تعلیم برخوردار گردند تا بتوانند با قافله هستی بجلو بروند، این گروه که پیامبر (ص) آنها را طبق قرآن امام نامیده و پیشوای امت قرار داده طبق اخباری که مورد تأیید شیعه و سنت است به دوازده نفر از این ائمه علیهم السلام در دورانهای گوناگون قرار گرفته و با طاغوتها و افراد متفاوت و مؤمنین مختلف همزمان بوده‌اند و طبق وظیفه الهی با استمداد از پروردگار روشی مخصوص بخود را اتخاذ نموده و آنچه می‌بایست در آن زمان انجام دادند، بطوریکه اگر زمان آنها عوض میشد دیگری هم همان روشی را اتخاذ مینمود که امام دیگر انجام داده امت تا دین خدا و مکتب تشیع را آنطورکه بایست باروشهای خداپسندانانه نگهداری نموده و مسلمانان را بطور کامل با حقیقت آشنا، و راه پیشرفت علمی و عملی را بنحو شایسته‌ای نشان دادند. خود در این راه جان دادند ولی

بمکتب هستی بخشیدند .

نوبت به دوازدهمین امام رسید اگر او هم مانند ائمه دیگر روش اتخاذ مینمود بدون تردید شهادت پیدا میکرد و مکتب تعطیل میشد و وقت آن نرسیده بود که جهانی به اسلام گرایش پیدا کند . پس ناچار باید با حفظ خود مکتب را حراست کند و با پاسداری معنوی و باطنی دین خدا را بمردم برساند و بوسیله نواب خود مراسم را معمول دارد تا روزی فرا رسد که حکومت جهانی تشکیل گردد . در چنین فرصتی است که امام با نیروی معنوی خود و با پذیرشی که جامعه از مکتب او دارند بوظیفه خویش عمل مینماید و سرپرستی میکند اگر چه بطور متعارف اودیده نمیشود ولی اثر وجودی او در تمام شعون در نظر بینندگان حقائق آشکار است (۲۱)

و اما مردم و شیعه ، چون همه قوانین و مقررات را بنحو کامل در دست دارند و ائمه دین نیازمندیهای آنها را با صورتی روشن ، بطوریکه در تمام ابعاد حیات میتوانند پیاده کنند رفع نموده و طرز اجراء قوانین الهی و نظام آسمانی را در زمانهای مختلف از پیشوایانی که در گذشته در اعصار مختلف بوده اند فرا گرفته و برای نظم و ایجاد هم بستگی که دشمن نتواند اخلاقی وارد آورد و از سیر تکاملی مذهب جلوگیری نماید . افرادی را با مشخصاتی معین و همه را در پستهای خود ثابت نموده تا مجالی برای خورده گیری پیش نیاید و خود بموقع از دستگیری و نظارت و راهنماییهای لازم و دفع اموری که جزء به عنایت او میسر نیست و اگر مددی نرسد مکتب از بین میرود و حجه زائل میشود ، غفلت نمی ورزد هر چند مردم از عنایات او آگاه نباشند . البته ادامه این وضع بستگی دارد بپذیرش جهان انسانیت رهبری مطلق انسان کامل را ، و این زمان میخواهد تا رویدادهای مختلف عالم را ببینند و از ستمها و محرومیتها به تنگ آیند و آماده حکومت عدل گردند .

خداوند ما را از گروهی قرار دهد که در تشکیل حکومت عدل از توان امام زمان عجل اله فرجه نیرو گرفته و سهم بسزائی داشته باشیم .

"حسن سعید"

بنیانگذار و مدیر کتابخانه مدرسه چهل ستون مسجد جامع طهران -

میلاد امیرالمؤمنین (ع) ۱۴۰۱ .

گفتار یازدهم

کارنامه مهدی (ع)  
وسوء استفاده از مهدویت

نوشته: آقای علی اکبر حسینی - قم  
مدیر داخلی مجله مکتب اسلام  
گفتار: ۱۱

### کارنامه مهدی (عج)

سوء استفاده از اعتقاد به مهدویت!

می پرسند، چرا معتقد به مهدی باشیم و امام غایب چه فایده دارد؟ و اصولاً اگر شیعه به اصل، مهدویت معتقد نبود، چقدر بهتر بود؟ چه اختلافاتی که بر سر این عقیده در طول تاریخ، اسلام پدید آمده! و چه درگیری ها، خونریزی ها، انشعابهایی در پیروان متحد پیامبر، پدیدار گشته است؟ آیا بهتر نبود که چنین عامل اختلافی وجود نداشت؟ تا وحدت و یکپارچگی مسلمانان، از یکسو، تامین و سوء استفاده مدعیان کاذب مهدویت در طول تاریخ اسلام، از یکسو، ریشه کن میگردید؟ در پاسخ اینگونه اشکالها، باید گفت که: این اعتراض کنندگان به راز و فلسفه رسالت و امامت و لزوم راهبری امت، پی نبرده اند و نمیدانند که در نظام خلقت و

آفرینش، رسالت و امامت و بطور کلی هدایت انسانها، بوسیله خداوند و انبیاء و اولیای او، یک امر ضروری است که در جای خود و در بحث‌های دیگر روشن شده است که همانگونه برخدا واجب است تا ملت را هدایت کند و راهنمایی بنام پیامبر مبعوث کنند، همانگونه تعیین حجت و امام هم واجب و لازم است. (۱)

اگر حجتی نباشد جهانی باقی نخواهد ماند. "لولا الحجة لساخت الارض باهلها" امام زمان وارث ویژگیهای تمامی پیامبران بزرگ الهی است، وارث طول عمر نوح (۲) و صبر ایوب و غیبت موسی، مخفی بودن ولادت حضرت ابراهیم و سرانجام همانند پیامبر قائم بالسيف می باشد. (۳)

غیبت امام فوایدی در بر دارد که اجمالاً " اشاره میشود .

- ۱- امتحان و آزمایش جامعه مردم .
- ۲- پختگی و آمادگی لازم برای پذیرش حکومت عدل .
- ۳- بیعت نکردن با هیچ یک از ستمکاران، حفاظت جان آنحضرت از دشمنان .
- ۴- روزنه امیدواری و پناه برای محرومان و ستمدیدگان، بهمین جهت آمادگی و انتظار فرج در روایات، برترین عبادت و بالاترین اعمال است خوانده شده است . بعلاوه در زمان غیبت هم مردم از علم و هدایت و راهنماییهای آنحضرت بهره‌هایی می‌برند . چنانکه جهان و ما و موجودات، از آفتاب پشت ابر بهره می‌برند، چنانکه امام صادق فرمود :

ينتفع الناس بالحجة الغائب المسنور كما ينتفعون بالشمس اذا سترها سحاب، ینابیع الموده ج ۲ ص ۲۱۷ .

بعلاوه عامل اختلاف، نقش مهدویت و غیبت امام زمان، نیست بلکه اگر اینگونه مسائل هم، مطرح نبود، باز اغراض و طمع‌ها، جاه طلبیها و حب ریاست، توطئه و نفوذ دشمنانی که در کمین ضربه زدن به اسلام و تغییر مسیر آن بنفع خود بودند، همواره عامل اختلافی بوده و هستند . . .

و این اختلافها، اختصاص به اسلام و حتی سایر ادیان هم ندارد . بلکه در مکتبهای مادی . . . نیز چنین بوده و هست . مگر در مسیحیت که بیش از ۲۵۰ فرقه و گروه شده اند که مهمترین آنها، کاتولیک، پروتستان، ارتدکس و . . . است، عقیده



به مهدویت و امام غائب نقشی داشته است؟! مگر در فرقه های مختلف اهل سنت، مسأله مهدویت دخالت داشت. مگر این اختلافها، حتی در زمان حضرت علی (ع) و کنار زدن آنحضرت که ریشه ها و گروه بندیهای سیاسی و مخفی آن، در زمان خود پیامبر، شکل گرفته بود. از مهدویت و عقیده به امام غائب، سرچشمه گرفته بود؟ و آیا دهها و صدها گروه و مسلک که در بین اهل سنت وجود دارد، و مشهورترین آنها مذهب حنفی، شافعی مالکی و حنبلی و... است، از کجا سرچشمه گرفته است؟! مگر مکتب الحادی و مادیگری کمونیسم، بددهها نوع و دهها فرقه منشعب نشده است که هریک دیگری را لعن میکند و وابسته و مرتجع و سازشکار و منحرف از اصول مارکسیسم و لنینیسم میدانند!

و تنها در ایران شاید متجاوز از بیست گروه کمونیستی آشکارا و مخفی، فعالیت دارند، با اینکه هنوز یک قرن از پیدایش آن نمی گذرد، بعلاوه ما از این متعرضان و از شما می پرسیم مگر سوء استفاده از هر چیزی، دلیل بر بدی و یا عدم واقعیت آن چیز است؟ و نشانگر آن است که ضرورت و نیاز بآن نبوده و نیست؟ هرگز... بلکه بر عکس نمایانگر اهمیت و ارزش آنست و معمولاً "میرساند که آن یک حقیقت مسلم و ارزنده میباشد.

زیرا کمتر حقیقت ارزنده ایست که مورد سوء استفاده قرار نگیرد. رنود و بازیگران در اینگونه موارد، همواره خود را بشکل مطلوب درمی آورند و از اشیاء گرانقدر و عالی، نمونه بدلی و تقلبی می سازند. هرگز دیده اید که از مواد فراوان و کم قیمت تقلب کنند مثلاً "آب تقلبی، علوفه و گاه تقلبی، سیب زمینی و پیاز تقلبی، درست کنند!" مسلماً نه، بلکه همواره از اشیاء گرانقدر مثل طلا، تقلبی، الماس بدلی، مروارید تقلبی و جواهر و... تقلبی درست کرده و بجای اصل، قالب میزنند و این بدلیها و تقلبها، روشنگر ارزش و اهمیت و ضرورت استفاده از آن حقیقت را میرسانند و می فهماند که مردم خواهان اصلی و حقیقی هستند.

در امور معنوی هم همینطور است. مگر از خداوند که حقیقت مسلم جهان آفرینش و هستی بخش و بی مثل و مانند است، کم تقلب و سوء استفاده شده است. چقدر خدایان بدلی و تقلبی و بت پرستی و بت سازیها از خدایان جاندار و بی جان

در طول تاریخ حیات بشری، دیده و شنیده آید و آنان چقدر عامل انحراف و گمراهی توده ها شده و میشوند. پس میتوان گفت، پس خدائی نیست و بهتر است اصولاً " خدائی در زندگی مطرح نشود تا تفرقه و یا موجب سوء استفاده نگردد! "

مگر از پیامبران کم سوء استفاده شده است؟ مگر تاریخ مدعیان نبوت و پیامبران کاذب را نخوانده آید؟ مگر آنان کم جنگ و خونریزی راه انداخته اند و یا کم سبب گمراهی مردم ساده لوح شده اند؟!

مگر میشود بخاطر اینگونه گزئی ها و انحرافها و سوء استفاده ها، از اینگونه حقایق مسلم چشم پوشی کرد؟ و احیاناً " نقش سازنده و موثر آنانرا نادیده گرفت. هرگز! "

آری این سوء استفاده خود حاکی از حقیقت مسلم و انکارناپذیر و نمودار ارزش و فواید وجودی آنها است. و گرنه مورد سوء استفاده و تقلب واقع نمی شدند.

### سوء استفاده، معلول عدم شناخت و آگاهی لازم است!

سوء استفاده ها را در اینگونه موارد، همواره باید از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد. یکی از دیدگاه سوء استفاده کنندگان و دیگری از دید افراد فریب خورده که مورد سوء استفاده قرار گرفته و عمده ظلمه و استعمار و پل پیروزی آنان شده اند. سوء استفاده کننده همواره از اهمیت و نقش و میزان نفوذ حقیقت مورد نظر، با خبر است و میدانند که چگونه آنان معبود و معشوق و محبوب توده ها و جامعه ها هستند و مردم چگونه در انتظار او روز شماری میکنند. گوئی همواره زمزمه میکنند که: از توبه یک اشاره - از ما بسر دویدن.

با اینکه این حقیقت برای سوء استفاده گران و مدعیان کاذب، مسلم و غیرقابل انکار است ولی بخاطر ریاست و جاه طلبی و طمع و آز و حتی حسادت، دست به کار میشود تا خود جای او را بگیرد. و چنین کسانی سعی میکنند تا سرحد امکان، خود را بشکل ظاهری او و برخی از صفاتش در آورند و به اصطلاح نقش ظاهری آن حقیقت را بازی میکنند و با شعارهای مطلوب و توده پسند مسلح میشوند.

توده مردمیکه چنین مورد سوء استفاده قرار میگیرند، همواره ناآگاه هستند و

شناخت کاملی از خصوصیات و ویژگیها و نحوه رفتار و عمل و یا کارکرد رهبر مورد علاقه خویش، ندارند. بهمین جهت زود به دام می‌افتند مخصوصاً "اگرهم طرف و مدعی، ظاهری فریبنده و حق به جانب داشته‌باشد و احیاناً "گرگی باشد که به لباس چوپان درآمده است که با شعارهای همگون و هماهنگ و فریبنده خود را طرفدار حق و مردم جا میزند.

مطالعه در شیوه‌های مدعیان کاذب خدائی، نبوت و امامت و مهدویت، این حقیقت را کاملاً روشن میکند.

#### لزوم آگاهی و شناخت کامل نسبت به رهبر ...

پس بر ما و همه پیروان راستین حق و منتظران ظهور آنحضرت و همه توده‌های محروم، لازم است که نخست بازیها و شگردهای مدعیان دروغی را باز شناسیم و سپس سطح شناخت و آگاهی خویش را نسبت به حضرت مهدی و امام زمان، بدان پایه برسانیم که دچار اشتباه نشویم و معیار کاملی برای تشخیص حق و باطل داشته‌باشیم. مهمترین علت اینکه مدعیان مهدویت نسبتاً "زیاد بوده‌اند، آنست که متجاوز از سه هزار حدیث و روایت از قول پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و اهل بیت و ... درباره خصوصیات مهدی (ع) و نام و نشان آنحضرت وارد شده است. (۵)

خصوصیات مهدی (ع) و نحوه ولادت آنحضرت و اینکه نام او و پدر و مادرش و اینکه فرزند چندم پیامبر و امام حسین است و علائم ظهور و خصوصیات بعد از ظهور چگونه است و یاران ویژه اش چه خصوصاتی دارند، همگی بیان شده است.

و این حقیقت چنان مسلم و انکارناپذیر و مشهور بود که شیعه و سنی و حتی دشمنان اهل بیت و خلفای جور هم، آنرا بخوبی میدانستند. ولی بسیاری از مردم در تطبیق و مصداق آن و نیز جزئیات زمان ظهور آنحضرت، دچار اشتباه می‌شدند و احیاناً "بسیاری از امامان راستین شیعه را بفلط، مهدی می‌پنداشتند نمونه‌هایی از امامان که در بخش بعدی یادآور میشویم، بخاطر همین عدم شناخت مردم بوده‌است با آنکه آنان همواره مردم را نهی میکردند که هنوز وقت ظهور آنحضرت نیست و وقت دقیق ظهورش را فقط خدا میداند و بس!

اینک برای روشن شدن بیشتر این مطلب بچند نمونه اشاره میشود .

مدعیان کاذب مهدویت و کسانی که مهدی پنداشته شده اند :

نمونه هائی که مردم آنها را مهدی پنداشته اند و یا خود نیز مردم را گمراه ساخته و بنام مهدی قیام کرده اند ، عبارت است از :

گروهی از مسلمانان مانند (کیسانیه) محمد حنیفه را مهدی دانسته اند و معتقدند که در کوه رضوی غایب می باشد . (۶)

گروهی از "چارودیه" محمد بن عبدالله بن حسین را مهدی غائب دانسته اند و در انتظار ظهورش بسر می برند . (۷)

"ناووسیه" گروه دیگری ، حضرت صادق علیه السلام را هنوز زنده و مهدی میدانند . (۸)

"واقفیه" حضرت موسی بن جعفر (ع) امام زنده و غائب میدانند که بعد ظاهر میشود و دنیا را پر از عدل و داد می سازد . (۹)

"اسماعیلیه" به مهدویت حضرت اسماعیل ، فرزند امام صادق معتقدند و میگویند او نمرده است ، بلکه از باب تقیه نسبت مرگ به او داده اند .

"باقریه" حضرت باقر (ع) را مهدی موعود و "محمدیه" حضرت محمد بن علی فرزند امام علی النقی (ع) را مهدی میدانستند . (۱۰)

"جوازیه" معتقدند که حجه ابن الحسن فرزندی داشته و او مهدی است . گروه دیگر از اسماعیلیه معتقدند که محمد بن عبدالله مغربی ملقب به مهدی که در مغرب به سلطنت رسید ، همان مهدی موعود است که در روایات آمده است که در سال سیصد هجری از مغرب نمایان میشود .

مهدی مصر در سال ۱۲۱۳ هجری ، ۱۷۶۸ میلادی ادعای مهدویت کرد و گروهی را دور خود جمع نمود ولی سرانجام با هجوم لشکریان ناپلئون ، شکست خورد و متواری شد . (۱۱)

درویش رضا در سال سوم جلوس شاه صفی صفوی بنام مهدی در قزوین خروج کرد . (۱۲)

گروهی آنقدر بی شعورند که معتقد به مهدویت یزید می‌باشند و میگویند که او به آسمان رفته و بعداً " بر میگردد و دنیا را پراز عدل و داد میکند !  
 چه پندار احمقانه . یزید در سه سال سلطنت کثیف خود ، چه کرد ، تا بعداً " بکند؟ چه جنایت وحشیانه ای که انجام نداد؟ سال اول امام حسین و یارانش را شهید کرد . سال دوم مدینه را قتل عام کرد و مال و جان و ناموس مردم مباح دانست و سال سوم به تخریب کعبه پرداخت .

لا بد نمونه عدل و داد او از همین قماشها است . درست مانند قیام باب و بهاء که دنیا را بقول خود ، پراز عدل و داد کردند و آباد نمودند و رفتند !!! (۱۳)

"راوندیه" منصور عباسی ، خلیفه سفاک را مهدی دانسته و حتی معتقد بودند که روح خدا در پیکر او حلول کرده و بخاطر طواف کعبه ، گرداگرد کاخ خلیفه ، طواف میکردند . و این خلیفه نه تنها امتناع نداشت ، بلکه خشنود نیز بود . میگویند :  
 روزی مسلمان ساده لوحی به خلیفه گفت : این قوم ترا ( مهدی ) بلکه خدا میدانند و گردخانه توطواف میکنند ، آنان مشرکند ، طردشان کن ، و حکم قتل آنان را صادر نما .  
 گفت : ترجیح میدهم که این قوم نسبت به من وفادار باشند و بجهنم بروند تا بر علیه من قیام کنند و به بهشت بروند . (۱۴)

بسیاری محمد دیباج و عبدالله امام و دیگر قیامگران علوی را نیز مهدی دانسته اند . گرچه شاید عشق و علاقه مردم به مهدی و آشنائی با نام آنحضرت و وعده های پیامبر (ص) درباره ظهور و قیامش ، سبب شده که به اینان گرایش یابند . ولی اکثر مهدی نماها در نقاط مختلف و در زمان مختلف ، دام گسترده و هریک گروهی را اغوا و همراه کرده اند و بسیاری از آنان آشکارا مردم را بسوی خود دعوت میکردند و نام مهدی بر خود می نهادند و هریک نقشی بازی میکردند و استعمار نیز برای ایجاد تفرقه در صفوف مسلمین و بهره گیری از جاه طلبی افراد مورد نظر به این مهدی گریها دام زده است .

مهدی سودانی ، متولد ۱۸۴۸ و در سال ۱۸۸۵ کشته شد او سودان را گرفت و چهار جانشین برای خود معرفی کرد . (۱۵)

میگویند : پیروان محمد بن عبدالله نفس زکیه که حدیث معروف نبوی ... اسم

اسمی و اسم ابیه اسم ابی را جعل کرده اند. "زیدیه" معتقد به مهدویت زید بن علی بن الحسین هستند که در سال ۱۲۵ یا ۱۲۲ هجری شهید شد. (۱۶)

برخی ابوالعباس سفاح نخستین خلیفه عباسی، پس از سرنگونی بنی امیه، را مهدی پنداشتند.

"ابومسلم خراسانی" نیز دعوی مهدویت نمود. که در سال ۱۳۸ هجری کشته شد. (۱۷)

"ابن مقفع" نقابدار معروف خراسان که در علوم غریبه از جمله شعبده و طلسم و... مهارت داشت و مدعی مهدویت بود. (۱۸)

"حاکم نصرالله" که در سال ۳۸۶ خلیفه شد نخست ادعای مهدویت کرد و سپس ادعای اولوهیت (خدائی) کرد. (۱۹)

گوئی اکثر مدعیان مهدویت، بعد ادعای نبوت و سپس ادعای خدائی هم کرده اند چون استقبال مردم ساده دل و برخی از اغنام الله به مذاقشان شیرین آمده، درجه و رتبه خود را بالاتر می بردند!! بیچاره مردم!!

"ابومحمد عبدالله مهدی" در آفریقا که در سال ۳۴۴ وفات کرد او خود را مهدی و امیر مومنان خواند! (۲۰)

"عبداله عنجمی" در ماه رمضان ۱۰۸۱ هجری در مسجد الحرام دعوی مهدویت کرد.

"محمد بن احمد سودانی" نیز در سال ۱۲۹۹ دعوی مهدویت نمود. (۲۱)

"سید محمد بن علی بن احمد ادریس ۱۳۲۳ دعوی مهدویت کرد.

"ابن سعید یمانی ملقب به فقیه در سال ۱۲۵۶ مدعی مهدویت شد. (۲۲)

آری این مهدی های بدلی و قلابی چون مهدی سودانی، مراکشی، مصری، هندی و پاکستانی، آمریکائی و ایرانی و... چه کارها که نکردند و چه درگیریها، خونریزیها که راه نیانداختند!؟

مردم ساده دل که فریب این بازیگران جاه طلب و یا عوامل استعمار را خورده و این گرگهای گرسنهء مقام را در لباس چوپان دیدند، دلسوز خود و نجات بخش خویش پنداشتند.

اینان قربانی خوش باوری و عدم آگاهی و عدم شناخت و ژرفنگری های خود شدند .!!

نمونه های کوچک آن غلام احمد قادیانی است که خود را در شبه قاره هند ، مهدی نامید . او به نصاری میگفت : من مسیح موعود هستم و به یهود میگفت : من نبی آخر الزمان هستم و . . . .

او که تقریبا " همزمان با ادعای مهدویت سید علی محمد باب ، در ایران و در اوج تب مهدی سازی استعمار انگلستان ، ادعا کرد ، تنها عمل مثبتی که انجام داد ، آنهم در اوج مبارزات ضد استعماری ملل آسیا مخصوصا " مسلمانان شبه قاره هند برضد انگلستان و . . . گفت : تمام احکام اسلام درست و بقوت خود باقی است جز جهاد و امر بمعروف که من آنها را نسخ کردم و برداشتم و بجای آن اطاعت از والی و حاکم را ( که در آنروز از طرف استعمار ، در آنجا حکومت میکرد ) واجب می کنم !!

و این هم مهدی ایرانی ( میرزا علی محمد باب " و سپس بهاء و . . . که دیدیم چگونه مصلح جهان و نجات دهنده ملت و سعادت آفرین بودند .

چه هرزگیها و بدبختیها ، به ارمغان آوردند . در عصر علم و تسخیر فضا ، سوزاندن کتاب را واجب کردند و در صفحه ۱۹۸ بیان فارسی میگوید : کتابهای عالم بغیر از بیان و آنچه در قلمرو بیان نگارش یافته ، از بین ببرید . در صفحه ۳۲۳ بیان فارسی استعمال دارو را مطلقا حرام کرده است و دستور داده که جز کتاب بیان . . . همه را بسوزانند ( او خواست تا در علم و فهم را به روی مردم جهان ببندد ) .

تمامی وعده های خوب و کارنامه های امام زمان (ع) توسط این مهدی های دروغین و ساخته و پرداخته " تزار روس " و پرورده دست انگلستان و عامل بیگانه ( امریکا و اسرائیل ) بیاد رفت ،

او جنگی نکرد و بر هیچ ستمگری غلبه ننمود و نه تنها حکومت جهانی تشکیل نداد ، بلکه حکومت محلی هم نتوانست برپا کند ، ایمان و اخلاق را ترویج نکرد که هیچ ، بلکه فساد و دروغ و هرزگی ، بوسیله او و ایادیش رواج یافت .

او برعکس امام زمان واقعی که همیشه غالب و فاتح است ، او مغلوب همه شد ، و پس از کشته شدن ، جسدش خوراک سگان و . . . گردید . و آن دیگری بهاء که سرانجام

چنان شد که از ملک روس استمداد کرد. آری این استمداد را کسی میکند که روزی میگفت: "لا اله الا انا المسجون الفريد: خدائی جز من که خدای زندانی تنها و یگانه است، وجود ندارد. (۲۳)

**گوشه از کارنامه حضرت مهدی (عج)**

اکنون برای شناخت بیشتر نسبت به امام زمان (عج) و آشنائی با برنامه آن حضرت پس از ظهور به قسمتی از کارنامه آنحضرت اشاره می‌کنیم و به گوشه از ویژگیهای قیام مهدی (ع) می‌پردازیم.

**۱ - مبداء قیام**

از ویژگیهای مهم قیام حضرت مهدی، آنست که مبداء قیام آنحضرت از مکه است او در حالیکه به دیوار مکه تکیه دارد با صدائی که مردم می‌شنوند و آن حضرت را می‌نگرند، این آیه را میخواند: "بقية اله خیرلکم ان کنتم مؤمنین، و سپس میفرماید: انا بقية اله فی ارضه... و اول جبرئیل با او بیعت می‌کند و سپس نیروی ویژه ۳۱۳ نفری از یاران خاص، و آنگاه که نفراتش به ده هزار نفر رسید از مکه بطرف مدینه و سپس به کوفه می‌آید و آنجا را پایگاه خویش قرار میدهد. کشف الاستار، اعیان الشیعه ص ۱۶۴ و منتخب الاثر ۴۶۷.

امام صادق (ع) فرمود: فواله ما لباسه الا الفلیظ و لا طعامه الا الشعیر الجشب و ما هو الا بالسیف و الموت تحت ظل السیف... (النوادر ۱۸۶)

"سوگند بخدا او لباس خشن می‌پوشد و از نان جو خشک تغذیه میکند قیامش با شمشیر است و مرگ در سایه شمشیر."

**۲ - پیامبر گونه بودن قیام:**

آنحضرت هنگام ظهور پرچم پیامبر (ص) را بر دست و پیراهن پیامبر (ص) بر تن و شمشیر آنحضرت را در دست دارد و نشانه های ظاهری و باطنی پیامبر در او نمایان است. (منتخب الاثر، ص ۴۹۰)



قیام آنحضرت پیامبرگونه است، همانگونه که افراد فقیر و محروم در آغاز امر به پیامبر گرویدند، خیلی بیشتر از آن به امام زمان گرایش می‌یابند، چون تمام صفا و صمیمیت و اخلاق عظیم و معنویت و کمال پیامبران را در وجود حضرت مهدی جمع خواهند دید.

امام صادق (ع) فرمود: هنگامیکه قیام کند به منبری میرود و پس از بیان فلسفه و راز بعثت انبیاء مردم را بسوی خویش میخواند و مردم بخدا سوگند می‌دهد و آنان را بسوی خداوند میخواند و به راه و روش و بسیره پیامبر و سنت رسول خدا عمل میکند و جبرئیل نخستین کسی است که با او بیعت میکند. (۲۴)

و نیز امام فرمود: آنچه پیامبر انجام داده، امام زمان هم انجام میدهد. یصنع ما صنع رسول الله، یهدم ما کان قبله، کما هدم رسول الله امر الجاهلیه و یستأنف الاسلام، جدیداً\* (بحار ج ۵۲ ص ۳۵۲)

او به راه و رسم پیامبر میرود و بیان‌کننده و مفسر آثار حضرت رسول است (۲۵)

### ۳ - قیام مسلحانه :

از ویژگیهای آنحضرت، قیام مسلحانه است یعنی همراه با دلائل و برهان برای پیشرفت کارها و ارائه مکتب توحید و عدالت، سلاح نیزبکار می‌برد و منظور از قاشم بالسیف، نیز همین است که "سیف" یعنی شمشیر، کنایه از بکار بردن اسلحه است. امام باقر علیه السلام فرمود: "مهدی از این جهت با جدش محمد شباهت دارد که یا شمشیر قیام میکند و دشمنان پیامبر و طاغوت و ستمکاران و گمراه‌کنندگان را بقتل میرساند و هیچ یک از پرچمها و ستون نظامی که بمیدان جنگ میفرستند شکست نمی‌خورد. (۲۶)

### با کدامین سلاح :

برای پیشبرد یک قیام عمومی و یک انقلاب جهانی، ضرورت بکارگیری اسلحه انکارناپذیر است و اما اینکه در آن زمان، امام تنها با شمشیر می‌جنگد یا نه، با سلاح مدرن دیگری. مطلبی است که باید گفت منافات ندارد که امام (ع) تمام

سلاحهای مدرن روز را یا بقدرت خداوند و اعجاز، و یا طبق درخواست مردم آگاه و دارندگان سلاحهایی که خود، در اختیار آنحضرت قرار میدهند. در انقلاب اسلامی ایران ملت ما و رهبر ما نخست سلاح مدرن نداشت ولی سرانجام همه اسلحه های مدرن در اختیارش قرار گرفت و این بخاطر آمادگی مردم برای انقلاب بود، با آمادگی مردم جهان در هنگام قیام مهدی (ع) نیز چنین خواهد بود.

ممکن است خودحضرت به سلاحهایی دست یابد که همه سلاحهای مدرن جهان در برابرش ناچیز باشند.

با طبق پیش بینی امثال اینشتاین و دیگران جنگ آینده (و جنگ سوم) جنگ اتمی و . . . خواهد بود و تمام تمدن و صنعت بشر، در آن روز نابود خواهد شد و بشر باقیمانده، به زندگی ابتدائی باز میگردد و قهرا تنها سلاح آنروز شمشیر خواهد بود!

البته اینهم یک احتمال است که معنی قیام با شمشیر امام زمان را توجیه میکند. و شاید هم بشر آنقدر رشد فکری پیدا کند و سطح فکر و فرهنگش بالا رود که از عناد و لجاجت و برادر کشی دست بکشد و سرانجام تولید همه سلاحهای خطرناک هسته و اتمی و نوترونی و . . . را ممنوع سازد و بودجه های عظیم را در راه رشد و فرهنگ و اخلاق بشری، بکار گیرد و در آنزمان که محیط و مردم از هر جهت آماده شدند، امام زمان (ع) ظهور میکند و تنها برای برداشتن خارها سر راه هدایت و سعادت مردم، دست به شمشیر می برد.

#### ۴ - پذیرش حکومت جهانی واحد :

از خصوصیات زمان آنحضرت آنست که جهان در اثر ظلم و جور بیجا آماده پذیرش حکومت عدل جهانی امام زمان میشود آنچنانکه در اندک مدتی حکومتها سقوط میکنند و تمام مردم جهان از شرق و غرب در زیر پرچم آنحضرت جمع میشوند. امام (ع) فرمود : هنگامیکه قائم آل محمد، ظهور کند خداوند اهل مشرق و مغرب را نزدش جمع میکند و کما یتجمع قزع الخریف. (۲۷)

او بتمام نقاط جهان تسلط می یابد و دین او بر تمام شرق و غرب مسلط میشود و بدعتها و باطلها را نابود می سازد، که اثری از ظلم دیده نشود. همه مردم خداپرست میشوند. و دولتهای باطل ریشه کن میگردد: " اذا قام القائم لم يعبد الا الله عزوجل اذا قام القائم ذهب دولة الباطل. (منتخب ص ۴۷۱) .  
 عن الحسن (ع) والله لو قد قام قائمنا يجمع الله اليه، شيعةنا من جميع البلدان، (۲۸) هنگامیکه امام زمان ظهور میکند، مردم و شیعیان، از هر کجا که باشد در نزد آنحضرت جمع میشوند.

قال ابو جعفر (ع) لا يبقى احد الا اقر بمحمد (ص) \* امام در ذیل این آیه :  
 ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون می فرماید :  
 کسی باقی نمی ماند، مگر آنکه به دین پیامبر اعتراف میکند .  
 قال ابو عبدالله اذا قام القائم ، لا يبقى ارض الا نودی فيها شهادة ان لا اله الا الله وان محمدا رسول اله . (۲۹)

امام (ع) هنگامیکه مهدی (ع) قیام کند زمینی باقی نمی ماند مگر آنکه به یگانگی خدا و توحید و رسالت حضرت محمد (ص) شهادت میدهند .

گسترش عدالت در زمین :

روایات زیادی از پیامبر و ائمه علیهم السلام داریم که عدالت جهانگیر و گسترده تنها در زمان حضرت مهدی (ع) امکان پذیر است .  
 امام باقر (ع) در تفسیر " ان الله يحيى الارض بعد موتها " فرمود : يحييها بالقائم فيحيى الارض بالعدل بعد موتها بالظلم . (۳۰)  
 امام فرمود : خداوند زمین را بوسیله قائم آل محمد احیاء میکند با عدالت آنگاه که با ظلم و ستم مرده بود .

امام صادق (ع) درباره او میفرماید ، حکم بالعدل و ارتفاع فی ایامه الجور و امنت به السبيل . . . و رد كل حق الى اهله و لم يبق اهل دين ، حتى يعرفوا الاسلام و يعرفوا بالايمان اما سمعت اله سبحانه ، يقول : وله اسلم ما فى السماوات و الارض طوعا او كرها و اليه ترجعون و حكم بين الناس بحكم داود و حكم محمد ( ص ۱۵۱ کتاب

اعیان الشیعه).

هنگامیکه امام زمان (ع) قیام کرد حکم بعدالت میکند و جور و ستم برداشته میشود، راهها امن میگردد، حق هرکسی به او بازگردانده میشود، همه فرق و مذاهب اسلام را می شناسد و ایمان می آورند، مگر گفتار خداوند را نشنیده ای که فرمود: 'تمام آنچه در آسمان و زمین است چه خواسته باشد یا نخواستہ باشد، مطیع اوست و بسوی او بازگشت میکند. امام زمان همانند داود پیامبر و حضرت محمد (ص) در بین مردم حکم خواهد کرد.

پیامبر (ص) فرمود: چنان امت او دور او جمع میشوند، مثل زنبورهای عمل که دور ملکه و رهبر خویش جمع میشوند. (۳۱)

خداوند بوسیله او زمین را پر از عدل و داد میکند، چنانکه پر از ظلم و جور شد، آنچنانکه کسی بناحق از خواب بیدار نشود و خونی نریزد (۳۲) و آثاری از ظلم دیده نخواهد شد. حتی لایری اثر من الظلم.

قال (ص) انه يستخرج كنوز الارض و يقسم المال و يلقى الاسلام بجراته (۳۳) او گنجینه های زمین را استخراج میکند و اموال را تقسیم می نماید و اسلام را ثابت و مستقر سازد.

#### امنیت عمومی :

کارآئی امام زمان پس از ظهور، در زمینه تقویت و توسعه ایمان و اخلاق، فوق العاده است آنچنان با اخلاق و رفتارش و با برطرف ساختن موانعی که سر راه سعادت و هدایت مردم قرار گرفته است، مردم را به اسلام و حقانیت دعوت میکند و عدالت و حق را تعمیم میدهد، که همه کافران، مومن میشوند و همه گمراهان، صالح میگردند و تصطلح فی ملکه السباع... (۳۴) تا آنجا که درندگان وحشی هم بی آزار میگردند. و در صلح و صفا زندگی میکنند.

و آنچنان آزادی و امنیت برقرار میشود که اگر شخصی از این سر دنیا به آن سر دنیا برود، کسی معترض او نخواهد شد.

اما المهدي الذي يملأ الارض عدلا كما ملئت جورا من البهائم و السباع ويلقى الارض، افلاذ كبدها . . . مثل الاسطوانه من الذهب والفضه .  
امام زمان زمین را پر از عدل و داد میسازد چنانکه پر از جور شده بود، حیوانات هم‌ایمن می‌باشند زمین آنچه در درون دارد از طلا و نقره مثل ستون بیرون می‌افکند .  
علی (ع) می‌فرماید : لذهب الشحاء من قلوب العباد واصطلحت السباع والبهائم و حتی تمشی المرأة بین العراق الی الشام لاتضع قدمیها الاعلی النبات و علی راسها زینتها لایهیجها سبع و لاتخافه الخرائج . . . یذهب الشر و یبقى الخیر و یذهب الزنا و شرب الخمر و یذهب الربا . . . ( ۴۷۴ منتخب الاثر و النوادر ۱۸۹ ) . . .  
کینه از دل‌های بندگان بیرون می‌رود درندگان حیوانات در صلح و صفا زندگی میکنند . زنی با زینت‌های خود بین عراق و سوریه را بدون ترس و خوف می‌پیماید و پا نمی‌گذارد مگر بر سبزه و گیاه ، شرور از بین می‌رود و زنا و فحشاء و میگساری برطرف میشود جز خیر چیزی باقی نمی‌ماند .

#### نزول حضرت عیسی :

مقام و منزلت حضرت مهدی (ع) بحدی است که حضرت عیسی پس از رجعت و نزول که تمام یهود و مسیحی و غیره باو ایمان آورده اند ، در پشت سر آن حضرت نماز میخواند و بحضرت مهدی میگوید : انت اولی بالصلوه ، فیصلی عیسی وارثه ماموما . ( ۳۵ )

تو سزاواتری به امامت جماعت و . . .

آنحضرت نابود کننده رجال فتنه‌گر و گمراه‌گر مشهور است که دعوت کننده مردم به باطل و آزادی مطلق فحشاء ، قمار و شراب و . . . می‌باشد .

#### تکامل اخلاقی و معنوی :

در زمان حضرت مهدی (ع) و در سایه رهبری آنحضرت ، زمین و زندگی در دنیا پر از صلح و صفا میگردد و آسایش و رفاه در همه جای دنیا حکمفرما میشود ، از جنگ و دشمنی خبری نیست ، عداوتها ، کینه‌ها ، حسدها و دشمنی‌ها از دل مردم ریشه‌کن

میشود و امنیت عمومی برقرار میگردد. (بحار ج ۵۲ ص ۱۳۷)  
امام چهارم (ع) فرمود: هنگام حکومت قائم آل محمد (ص) بیماریها و نقص  
عضوها و... از اجتماع مسلمانان رخت می‌بندد (۳۶) خداوند دل‌های آنان را چون  
آهن محکم و استوار می‌سازد و قدرت فوق العاده بآنها میدهد (۳۷) که در سایه آن  
حکومت و فرمانداری زمین را بدست آورند.

### تکامل علوم و عقول و دانش و تکنیک:

یکی از آثار چشمگیر ظهور آنحضرت، پیشرفت چشمگیر عقل، اندیشه‌ها و دانش  
و علوم است. زیرا میدانیم که برای برقراری یک حکومت نمونه جهانی، دربرگیرنده  
همه ملل و اقوام و بردارنده همه مرزهای جغرافیایی و گردآورنده همگی جهانیان  
در زیر یک پرچم و در سایه توحید و عدالت گسترده، بدون آمادگی و بدن آگاهی،  
امکان پذیر نیست.

امام صادق فرمود: علم و دانش به بیست و هفت قسم است و تاکنون بیش از  
دو قسمت آن در دسترس بشر قرار نگرفته است و بعد از ظهور امام، بیست و پنج قسم  
دیگر آن، نیز ظاهر میگردد.\*

امام باقر (ع) فرمود: اذا قام قائمنا وضع یدیه علی رؤس العباد فجمع بها  
عقولهم و کملت به اخلاقهم. (۳۸)

وقتی که امام زمان ظهور میکند دست قدرت الهی بر سر بندگان گذارده میشود  
عقلهایشان و افکارشان بالا میرود و رشد می‌نماید.

### گسترش فوق العاده شعاع دید و شنوایی:

هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی، شعاع فعالیت و قدرت دید انسانها و  
شنوایی آنها، فوق العاده گسترش می‌یابد. شعاع دید، حوزه شنوایی انسان، مرزها  
و قاره‌ها را می‌نوردد و حتی از میدان جاذبه کرات می‌گذرد و پیامهای بسیار دوراز  
فضا دریافت میکند و از راه بسیار دور همدیگر را می‌بینند و با همدیگر صحبت میکنند.  
امام صادق (ع) فرمود: هنگامیکه قائم ما ظهور کند، خداوند قدرت بینایی

و شنوایی شیعیان ما را آنقدر توسعه می‌دهد و زیاد میکند که میان آنان و امام، نیازی بواسطه و قاصد نباشد، چنانکه امام زمان با آنان بیواسطه و بدون بیک سخن میگوید و آنان از راه دور، مستقیماً " او را به‌بینند و کلماتش را بشنوند در حالیکه آنحضرت که در جای خودش قرار دارد، می‌نگرد. (۳۹)

و جالبتر آنکه افرادی که در غرب هستند با کسانی که در شرق عالم هستند، می‌توانند همدیگر را به‌بینند. (۴۰) بدون آنکه نیازی به حرکت از جای خود داشته باشند.

امام زمان با شکوه فراوان بر مرکب بسیار سریع و تند روی سوار میشود که در روایات از آن به ابر تعبیر شده است. (۴۱)

گوینده غیبی از آسمان، ندای ظهور و انقلاب مهدی (ع) را بگوش جهانیان میرساند. بگونه‌ای که هر قوم و ملتی به زبان خودش آنرا بفهمد. (۴۲)

این روایات که در گذشته بسیار دور و متجاوز از ۱۴ قرن صادر شده نمودار پیشرفت علوم و دانش، وسایل ارتباط جمعی و تکامل صنعتی بشر در زمان غیبت می‌باشد.

#### آبادی و عمران زمین: پیشرفت کشاورزی و دامداری.

پیامبر (ص) و امیرمؤمنان (ع) فرمودند که:

امام زمان بر شرق و غرب زمین مسلط میشود و تمام معادن و گنجهای زیرزمینی در حکومت او آشکار و استخراج میشود. در زمین مخروبه‌ای باقی نمی‌ماند مگر آنکه بوسیله آنحضرت آباد شود. (۴۳) زمین طراوت و زیبایی خود را باز می‌یابد، نهرها جاری میشود، فتنه و فساد و تهاجم، ریشه‌کن میگردد و خیر و برکات زیاد میشود. (۴۴)

قال رسول الله (ص): يخرج في آخر امتي المهدي يسقيه اله الغيث و تخرج الارض نباتها و يعطي المال و تكثيرالما شبه (۴۵)

پیامبر فرمود: در آخر زمان مهدی ظهور میکند، خداوند زمین را با بارانهای سودمند سیراب میسازد و زمین هم نباتات (و گلها) خود را بیرون می‌آورد (همه جا سبزه و گل است و زمین بایری نمی‌ماند) و دامها (گوسفند و گاو) زیاد میشود. وضع اقتصادی مردم بحمدی خوب می‌باشد و ایثار و گذشت بحمدی فراوان است

که فقیری پیدا نمی شود تا که با و زکات بدهند . (۴۶)  
و تظهر الارض من كنوزها حتى يرا الناس على وجوها ويطلب الرجل منكم من يصله  
بماله و ياخذ منه زكاته فلا يجد احدا يقبل منه ذاك ، استغنى الناس بما رزقهم الله  
من فضله . (۴۷)

بانتظار آن روز



گفتار دوازدهم

امام دوازدهم  
دادگر غیبی و خدائی

نوشته : هیئت تحریریه مؤسسه  
اصول دین در راه حق - قم  
گفتار : ۱۲

### امام دوازدهم دادگر غیبی و خدائی

امام راهبر دادگر حضرت مهدی (ع) در سال ۲۵۵ هجری قمری نیمه شعبان (۱) در شهر سامرا (سرمن راءى) به دنیا آمد و در سال ۲۶۰ که پدر بزرگوارش از دنیا رفت، به مقام والای امامت رسید. کنیه و نام آنحضرت چون کنیه و نام پیامبر گرامی اسلام (ص) است. پدرش امام یازدهم شیعیان حضرت امام حسن عسکری (ع) و مادرش بانوی بزرگ "ترگس" سلام الله علیها می باشد.

آنحضرت از روز نخست به جهاتی، بر عموم آشکار نمی شدند و مردم تا حدود هفتاد سال به وسیله نایبهای خاص آنحضرت با ایشان ارتباط داشتند. ( نایبهای خاص آنحضرت به ترتیب عبارت بودند از عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمري) این دوران هفتاد ساله را غیبت صغری می نامند و از آن پس غیبت کبری آغاز میگردد.

در زمان غیبت کبری تا هنگام ظهور، دیگر هیچکس بعنوان نایب خاص تعیین نشده است و نمیشود و مردم وظیفه دارند به فقهاء و روایتگران حدیث که متخصص در امور دینی هستند، رجوع کنند.

### عقیده به حضرت مهدی (ع) و اصلاح جهانی

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی منتظر (ع) و مصلح جهانی، ویژه‌ی شیعه نیست، دیگر فرقه‌های اسلامی و حتی غیراسلامی نیز چون یهود و نصاری و دانشمندان بزرگ جهان، ظهور یک مصلح بزرگ غیبی را باور دارند. در زبور داود چنین آمده است:

"... اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود... حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی بهره خواهند برد... صالحان را خداوند تاءید میکند... خداوند روزهای کاملان را میداند و میراث ایشان جاودان خواهد بود... آنانکه از وی برکت یابند وارث زمین گردند و اما آنانکه لعن شده‌اند، از روی زمین برکنده خواهند شد... صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا همیشه ساکن خواهند بود." (۲)

### قرآن و اعتقاد به حضرت مهدی (ع)

در قرآن کریم، روزی وعده داده شده است که حق پرستان و مردم شایسته‌ی جهان، قدرت و حکومت جهانی را به دست بگیرند و دین گرامی اسلام بر ادیان سراسرگیتی چیره میگردد و هم آیات دیگری آمده است که بحضرت مهدی (ع) تفسیر و تاءویل شده است:

۱- ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (۳)

ما (از پی آن کتاب) در زبور نوشتیم که بندگان شایسته‌ی ما وارث زمین خواهند شد. (۴)

۲- و عدالله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات یرثون الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من

بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا . (۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و عمل‌های شایسته انجام داده‌اند ، وعده داده که آنان را خلیفه‌ی زمین گرداند . چنانکه گذشتگان را گردانیده بود و دینی را که خدا برایشان پسندیده است استوار سازد و ترس آنان را به ایمنی تبدیل کند ، مرا ( خدا را ) عبادت میکنند و چیزی را شریک من ( خدا ) نمی‌گارند .

۳ - هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لیسو کره المشرکون . (۶)

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه‌ی دینها چیره گردد ، گرچه مشرکان را خوش نیاید .

۴ - و نریدان نم علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین . (۷)

اراده کرده ایم که بر ناتوانان ( یعنی خداپرستانی که زیر بار ستم قدرت‌های ستمگر ، ناتوان شده‌اند ) منت بگذاریم و آنان را پیشوا و وارث زمین گردانیم . از آیه‌های بالا ، بخوبی برمی‌آید که سرانجام ، جهان به دست‌بندگان شایسته‌ی خدا خواهد افتاد و آنان رهبر و پیشوای جهانیان خواهند گردید و دین اسلام بر همه‌ی دینها پیروز خواهد شد . (۸)

#### مهدویت در منابع اهل تسنن ؛

در این زمینه ، دانشمندان اهل تسنن ، روایتهای بسیار از روایانی که خود به آن ایمان دارند ، از پیامبرگرامی اسلام نقل کرده‌اند از مجموع آن روایت‌ها چنین برمی‌آید که امامان دوازده نفر و همه‌ی آنها از قریش می‌باشند .

مهدی موعود از دودمان آن حضرت و از فرزندان حضرت علی و زهرا (ع) است و در بسیاری از آنها تصریح شده است که وی از نسل امام حسین علیه السلام میباشد . آنان درباره‌ی مهدی موعود ، صدها حدیث در بیشتر از ۷۰ کتاب از منابع معتبر و پر ارزش خود ثبت و ضبط کرده‌اند که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌گردد :

متوفای ۲۴۱ هجری	تألیف احمد بن حنبل	مسند
متوفای ۲۵۶ هجری	تألیف بخاری	صحیح بخاری
متوفای ۲۶۱ هجری	تألیف مسلم بن حجاج نیشابوری	صحیح مسلم
متوفای ۲۷۵ هجری	تألیف سلیمان بن اشعث سجستانی	سنن ابی داود
متوفای ۲۷۹ هجری	تألیف محمد بن عیسیٰ ترمذی	صحیح ترمذی
مؤلفین کتابهای بالا - که هر یک از معتبرترین کتابهای اهل تسنن می باشد - یا پیش از ولادت امام زمان - سال ۲۵۵ هجری - و یا اندی بعد از تولد آن حضرت در گذشته اند . و نیز :		
متوفای ۵۱۶ هجری	تألیف بغوی	مصابیح السنه
متوفای ۶۰۶ هجری	تألیف ابن اثیر	اجامع الاصول
متوفای ۶۳۸ هجری	تألیف محی الدین عربی	الفتوحات المکیه
متوفای ۶۵۴ هجری	تألیف سبطا بن جوزی	تذکره الخواص
متوفای ۷۱۶ هجری	تألیف حموی	فرائد السمطین
متوفای ۹۷۳ هجری	تألیف ابن حجر هیثمی	صواعق
متوفای ۱۲۹۳ هجری	تألیف شیخ سلیمان قندوزی	ینابیع الموده
عدهی از دانشمندان اهل تسنن درباره امام زمان کتاب ویژهی تألیف کرده اند از آن جمله :		

۱ - البیان فی اخبار صاحب الزمان تألیف علامه گنجی شافعی .

۲ - عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر تألیف شیخ جمال الدین یوسف الدمشقی .

۳ - مهدی آل الرسول تألیف علی بن سلطان محمد الهروی الحنفی .

۴ - کتاب المهدی تألیف ابی داود .

۵ - علامات المهدی تألیف جلال الدین سیوطی .

۶ - مناقب المهدی تألیف حافظ ابی نعیم اصفهانی .

۷ - القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر تألیف ابن حجر .

۸ - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان تألیف ملا علی متقی .

۹ - اربعین حدیث فی المهدی تألیف ابی العلاء همدانی و غیر آن . (۹)

### مصلح غیبی از نظر شیعه

متجاوز از سه هزار حدیث از پیامبر گرامی (ص) و از امامان پاک ، درباره امام زمان در دست داریم . از آنها استفاده میشود که : " امام زمان نهمین پسر حسین بن علی است . پدرش حضرت امام حسن عسکری (ع) ، مادرش نجس خاتون نامش همنام با پیغمبر آخرالزمان ، لقبش مهدی . . . میباشد و در زمان پدر در سامرا به دنیا آمده و در کودکی پدرش را از دست داده و تا امروز نیز زنده است و تا بدان هنگام که خدا بخواهد زنده می ماند و روزی چهره خواهد گشود و دنیا را پر از داد خواهد کرد از آن پس که از ستم انباشته شده باشد و به جهاتی اینک از دیده مردم پنهان است . و چون بیاید - که مقدمش گرامی باد - پشت به خانه کعبه بر دیوار تکیه خواهد زد و بانگ بر میدارد و یاران خود را که ۳۱۳ نفرند می طلبد ، اطراف او را می گیرند ، عیسی (ع) از آسمان به زمین خواهد آمد و به جماعت با آن حضرت نماز خواهد خواند . آن گرامی احکام اسلام را در سراسر جهان می گسترد و دنیا چون بهشت خواهد شد .

\*\*\*\*\*

حدیث هایی که دانشمندان شیعه و سنی در زمینه های مختلف در باره آن گرامی نقل کرده اند بسیار است و در کتابهایی مانند بحار الانوار و منتخب الاثر ذکر شده است .

در اینجا ما نخست فهرست برخی از آنها را که مؤلف منتخب الاثر در کتاب خود آورده است و سپس متن چند خبر را نقل می کنیم :

شماره حدیثها

موضوع

روایاتی که در آنها نقل شده که امامان دوازده نفرند و اول آنها علی و آخر آنان مهدی (ع) است :

۵۸

۶۵۷

۳۸۹

۴۸

احادیثی که به ظهور آن حضرت مژده می دهد :

روایاتی که آن گرامی را از دودمان پیغمبر (ص) میداند :

روایاتی که میگوید : اسم و کنیه او مانند پیغمبر (ص) است :

- روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان امیرالمؤمنین علی (ع) میداند: ۲۱۴
- روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان حضرت فاطمه (ع) میداند: ۱۹۲
- روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان امام حسین (ع) میداند: ۱۸۵
- روایاتی که آن بزرگوار را نهمین فرزند حسین (ع) میداند: ۱۴۸
- روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان امام زین العابدین میداند: ۱۸۵
- روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان امام باقر (ع) میداند: ۱۰۳
- روایاتی که میگوید او از فرزندان امام جعفر صادق (ع) است: ۱۰۳
- روایاتی که میگوید او از فرزندان امام موسی کاظم (ع) است: ۱۰۱
- روایاتی که میگوید از چهارمین فرزند امام رضا (ع) است: ۹۵
- روایاتی که میگوید او سومین فرزند امام جواد (ع) است: ۹۰
- روایاتی که میگوید او از فرزندان امام هادی (ع) است: ۹۰
- روایاتی که میگوید او فرزند امام حسن عسکری (ع) است: ۱۴۶
- روایاتی که میگوید اسم پدرش حسن است: ۱۴۷
- روایاتی که میگوید جهان را از عدالت پر میکند: ۱۲۳
- روایاتی که غیبت او را طولانی دانسته است: ۹۱
- روایاتی که طول عمر آن حضرت را بیان میکند: ۳۱۸
- روایاتی که میگوید دین اسلام به وسیله او جهانی میشود: ۴۷
- روایاتی که میگوید او امام دوازدهم و امام آخر است: ۱۳۶
- باتوجه به ارقام یاد شده در بالا و به سایر احادیث، آشکار میگردد که روایتهایی که درباره آنحضرت وارد شده از حد تواتر تجاوز کرده و در کمتر موضوعی از موضوعات دینی تا این حد روایت وارد شده است. و از این نظر هرکس به اسلام و پیامبر آن ایمان آورده، ناگزیر باید بوجود گرامی مهدی موعود که در غیبت بسر میرد، ایمان راسخ داشته باشد.

اینک متن چند خبر:

۱ - مؤلف ینابیع الموده در کتاب مزبور نقل کرده است که پیامبر اکرم (ص)

فرمود: مهدی از فرزندان من است. غیبتی دارد و هنگامی که ظاهر شود زمین را پر از عدل و داد میسازد از آن پس که پر از جور و ستم باشد. (۱۰)

۲- و نیز در همان کتاب آمده است که سلمان فارسی میگوید: نزد پیامبر رفتم در حالیکه حسین بن علی در دامان مبارکش نشسته بود و آن حضرت بر چشم و دهانش بوسه میزد و میفرمود: تو آقا و آقا زاده و برادر آقا هستی تو امام و امام زاده و برادر امامی. تو حجت فرزند حجت و برادر حجتی و تو پدر نه حجت هستی که نه من آنها قائم خواهد بود. (۱۱)

۳- ابن ابی دلف میگوید: از حضرت علی بن محمد امام دهم شنیدم که فرمود:

" امام بعد از من فرزندانم حسن و پس از او فرزندش قائم است که دنیا را پر از عدل و داد میسازد از آن پس که از ستم و جور پر شده باشد. (۱۲)

۴- حذیفه میگوید: پیغمبر (ص) فرمود: اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خدا آن روز را آنچنان طولانی خواهد کرد تا مردی از اولاد مرا که همانم من است برانگیزد. سلمان عرض کرد: یا رسول الله از کدام فرزندان است؟ حضرت دست خود را بر حسین زد و فرمود از این. (۱۳)

۵- مسعده از امام صادق (ع) نقل میکند که فرمود: قائم ما از صلب حسن (امام یازدهم حضرت امام حسن عسکری) و حسن از صلب علی (امام دهم حضرت امام علی النقی) و علی از صلب محمد (امام نهم حضرت امام محمد تقی) و محمد از صلب علی (امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا) و علی از صلب این فرزندانم - اشاره کرد به حضرت موسی بن جعفر امام هفتم - خارج میشود. ما دوازده امامیم، همه معصوم و پاکیزه، سوگند به خدا اگر از دنیا بیش از یک روز نماند آن روز را خدا آنچنان طولانی میکند تا قائم ما اهل بیت، خروج کند. (۱۴)

#### نظر دانشمندان جامعه شناسی

دانشمندان بزرگ جهان بر آنند که جنگها، خونریزیها، آدمکشیها، روسپیگریها و اینهمه مفاسد روز افزون امروز، بجهت نبودن موازنه بین خواسته های جسم و روح



انسانی است .

انسان امروز فضایل اخلاقی و سرمایه های معنوی را زیرپا گذارده ، اگرچه دریا و فضا و صحرا را تسخیر کرده و خود را به کره ماه رسانده است ، بدیهی است که با تکیه بر زور و توانایی ، نمی توان نظم و عدالت را در جهان مستقر کرد و تنها با تکنیک و علوم مادی سعادت انسانها ، تضمین نخواهد شد و باری بشر چاره یی جز این ندارد که مناسبات اجتماعی خود را بر اساس ایمان و اخلاق استوار کند و باراهنمائیهای یک مصلح بزرگ جهانی ، خود را از گرداب خطر هانجات داه و حکومتی بر اساس عدالت همراه با امنیت ، صفا و صمیمیت برقرار سازد ، بدین ترتیب اجتماع بشری شتابناک بسوی آمادگی برای قیام امام عصر (ع) پیش میرود .

### طول عمر آن حضرت

ما برآنیم که در ازای عمر بشر امری محال نیست چرا که به صراحت در قرآن عزیز میخوانیم که : حضرت نوح عمر طولانی داشت و تنها ۹۵۰ سال به تبلیغ و رسالت پرداخت . (۱۵)

نیز ، بر اساس تحقیق هایی که اخیراً "در دانش زیست شناسی بعمل آمده است ، امکان طول عمر تا پید میگردد و حتی دانشمندان بزرگ برآنند که غذاها و داروهایی برای بشر تهیه کنند که عمر او را طولانی سازد .

مرحوم آیت الله آقای صدر در کتاب المهدی مقاله یی از مجله المقتطف شماره ۳ ، از سال ۵۹ نقل میکند ، که بعنوان شاهد بر گفتار بالا ، خلاصه یی از آن را در اینجا بیان می کنیم :

"دانشمندان موثق میگویند : تمام بافتهای اصلی جسم حیوان می توانند تا همیشه زنده باشند و برای انسان امکان دارد که هزاران سال زندگی کند بشرط آنکه پیش آمدی نکند که رشته حیاتش بریده شود . این بزرگان از روی حدس و گمان سخن نمی گویند بلکه با آزمایش های علمی باین نتیجه رسیده اند . . .

"دیمندو برل" استاد دانشگاه جونس هبکنس ، میگوید : ثابت شده است که اعضای اصلی جسم انسان ، استعداد زندگی جاودان دارند . ظاهراً "نخستین کسی که

آزمایش مذکور را روی اجزای جسم حیوان انجام داد، دکتر "جاک لوب" بود و بعد از او دکتر "ورن لوریس" که با همکاری همسرش ثابت کرد:

"اجزای جنین پرنده بی را می توان در آب نمکین زنده نگهداری کرد"، این تجربه ها مرتباً انجام میگرفت تا اینکه دکتر الکسیس کارل به انجام تجربه هایی دیگر قیام و اثبات کرد که به اجزای مورد آزمایش، پیری راه نمی یابد و حتی از خود حیوانی که این اجزاء از بدن آن گرفته شده، بیشتر زندگی میکنند، او در ماه ژانویه سال ۱۹۱۲ میلادی آزمایش های خود را آغاز کرد و با فداکاری و رفع مشکلات فراوان، به کشف این موضوع ها، موفق شد:

- ۱- تا عارضه بی مانند کمبود مواد غذایی و یا ورود میکرب، برای سلول های زنده پیش نیاید، همیشه زنده خواهند ماند.
- ۲- اجزای مذکور علاوه بر اینکه زنده خواهند بود، دارای رشد و تکثیر نیز میباشند.
- ۳- رشد و تکثیر آنها را با غذایی که با آنها میرسد می توان اندازه گیری کرد.
- ۴- گذشت زمان در آنها هیچگونه اثری نمی گذارد و با مرور زمان پیر و ضعیف نمی گردند و حتی اندک اثری هم از پیری در آنها دیده نمی شود، و در هر سال درست مانند سالهای قبل رشد و تکثیر دارند.

پس چرا انسان می میرد و چرا مدت زندگی معمولاً "از صد سال در نمی گذرد؟ در پاسخ باید گفت: اعضای جسم حیوان و انسان فراوان است و با هم اختلاف دارد و نیز میان آنها ارتباط و اتصال کاملی برقرار است، بگونه بی که زنده بودن بعضی از آنها بستگی دارد به زنده بودن برخی دیگر و ناتوانی و مرگ بعضی از اجزای انسان و حیوان موجب مرگ سایر اعضا میگردد. مرگهای ناگهانی که بر اثر حمله میکربها پیش می آید، بهمین جهت است و همین موضوع موجب شده، که حد متوسط عمر انسان از هفتاد، هشتاد سال هم کمتر گردد، البته آنچه تجربه ثابت کرده اینست که علت مرگ، رسیدن سن به هفتاد و یا هشتاد نیست بلکه علت اصلی، امراض و عوارضی است که بر یکی از اعضا حمله میکند و آن را از کار می اندازد و چون با مرگ آن عضو، ارتباط سایر اعضا قطع میگردد، مرگ همه اعضا فرا میرسد.

پس اگر علم بتواند آن عوارض را از بین ببرد و یا مانع تاءثیر آنها شود، دیگر

برای زندگی طولانی مانعی وجود نخواهد داشت، (۱۶)  
 بنا بر این وقتی دانستیم که بسیاری عمر، محال نیست هیچ اشکالی ندارد که  
 خداوند توانا یک بشر را هزارها سال، سالم و رشید نگاه دارد چرا که تنظیم شرایط  
 طول عمر دست خداست، او می‌تواند نظام دیگری بوجود آورد که بر نظام عادی حاکم  
 باشد، چنانکه در تمام معجزه‌ها این کار را کرده است، معجزه‌های پیامبران از قبیل  
 سرد شدن آتش برای ابراهیم خلیل و ازدها شدن عصای حضرت موسی، زنده شدن  
 مردگان به وسیله حضرت عیسی و غیر آن، همه برخلاف جریان عادی بود ولی خدا  
 به قدرت خود نظام دیگری بوجود آورده و معجزه انجام یافته است و تمام مسلمانان  
 و بلکه یهود و نصاری آن معجزه‌ها را باور دارند.

بنا بر این درباره طول عمر امام زمان - که درود خدا بر او، - جای هیچگونه  
 اشکالی باقی نمی‌ماند زیرا اگر طول عمر را ناممکن بدانند، این ادعا بطور کلی پس  
 از تصریح قرآن به طول عمر حضرت نوح و نیز کشفیات اخیر دانش زیست شناسی،  
 قابل قبول نیست و اگر بگویند این کار ممکن است ولی خلاف نظام طبیعی و عادی است  
 در پاسخ باید گفت: که طول عمر امام زمان برخلاف نظام طبیعی و مانند معجزه  
 پیامبران به خواست خداوند انجام گرفته است و کسی که به قدرت خداوند و وقوع  
 معجزات پیامبران ایمان دارد، نباید در طول عمر آن گرامی، کمترین اشکالی  
 داشته باشد.

### غیبت امام عصر

پیامبر گرامی اسلام، گاه، مسئله غیبت امام دوازدهم را به مردم گوشزد  
 می‌فرمودند و ائمه اطهار (ع) هم این مسئله را پیوسته به مردم یادآوری می‌کردند  
 خبر غیبت امام زمان از پیش از تولدش آنقدر بازگومیشد که هر کس بوجود آن حضرت  
 معتقد میبود به غیبت طولانی آن حضرت نیز عقیده مند می‌گشت، بچند نمونه، از  
 روایتهای بسیاری که در این زمینه، در دست داریم، توجه فرمائید.

۱ - پیامبر گرامی اسلام فرمود:

قائم از فرزندان من به موجب عهده‌ی که از من به وی میرسد، پنهان میشود آنچنان

که بیشتر مردم میگویند خدا به آل محمد احتیاجی ندارد و برخی در ولادتش تردید میکنند، پس هرکس زمانش را درک کند، باید به دین خود عمل نماید و نباید بادو دلی، شیطان را بر خود راه دهد مبادا که او را از ملت و دین من خارج سازد. (۱۷)

۲- امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: قائم ما غیبتی دارد که مدت آن طولانی خواهد بود... آگاه باشید. هرکس بر دینش ثابت بماند و با طولانی شدن غیبت آن حضرت، دلش قساوت پیدا نکند (و از دین حق منحرف نشود) روز رستخیز، در رتبه من با من خواهد بود.

آنگاه فرمود: قائم ما، چون قیام کند، بیعت هیچکس به گردن او نیست و بهمین جهت ولادتش مخفی و خودش غایب میگردد. (۱۸)

۳- محمد بن مسلم میگوید از امام جعفر صادق (ع) شنیدم که میفرمود: اگر خبر غیبت امام خود را شنیدید انکار نکنید. (۱۹)

۴- طبرسی می نویسد: اخبار غیبت را محدثان شیعه در اصول و کتابهاییکه در عصر امام باقر و امام صادق - که سلام خدا بر هر دوان - تألیف شده است ضبط کرده بودند، از جمله محدثان مطمئن، حسن بن محبوب است. وی در حدود صد سال قبل از زمان غیبت کتاب مشیخه را تألیف و اخبار غیبت را در آن ثبت کرده که حدیث زیر، از آن جمله است:

"ابو بصیر میگوید: خدمت امام صادق (ع) عرض کردم: حضرت ابو جعفر میفرمود: قائم آل محمد دو غیبت دارد یکی طولانی و دیگری کوتاه فرمود آری ای ابوبصیر یکی از آن دو غیبت طولانی تر از دیگری است... " (۲۰)

بنا بر این غیبت امام عصر (ع) را پیامبر گرامی اسلام و ائمه طاهریین (ع) همراه با خبر دادن از وجود مبارکش، به مردم خاطر نشان می ساختند و اعتقاد به غیبت آن حضرت همراه با اعتقاد به وجودش بوده است.

شیخ صدوق از سید حمیری نقل میکند که: "من در باره محمد بن حنیفه غلو داشتم و معتقد بودم که غایب است تا خدا به من منت نهاد و بوسیله امام صادق از آتش نجات یافتم و به راه راست هدایت شدم بدین قرار که بعد از اینکه امامت جعفر بن محمد با دلیل و برهان برایم ثابت شد، روزی به آن حضرت عرض کردم:

یا بن رسول الله در موضوع غیبت و صحت آن احادیثی از پدران ما رسیده است؛ خواهش نمودم بفرمائید که آن غیبت درباره چه شخصی خواهد بود؟ فرمود؛ آن غیبت برای فرزند ششم از نسل من اتفاق خواهد افتاد و او امام دوازدهم است بعد از رسول خدا (ص) که نخستین ایشان علی بن ابیطالب و آخرشان قائم بحق و بقیه الله در زمین و صاحب الزمان است. . . ." (۲۱)

### چرا امام زمان غایب است؟

در درسهای پیشین گفتیم که وجود امام (ع) و جانشین پیامبر، از جهات فراوان، از جمله برای رفع اختلافات، تفسیر قوانین الهی، هدایت معنوی و باطنی و . . . لازم است و خداوند مهربان، پس از رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین و پس از وی یازده فرزندش را یکی پس از دیگری بعنوان امام تعیین فرمود.

بدیهی است که وظایف امام زمان نیز از نظر تمام جنبه های امامت، چونان پیشوایان قبلی است و اگر موانع نمی بود لازم بود که ظاهر باشد تا مردم از تمام فواید وجود او برخوردار شوند اما چرا از همان نخست از نظرها غایب شد؟ در پاسخ این سؤال باید گفت:

اساساً "با اعتقاد به حکمت خداوند لزومی ندارد که به دنبال فلسفه و علل غیبت آن حضرت بگردیم زیرا ندانستن علت اصلی غیبت آنحضرت برای ما ضرری ندارد، چنانکه فلسفه بسیاری از چیزهای دیگر را نمی دانیم، تنها همین کافی است که بر اساس خبرهای بسیار و دلایلهای راستین، بدانیم که خداوند بزرگ، حجت خود را فرستاده است اما بجهت پاره‌یی مصالح، او را در پس پرده غیبت نگاه داشته است، از برخی روایتها نیز استفاده میشود که علت اصلی و اساسی غیبت، پس از ظهور آن بزرگوار، آشکار میگردد، عبدالله فضل هاشمی میگوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود؛ ناگزیر برای صاحب الامر غیبتی خواهد بود که اهل باطل در آن به شک خواهند افتاد، عرض کردم چرا؟ فرمود؛ بجهتی که اجازه نداریم بازگوییم.

عرض کردم حکمتش چیست؟ فرمود همان حکمتی که در غیبتهای حجت های

گذشته وجود داشت ؛ و آشکار نمی‌گردد مگر بعد از ظهور وی چنانکه حکمت کارهای حضرت خضر ( اشاره به سوراخ کردن کشتی ، کشتن جوان و اصلاح دیوار درداستان خضر و موسی ) شناخته نشد مگر هنگامیکه موسی و خضر می‌خواستند از هم جدا شوند ، ای پسر فضل موضوع غیبت ، امر الهی و سری از اسرار خداست و چون خدا را حکیم می‌دانیم ، تصدیق می‌کنیم که تمام کارهایش به دانایی و حکمت انجام می‌گیرد ، گرچه تفصیل آنها برای ما معلوم نگردد . ( ۲۲ )

البته فوایدی میتوان برای غیبت آنحضرت برشمرد که در برخی از اخبار هم ، بآنها اشاره شده و از آن جمله است ؛

#### ۱- آزمایش مردم

یکی از فواید غیبت امام زمان آزمایش مردم است تا از یکسو ، گروهی که بی‌ایمانند ، باطنشان ظاهر شود و از سوی دیگر ، کسانی که ایمان در ژرفای دلشان ریشه کرده است با انتظار فرج و شکیبایی در سختیها و ایمان به غیب کاملتر شوند و ارجمندیشان معلوم گردد و به درجاتی از ثواب دست یابند .  
موسی بن جعفر علیه السلام فرمود ؛ هنگامیکه پنجمین فرزندم غایب شد ، مواظب دین خود باشید تا کسی شما را از آن خارج نکند ، برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود که گروهی از عقیده‌مندان با و از اعتقادشان دست بر میدارند و این غیبت آزمونی است که خدا با آن بندگانش را می‌آزماید . ( ۲۳ )

#### ۲- محفوظ ماندن آن حضرت از کشته شدن

از مطالعه تاریخ پیشوایان اسلام و وضع آنان نسبت به خلفای اموی و عباسی به روشنی درمی‌یابیم که اگر امام دوازدهم ظاهر میبود ، حتما " او را چون اجدادش می‌کشتند و یا مسموم می‌ساختند ، چرا که شنیده بودند و می‌دانستند که در خاندان پیامبر و از فرزندان علی و فاطمه - سلام خدا بر هر دوان - شخصیتی بوجود خواهد آمد که حکومت ستمگران و مستبدان به دست او برچیده میشود و آنکس فرزند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است لذا عباسیان در صدد کشتن او برآمده بودند

ولی خدا آن حضرت را حفظ کرد و دشمنان او را نا امید ساخت .  
 زراره از امام صادق (ع) نقل میکند که فرمود برای قائم پیش از ظهور غیبتی  
 است . عرض کردم چرا؟ فرمود . برای در امان ماندن از کشته شدن و این غیبت  
 ادامه دارد تا زمینه ظهور و غلبه او بر حکومت ستمگران و مستبدان فراهم آید (۲۴)

### ۲ - نبودن بیعت هیچکس بر او

سومین فایده بی که از روایتها برمی آید ؛ این است که آن حضرت بدین واسطه  
 از بیعت کردن با ستمکاران و خلفاء و زمامداران غاصب محفوظ می ماند و بهنگام ظهور  
 بیعت کسی ، با ایشان نخواهد بود و بی پرده حق را بیان میکنند و حکومت عدل و  
 حق را برقرار میسازند .

امام صادق علیه السلام فرمود : چون قائم قیام کند ، هیچ کس بر او بیعتی  
 ندارد . (۲۵)

### فوائد وجود امام غایب (ع)

از این پیش ، گفتیم که خداوند امام زمان را تعیین کرده است تا در میان مردم  
 به هدایت آنان بپردازد ولی این خود مردمنده که مانع ظهور آن حضرتند و هرگاه مردم  
 برای حکومت واحد جهانی و الهی ( که بر پایه عدالت واقعی و رعایت حقوق و حقایق  
 و واقعیات و اجراء تمام احکام اسلامی بی هیچ تقیه و ترسی ، استوار است ) آمادگی  
 کامل پیدا کنند ، حضرتش آشکار خواهد شد ، پس ، از سوی خدای مهربان ،  
 کوتاهی در عنایت و مهربانی نیست ، بلکه تقصیر از خود مردم است که امام  
 زمان غایب شده و ظهور این حکومت به تأخیر افتاده است اما باید دانست که فواید  
 وجود امام به راهنماییهای ظاهری - اگر در میان مردم میبود - منحصر نیست ، بلکه  
 از نظر " تکوین و تشریح " وجود مقدس امام فواید دیگری دارد که این فواید بی آنکه  
 در میان مردم ظاهر باشد ، نیز ، وجود دارد .

مهمترین فایده وجود امام " واسطه فیض بودن " است چون بر اساس دلیلهایی  
 که دانشمندان اقامه کرده اند و نیز طبق حدیث های فراوانی که در موضوع امامت

وارد شده است ، اگر امام (ع) نباشد ، رابطه عالم و آفریدگار جهان منقطع میگردد چرا که تمام فیض های الهی بواسطه امام بر سایر مردم نازل میشود ، چنانکه در احادیث بسیار این مضمون وارد شده است ؛ " لوبقیت الارض بغیر امام لساحت ، ، " (۲۶) آری امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسانی است و از این جهت حضور و غیبت او تفاوتی ندارد ، و نیز ، هدایت معنوی امام نسبت به افراد شایسته همیشگی است ، اگرچه امام را نتوانند ببینند ؛ به ویژه که در اخبار وارد شده است که آنحضرت در میان مردم و در مجالس مؤمنان رفت و آمد دارد گرچه مردم او را شناسند (۲۷) بنا بر این پاسداری امام از دین و دستگیری از مردم شایسته ، در زمان غیبت هم ، بخوبی انجام میگیرد . در حقیقت امام غایب ، همانند خورشید پنهان پشت ابر است که ؛ از نور و حرارتش ، موجودات بهره میبرند اگرچه نادانان و کور چشمان ، آنرا نبینند .

امام صادق علیه السلام نیز ، در پاسخ کسی که سؤال کرده بود ؛ " چگونه مردم از امام غایب استفاده میکنند؟ "

فرمود ؛ " به همانگونه که از خورشید ، وقتی که ابر آنرا می پوشاند " (۲۸) در اینجا نظر شما را به گفتار یکی از مستشرقین (۲۹) جلب می کنیم ؛

" بعقیده من مذهب تشیع ، تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و بطور استمرار ، پیوستگی ولایت را زنده و پابرجا میدارد . مذهب یهود ، نبوت را که رابطه واقعی میان خدا و عالم انسانی ، در حضرت کلیم ختم کرده و پس از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد (ص) اذعان نکرده است و رابطه مزبور را قطع میکند نیز نصاری در حضرت مسیح متوقف شده اند و اهل سنت از مسلمین هم در حضرت محمد ایستاده اند و با ختم نبوت در ایشان ، دیگر رابطه ای میان خالق و مخلوق برقرار نمی دانند .

تنها مذهب تشیع است که معتقد است نبوت با حضرت محمد (ص) ختم میشود ولی ولایت ، که همان رابطه هدایت و تکمیل است بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می ماند . . .



آری تنها در مذهب تشیع است که این حقیقت میان عالم انسانی و الوهی برای همیشه باقی و پا برجاست. (۳۰)

### یاد آوری لازم :

عقیده<sup>۶</sup> به امام زمان بدین معناست که ارتباط بین مردم با عالم غیب نگسیخته است و کسانی که این عقیده را دارند باید همیشه به یاد آنحضرت و منتظر ظهور آن مصلح غیبی باشند.

البته معنای انتظار امام زمان این نیست که همه<sup>۶</sup> مسلمانها و شیعیان دست روی دست گذارده و هیچگونه اقدامی در راه پیشبرد هدفهای اسلامی نکنند و فقط منتظر آن حضرت باشند، بلکه همانطور که علمای بزرگ و دانشمندان شیعه از قدیم الایام گفته اند، همه<sup>۶</sup> مسلمانان و شیعیان وظیفه دارند در هر شرایطی در راه برقراری و توسعه<sup>۶</sup> معارف و احکام اسلام بکوشند در برابر ستم و گناه پایداری و با انکانات خود با آن مبارزه کنند و به بیان دیگر بکوشند تا زمینه<sup>۶</sup> حکومت عدل و داد فراهم آید یعنی جامعه را طوری ترتیب دهند که همه خواهان عدالت باشند و اگر عملاً "ظلم و جور در اجتماع حکمفرماست همه بآن اعتراض کنند و از آن رویگردانند و باری، هر مسلمانی وظیفه دارد که در راه ایمان و اسلام فداکاری کند و همیشه آماده<sup>۶</sup> استقبال از حضرت مهدی موعود باشد یعنی زندگی خود را طوری تنظیم کند که با برنامه<sup>۶</sup> آن حضرت تناقض نداشته باشد تا بتواند در صف پیروان او قدم بردارد و با دشمنان او مبارزه کند.

پایان

گفتار سیزدهم

کلاف نخ  
و خریداری یوسف

نوشته : آقای موسوی محب الاسلام  
گفتار : ۱۳

## کلاف نخ و خریداری یوسف

"هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون"  
۹ - الصف . (۱)

گویا بسال ۱۴۰۱ قمری در آغاز پانزدهمین قرن هجرت پیامبر اکرم (ص) به مناسبت میلاد مسعود بقیه الله فی الارضین مولانا الاعظم حضرت حجة بن الحسن العسکری صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید اثری پدید آید نمیدانم توجه دارید ، که دربارهٔ موضوعات بزرگ و بدیهی و مشهور سخن گفتن ، و نوشتن ، سخت تر است از موضوعات کوچک ، چه اینجا بمانند کسی که در ساحل دریای بیکرانی حقیر ایستاده نمیداند از کجا شروع کند . . . ؟

سخن از ولی عصر... جان جهان، جان جانان اهل جهان، نه اهل جهان تنها، که جان اهل خلوص و ایمان، و هدایت و قرآن... بحث از امام زمان (عج) موضوعی، که جهانی است، و عموم اهل ادیان، بوجودش ادعان دارند، و دیده براهش.

این ناتوان بسال ۱۳۴۳ شمسی، نام شصت و دو کتاب از اهل سنت و نود و سه کتاب، از شیعه را درباره امام زمان (عج) یادداشت کرده است (۲) یعنی حدود یکصد و پانزده کتاب از مسلمانان و از آن تاریخ تا به امروز باید گفت بیش ازین درین موضوع، در بین امت اسلام کتاب نشر یافته است و مطلب و سخنی ناکفته نمانده است.

#### در این کتاب :

گمان مسائلی چون فلسفه غیبت امام - طول عمر - علائم ظهور - مدعیان مهدویت - مرامهای باطله سیاسی بنام امام زمان (عج) در جهان - دخالت سیاست های شیطانی در این مسئله - عمومیت اعتقاد به "مهدی موعود" در مسلمین - اثر اعتقاد بوجود مهدی موعود خاصه در شیعه - و سایر مباحث مهم بر این پایه ها را اساتید و افاضل قبل ازین حتما "مرقوم داشته اند و اما این افتاده دیر بعیدان رسیده وقتی آگاه شد که قسمتی از کتاب چاپ شده بود.

لذا خامه ای بدست گرفت بی ارزش تر از کلاف "نخ" پیرزال خریدار یوسف، و با شتاب بمیدان شتافت، و داند که بهای یوسف آل محمد (ص) چنانستکه مولای متقیان بشوق دیدارش فرمود :

"بنفسی له الفداء يعطف الهدى، على الهوى اذا عطفوا الهوى على الهدى" (۳)  
و آرزومند است که نامش جزو خریداران یوسف بحساب آید.

گرچه مردم بخندند، چنانکه بر پیرزال خندیدند، اما جزو خریداران بحساب آمد بدان دلیل که اینک شما میخوانید.

\*\*\*\*\*

نظر باینکه نشریه بین مسلمین پخش خواهد شد تکیه گاه سخن ( عقل - کتاب - واحادیث مقبول الطرفین ) و یا سنت است بدان امید که مورد نظر حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد .  
تهران - محب الاسلام - ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۰۱ هجری قمری

هو الذی ارسل رسوله بالهدی . . .

انسانها ؛

با همه اختلافی که بین بشر وجود دارد نقطه هائی هم هست ، که انسان های عاقل و عالم ، در آنجا متحد میشوند و یک سخن میگویند و یکی از آن نقاط ( اعتقاد به تکامل ) است .

دانایان گویند ، جهان رو بکمال میرود ؛ و انسان چون جزوی از جهان است در جاده " کمال " است .

و یا حد اقل میگویند " انسان باید کامل شود " انتها هر دسته ای ( کمال ) را در چیزی می بینند بحق یا نه .

مثلا " : کمال مادی ، کمال علمی ، کمال اخلاقی ، کمال عقلی ، کمال دینی ، کمال تربیتی ، کمال در سلامت جسم و جان ، و بالاخره کمال در سعادت انسانها ، ما میگوئیم کمال در تمام آنچه گفته شد ، بانضمام کمال در ( هدایت ) بندگان خدا طوریکه این ( هدایت ) به ( سعادت ) این جهان ، و عالم آینده آخرت نیز منتهی شود .

کمال بمعنی حقیقی ، در همه ابعاد و آثار آن ، کمال ابدی ، و سعادت جاویدان از نظر قرآن کریم " و رضوان من الله اکبر "

همه مسلمین ؛

به اصالت " وحی " بودن قرآن کریم اعتقاد دارند ، یعنی یقین دارند ، قرآن

مجید " کلام خدا " است اعتقاد و یقین دارند راست است معجز است ، نور است ، امام است ، روح است . (۴)

مسلمانان اعتقاد دارند (ایمان) آوردن به پاره ای از قرآن ، و نپذیرفتن قسمتی دیگر از قرآن ، بنص خود قرآن " کفر " است و ایمان نیست . (۴)

از وعده های قرآن کریم یکی اینست که خداوند نازل کننده قرآن دین مقدس اسلام را بر تمام ادیان پیروز و غالب خواهد فرمود . " لیظهره علی الدین کله " (۵) حال : جای یک پرسش از مسلمین خواهد بود ، که ( این وعده خدائی کی انجام گرفته و یا کی انجام خواهد گرفت . . . ؟ )

آیا دین مقدس اسلام در زمان پیامبر (ص) بر همه ادیان جهان غالب شد ؟  
آیا در زمان خلفای راشدین و بعد از آنان پیروز شد ؟ آیا در زمان ما غالب شده ؟  
آیا تحقق این وعده در دنیاست یا در آخرت . . . ؟ ! مسلم است که در دنیاست .  
چه که انجام ( تکلیف ) و داشتن دین در دنیاست نه آخرت . و با جماع اهل توحید ( دارالآخره ) موقف حساب است (۶) پس باید در دنیا باشد ، و از این سوی این وعده راست الهی ، تا با امروز انجام نیافته است .

و از طرق عادی و معمولی دنیا هم روشن است که انجام پذیر نخواهد بود . از اینجاست که طبق آیات قرآن کریم مسلمین اعتقاد دارند که ذخیره خدائی و (بقیة الله) برای انجام وعده خدائی ، و جریان سنت طبیعی " تکامل " مطابق نظام احسن آفرینش خواهد آمد . . . و گرنه اینگونه آیات فراوان از قرآن کریم العیاذ بالله بی مصداق و بی مفهوم خواهد بود .

تعالی الله عما یقولون علوا کبیرا (۷) وان الله لایخلف المیعاد

صحیح نیست :

اگر گفته شود ( اسلام تنها از لحاظ) منطق و استدلال " غالب " است چه که واضح است اسلام دین خدا و حق است و منشاء اسلام کلام خداست ، از خدا و بنزد خدا بود ، پس چرا بر پیامبر (ص) نازل شد ؟ برای هدایت انسانها .  
پس کو هدایت انسانها . . . ؟

و همچنین درست نیست اگر بگوئیم دین اسلام در زمان رسول الله (ص) بر ادیان جزیره العرب پیروز شد چراکه اسلام (جهانی) است نه موضعی و منطقه‌ای (۸)

### نتیجه :

بنابر اینگونه آیات قرآنی جهت تحقق وعده‌های قرآنی باید شخصیتی بیاید که اعمالش و آثارش فوق جریان عادی و طبیعی باشد تا نتایج فوق جریان طبیعی و عادی حاصل گردد.

و گرنه با وجود این وسایل صنعتی و تکنیک، و سلاحهای محیرالعقول، از راه عادی فرض این عقیده محال است. و آن شخصیت بزرگ و شخیص بجز همان (مهدی موعود) نتواند بود.

تا کی همه اوصاف جمال تو شنیدن      در کوی تو سرگشته و روی تو ندیدن  
بردار ز رخ پرده که تا خلق دو عالم      سرتا بقدم چشم شدن روی تو دیدن

### توهم باطل :

بنا بر وضع موجود در دنیا برای نجات اهل جهان بجز ظهور "مهدی موعود" امیدی باقی نمی ماند. و بطلان ادعای موهوم و دروغین "مهدویت" در همه مکان و زمان پیدا است چه اگر آن موعود حقیقی و منتظر واقعی، و مصلح الهی و بقیة الله آمده است، پس کجای دنیا اصلاح شده است؟

بعبارت دیگر تک تک هرگونه ظلم و کفر و الحاد و فساد و فحشاء و نفاق و بیدینی دلیلند که "مصلح حقیقی" نیامده و باید بیاید.

### انتظار همه :

اینجاست که می بینیم اهل توحید جهان، و حتی مسیحیین معتقد به (تثلیث) و زردشتیان (۹) گویای بیزدان و اهرمن و حتی پیروان "کنفسیوس" انتظار مصلح حقیقی را دارند، اما هر دسته بخود نسبت میدهند.

و مسلمانان از عامه و خاصه منتظر "مهدی موعود" ند. گرچه از گذشتگان گاهی

چون "ابن خلدون" (۱۵) و ابن تیمیه در این مورد سئوالی کرده اند، اما خود آنان در آثار دیگر خود؛ بوجود "مهدی موعود" اعتراف نموده اند. (۱۱)  
وان الجواد قد یکبو و در این عصرها مانند (احمد امین - و محمدحسن سعد)  
و امثال آن نه قابل ذکرند که در شخصیت دینی و سیاسی ایشان جای حرف است، و اینک فرصت آن برای ما نیست.

این حقیر عکس جواب مؤسسه (رابطة العالم الاسلامی) را از مکه معظمه بسئوال یک مسلمان؛ از کشور "گینه" آفریقا درباره "مهدی موعود" در جلد دوم شیعه میپرسد / ۴۷۷ "ضمن فصلی آورده است تا عقیده "وهابیان" امروز هم از آن دانسته شود.

#### از دوراه :

مسلمین از راه تحقق یافتن وعده خدائی، در قرآن باید به (مهدی موعود) اعتقاد داشته و منتظر ظهورش باشند. و منکرین مبانی ایمان از راه قاعده و اصل "تکامل" باید منتظر (مصلح حقیقی) باشند نه منتظر مدعیان اصلاح، از شرق و غرب چه واضح است شرقیان و غربیان، خود گرفتار هزاران نابسامانی مادی و اعتقادی هستند، و هنوز نتوانسته اند حتی برای پیروان خود همان "زندگی بهتر" را که وعده داده اند، تامین کنند.

#### مسخره و دورویی :

دنیای کمونیسم برای فریب جوانان کم تجربه یک عمر به سرمایه و سرمایه‌داری حمله میکند، اما پشت پرده، و حتی پیش پرده، با دنیای سرمایه داری پیمان می‌بندد و معامله و سازش میکند، و بزرگان‌شان بسلامتی یکدیگر جامهای می‌خوردند و میزنند و نوشانوش دارند، و بریش اهل دنیا می‌خندند...

بیچاره جوانان خام دنیا و فریب خوردگان از خدا برگشته بدبخت.

کیست که نداند بین شرق و غرب سر و سر مخفی و علنی، هست و دنیا را بین خود "منطقه نفوذ؟!" تقسیم کرده اند... این حال قدرتمندان و پیشروان تمدن،



و مالکان زر و زور دنیا .

دنیای سوم :

باقی ماند (پیمان عدم تعهد) دنیای سوم که مسخره تر از پیشین است چه هر یک از اعضای این گروه آشکارا زیر نفوذ یک بلوک از شرق و غرب هستند اما دور هم که نشستند یک تابلوی بزرگ (عدم تعهد) بالای سر خود نصب میکنند . . . . راستی بشر تا کی دروغ میگوید؟ دروغ بهمه، از خدا و خلق، و حتی دروغ به خود؟ تاکی با این دروغها دلخوش است؟ کیست در دنیای امروز اینگونه حقایق را نداند و نبیند و نفهمد؟

چاره چیست؟

وقتی که شقاوت و ظلم و اختناق، و به زندان دیوار آهنین کشیدن نیمی از خلق جهان را از یکسوی، و ادعای طرفداری و کمک به ضعیفان و حمله و اشغال خانمان و قتل و نهب و خرابی خانه های بیچارگان را از بلوک شرق دیدید؛ و گاهی که فساد و فحشاء و انواع مخدرات بنیان کن، و آدم کشی های و ناامنی ها را در آبادترین خیابانهای نیویورک و واشنگتن و لندن و پاریس دیدید و شنیدید، زمانیکه هزاران ظلم و تجاوز را بمردم "مستضعف" دنیا و غارتگری همه هستی مادی و معنوی، آنرا از جانب مؤسسه جوامع بین المللی دیدیم و قتی که بیچارگی و فقر و گرفتاری و مرض و گرسنگی و تجاوز و بیغما رفتن سرمایه های مادی و معنوی را در دنیای سوم دیدیم، آیا راه چاره جز روی دل بسوی خدا آوردن چیزی دیگری است؟  
الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله (۱۲)

امتحان دادند :

سرمایه داران و بلوک غرب، و مدعیان مساوات و بلوک شرق و بلوک سوم و بیطرفها، و باقی دنیای سوم و چهارم همه امتحان خود را دادند، آیا بامید کی و چی نشسته اید؟ آیا هنوز نباید منتظر مصلحتی حقیقی، و دست خدائی و مهدی

موعود باشیم؟ بشر ناچار است که منتظر وعده خدائی باشد، "یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً"

ولی عصر (عج) و قرآن کریم :

گرچه تعداد آیاتی که از قرآن کریم درباره حضرت ولی عصر (عج) بدانها احتجاج شده و یا در تفسیر آنها روایاتی از ائمه هده مهذبین (ع) رسیده بسیار است که مقصود و یا تاءویل و تنزیل، آن آیات حضرت بقیة الله و ظهور آن حضرت و یا کیفیت اصلاح نهائی آن جناب است.

گوئی تا یکصد و شش آیه بخاطر است که اهل علم و دین از طرق روایت و نسبت آن تفسیر بائمه معصومین (ع) درباره آن بحث و استدلال کرده اند.

اما جهت تبرک جستن در این مقال و بعنوان نمونه چند آیه ای یادداشت شد

۱- و عد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ، و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ، و لیبدلنهم من بعد خوفهم انما یعبد و ننی و لایشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون . ( ۵۵ النور )

۲- یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یاءتی الله بقوم یحبهم و یحبونه اذلة علی المؤمنین ، اءعزة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله واسع علیم . ( ۵۴ الماعده )

۳- و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین . ( ۵ القصص )

۴- و نمکن لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما كانوا یحذرون . ( ۵ القصص )

۵- هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون . ( ۹ الصف )

همین آیه مبارکه در سوره " الفتح " تکرار شده با این تفاوت که آخر آن (وکفی بالله شهیدا) میباشد .

- ۶- الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزكوة و امروا بالمعروف و نهوا المنكر و لله عاقبه الامور . ( ۴۱ الحج )
- ۷- و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذکر ان الارض يرثها عبادي الصالحون ( ۱۰۵ الانبياء )
- ۸- و لقد ارسلنا موسى با ياتنا ان اخرج قومك من الظلمات الى النور و ذكرهم بايام الله ان في ذلك لآيات لكل صبار شكور . ( ۵ ابراهيم )
- ۹- امن يجيب المضطر اذا دعاه و يكشف سوءه ، و يجعلكم خلفاء الارض اله مع الله قليلا ما تذكرون . ( ۶۲ النمل )
- ۱۰- و ان من اهل الكتاب الالبوة ممن به قبل موته و يوم القيامة يكون عليهم شهيدا " ( ۱۵۹ النساء )

#### انتظار شما :

این است که اینک ترجمه آیات و تفسیر، و شأن نزول آنها و تطبیق آنها با مطالب مورد بحث را ببینید حق با شماست :

اما اگر خود شما در تفسیر یکی از این آیات دست اندر کار شوید تصدیق خواهید کرد این کار در مورد همین ده آیه شریفه مستلزم نوشتن کتابی مستقل است و آنگاه ( مقاله ) نخواهد بود .

بنا بر این ، مجال درک ثواب را از راه تحقیق و مطالعه برای شما خوانندگان عزیز هم ، وا گذاشتیم " اینهم یک نوع از بهترین ایثار " .

#### رجوع فرمائید :

به تفاسیر ( عیاشی - صافی - منهج الصادقین - ابوالفتح - مجمع البیان - و شواهد التنزیل - البرهان ) و کتب حدیث مانند ؛ ( بصائر الدرجات - امالی صدوق - نهج البلاغه - اصول کافی - معانی الاخبار - الغیبه - اکمال الدین - غایة المرام این کتب شما را براءخذ دیگری از فریقین رهنمون خواهد بود ،

#### المهدی و السنة :

عن جابر قال رسول الله (ص) من كذب بالمهدي فقد كفر ومن كذب بالدجال فقد كذب .  
( مقدمه ابن خلدون ( ۳۲۱ بعد طمصر ) )

حلية المهدي (عج) :

عن علي (ع) انه ذكر المهدي وقال : انه من ولد الحسين ، وذكر حليته فقال رجل اجلي  
الجبين اقني الانف ضخم البطن ، اذيل الفخذين ابلج الشنا يا بفخذه اليمنى شامة .  
( شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد ج ۱ - ۹۳ )

جحد المهدي (ع) :

عن الصادق جعفر بن محمد (ع) انه قال : من اقرب جميع الائمة و جحد المهدي (ع)  
كان كمن اقرب جميع الانبياء و جحد محمدا (ع) بنبوته فليل له يا بن رسول الله فمن  
المهدي من ولدك ؟ قال الخامس من السابع ينغيب عنكم شخصه ولا يحل لكم تسميته .  
( اكمال الدين ۲ )

متي يخرج القائم (عج) ؟

قال دعبل بن علي الخزاعي ( انشدت مولاي الرضا علي بن موسى (ع) قصيدتي التي  
اؤها :

مدارس آيات خلت من تلاوة و منزل وحي مقفر العرصات  
فلما انتهيت الى قولي :

خروج امام لا محالة خارج يقوم على اسم الله والبركات  
يميز فينا كل حق وباطل ويجزي على النعماء والنقمة

بكي الرضا (ع) بكاء شديدا ثم رفع رءسه الى فقال يا خزاعي نطق روح القدس على  
لسانك بهذين البيتين فهل تدري من هذه الامام ومتي يقوم ؟ فقلت لا . يا مولاي !  
الا اني سمعت بخروج امام منكم يطهر الارض من الفساد ويملاءها عدلا كما ملئت جورا  
فقال (ع) يا دعبل ( الامام بعدي ابني محمد و بعد محمد ابنة علي و بعد علي ابنة  
الحسن ، و بعد الحسن ابنة الحجة القائم المنتظر في غيبته ، المطاع في ظهوره ،

لولم ببق من الدنيا الايوم واحد لطول الله عزوجل ذلك اليوم حتى يخرج فيملاء الارض عدلا كما ملئت جورا. (۱۳)

و اما "متى" فاخبار عن الوقت فقد حدثني ابي عن ابيه عن آباءه ان النبي (ص) قيل له يا رسول الله متى يخرج القائم من ذريتك فقال مثل الساعة التي لايجليها لوقتها الا هو ثقلت في السموات والارض لاياتيكم الا بغته. ( اكمال الدين / ضمن اخبار الرضاع )

المهدى منا اهل البيت يصلحه الله في ليلة واحده :

سنن ادبي داود كتاب ۳۵ باب ۴ - ۸ - ۱۲ و سنن ترمذی كتاب ۳۱ باب ۵۲ و سنن ابن ماجه كتاب ۳۶ باب ۳۴ و مسند احمد بن حنبل باب اول ص ۸۴ و ۹۹ و ۳۷۶ حديث مكرراست و ۳۷۷ و ۴۳۵ و ۴۴۸ و باب ثالث ص ۱۷ و ۲۶ و ۲۸ و ۳۸ و ۳۷ و ۵۲ و ۷۵ ( مفتاح كنوز السنة - المهدي )

اظهار ادب نوابغ علمی به پیشگاه ولی عصر (عج)

ابن سینا در قسمتی که راجع به خلیفه و امام سخن میگوید و مدارج اخلاقی و علمی انسان را می نویسد :

"و من فازمع ذلك بالخواص النبوية كادان يصير ربا انسانيا . . . و هو سلطان العالم الارضي و خليفة الله فيه (۱۴)

و روشن است که مراد از ( العالم الارضي ) جميع کاینات ارضی است که تحت استیلای ولایتی امام است چنانکه از ( ربا انسانیا ) نیز استفاده میشود که مقصود صاحب تأثیر بودن است در تربیت صورت نوعیه .

قرآن کریم این موضوع را در آغاز بیان داشته است و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة (۱۵)

امیر المؤمنین علی (ع) اشارتی بدین خلیفه دارد که فرمود :

اللهم بلی لاتخلوا الارض من "قائم" لله بحجة اما ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا . (۱۶)

۲ - خواجه نصیرالدین ، فیلسوف و ریاضی دان بزرگ مشرق زمین در بیان مشهور خود ( وجود لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا . (۱۷) ) بدین گونه حقایق نظری

داشته است .

همان نابغه علمی و دینی جای دیگر آورده است ( فایده - حرمان خلق از امام و علت غیبت ، او چون معلوم است که از جهت خدای سبحان نباشد ، و از جهت امام نبود ، پس لابد از جهت رعیت بود ، و تا علت آن زایل نشود ظاهر نگردد ؛ چه بعد از ازاحت علت و کشف حقیقت حجت خدای را باشد بر خلق ، نه خلق را بر وی . و استبعاد از درازی عمر حضرت مهدی علیه السلام نمودن ، چون امکان معلوم است ، و از غیر او متفق جهل محض بود ، (۱۸)

۳ - شیخ محی الدین عربی در فتوحات مکه گوید ؛

"بدان که خدای را خلیفه ای است که خروج میکند در حال و زمانیکه زمین پر از جور و ستم شده باشد ، آن خلیفه زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد ، و اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند ، آن روز را طولانی خواهد نمود تا آن خلیفه خارج شود ، وی از عترت رسول خدا (ص) است و از فرزندان فاطمه (ع) نامش برابر نام رسول الله است . جدش حسین بن علی بن ابیطالب (ع) است و بین رکن و مقام بوی بیعت میکنند .

در خلقت شبیه پیامبر (ص) است و در خوی از وی نازلتر چه که احدی درخوی چون رسول الله نباشد ، و خدای سبحان درباره اش فرمود ، "وانک لعلی خلق عظیم" (۱۹)

امید بخیر ؛

بدیهی است بمنظور نجات از سختی ها ، و ادامه را "کمال" بکعبه مقصود برای هر انسان و یا جامعه "امید" لازم است برای محو و اضمحلال فرد و امت کافی است که "نومیدی" حاکم شود تا دست از سعی و تلاش بشویند .

و چون در عالم وجود "سکون" نیست و همه چیز در حرکت است (۲۰) و حرکت اگر "صعودی" و بسوی کمال نباشد ؛

حرکت "قصری" و بسوی "زوال" خواهد بود و نتیجه معلوم است . (۲۱)

یکی از فواید ایمان ، از راه اعتقادات دینی همین است که "ایمان" در شخص مؤمن ایجاد "امید" میکند .

بر اساس همانگونه وعده های خدائی پیشوایان دین در آغاز هر سخن و خطبه های خود پس از حمد خدا والعاقبة للمتقين والعاقبة لاهل التقوی والیقین آورده اند یعنی سرانجام اهل تقوی و ایمان پیروزند .

و این اعتقاد ، در معتقدین اراده قوی و امید بآینده ایجاد میکند ، تا در سختیها خود را نوازند ، و مقاومت و صبر پیشه سازند ، و یکی از اسرار قوت و فتح ، و ظفر اندکی ، از اهل ایمان بر دشمن قوی و بسیار (کفر و کافر) همین امید است . اعتقاد بوجود ( مهدی موعود ) که خواهد آمد و موعید من عندالله است ، و بر همه اهل کفر و ضلال والحاد غالب و حاکم خواهد شد و در سراسر جهان دین خدا را میگستراند . در دوام و بقاء و تهذیب و تزکیه یک اجتماع مؤمن و معتقد چه اثری عظیم دارد (۲۲)

ضربتی بزرگ و سهمگین بر اهل ایمان و فضیلت .

دشمنان دین با نقشه ماهرانه شیطانی خواستند این " امید " را از اهل ایمان قطع کنند ، تا اهل دین تسلیم و دستخوش امواج طوفان شهوات و فساد اخلاق و بی عفتی و بی بند و باری شوند . تا در نتیجه خریدار کالای فساد و بنده حلقه بگوش آنان باشند . تا بگویند دیگر ایمان و فضیلت و راستی خریدار ندارد و باید ( همرنگ جامعه ) شد . و میدانید که " رنگ " جامعه را هم آنان معین میکردند . بدان امید که ریشه ایمان و دین خدا را در اعماق دلها و جانها بخشکانند و یابی الله الا ان یتم نوره - (۲۳)

بلی ادعا کردند " ظهور امام زمان گذشته است " و پاسخ آن گذشت .

زمان و مهدی موعود (عج) :

برای اهل ایمان این نکته بدیهی است که خداوند عموم پیامبران صلوات الله علیهم و خاصه نبی اکرم (ص) را بمنظور هدایت بندگان مبعوث فرموده است . دلیل بعثت رسول خاتم (ص) همان دلیل بعثت سایر انبیاء از زمان آدم (ع) خواهد بود . اینست که قرآن کریم راجع به بعثت انبیاء گذشته فراوان سخن گفته





این آیه شریفه را میخواند و میگریست .

### غیبت ولی عصر (عج) :

برخی از نا آشنایان بمنطق دین و یا آشنا اما دین بدنیا فروختگان شیاطین بر سر مسئله ( غیبت مهدی موعود ) پاوه بافی کرده و میکنند و پیوسته در کمینند ؛ تا ساده لوحی بیسواد و یا جوان خام مغرور از مسائل دین بیگانه را بدام اندازند ، و با تحویل دادن چند جمله از قبیل اینکه ( تو فهمیده ای - تو روشنفکری ، تو فلان و فلان نیستی ... ) امام زمان غایب چه فایده دارد و چرا ما وی را نمی بینیم و ... اگر بود میدیدیم حال که نمی بینیم پس نیست ... )

### غیب در جهان مادی :

این بیچارگان نمیدانند یا نمی خواهند بدانند ؛ جاذبه عمومی جهان ، ازدیده ما " غیب " است تمام موجودات ذره بینی از چشم ما نهان و " غیب " است قوای روحی که در هیپنوتیزم و مانیاتیزم بکار میرود " غیب " است روح نباتی در همه گیاهان غیب و روح حیوانی در همه جانداران " غیب " است عموم دردها از چشم ما " غیب " هستند ، عواطف انسانی ، از دوستی ها و دشمنی ها همه غیبند ، و از آثار آنها بوجودشان پی میبریم ، آیا هیچکدام اینها وجود ندارد ؟ آیا انسان عاقلی میتواند منکر وجود اینگونه حقایق شود بدلیل اینکه نمی بیند ؟

### ایمان به غیب :

اینان نمیدانند که اصول و اساس دین یعنی " غیب " و اعجاز دین و معجزیامبر اکرم (ص) همین بود که ؛ بت موجود و محسوس مادی را شکست و بجای آن خدای غیب را در دلها و جانها جای داد .

شگفتا که اهل ایمان از مال و جان مادی و محسوس خود میگذرند بامید خدا و پاداش غیب . و من الناس من یشتری نفسه ابتغاء مرضات الله قرآن کریم در آغاز سخن شرط هدایت اهل تقوی را " ایمان به غیب " خوانده است ، الذین یؤمنون

بالغیب (۲۷) چرا که خداوند جل و علا ، غیب - جبرئیل و فرشتگان غیب ، وحی الهی غیب ، قیامت غیب ، پاداش در بهشت غیب ، جزای جهنم غیب ، سؤال در قبر غیب و روح امر الهی غیب است .

اگر کسی بتعام آنچه گفته شد ایمان نیاورد ، ببهانه اینکه دیده نمی شود آیا انسان است ؟ و آیا فقط امام زمان (عج) "غایب" است .

\*\*\*\*\*

گنج پنهان ، راز امکان ، اصل ایمان ، سر "غیب"  
جمله را نور ازل ، ظاهر ازین مظهر کند  
ماضی و مستقبل ایجاد ، وهم میقات کون  
جمله را امر خدا ، صادر ازین مصدر کند  
در کتاب جود ، و لوح بود ، و قرآن وجود  
نام او را ذات حق ، سر لوح و سر دفتر کند  
چون همای دولتش یال عدالت گسترد  
بیضه افلاک را پنهان بزیر پر کند  
گرگ را با میش ، در یک گله چوپانی دهد  
وحش را با طیر در یک کاخ هم منظر کند  
از ضیاء مهر چهرش ، سنگ لعل و در شود  
کیمیای قدرتش ، خاک سیه را زر کند  
در مدیحهش تهنیت را میسزد روح القدس  
این همایون چامه از شعر "حبیب" از بر کند  
حاج میرزا حبیب مجتهد خراسانی ، ره

(۲۸)

ختم سخن :

با توجه بر اینکه باید سخن کوتاه باشد باز هم بطول انجامید ، و بسیاری از مطالب ناگفته ماند . محدثین بزرگوار گویند : "مهدی موعود" بسال ۲۵۵ یا ۵۶ هـ در شب جمعه نیمه شعبان پای بدین جهان نهاد ولادتش چون تولد حضرت موسی (ع)

مخفی بود، که دستگاه جور عباسیان از بشارات و کتب پیشینیان، و احادیث اسلامی میدانستند فرزند امام حسن عسکری (ع) برهم زننده اساس حکومتهای ظلم و جور است، اما به شیعیان خاص که مورد اعتماد امام یازدهم بودند فرزندش را بارهانشان داد و فرمود: "مهدی موعود" اینست.

#### زندگانی ای چون پیامبران (ص):

و حتی در وفات امام حسن عسکری (ع) مردم دیدند از اندرون سرای بدرآمد و از عبای عمویش گرفت ویرا بکنار زد و بر بدن پدر خود نماز خواند؛ که نماز امام معصوم را باید امام معصوم بگذارد.

اهل حدیث کمال روحی، و معنوی وی را بسن کودکی، چون پیامبرانی بمانند موسای کلیم؟ عیسی مسیح و یحیی بن زکریا علیهم السلام نوشته اند؛ که هر یک در کودکی رشد خود را نمایانده، و با جور و فساد، و ستم و کفر، و الحاد، جنگیده اند

#### نشان ظاهری:

محدثان از قول پیامبر و ائمه (ع) برای "مهدی موعود" چهره ای گندم گون، ابروانی پیوسته، چشمانی سیاه و جذاب، شانه ای وسیع، دندانهای گشاده، بینی کشیده، و زیبا، و در وسط اندکی برآمده، گونه های کم گوشت و از آثار نماز شب مایل به زردی، و بر گونه راستش خالی مشکین، عضلاتی محکم، هیئتی خوش منظر و رباینده، درشانه اش اثری چون نشان جدش رسول الله بیادگار دارد، و شبیه ترین مردم به رسول خداست.

#### غیبت صغری:

پس از نماز بر جنازه پدر، این خبر بدشمنان رسید، از طرف خلیفه عباسی، دستور هجوم و تفتیش و جلب و شاید قتل وی صادر شد در این اوضاع بود که موجبات پنهان شدن و "غیبت صغرای" امام فراهم آمد؛ و امام دوازدهم بفرمان الهی از نظرها غایب شد، و در غیبت صغری وسیله چهار نایب خاص<sup>(۲۹)</sup> جواب مسائل مسلمین

داده میشد، و از راه کسانی که با وی در تماس بودند، عنایت میفرمود: و در همین زمان بود گهگاه گروهی از مردم بخدمتش میرسیدند که محدثین ازین دوران فراوان سخن گفته اند. (۳۰)

#### غیبت کبری :

پس از بروز بدخواهی عباسیان دوران "غیبت کبری" یعنی زمان امتحان عمومی و شدید بندگان خدا شروع شد. در این زمان رجوع مردم به فقهای عالیقدری که دارای شرائط خاص، و علائم مخصوص باشند احاله شده است. (۳۱) اینجا است که مسائلی بنام (مرجعیت مفتی - فتوای و اجتهاد - تقلید و مقلد - اخباری و اصولی - و بالاخره "ولایت فقیه" پیش می آید. طرح و شرح این مسئله مجالی بیش از پیش که در این مقال داشتیم میخواهد و اگر خدا خواست و مجالی بود برای فصل دوم این مقال باشد که خیر الکلام مافل و دل.

گفتار چهاردهم

منتهی‌دینها و مدعیان «باب»

در تاریخ اسلام

نوشته : آقای عقیقی بخشایشی - قم

گفتار: ۱۴

### متمهدی ها و مدعیان "باب"

#### در تاریخ اسلام

در تاریخ اسلام متمهدیان فراوانی به ثبت رسیده است که برای دستیابی به قدرت یا تعقیب هدف خاصی از عنوان باشکوه مهدی موعود (عج) سودجوئی کرده اند این امر از اوائل قرن اول اسلامی آغاز و در دوره خلفای عباسی به اوج خود رسیده است که در این نوشتار کوتاه بصورت فشرده و اجمال به برخی از آنان اشاره میگردد و این معنی نه تنها به اصل مطلب و مقام شامخ مهدی موعود خدشه وارد نمی سازد بلکه می تواند بهترین دلیل اصالت و واقعیت آن باشد چون بدیهی است تاکنون هیچ واقعیت موجود نبوده است، که از آن سوءاستفاده نشده باشد؟ بهتر است اعتراض کنندگان اصلی را نشان دهند که هرگز از آن بهره جوئی ناروا از طرف سودجویان صورت نگرفته باشد یا موردی را ارائه دهند که هرگز دست تظاول و تاراج یا سودجوئی و بهره برداری ناروا از آن بعمل نیامده باشد؟

### ۱- کیسانیه :

شاید نخستین گروه مسلمان که مهدویت را رواج داده و از آن به نفع آرمان خویش سودجوئی کرده اند کیسانیان باشند، آنان معتقد بودند که "محمد بن حنیفه" زنده است و درکوه "رضوی" میان دو شیر قرار گرفته است شاید عامل اشتباه آنان این بوده باشد که ابن حنیفه از جانب خود تبلیغات مردم را در مورد مهدویت و نجات بخشی آورد نکرد یا اصولاً "آنها بصورت مفهومی ماوراء مفهوم مهدی اسلام تلقی نمود؟ و از سوی دیگر هرگز آشکارا ادعائی در مورد وراثت و جانشینی و امامت آغاز ننمود، در نتیجه این گروه "کیسانیه" در تاریخ بوجود آمد و شعار و ادبیات ویژه خود را ترسیم نمود. شاعرانی مانند کثیر و سید الحمیری را بوجود آورد. و این حقیقت میرساند که مردم ستمدیده و محروم از نام مهدی بعنوان منجی و نجات بخش تلقی ذهنی و ادعائی داشتند و با استمداد از آن زمینه می خواستند خود را از استیلای امویان ستمگرهائی بخشند تنها با نام مهدی نه با داشتن خصوصیات و ویژگیهای امام معصوم (ع) و رهبر راستین اسلامی.

### از دیدگاه تشیع و موضع گیری مکتبی و اعتقادی :

کیسانیه معتقد بودند ظهور منجی نجات بخش در پایان هر دوره از ظلم و بیدادگری و سختی بود. از اینرو ظلم و بیعدالتی موجود و فشار ناشی از آن موجب جذب مردم به ابن الحنفیه و منادیان او گردیده است. نه احتساب حق و امامت واقعی و مراتب الهی و معنوی او در پاره ای از تواریخ و منابع اسلامی وجود دارد که امام باقر (ع) افراد فداکاری را در مبارزه بر علیه دعاوی پیروان محمد بن الحنفیه و پسرش ابوهاشم بسیج نمود تا علیه دعاوی او ایستادگی نمایند که تفصیل آن در کتب ملل و نحل و تاریخ مضبوط است.

## ۲ - مهدی سفیانی :

امویان میگفتند وقتی علویان ، مهدی داشته باشد و عباسیان مهدی داشته باشد پس چرا ما مهدی نداشته باشیم . از اینرو آنان نیز برای خود مهدی تراشیدند که ملقب به " سفیانی " گشت . (۱)

و این پندار از آنجا نشأت گرفته بود که وقتی حکومت خودکامه اموی و روش بی بند و بار زندگی آنان انتظارات مسلمین را بخصوص پس از قتل عام کربلا ناکام کرد مسلمانان به تصور و اندیشه در عقیده مهدویت پرداختند ، مهدی را رهبر میدانستند که مستقیماً بوسیله خدا هدایت میشود و این امر مخصوص شیعیان نبود غیر شیعیان هم بآن توجه داشتند و این موضوع خود ، تعمیم و همگانی بودن مسئله مهدویت میان تسنن و تشیع را نشان میدهد .

قتل عام کربلا و شهادت حسین (ع) تنها نواده باقیمانده پیامبر (ص) خراب کردن خانه کعبه محاصره مدینه و تحمیل مصائب و شواهد ، روز افزون به کوفیان هوادار علی (ع) زمینه های فکری و زیر بنائی و فعالیت های زیر زمینی را برای قیام مهدی در افکار و اندیشه ها فراهم میساخت و این معنی میرساند که ، زمینه فکری و زیر بنای اعتقادی مهدی در دلها و افکار مسلمانان رسوخ داشت و زمینه تاریخی و اعتقادی را داشته است . مهدویت یکی از گردونه های معمولی برای بیان احساسات عصر بوده است و به عنوان اسبابی مؤثر در برابر ماجراهای سیاسی بکار میرفت .

بنظر میرسد گروه اولیه غلات که معتقد به مهدویت محمد بن الحنفیه بودند پس از درگذشت او از پسرش ابوهاشم عبدالله پیروی کردند و به کیسانیه جذب شدند ، مرگ ابوهاشم نقطهء عطف تاریخ غلات محسوب میشود ، زیرا مرگ او باعث ایجاد شکافی در میان آنان گردید و غلات به دو گروه متمایز تفکیک شدند .

۱ - گروهی معتقد به غیبت و مراجعت او شدند سرانجام به ایران کوچ کردند و در اواخر دوره امویان در نهضت انقلابی واسطه رشد کردند .



۲ - گروه دیگر که با کیسانیه نقطه مشترک داشتند در کوفه ماندند و به نحوی از انحاء خود را به امامان حسینی پیوستند. مانند حمزه بن عمره البریدی، بیان بن سمان، سعید الحدی، مغیره بن سعید العجلی، ابو منصور العجلی و محمد بن ابی زینب مقلص بن ابی الطلب و ....

آنان این عقیده را تبلیغ و نشر میدادند که امامان تجسم خدا هستند و خداوند در جسم علی بن ابیطالب جلوس کرده است و او قادر به آگاهی از غیب، پیشگویی آینده و جنگ علیه کفار کرده است.

قدرت نامرئی جهان ملکوتی در علی (ع) همچون چراغی است که در قندیلی قرار دهند و نور خدا در علی (ع) همانند شعله چراغ می باشد. (۲) و از اینگونه اعتقادات و باورها ....

#### مدعیان بابیت :

در برابر این عده از مدعیات مهدویت که در تاریخ اسلام فراوان از آنان نام برده شده است افراد دیگری هم پیدا شده اند که مدعی بابیت و سفارت و واسطه‌گری فیض میان امام و خیل مشتاقان و دوستان آنان او شده اند که از تاریخ گذشته به ذکر تنی چند از آنان اکتفاء می‌ورزیم :

صاحب اعیان الشیعه شادروان سید محسن جبل عاملی در کتاب "المهدی" که دنباله موسوعه بزرگ "اعیان الشیعه" است به معرفی چند نفر از این افراد می‌پردازد که از آن کتاب ترجمه و نقل میگردد، او میگوید :

"در تاریخ اسلام افرادی بسیار هم مورد مذمت و شماتت قرار گرفته‌اند به دروغ و کذب ادعای "باب" و واسطه فیض بودن میان امام مهدی (عج) و شیعیان را داشته‌اند که طبق تحقیق مرحوم شیخ مفید در کتاب "الغیبه".

۱- شخصی است معروف به "شریعی" او که از نزدیکان و هم دوره‌های امام دهم حضرت هادی (ع) و سپس امام حسن عسکری (ع) بوده است مقامی را ادعا نمود که خداوند متعال چنین منصبی را به او واگذار نکرده بود. و خدا و حجج الهی از آن دروغ و انتساب بیزار بودند از اینرو او مورد لعن و نفرت شیعیات حقیقی قرار

گرفت و از ساحت مقدس امام توقیعی در لعن و براءت از او بیرون آمد و کفر و الحاد و بیدینی او روشن گردید.

### ۲ - محمد بن نصیر نمیری :

که فرقه نصیری به او منتسب است او پس از شریعی ادعای باب بودن را نمود و نیابت محمد بن عثمان العمری ( یکی از نواب چهارگانه امام ) را نمود او در اثر بی اعتقادی و بی ایمانی که داشت رسوا و مفتضح گردید . محمد بن عثمان او را مورد نفرت و لعن قرار داد وقتی براءت و اظهار انزجار سفیر امام را شنید به قصد دیدار و عذرخواهی از او عازم محضرش گردید تا عذرخواهی نماید ولی او اجازه ورود نداد از بدعتها و انحرافات او این بود که ادعای نمایندگی امام هادی (ع) را داشت و در مورد امام تا حد ربوبیت و الوهیت غلو نمود ، با این وضع او محرمات الهی را مباح می شمرد - اعمال شیعه و منکرات را حلال میدانست در این برنامه ها یکی از زورگویان بنام محمد بن موسی معروف به ابن الفرات او را یاری و مساعدت می نمود ، از دم مرگ به ثقل زبان مبتلا شده بود نمی توانست حرف بزند ، در مورد وصی و جانشین او پرسش کردند او با مشکلات فراوان توانست فقط نام " احمد " را برد و نتوانست توضیح بدهد از آنرو پیروان ضلال و کفر او به سه دسته منشعب شدند برخی به احمد پسر او و برخی به احمد معروف به ابن الفرات و برخی احمد پسر ابی الحسن بشر گرایش پیدا کردند .

### ۳ - ابو ظاهر محمد پسر علی پسر بلال :

او که نمایندگی داشت و از این نظر قسمتی از وجوه و اموال امام را در اختیار داشت فریفته دنیا و متاع آن گردید از تسلیم آنها به محمد بن عثمان عمری خودداری نمود و خودش ادعای وکالت و کفالت نمود ، مردم معتقد شیعه از این عمل او تبری و بیزاری جستند و او را مورد لعن و نفرت قرار دادند و توقیع نفرت و بیزاری از ساحت امام در مورد او بیرون آمد .

#### ۴ - حسین بن منصور حلاج :

یکی دیگر از مدعیان بابیت ، حسین بن حلاج است او در نامه ای به ابی سهل اسماعیل بن علی نوبختی می نگارد : من وکیل صاحب الزمان هستم " او بگمان اینکه اعلام ادعای وکالت آن هم بیکی از ارباب فضل و دانش میتواند موقعیت اورا تثبیت کند اقدام به نامه نگاری نمود ولی نتیجه معکوس بود چون در پاسخ چنین جواب ریشخند و استهزاء آمد :

"من در مقابل ادعای بزرگی که شما دارید ، کار بسیار سهل و ساده را از شما میخواهم من علاقمند جواری و کنیزگان ماهروی خویش هستم ولی پیری و سفیدی مو مانع وصلت میگردد ناچارم هر روز موهایم را رنگ و خضاب کنم و درخواست عاجزانه دارم که مورد مشکی بودن رنگ موهای من اقدام عاجلی بفرمائید که ممنون خواهم بود .

او پس از رسیدن نامه دریافت که ابی سهل ادعای اورا به مسخره گرفته است او به قم آمد و اعلام کرد که او سفیر و وکیل امام (عج) است مردم قم اعلامیه اورا پاره کردند و عمل اورا به مسخره گرفتند او در بغداد به دستور مقتدر در اثر ادعای الوهیت کشته گردید .

و از دیگر مدعیان بابیت می توان " شلمغانی معروف به ابن العزاقر و ابوبکر : محمد بن احمد بغدادی و احمد بن هلال کرخی (۳) و با طول فاصله زمانی ۱۳ قرن دیگر سید محمد علی باب را بشمار آورد که تجارتخانه ای به نام باب و بابیت را بنا نهاد تا وسیله ارتزاق و کمر بسته بودن خود و گمراهی و ضلالت مردم را فراهم آورند و این افتخار را بدست آوردند که همیشه مشمول لعن و نفرت معصومین اطهار (ع) گردند جایی که میفرمایند : خداوند متعال کسانی را با آبرو و حیثیت و اعتبار ما روزی میخورند مورد لعن و نفرت قرار دهد . آنان یکی از مصادیق بارز مستأکل به ائمه اطهار بشمار می آیند که لعن و عذاب الهی شامل حال آنان بوده و خواهد بود .

گفتار پانزدهم

فائدہ  
امام غائب

نوشته: الف، ح، م.

گفتار: ۱۵

### فائده امام غائب

امام که مقام جانشینی خدا را در زمین دارد و عهده‌دار هدایت انسانها بسوی تکامل می‌باشد، نقش بسیار حساسی در اجتماع داشته و فوائد عمده‌ای بر وجود او مترتب است، او در میان انسانها برنامه‌ای خطیر بر عهده دارد و زمامی عظیم به دست، و بدین ترتیب چنین انسانی نه فقط معصوم از گناه، که باید مصون از خطا و اشتباه بوده و نیز ابتدا خود هدایت یافته باشد تا توانایی هدایت دیگران را داشته باشد. (۱)

این چنین انسانی دارای فوائد وجودی زیادی بوده و وجود او در هر زمان ضروری و لازم خواهد بود.

ممکن است بگناه سخن گفتن از فوائد امام ، چنین تصور رود که فائده امام غائب چیست و او چه نقشی در زندگی انسانها می‌تواند داشته باشد ، اصولاً "چرا وی غائب شده و از غیبتش چه مقصودی حاصل شده است؟

ابتدا قبل از بررسی فوائد وجودی امام غائب ، هشدار به نکته زیر ضروری است :

پدیده غیبت و نهانزیستی حضرت مهدی (ع) که از ویژگیهای آنحضرت شمرده شده است ، از مصالح الهی بوده و روایات معصومین (ع) بیان علت اصلی غیبت را مربوط به زمان ظهور حضرتش دانسته اند ، در عین حال حکمتهایی هم بیان شده که از جمله آنها آزمایش مردم (۲) ایمنی از کشته شدن جباران زمان ، (۳) و شناخت جامعه نسبت به حکومتها و قوانین بشری و بالاخره استعداد پذیرش آن رهبر گرامی (۴) می‌باشد . قدر مسلم در روایات هرکجا از ویژگیهای اصلی حضرت مهدی (ع) سخن رفته است از غیبت آنحضرت هم یاد شده است (۵) بدین ترتیب اعتقاد به چنین خصوصیتی از امام زمان (ع) جزء اعتقاد به وجود آنحضرت است .

پس از اثبات این مطلب ، با اعتقاد راستین به موضوع غیبت ، کوچکترین پرسشی بنحو اعتراض همچون چگونگی بهره‌وری در غیبت و یا شبهه‌ای همانند آن در اذهان باقی نخواهد ماند ، و بر فرض اینکه از ناحیه آنحضرت در زمان غیبتش فائده‌ای حس نکنیم نباید اعتقاد ما بدین موضوع دچار کوچکترین خللی شود ، ولی در عین حال وجود امام زمان (ع) در روی زمین فوایدی دارد که موضوع غیبت مانع رسیدن آن فوائد به انسانها نمیشود و اینک به بررسی چند از فوائد وجودی حضرتش در زمان غیبت می‌پردازیم :

#### ۱ - واسطه فیض و ایمنی از عذاب :

روایاتی از پیغمبر (ص) و ائمه (ع) در کتب احادیث موجود است که وجود حجتی را در هر دوره که واسطه نزول رحمت و فیض الهی و موجب ایمنی از عذاب می‌گردد ضروری دانسته و این حجت در هر زمان ائمه معصومین شیعه شمرده شده است .

حضرت رسول (ص) در خصوصیات ائمه و پیشوایان بعد از خود به حضرت علی (ع) میفرماید : **الائمة من ولدک . . . بهم یصرف الله عنهم البلاء و بهم تنزل الرحمة**

من السماء . یا علی امامان از نسل تو هستند . . . بواسطه آنها بلارفع شده و رحمت از آسمان فرود می آید . (۶)

بدیهی است که واسطه فیض بودن بستگی به پنهان یا آشکار بودن امام ندارد و این حقیقتی است که روایات زیادی هم از آن سخن رانده اند .

از آنجمله امام صادق (ع) در گفتاری بسلیمان اعمش پس از بر شمردن چند از فوائد وجودی و اسطه فیض بودن ائمه (ع) میفرماید :

" از آنگاه که خدا زمین را آفرید ، خالی از حجتی آشکار و شناخته شده یا پنهان و ناشناس نبوده و تا بدان هنگام که قیامت بیاشود همچنان خالی نخواهد ماند " سپس سلیمان از کیفیت بهره وری مردم از امام غائب و ناشناس پرسش می کند حضرت می فرماید :

كما ينتفون بالشمس اذا سترها السحاب . (۷)

مردم (بهره میگیرند از او) همانطوریکه از خورشیدی که ابرها پوشانیده باشندش بهره می برند .

## ۲ - نگهبان شریعت :

نگهبانی از اسلام و قرآن که خود قرآن هم تضمینش نموده است (۸) ضرورت نگهبان را در هر زمان ایجاب میکند ، لذا ناگزیری از حجتی دانا و عالم در هر زمان که حق را زنده نگه دارد و دین خدا را نگهبانی کند و نظره‌های باطل گرایان را از ساخت شریعت الهی دور سازد ، در گفتارهای معصومین بچشم میخورد . (۹)

حضرت رسول در گفتاری چنین حجت هائی را ، دادگرانی از اهل بیت خود معرفی میکند (۱۰)

این وظیفه مهم در زمان هر کدام از ائمه (ع) بر حسب موقعیت های گوناگون بطرق مختلفی صورت میگرفته است ، در زمان غیبت هم این نگهبانی بشکل دیگری تغییر قیافه داده است و امام زمان (ع) عهده دار این وظیفه ، در پشت پرده غیبت می باشد . روایاتی که وجود حجتی ظاهر یا پنهان را در هر زمان ضروری می دانند ، خود مؤید این حقیقت است که ممکن است زمانی حجت و نگهبان شریعت الهی

مخفی و پنهان باشد. حضرت علی (ع) در خطبه ای روی منبر کوفه میفرمود:

"خدایا زمین تو ناگزیر از قبول حجتی از تو بر مردمان است که آنها را بسوی دین تو هدایت کند و علم ترا بدانها بیاموزد تا دلیل تو از بین نرود و دوستان تو پس از اینکه هدایتشان کردی گمراه نگردند، خواه این حجت آشکار باشد و اطاعت نشود، یا پنهان و دور از مردم باشد..." (۱۱)

هرکدام از ائمه در زمان خود بشیوه هائی مناسب وقت از دین نگهبانی میکردند و امام زمان (ع) نیز بگونه ای که ایجاب میکند و مناسب با موقعیتهای زمانی است از دین دفاع می نماید.

زمانی علی (ع) با سکوت خویش در مقابل غصب خلافت از موجودیت اسلام دفاع میکرد و در همان زمان بود که چون حکمی برخلاف قرآن صادر می شد، مانع انحراف میگشت و نیز در زمان سکوتش مشغول جمع آوری قرآن شد و زمانی که بخلافت رسید رویه پیغمبر را دنبال نموده و تغییرات و انحرافات قبل را ترمیم نمود و نیز زمانی به مقتضای وقت ایجاب میکرد که در جنگهای جمل و صفین و شروان با مسلمانان سودجو و فریبکار و نادان وارد نبرد شود. (۱۲) زمانی دیگر تدبیر صلح امام حسن (ع) بهترین شیوه ای بود که از اسلام دفاع میکرد و جلوگیری از خونریزی مسلمانان می نمود (۱۳) و زمانی جنگ امام حسین (ع) تنها راهی بود که قرآن از چنگ یزید پلید رهایی می یافت و از حدودش نگهبانی می شد، و زمانی موقعیت مسجد کوفه بهترین وضعی بود تا امام سجاد (ع) با خطبه آتشین خود خلیفه کفر را رسوای تاریخ سازد. و زمانی نیز دعاهاى آنحضرت - در صحیفه سجادیه - نقش انسان سازی را بعهدده داشت و امام (ع) در غالب دعا، حقائق علمی و اخلاقی و اجتماعی را به مردم می آموخت و کنایات آن موجب آگاه شدن مردم از استعمار جبار زمانه می گردید و زمانی مکتب امام باقر (ع) و حضرت صادق (ع) و نیز احتجاجات علمی سایر ائمه در مجالس متعدد با علمای ادیان مختلف، از الحاد زمانه جلوگیری نموده راه انحرافات تازه را مسدود می نمود. (۱۴)

زمانی هم که مصالح الهی چنین اقتضا نموده است که امام در پشت پرده غیب باشد، آنحضرت با علم به وقایع امور مانع از گمراهیهای زمانه - تا آنجا که از طریق



دیگر امکان جلوگیری از آن نبوده - میشود ، چنانچه در زمان غیبت صغری که شخصی بنام شلمغانی ادعای نیابت امام نمود ، آنحضرت بوسیله حسین بن روح - که یکی از نواب اربعه است - توقیعی صادر فرموده و ادعای دروغین شلمغانی را برملا ساخته رسوایش نمودند .

### ۳ - پناهگاه علمی :

قرآن که مجموعه ای کلی و مجمل از احکام و برنامه های تکاملی است ، احتیاج به پیشوائی دارد که بیانگر جزئیات برنامه ها بوده تفسیر و تاءویل آیات را برعهده داشته باشد و نیز با گذشت زمان بهنگام مواجه شدن با مسائل تازه جوابگو باشد . وجود امام در هر زمان چهره واقعی قرآن را - که گذشته از ظاهرش باطنهایی عمیق تا هفت مرتبه دارد (۱۵) - آشکار ساخته و جای چنین کمبودی را پر می نماید ، چراکه تمام علوم قرآن و دانشهای تمام پیغمبران نزد ائمه است (۱۶) و از گذشته و آینده خبردار بوده و در پدیده های نو ظهور از نیروی الهام کمک می گیرند . (۱۷)

گنجینه های پر بار احادیث شیعه ، احتجاجات و استدلالات علمی ائمه با دانشمندان نمودار قطره ای از دریای دانشی است که بنزد آنها به ودیعت سپرده شده است .

در دوران غیبت هم توقیعات ناحیه مقدسه حضرتش و دفع اشکالات و شبهات و نیز ملاقات بعضی از دانشمندان شیعه همچون مقدس اردبیلی ، علامه بحر العلوم ، سید بن طاوس و ... که گاه بخاطر رفع مشکلات علمیشان شرف ملاقات با حضرت را یافتند ، و نیز داستان شیخ مفید که چون در فتوای یکی از مسائل فقهی دچار اشتباه شد و با اشاره لطف حضرتش - که بی خبر از حال و احوال شیعیان نیست - از بروز اشتباه جلوگیری شد و نمونه هایی نظیر آنکه صفحات تاریخ در دوران غیبت از آنها پراست ، شیوه های استفاده دانشمندان از حضرتش بوده است . (۱۸)

### ۴ - حیوة معنوی :

امام گذشته از هدایت ظاهری و بیان احکام و معارف قرآن ، هدایت باطنی را

نیز عهده دار است، این هدایت در اثر تصرف باطنی امام در قلب افرادی که شایستگی پذیرش آنرا در خود بوجود آورده اند تا جان و روان تشنه خویش را از آن آب گوارا سیراب کرده، خود را به حیات معنوی برسانند، حاصل میشود.

هدایت به امر که در قرآن از وظائف امام برشمرده شده همین هدایت باطنی امام است: **وجعلناهم ائمة یهدون بامرنا...** و آنها را پیشوایانی که به امر ما هدایت میکنند قرار دادیم.

بدیهی است هدایت باطنی که در اثر تصرف قلبی امام صورت میگیرد بستگی به پنهان یا آشکار بودن امام نخواهد داشت، چرا که بطور غیبی شامل حال افراد شایسته خواهد شد و لزومی بظهور امام ندارد، گذشته از فواید برشمرده شده فوق، در دوران غیبت.

فواید دیگری را می توان برشمرد که از جمله آنها:

الف - دوران طولانی غیبت امام (ع) برای خود آنحضرت نیز فوایدی دارد چرا که آنحضرت در ایام غیبت با عبادت و بندگی خدا، روح و روان خویش را اوج میدهد و هر لحظه بدرجات بالاتری از ایمان نائل می آید و بدین ترتیب خود را برای امر خطیر - تشکیل حکومت جهانی - که در پیش دارد آماده می نماید.

ب - در طول دوران غیبت چه بسا گرفتاران و محنت کشانی که در وادی تاریک غم بدون چاره مانده، و تنها با نظر لطف آن امام (ع) از گرفتاری نجات یافته و به مقصودشان رسیدند، نمونه های حالات این اشخاص را تاریخ غیبت حضرتش به ما نشان میدهد. (۱۹)

ج - غیبت امام (ع) شیعه را در طول تاریخ غیبت بر آن داشته است که با تحرک بیشتر، در دوری رهبرش کوشش کند و با اتکاء بیشتر بخود مسئولیت شدیدش را در میان مسلمانان احساس کند و بدین ترتیب دوران سازندگی و شکوفائیش شروع شد، و علمای بزرگی همچون کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، مجلسی، ... در این دوران نمودار شده و با تحریر کتب سودمند خویش از اعتقادات شیعه دفاع نموده و مرز معارف و عقائد تشیع را از دستبرد حوادث وحشت بار نگهداری نمودند.

انتظار سازنده ای که موجب بقاء تحرک شیعه می باشد، همچنین از فواید وجودی

امام غائبی است که چشمان شیعیان براه اوست . نقش وجود امام در میان خلق در این دوران خود باعث دلگرمی و پابرجائی شیعه بوده و انتظار راستینش وی را در زمان غیبت پرجوش و خروش ساخته است .

فرماندهان و لشکرگشایان ظاهری چون در میدان جنگ به اسارت گرفته شوند و از چشم سپاهیانشان دورگردند ، بدانسان نیست که کشته شده باشند ، بلکه سپاهیان هنوز به امید و انتظار رهبرشان ، پر تحرکند و دست از مبارزه و تلاش نمی کشند فواید فوق العاده و اثرات وجودی فزونتری که امام از یک رهبر عادی دارد از یک طرف ، وجود آن حضرت در میان مردم و شرکت وی در مجامع و در موسم حج - بطوریکه مردم او را می بینند ولی نمی شناسندش (۲۰) - از طرف دیگر ، و نیز امید کامل و صددرصد شیعه به رجوع و ظهور آنحضرت ، همچنان بر تحرک و جوش و خروش شیعه می افزاید و با اطمینانی کامل ، عاشقانه تلاش میکند .

\* \* \*

بدین ترتیب حضرت مهدی (ع) نه فقط در ظهورش ، که در غیبتش هم امام است و رهبر ، و آنچه را که یک امام عهده دار بوده او بنحوی دیگر ، که مقتضای دوران غیبتش است ، رسالت خود را انجام داده و انسانها را از فوایدش بهره مند می سازد .

او همچون امامی است که در دوران قبل بنا بمصالحی از شهری بشهر دیگر میرفت و ما نیز در زمان غیبت همانند کسی هستیم که در شهری دور از امام به سر می برد و در تمام طول عمرش امام را هم نمیدید و تنها با عمل به دستورات امامش خود را جزو شیعیانش قرار میداد و با یاد آن امام لحظه ای از تلاش نمی ایستاد .

آری ، در زمان غیبت ، انتظار سازنده امام مهدی (ع) برای شیعه ای که در دوران قبل بارها به پرتگاه نیستی میرفت و دست جور خلفای اموی و عباسی - که بانحاء مختلف ، تصمیم بر حذف نام شیعه از صفحه تاریخ گرفته بودند - لحظه ای از سرش برداشته نمی شد ، همچنان نقش وجود آن گرامی ، پیشوایان قبل را که از سقوط شیعه جلوگیری می نمودند ، ایفا میکند ، و گرچه این دوری امام برای شیعه محنت کشیده بسی دشوار است اما همین چشم براهیش و انتظار سازنده اش

بوی سربلندی می‌دهد و او را پر تحرک می‌سازد و همین انتظار است که بگفته<sup>۲</sup> امام سجاد (ع) جزء فرج است (۲۱) و نیز بهترین اعمال شمرده شده است و بحق که زیباست، روایتی از پیغمبر که وجود حضرتش را در زمان غیبت تشبیه به خورشید پس ابر نموده است، چرا که خورشید پشت ابرها از یک طرف شعله<sup>۳</sup> امید را در دل کاروانان راه روشن نگه میدارد و موجب میشود که آنها براه خود ادامه دهند و به تصور اینکه شب فرا رسیده است از حرکت باز نایستند، و از طرفی نور وجودش از پشت ابرها، راه هموار را از ناهموار مشخص ساخته و بدین ترتیب چنین کاروانی هیچگاه دچار خوف و ترس نخواهد شد و با ایمان و اطمینانش به خروج آن خورشید از پشت ابرها، پر تحرک‌تر و امیدوارتر بحرکت خود ادامه خواهد داد.

گفتار سائزدهم

رسالت شیعه

نوشته : آقای هادی دوست محمدی

گفتار: ۱۶

### رسالت شیعه

ارادتمندان و دلپاختگان حضرت ولی عصر "عجل اله تعالی فرجه الشریف" به مناسبت بزرگداشت میلاد آنحضرت از حقیر نیز نوشته ای خواسته اند. اینجانب ضمن تقدیر و سپاس از مسئولین "سناد برگزاری جشنهای میلاد حضرت مهدی (ع)" نوشته زیر را تحت عنوان: رسالت شیعه" به پیشگاه مبارک امام عصر(ع) " ارواحنا لتراب مقدمه الفداء" و شیعیان مخلصش تقدیم میدارم.

"هادی دوست محمدی"

شیعه: رسول رسولان و پیام آور پیامبران الهی است.

شیعه، وارث انبیاء و خلف صالح اولیاء و صالحین است.

شیعه، امانت دار ودیعه بزرگ الهی است که پس از نگاهداری و نگهداری، آنرا

به صاحبش "ولی خدا" تقدیم دارد.

شیعه، ادامه‌دهنده انقلاب ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و محمد (ص) است که بت شکنی و خداجوئی را شعار خویش قرار داده و همیشه با نمرودها، فرعون‌ها، سامری‌ها و ابوجهل‌ها و ... پیکار نموده و یاور مظلومان و ستم‌دیدگان و پشتیبان مؤمنان و حق‌طلبان بوده است.

شیعه، پیرو علی (ع) و فرزند اسلام است، که علی (ع) یار بیچارگان، پناه مستضعفان، پدر یتیمان و دشمن ستمگران و مستکبران بود.

#### شیعه انقلابی است :

شیعه همچنانکه در مقابل حوادث و پیش آمدها، صابر و با استقامت است، در رابطه با منافع شخصی "با اقتدا به مولایش علی (ع) و فرزندانش "بزرگوار و پرگذشت است، همچنانکه طبق جهان بینی اسلامیش ستم به موری را روا نمیدارد و اهانت بهیچ فردی را جایز نمیشمارد. (۱) جان، مال، فرزندان، خون و آبروی مردم را محترم می‌شمارد، و... در عین حال، در مقابل جباران و ستمگران، طاغوتها و مستکبران، آنان که بادیین خدا به مبارزه برخاسته و خلق خدا را به بردگی و استثمار کشانده‌اند، هرگز ساکت و آرام ننشسته و نخواهد نشست، انقلاب در مقابل طاغوتها "با بینش و روش کاملا" اسلامی" جزء ایدئولوژی میباشد و این حقیقت را کسی نمی‌تواند انکار کند :

دانشمند و مورخ معروف مسیحی، استاد "جرج جرداق" در کتاب "علی والقومیه العربیه" تحت عنوان : مع الثائرين" می‌نویسد :

"... پیروان علی (ع) پرچمداران مبارزه برضد دستگاههای بنی امیه و بنی عباس هستند، چون برای ریشه کن کردن ظلم و جور، مبارزه با اینگونه حکومتهای استبدادی، همیشه لازم است.

و برای همین منظور، شیعیان علی (ع) عنوان دفاع از حق مظلومان و بیچارگان را گرفته‌اند. در تاریخ شیعه موارد بسیاری را به دست می‌آوریم که شیعیان، علیه انواع ظلم، پیکار نموده و شرافت و بزرگواری خویش را ثابت نموده‌اند و با به دست آوردن پیروزی، خواسته‌های علی (ع) را جامه عمل پوشانده‌اند... و همچنین

در موارد گوناگونی دیده ایم که : با فساد حکومتها ، بمبارزه برخاسته و همیشه با بیدادگران و حق گشی آنان ، در نبردهای خونین بوده اند .  
شیعیان هنگامیکه "دین" را تفسیر میکنند ، با مصلحت یاغیان و چپاولگران نمی سازد ولی بنفع مردم و ملت است و از همین جهت ، ستمدیدگان عرب و غلامان و مسلمانان و آنان که در حمایت اسلام هستند (یهود و نصاری) پشتیبان رهبرانی هستند که از اولاد علی (ع) باشند . . . .

بنا بر این شیعیان ، در اعصار گوناگون ، دارای یک مکتب انقلابی بوده اند که درگشاکش دهر تغییرنکرده و مارک "ارتجاعی" بردار نیست ، زیرا این مکتب انقلابی با آمال و آرزوهای ستمدیدگان و مستضعفان ، مناسبتی با تعلیمات علی بن ابیطالب (ع) موافقت است ، بنا بر این ، رهبری مستضعفان و ستمدیدگان با علی بن ابیطالب است .  
اگر انقلابیون زمان بنی امیه و بنی عباس را در حجاز ، عراق ، شام ، ایران ، آفریقا و غیر آنها را علیه مفسد و استبداد بحساب آوریم ، خواهیم دانست که رهبر آنان علی (ع) بوده است . . . و اگر هدف انقلابی که قرنهای متمادی شرق را متزلزل ساخته و بر ضد ستمگران سخن گفته اند را ، بررسی کنیم ، خواهیم دانست که هدف همه این انقلابها ، غرض و نتیجه اجتماعی بوده است که بخاطر آن علی (ع) جنگید و دعوت به حق و عدل کرد و در راه آن گشته شد . و همچنین خواهیم فهمید که : در راه دوستی علی (ع) در عصرهای مختلف ، گشته ها داده شده و در این راه مسلمان و مسیحی ، شرقی و غربی ، غلامان و غارت شدگان و آنان که حقوقشان غصب شده است ، مبارزه مینمایند و پرچمدار و رهبرشان علی (ع) است و سر مشق و برنامه هایشان دستور های علی (ع) .

نام علی (ع) بر سر زبان مظلومان و او پناهگاه ستمدیدگان و عدالت خواهان است ، هرکس برضد ظالمی قیام کند ، خود را در پناه علی (ع) میداند ، و آنکس که علیه رشوه خواری و فساد و بیدادگری سخن میگوید ، نام علی (ع) پشتیبان انقلاب او است ، با این بیان : نام علی (ع) همراه اصلاحاتی است که مردم طالب آن هستند و به همراه نیکیهایی است که در محیط های بیدادگری ، مشتاق آن می باشند .  
بنا بر این : تشیع ، پناهگاه ستمدیدگان و محرومان اجتماع و پرچمدار مدافعان



حقوق از دست رفته<sup>۶</sup> مستضعفان است. (۲)

شیعه بی تفاوت نیست :

در جهانی که قدرتهای استعماری، کوشیده اند حتی در فرهنگ بشری دست برده مسیردرک و عواطف انسانی را نیز منحرف نمایند و از این راه توانسته اند حالت "بی تفاوتی" در مقابل جریانات و پیش آمد ها را بوجود آورند و منطق پوشالی و خرافی: "به من چه!" را زنده کنند، شیعه با تاسی و اقتداء به موالیان ائمه معصومین (ع) هرگز آرام نبوده و گاهی همچون شمع سوخته تا از پرتو فروغ و نورش گرمی و حرارت بخشد و چراغ هدایت باشد و میثم وار، در جوبه دار فریاد بر آورده تا اسلام فراموش نگردد، تا دغلبازان، اسلامیان را به کژی و انحراف نکشاند و حقجویان و عدالت خواهان، به استضعاف کشانده نشوند!

"میکند پروانه ترک جان و میسوزد روان تا نبیند شمع خود را مجلس آرای کسان"

شیعه و انتخاب حق :

از آنجا که : بفرموده رسول اکرم (ص) :

علی (ع) مع الحق و الحق مع علی. (۲)

"علی با حق و حق با او است"، شیعه همیشه "حق" را انتخاب کرده و میکند هرگز مصالح و منافع شخصی خویش را بر آرمان اسلامی و مصالح امت، مقدم نداشته است و اگر به دنبال مصلحتی هم بوده، آن مصلحت، مصلحت اسلام و مردم بوده است، نه از برای خود ولی هرگاه، امر دائر شده است که یا خویشتن باشد یا اسلام/ و قرآن، علی منش و حسین وار، خود را در ره عشق و حق باخته و همچون "حزبن عبدی"، "رشید هجری"، "ابن سکیت" و... با خاکستر وجودش حاصل دین و عقیده را ثمر بخشیده و دیگران را از مذلت نجات داده است!

"وفای شمع را نازم که بعد از سوختن مردم بسر خاکستری در ماتم پروانه میریزد"  
در منطق شیعه، هرگاه سخن از "مصلحت" رفته، مصلحت نیز بر حق بوده و صلاح اسلام و مردم در کار بوده است. هرگاه انسان بر مدار حق چرخید و سبیل و

الگویش محمد (ص) و علی (ع) شدند، این مسلم است که باید در تمام ابعاد، بر مدار "حق" بچرخد و در هر جهت بآنان اقتداء نماید و نه در یک جهت و در یک بعد.

و بر همین اساس است که علی (ع) قهرمان، علی آزاده، علی پیکارگرو جنگجو علی میدانهای بدر، احد و خندق، کرار غیر فرار، علی و... مدتی در خانه می نشیند و اسلام را نگاه میدارد و امام مجتبی (ع) با آن حرکت براستی انقلابی و با آن نرمش تاریخی، اسلام و مسلمانان را حفظ میکند و خود را فدای مصالح اسلام و امت مینماید و بالاخره "حق" را انتخاب میکند، همچنانکه حسین (ع) نیز، که او در زمان خود و این در عصر خویش، هر دو "حق" را انتخاب کردند:

الحسن و الحسين امامان، قاما اوقعدا (۴)

"حسن و حسین هر دو امام برحقند، چه قیام کنند و چه ساکت بنشینند".

اساس کار، درک حق، شناختن حق، انتخاب حق، و وصول به حق است که اگر چنین شد، آنگاه دیگر، تفاوتی در قیام و قعود نیست و هر نوع حرکت یا سکون، موافق مصلحت است و مصلحت در اینجا بهر صورت که باشد راه وصول به حق است!

اگر زیربنا و اساس و بنیان عقیده، با آگاهی و شناخت کامل، استحکام یافت و معیارهای شناخت بخوبی بدست آمد، و همه اعمال انسان بر مبنای همان عقیده و همان معیارها بود، آنگاه تمام حرکات و سکنات انسان، طبق مصلحت است و مصلحت همان وظیفه، این نوع مصلحت، برخلاف نوع مصلحتی است که افراد منافق و ریاکار برای فرار از وظیفه و فریب خود و دیگران، ادعا میکنند و در زیرماسک "مصلحت گرائی" حق را زیرپامی نهند و در واقع مصلحت و منافع شخصی خویش را مصلحت میدانند! و بر اثر داشتن "شخصیت مزدوج" باین وسیله نقاب بر چهره میزنند و از حق و همه دارند!!

شیعه، چون در مکتب اهل بیت (ع) پرورش یافته، و بهمین جهت فرزندان اسلام است، در هر صورت "حق" را میجوید و همچون پیشوایانش، همیشه "حق" را انتخاب میکند و آنچه را که با معیارهای الهی اسلام، "برحق" است، آن را مصلحت میداند!

### عقیده و جهاد :

شیعه در تاریخ بشری، شعار: **انما الحیوه عقیده و جهاد**، "زندگی، تنها عقیده و جهاد در راه عقیده است" را به جهانیان اعلام کرده، و هنگامیکه: آرمان و عقیده، فضیلت، شرافت، آزادگی، عدالت و کمالات انسانی را در خطر دیده، خون و شمشیر را انتخاب کرده و در مقابل نمرودها، فرعونها، بتها و طاغوتها، ابوسفیان و ابوجهلها، معاویهها و یزیدها و... به پا خاسته و با جریان خون فرزندان، بوستان اسلام و انسانیت را، عدالت و آزادگی و... را آبیاری نموده و هرگز، تن به ذلت و خواری نداده است که پیشوایش امام حسین (ع) فرموده: **هیئات منا الذله**، و در هر زمان و تاریخی، امانت بزرگ الهی "اسلام" را پاسداری کرده است.

### شیعه و شهادت :

شیعه، برای فداگشتن در راه اسلام، و برای دفاع از عقیده و آزادگی، و برای احیای عدل و کوبیدن جور و ستم، از شهادت، با آغوش باز استقبال کرده و با ایمان و باوری خللناپذیر، آنرا آغاز زندگی جاویدان و موجب وصول به قرب الهی دانسته است و بارها و بارها برای رسیدن باین مقام "فوز عظیم شهادت" مسابقه داده و برایش "حبیب" و "مسلم" و "واراشک شوق ریخته است و پس از سالها گذشت از تاریخ عاشورا، تاریخ ایمان و عشق و شهادت، قیام مقدس حضرت حسین (ع) و یارانش، شیعه در حسرت آنروز، اشک ریخته و آرزو کرده است: **ای کاش ما نیز بودیم و بر فیض شهادت فایز میگشتیم**، **یالیتنا کتا معکم فنفوز معکم (۵)**

شیعه، در پیشگاه حق و ایمان، مرگ و ترس، رابه بازیچه گرفته! و به زورگویان و فریبکاران دغلباز، خندیده. و قدرت فرعونی و طاغوتیشان را تحقیر کرده است! و با قدرت عشق به "الله" ابراهیم وار محمد گونه و علی منش، بتهای شرک و ستم را فرو ریخته! و از همین طریق، به استقبال شهادت شتافته است، شیعه، در راه نجات خلق خدا از زیر یوغ ستمکاران، زیباترین، با شکوهترین

جاودانه و پردوامترین پوشش و رنگ را ، رنگ خون خویش دانسته که چهره و محاسنش را همچون "مسلم بن عوسجه" خضاب کرده و این رنگ را موجب آبرو و عظمت و "رنگ خدائی" و "صبغة الله" دانسته است !

شیعه ، مضمون مبارک آیه کریمه قرآنی : **وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ** . (۶) را با خون و شهادتش تجسم و عینیت بخشیده و این آیه را همچون دیگر آیات قرآن ، بر صفحه جان و دل نوشته است . و از زمان رسول اکرم (ص) تاکنون ، تاریخ گواه آن بوده و هست و دوست و دشمن بر آن معترفند !

#### شیعه و پاسداری از اسلام :

شیعه ، با پیروی و تبعیت از عترت (ع) همیشه پاسدار جانباز قرآن و حافظ و نگهبان فداکار اسلام و مسلمانان بوده است ، هرگاه برای حکمی از احکام قرآن ، خطری را احساس کرده ، جان خود را سپر بلا نموده و با دادن خون ، به شریانهای مسلمین روح تازه بخشیده است ، شیعه چون تربیت یافته اهل بیت و آل محمد (ص) است ، همیشه از اعوجاج و انحراف مصون مانده و در مقابل کثری و انحراف ، قیام کرده است و بر اثر "اهل خانه" بودن ، با بهای سنگین خون و جان دادن ، بیش از همه دلسوخته بوده و افزون از دیگران ، در نگهداری کیان اسلام کوشیده است .

شیعه : در نگهداری و عمل به احکام ، سعادتبخش اسلام ، تنها به برخی از ظواهر اکتفا نکرده است ، بلکه روح اسلام و شناخت عمیق معارف و احکام آن را در روح و جان خود احساس کرده و خود و زندگی خویش را با همه ابعاد دین تطبیق داده است و بهمین جهت هم توانسته است "اسلامی" بماند و تحت تاثیر فرهنگهای شرق و غرب قرار نگیرد و در درک و فهمیدن مسائل جهانی ، قوی ، نیرومند و مستقل باشد .

"یکی از دانشمندان فرانسه می نویسد : سر برچیده شدن اسلام در غرب اسپانیا و بقای آن در شرق ، این است که : اسلام غرب را فقط "اموی" ها تشکیل دادند و همان ظواهر اسلام ، در آنجا حکومت میکرد ، این بود که در برابر جنبش "نصرانیت" و تشکیلات آنها ، اساسش فرو ریخت و مضمحل شد ! ولی در شرق ، چون رشته ای از تعلیمات معنوی اسلام ، در میان پیروان علی (ع) بنام شیعه بود ، توانسته است چندین

قرن ، در برابر نیروهای توانای غرب بایستد " (۷)

بانگارش نظریه این دانشمند فرانسوی ، خاطره ای از چند سال قبل ، در ذهنم تجدید شد که : اتفاقاً " مربوط بیک محقق فرانسوی است ؛ او پس از چند سال تحقیق در احکام و معارف اسلام در غرب و مسافرت‌های پی‌درپی به کشورهای اسلامی ، وارد ترکیه شده و پس از مدتی اسلام آورده بود و سپس در ایران با تحقیق و بررسی مذهب تشیع را اختیار کرد ، او به نگارنده می‌گفت : " راه ابلاغ اسلام به اروپا از راه مادیات و صنعت و پول و دلار نیست ، زیرا غرب از همه اینها خسته شده و چیزی برایش نازگی ندارد ولی اگر بتوانید روح و معنویت اسلام را صداقت و سازندگی اسلام را و بالاخره خود اسلام را با تمام ابعادش به اروپا نشان دهید ، اروپاییان تشنه اسلامند و با آغوش باز آنرا استقبال خواهند کرد " .

و بالاخره شیعه ، با توجه به همه ابعاد اسلام ، بهر قیمت که شده ، از آن پاسداری کرده است .

#### دستور العمل شیعه :

شیعه ، طبق فرموده رسول اکرم (ص) : انی تارک فیکم الثقلین : کتاب‌الله و عترتی " من در میان شما دو امانت گرانبها ، قرآن و عترتم را باقی می‌گذارم " برنامه زندگی و دستور العمل خویش را ، قرآن و فرموده های پیشوایان معصوم (ع) قرار داده و از این دو جدا نمیشود که آنها نیز هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد که باز پیامبر اکرم (ص) در ادامه فرموده پیش فرمود : لن یفترقا حتی یردا علی الحوض . " هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند ، تا در روز رستاخیز ، بدست من برسند " و نا گفته پیداست که : جدائی این دو " قرآن و عترت " یعنی تجزیه اسلام که آنگاه دیگر اسلام محمدی (ص) نخواهد بود .

#### سمبل و الگوی خانواده های شیعه :

سمبل و الگوی خانواده های شیعه ، کانون خانواده ای است که مرکز وحی و نزول قرآن و جایگاه رفت و آمد پیامبر گرامی اسلام و فرشته وحی بوده است ، خانهای که

تمام اسلام و تمام ایمان، در آن خانه بود، خانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام  
 سبیل پدر برای شیعه، محمد (ص) و علی (ع)، الگوی والای مادر، فاطمه (ع) و نمونه  
 کامل فرزندان، حسن (ع)، حسین (ع) و زینب (ع) هستند! شیعه میکوشد آنچنان  
 باشد و اقتداء و تاءسی به آنان بنماید.

### جهان بینی شیعه:

جهان بینی شیعه، در دو موضوع بیتائی "باتوجه بهممه" ابعاد اسلام " مشخص  
 و متمایز میگردد.

۱- عدالت: شیعه، عدالت را جزء "اصول" و هدف از آمدن پیامبران را  
 بسط عدالت دانسته و خود را بعنوان وارث انبیاء به احیاء و ابقاء عدل، موءظف  
 میداند و جهان را برای گستردن عدل جهانی و عالمگیر و حکومت واحد اسلامی آماده  
 میسازد و منتظر تشکیل حکومت واحد جهانی بوسیله امام عصر، مهدی موعود عجل  
 اله تعالی فرجه الشریف میباشد.

۲- امامت: درجهان بینی و ایدئولوژی شیعه، رسالت انبیاء باید بعنوان  
 "امامت" تداوم یابد و باقی بماند، باین صورت که: پس از "ختم نبوت و رسالت  
 پیامبران الهی" وظیفه آنان و اجرای قوانین و احکام خدا بوسیله کسانی که از  
 جهات مختلف، شبیه پیامبران باشند، انجام گیرد و راه انبیاء ادامه یابد و هدف  
 و زحمات پیغمبران، به فراموشی و تعطیل کشیده نشود، و آن کسی که این وظیفه  
 خطیر را بعهدده میگیرد و بار رهبری امت را به دوش میکشد، "امام معصوم" می باشد  
 که او نیز باید همچون پیامبران، از "عصمت و پاکی از گناه" برخوردار باشد. که هم  
 اکنون، حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری علیهما السلام، امام زمان، وارث  
 انبیاء و امامان و پس از ظهور و قیام، احیا کننده قوانین عدل الهی است، و قیام  
 جهانی آنحضرت، تداوم نهضت مقدس همه پیامبران خدا که جهان در انتظارمقدم  
 گرامیش میباشد. با توجه به این دواصل اساسی، رسالت و مسئولیت شیعه، روشنتر  
 میگردد که: چگونه وظیفه خطیر "حفظ شئون نبوت و امامت را به دوش میکشد؟ و  
 چگونه مسئول اجرای عدل و داد و جلوگیری از ظلم و ستم و زمینه ساز قیام مهدی (ع)

می باشد؟!

از همین جهان بینی ویژه است که : برای دفاع از اسلام و انسانیت و برای مبارزه با ظلم و بیدادگری و بسط عدل و داد ، همه جا را کربلا میدانند و هر روز را عاشورا که : کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا زیرا خود ، هم پاسدار شئون امامت و رسالت است و هم مسئول اجرای احکام آنان و متعهد استقرار عدل !

دشمنی با شیعه :

با توجه به واقعیات بالا ، سلطه گران ، حکومت های ضد اسلامی ، استعمار گران ، استثمار چپان ، مستکبران ، تبه کاران و بی بند و باران و افراد جاهل و مزدود ، در تمام ادوار تاریخ ، با شیعه به مخالفت برخاسته اند ، و همیشه کوشیده اند تا شیعه را از دور خارج سازند ، ترس از هشیاری شیعه ، آنان را معمولاً " متحد ساخته و در دشمنی با شیعه متشکل شده اند ! آنان که همیشه از منطق و مکتب اسلام هراس و وا همه داشته اند ، سعی کرده اند تا شیعه را منزوی نمایند ، زیرا این شیعه بوده که سازش با " فریب " ، " ریا " ، " ظلم و بی عدالتی " ، " استثمار " ، " استثمار " و " استکبار " را جایز نمیشمرده و در دورانهای متمادی ، در مبارزه برای اجرای احکام اسلام ، خون داده و شهادت راجان بخشیده است .

این شیعه بوده که به " غیر عادل " اقتداء نمیکرده و بفرمان " حاکم جور " تن درنمیداده و تنها " صحابی " بودن را کافی نمی دانسته و معیار را تقوی ، ایمان و عمل صالح قرار داده است .

شیعه ، مسلمان واقعی بودن ، " و با درک و بینش صحیح " عمل به قرآن و سنت را میزان قرار میدهد و در غیر این صورت ، اگر پسر یا همسر پیغمبر هم باشد ، طبق فرموده قرآن ، میگوید : یا نوح انه لیس من اهلک (۸) " ای نوح در حقیقت از از تو نیست " و انا منجوک و اهلک الامراتک کانت من الغابرین (۹) " و ای لوط ! ما ، تو و اهلت را نجات میدهیم بجز همسرت که او از کسانی است که باید در عذاب ، باقی بماند " . پسر " نوح " و همسر " لوط " چون از مسیر حق خارج شده و عملاً " پیشواور رهبر خود را اطاعت ننموده اند ، در منطق اسلام ، از خاندان و اهل بیت نوح و لوط محسوب

نمی‌گردند، تا چه رسد به "صحابی" و به اصطلاح "اطرافی" بودن،! البته این حقیقت نیز مورد انکار نیست که در صورت ایمان عمل، اطاعت و عدم تخطی و تخلف صحابی پیغمبر و امام بودن، موجب فخر و مباهات انسان می‌باشد.

در هر صورت، آنان که از عملی شدن اسلام می‌ترسیده‌اند، با شیعه دشمنی کرده‌اند، آنان که غرق در عیاشی‌ها، هوسرانیها، میگساری‌ها، خودخواهی‌ها، سودجوییها، منفعت‌طلبی‌ها و ریاست‌طلبیها بودند، از نفوذ منطق و قدرت شیعه در هراس بودند و با او دشمنی کرده‌اند، تا آنجا که برخی از نویسندگان نا آگاه یا مزدور بیگانگان و مخالفین اسلام، برای اسلام اشک تمساح ریخته‌اند! و شیعه را مضر به اسلام دانسته‌اند! و در لباس دلسوزی برای اسلام، افکار شیعه را غیر اسلامی معرفی کرده‌اند، و علت آن نیز برای هر محقق عالم و روشنفکری روشن و معلوم است، زیرا این قماش نویسندگان، با فروختن مغز و اندیشه خود به اربابان استعمارگر، استثمارچی و مستکبر خود، نمی‌توانند از قرآن و اسلام، درک صحیحی داشته باشند، اینان دلالان مظلوم و توجیه‌گر خیانتها و جنایتهای اربابان خویش هستند، اسلامی که اینان خود را مدافع آن میدانند، اسلام امویان! عباسیان! یا اسلام آمریکائی! روسی! و یا از نوع انگلیسی می‌باشد! نه اسلام محمدی (ص).

قدرتهای استعماری و وسائل مدرن و اعجاب انگیز تبلیغاتی آنان، هم اکنون هم، سعی دارند تا از نفوذ مکتب تشیع در جهان، جلوگیری کنند و بهر وسیله‌ای که شده است منطق شیعه را کریه و زشت جلوه دهند و آن را مخالف دموکراسی و تجدد قلمداد نمایند که متأسفانه عملکرد برخی از ما شیعیان هم در این سوء نیت، آنان را یاری میکند!

#### مسئولیت شیعه :

همچنانکه قبلاً نیز گفتیم، شیعه، پاسداری و نگاهبانی از کیان اسلام را دارد و طبق وظیفه، حافظ شعون "رسالت" و "امامت" است و وارث انبیاء و خلف صالح اولیاء و امامان می‌باشد، اکنون این مسئولیت خطیر و این مقام رفیع و والا، چه تعهدهایی را در پی دارد؟!



حالا که همه میدانیم : دشمن درکمین نشسته و با تمام قوا برای درهم کوبیدن شیعه میکوشد ، استعمارگران و مزدورانشان از دور و نزدیک ، از بیگانگان و خودی ، برای مبارزه با اسلام و آشنا نشدن مردم با روح اسلام ، شیعه را نشانه گرفته اند و بالاخره با تمام وسایل ، علیه شیعه تبلیغ میکنند ، آیا ما شیعیان ، به مسئولیت خود توجه کرده ایم ؟ !

آیا میدانیم که : کوچکترین خطا ، لغزش و عمل غیر اسلامی ما ، چه لطمهء جبران ناپذیری به اسلام و مکتبمان خواهد زد ؟ !

آیا به این حقیقت توجه داریم که : بهترین معرف یک مکتب ، یک جهان بینی و یک ایدئولوژی ، عملکرد افراد آن مکتب و . . . میباشد ؟ !

و باز قبول داریم که : مؤثرترین وسیله تبلیغ یک مرام و مذهب یا کوبنده ترین عامل تخریب آن ، روش و کردار طرفداران آن مرام و مذهب میباشد ؟ !  
چنانچه توجه به این حقایق داریم ، لازم است بیش از گذشته ، به مسئولیت بسیار سنگین خود پی ببریم و با اعمال و رفتار خود و روش اسلامی انسانی خویش ، با عدالت ، با تقوی ، با اخلاق اسلامی ، با بصیرت و بینش اسلامی و بالاخره با زندگی سراسر کمال و فضیلت ، عظمت اسلام را حفظ کنیم و با رفتار غیر اسلامی ننگی برای شیعه نباشیم !

امام علی (ع) فرموده اند : من نصب نفسه للناس اما ما فعلیه ان یبده بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ولیکن تادیبه بسیرته قبل تادیبه بلسانه و معلم نفسه و مؤدبها احق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم . (۱۰)

" کسی که مسئولیت سنگین پیشوائی مردم را پذیرفته است ، نخست باید به خویشتن پردازد قبل از آنکه مردم را تعلیم دهد و باید وسیلهء تادیبش ، سیره و روش و رفتار و عمل او باشد ، پیش از آنکه با زبان چیزی بگوید ، و کسی که خویشتن را تعلیم و تادیب نماید ، از کسی که مردم را تعلیم و تادیب میکند ، به اجلال و احترام سزاوارتر است ."

عمل رکن اساسی است :

در ایدئولوژی شیعه، یکی از ارکان مهم "ایمان"، "عمل" است و نبودن عمل حاکی از نبودن ایمان میباشد، که امام صادق (ع) فرمودند: **الایمان هو اقرار باللسان و عقد بالقلب و عمل بالارکان**. (۱۱)

"ایمان، عبارت است از: اقرار با زبان، پیمان و اعتقاد قلبی و عمل کردن به ارکان و احکام" و در مورد دیگر فرموده اند: **الایمان عمل کله و القول بعض ذلک** (۱۲)  
 "همه ایمان، عمل است و گفتار و سخن، جزئی از اجزاء ایمان می باشد" و باز فرموده است: **الایمان لایکون الا بالعمل** (۱۳)  
 "ایمان جز با عمل مصداق پیدا نمیکند." (۱۴)

کسی که بدون عمل، تنها با ادعا و گفتار، شیعه بودن خود را نشان بدهد، او نه تنها راست نمی گوید بلکه به ریاکاری و تظاهر و دورویی و نفاق نیز مبتلا گشته است. اینکه برخی از افراد جاهل، ادعای دوستی و شیعه بودن آل محمد را میکنند و احکام و قوانین اسلام را اجراء و عمل نمی کنند، و به اخلاقیات اهل بیت (ع) متخلق و آشنا نیستند، هرگز شیعه واقعی نبوده و مورد رضایت ائمه معصومین علیهم السلام نخواهند بود. هنگامیکه به برخی از این نادانها انتقاد شود که چرا فلان وظیفه اسلامی را انجام نمیدهی؟! نا آگاهانه در پاسخ میگوید: **محبت خاندان رسالت و عشق علی (ع) و فرزندان، ما را بس.**

"کسی را که مولایش حیدر بود چه پرواش از روز محشر بود؟!"  
 این منطق، ریا و دروغی بیش نیست، زیرا محبت و عشق، باید بر مبنای شناخت و آگاهی و صدق و اخلاص بوده و مورد رضا و خواسته معصومین (ع) باشد که بقول بابا طاهر:

چه خوش مهربانی هر دو سربی که یکسر مهربانی درد سربی  
 ائمه معصومین (ع)، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از کسانی که حتی یک حکم از احکام اسلام را کوچک و سبک بشمارند و بیکی از قوانین قرآن، بی اعتنائی کنند هرگز راضی نخواهند بود و آنانرا پیرو و شیعه خود نخواهند دانست، آن بزرگواران، مال، فرزندان، خون و جان خود را برای این نثار کردند که به اسلام و احکام آن

عمل شود. و همه مصیبتها و صدمات را برای آن تحمل کرده اند که اسلام زنده بماند، افرادی که با ادعای شیعه گری، عمل به اسلام ننمایند، به مقام رفیع ائمه معصومین (ع) اهانت نموده و عملاً "با تشیع مبارزه کرده اند!" اصولاً "عشق و محبت در صورتی واقعیت دارد که اطاعت و پیروی عاشقانه باشد، نه تنها ادعا و حرف، عاشقان علی (ع) و شیفتگان و دلباختگان حضرتش، کسانی هستند که در تمام ابعاد علی منش بوده همچون خود آنحضرت، نمونه و الگوی همه ابعاد اسلام باشند.

#### شیعه یک بعدی نیست:

عده ای از مسلمانان، به برخی از ابعاد اسلام، توجه میکنند و ناخود آگاه به ابعاد دیگر آن بی توجهند! گروهی به احکام عبادی و آداب و رسوم و سنن اسلامی اهمیت میدهند، پس از اداء فرائض، به دعاها و نیایشها و مستحبات اسلام بخوبی میرسند و... "که باید چنین هم بود" ولی به ابعاد دیگر توجه ندارند! به مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی اخلاقی اسلام، آشنا نیستند! هر روز بخواندن قرآن و دعاها را آورده، همت میگذارند "که بسیار ارزنده است" و مع الاسف بمعانی و اوامر و نواهی قرآن، به ابعاد گوناگون قرآن، به جنبه سازندگی و سیاسی اجتماعی دعاها، به هدف و نتیجه ادعیه، کاری ندارند! اسلام را حرکات و سکنات و منافع و مصالح خودشان میدانند و از دور و بر خویش بی خبرند و حیات و زندگی دیگران، برایشان معنای ندارد! اگر هم گاهی امر و نهی بکنند مربوط بهمین جنبهها است و معیار خوبی و بدی مردم هم باز همان روش خودشان می باشد!

گروهی دیگر، درست در مقابل اینان، در مسائل اجتماعی، سیاسی و... وارد و مطلعند، از حوادث و جریانات روز، با خبرند، افرادی روشنگر و محققند، چه بسا نویسندگان و هنرمندند و... ولی باز متأسفانه ناخود آگاه، یک بعدی هستند و نادانسته خود باخته و فریب خورده اند و تحت تأثیر فرهنگهای بیگانه میباشند، "فرضا" به ابعاد عبادی و احکام دیگر اسلام، توجه ندارند. با ژست فیلسوفانه، در همه مسائل دخالت میکنند. ولی در عمل و روش، کمیتشان لنگ

است! علاوه بر اینکه خودارزش عبادت و تزکیه و ریاضت را نمی فهمند و عمل نمیکنند، باغروری که دارند به افرادی که به زهد و عبادت می پردازند حمله می کنند. و آنان را مورد تمسخر خویش قرار میدهند. بیشتر عظمت اسلام را در ابعاد مادی و اجتماعی به رخ می کشند و از درک معنویات اسلام، ناتوان هستند! و...

این دو گروه، در افراط و تفریطند و هیچکدام نمیتوانند خود را شیعه واقعی فرض نمایند و خویشان را پیرو علی (ع) بدانند، زیرا علی (ع) در مکتب وحی پرورش یافته و نمونه کامل و سبیل عملی اسلام بود، در همه ابعاد اسلام، در عین آنکه در اعتکاف و ریاضت بود، در حال زهد و معنویت بسر میبرد، ناله های شبانگاهیش بهمه جهان طنین می افکند، گریه های عاشقانه اش، همه غبارها را میزدود، در سجده معبودش از خود بیخود میشد، در حال نماز و نیایش، محو معشوق میگشت و...، مرد عمل و کار بود، مرد میدان و پیکار بود، در جامعه هم عصرش، برای دردمندان، دوا، برای مستمندان، پناهگاه، برای یتیمان پدر، برای مستضعفان و بی نوایان، دستگیر و یاور، و برای مستکبران و ستمکاران، شمشیری برنده و کارگر بود. او هرگز از مردم جدا نبود، مانند استاد و پسر عمش "محمدص" دلی پر مهر در سینه داشت و در غم بیچارگان میسوخت و در دل تاریکیهای شب به یاری نیازمندان میشتافت.

او همچنانکه "جامع الاضداد"ش خوانده اند، عابد و زاهدی عاشق بود و جنگجو و رزم آوری نستوه، در پیشگاه معبودش پیشانی بخاک میسود و اشک و آهش از دیده و دل بر میخاست و برای ناجوانمردان، قهرمانی با فریاد رعد آسا، مظهر خشم الهی بود و در میان مردم پدر و برادری متواضع و پر مهر.

و بالاخره علی (ع) و امامان پس از او، نشانگر همه اسلام بودند، و شیعه کسی است که در "عمل" چنان پیرو آنان و شبیه به آنان باشد که: "تشیع" یعنی همه اسلام با همه ابعادش.

آنکه بیک بعد از ابعاد اسلام مینگرد، هنوز اسلام را نشناخته و هنوز به عظمت مقام "امامت" پی نبرده و نسبت به امامان خویش، شناخت و معرفت درستی بدست نیاورده است.

### اسلام تجزیه بردار نیست :

در ایدئولوژی شیعه، با توجه بزیر بنای عقیدتی توحیدی، همهٔ حرکات و سکنات انسان مؤمن، "عمل صالح" است، کار و عبادت، هر دو کار و هر دو عبادتند، خواب و بیداری، هر دو وظیفه است و مؤمن در هر حال "چونکه عمل میکند" برای خدا است، (۱۵) دنیا و آخرت، مادیت و معنویت، برهم آمیخته و هر کدام مرتبط با دیگری هستند که: **الدنيا مزرعه الاخره** "دنیا کشتزار آخرت است" و توجه به هر کدام و ترک دیگری، با منطق اسلام سازش ندارد و یک بعدی بودن است. و مولای آزاد مردان جهان و نشان دهندهٔ اسلام مجسم، علی (ع) در طول حیات خویش همچنانکه با کفار، مشرکان و ستمگران جنگیده، با افراد یک بعدی مانند "خوارج" و... مبارزه کرده است.

هیچکدام از قوانین و احکام اسلام، اعم از: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح، و اعم از: عبادی، سیاسی، حقوقی، فردی، اجتماعی، مادی و معنوی، از یکدیگر مجزا نیستند و اصولاً "در معارف اسلام تجزیه وجود ندارد و افرادی که به یک بعد توجه میکنند و به اصطلاح قرآن، به برخی ایمان می آورند و به برخی دیگر کفر میورزند، نه تنها از آنان پذیرفته نیست، بلکه طبق وعدهٔ قرآن، در ذلت و خواری دنیا و آخرت خواهند بود: **افتومنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض؟ فما جزاء من يفعل ذلك منكم الاخزي في الحيوه الدنيا و في القيامة يردون الى اشد العذاب وما الله بغافل عما تعملون**، (۱۶)

"آیا به بعضی از کتاب (قرآن) ایمان آورده و به بعضی دیگر کفر میورزید؟ پس کسانی که در میان شما چنین میکنند، چه کیفری جز رسوائی و خواری در دنیا خواهند داشت؟! و در قیامت به سخت ترین عذاب، بازخواست خواهند شد، و خدا هرگز عملکرد شما غافل نیست."

با توجه به مطالب بالا، شیعه نمی تواند بیک بعد از ابعاد اسلام بی توجه باشد یا بیک حکم از احکام اسلام عمل نکند.

شیعه از زبان امامان (ع) :

"جابر" میگوید : به محضر امام باقر (ع) شرفیاب شده بودم که رو بمن کرده فرمود : "جابر ، افرادی که ادعای دوستی ما را دارند و میگویند : شیعه اهل بیت هستیم ، آیا خیال میکنند که همین اندازه کافی است؟! بخدا سوگند شیعه ما نیست مگر کسی که تقوا داشته باشد و خدای متعال را اطاعت کند "عمل نماید" و به صفات انسانی ، تواضع و فروتنی ، امانت داری ، همیشه بیاد خدا بودن ، توجه به روزه و نماز نیکی به پدر و مادر ، متعهد بودن در مقابل فقرا و نیازمندان ، همسایگان ، ورشکستگان و یتیمان ، راستگوئی ، تلاوت قرآن ، زبان را همیشه بخیر و نیکی باز کردن و در میان قبیله و طایفه اش امین بودن ، معرف و شناخته شود .

عرض کردم : امروز من کسی را با این صفات ندیده ام ، آنگاه فرمود : جابر ، این ادعاها را که میگویند : "من علی (ع) را دوست دارم ، ولی به اینها که گفتم ، عمل نمیکنند" باور نکن !

اگر بگویند : رسول خدا را هم دوست داریم " که رسول اکرم (ص) بالاتر از علی (ع) است " ولی پیرو روش و سیره آن حضرت نباشند و به سنت او عمل نکنند ، این دوستی ادعائی ، هیچ نفعی بر ایشان نخواهد داشت ، پس تقوی داشته باشید و آنچه که از ناحیه خدا ابلاغ شده است عمل نمائید . که در میان خدا و هیچکس قرابت و خویشاوندی نیست ، محبوبترین و گرامی ترین مردم در پیشگاه الهی ، کسی است که از همه بیشتر تقوا داشته باشد و بیشتر عمل کند و خدا را اطاعت نماید . جابر ! به " الله " سوگند ، هیچکس نمی تواند به خدا "تقرب" جوید مگر به وسیله طاعت کردن و عمل بهمه اسلام نمودن ، و ما نمیتوانیم کسی را که عمل نمیکند و از تبهکاران است ، از عذاب الهی تبرئه نمائیم ولو ادعای دوستی ما را بنماید . هر کس سراپا مطیع خدا است ، او دوست و دوستدار ما است و هر کس عصیان خدا را بنماید او دشمن ما است . و هیچکس به " ولایت " ما نائل نمیگردد مگر به واسطه عمل و پارسائی " . (۱۷)

ملاحظه میکنید که امام پنجم شیعیان ، امام محمد باقر (ع) دوستیهای ادعائی را چگونه رد فرموده و دلیل و علامت دوستی اهل بیت را عمل کردن به احکام اسلام

و اطاعت و ورع دانسته است .

شخصی وارد مسجد شد در حالی که مولای شیعیان علی (ع) در حال موعظه و ارشاد مردم بودند عرضه داشت : یا ابالحسن انا احبک . " یا علی (ع) من شمارا دوست میدارم " ولی با کمال تعجب امام (ع) در پاسخش فرمود : و اما انا ابغضک " اما من با تو بدم " آنگاه افزودند : " شیعه ما و دوست ما کسی است که به قرآن ما عمل کند و به روش ما زندگی نماید . . . "

امام صادق (ع) فرمودند : فمن کان منکم مطیعا لله تنفعه ولایتنا و من کان منکم عاصیا لله لم تنفعه ولایتنا ، و یحکم لاتفتروا ، و یحکم لاتفتروا . (۱۸)

" هر کدام از شما خدا را اطاعت نماید ، ولایت و دوستی ما نیز برای او سود خواهد بخشید ولی هر کدامتان که خدا را عصیان نماید ، ولایت و دوستی ما هم برای او نفعی نخواهد داشت . (شگفت است که با این دوستی غافل بمانید و مغرور شوید) و ای بر شما قریب نخورید ، و ای بر شما مغرور و غافل نمانید . "

و در جای دیگر فرمودند : . . . انما اصحابی من اشد ورعه ، و عمل لخالقه ، و رجائوابه ، فهو لاء اصحابی . (۱۹)

" تنها کسانی دوستان ما هستند که سخت پارسا و خدا ترس باشند و تنها برای خدا عمل کنند و تنها از او امید پاداش داشته باشند ، آری اینان دوستان و اصحاب منند "

و باز ششمین امام شیعیان امام صادق (ع) فرمودند : کونوا دعاة الی انفسکم بغير السننکم و کونوا زینا ولا تکونوا شینا . (۲۰) " کونوا لنا زینا ولا تکونوا علینا شینا " " مردم را با رفتار و اعمال خودتان به راه حق و ثواب دعوت کنید ، نه تنها با زبان ، و موجب زینت و حافظ حیثیت ما باشید و باعث عیب و نکبت ما نگردید " و در مورد دیگریس از این کلمات افزودند : . . . لیروا منکم الورع والاجتهاد والصلوه والخیر فان ذلک داعیه . (۲۱)

" . . . باید مردم از شما ، تقوا و پارسائی ، جد و جهد و کوشش ، نماز و نیایش و " در هر حال " خوبی ببینند ، این است راه و روش دعوت مردم " ملاحظه میکنید که امام (ع) تا چه اندازه نگران اعمال و روش شیعیان میباشد ؟

که مبادا کاری کنند که باعث ننگ و خواری و وسیله عیبجوئی و سرزنش دشمن گردند.

### وظیفه خطیر شیعه در غیبت امام (ع) :

اکنون در غیبت امام (ع) مسئولیت شیعه چقدر سنگین تر و خطیرتر است؟! در این زمان بیش از هر زمان دیگر، شیعه باید مواظب تمام حرکات و سکنات خود باشد مخصوصاً "پس از انقلاب اسلامی ایران، دنیا توجه بیشتر به "تشیع" پیدا کرده و قهراً" در صدد کنجکاوی بیشتری است، و چون آگاهی و اطلاع صحیح و دقیق از تشیع ندارد، عملکرد ما برای بیگانگان، نشانگر مکتب، ایدئولوژی و جهان بینی ما خواهد بود، حالا اگر کوچکترین اعوجاج و انحرافی از معارف و قوانین اسلام، در اعمال و رفتار ما مشاهده شود، لطمه بزرگی به تشیع و اسلام زده ایم.

در موقعیتی که دشمنان اسلام، از هر زمانی بیشتر در لکه دار کردن شیعه میکوشند، یک کج سلیفگی یا بیخبری از ما، یا بوق و کرنا در جهان اعلام خواهد شد و خطای ما را به پای مکتب ما خواهند نهاد!

پس مسئولیت شیعه، در این عصر از هر عصری خطیرتر است، بر شیعه لازم است که با تاسی به امامان خود، تمام حیات و زندگی خود را فدای اسلام نماید و با هر قیمتی که شده است تمام اعمال خویش را با اسلام محمدی (ص) و علوی (ع) تطبیق دهد، تا بتواند موجبات خرسندی و رضایت حضرت ولی عصر عجل اله تعالی فرجه الشریف "رانیز جلب نماید و این کار برای شیعه، مشکل نیست زیرا برای کسانی مشکل خواهد بود که برای این کار، الگو و نمونه و سمبلی نداشته باشند ولی شیعه با داشتن الگوهای چون رسول اکرم (ص)، علی (ع) زهرا (ع)، حسن (ع) و حسین (ع) و فرزندان معصومان هیچگونه مشکلی در پیش نخواهند داشت.

دشمنان اسلام، از سالهای متعددی کوشیده اند، شیعه را "حتی در مقابل برادران اهل سنت" بگونه و نوعی دیگر معرفی کنند، و نگذاشته اند تا آنان شیعه را آنطوری که هست بشناسند و با منطق شیعه آشنا گردند، و روی همین اصل بسیاری از برادران سنی ناآگاهانه یا چشم خوبی به شیعه نمی نگرند و از واقعیت شیعه خبر ندارند. اینجا است که باز مسئولیت عملی شیعه، محسوس تر میگردد و باید با



عمل خویش، باروش و اخلاق اسلامی خود و دقت و مواظبتش در اجرای احکام اسلام، وظیفه‌اش را انجام دهد و رسالتش را ابلاغ نماید و بالاخره ناآگاهانه سوژه ای بدست مخالفین اسلام ندهد و مخصوصاً "در وحدت مسلمین، سعی و کوشش بلیغ مبذول دارد."

"نا تمام"

امید است با انجام دادن وظائف و با توجه به رسالت خطیر خویش، بتوانیم موجبات خرسندی و رضایت مولایمان امام زمان "ارواحنا فداه" را فراهم نمائیم و در زمره شیعیان و پیروان واقعی آنحضرت درآئیم. به خواست خدای متعال، بخش دوم این بحث در فرصتی دیگر به حضور خوانندگان گرامی تقدیم خواهد شد.

قم - حوزه علمیه: هادی دوست محمدی

فروردین ۱۳۶۰ ج ۲ - ۱۴۰۱

گفتارہمقدم

امام غائب  
یا  
خورسید پنهان

نوشتہ : آقای سید محمد مهدی موسوی خلخالی  
گفتار: ۱۷

### امام غائب یا خورشید پنهان

یریدون أن یطفوا نور الله بأفواههم و یأبی الله الا ان یتم نوره و لو کره الکافرون ،  
هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون<sup>(۱)</sup>  
خداوند عزیز درباره مخالفین اسلام چنین میفرماید :  
" آنها میخواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند ، ولی خدا جز این  
نمیخواهد که نور خود را کامل کند ، هر چند کافران را ناپسند افتد .  
او کسی (خدائی) است که رسولش را با هدایت و آئین حق (سوی بشر) فرستاد  
تا او را بر همه آئین ها غالب گرداند ، هر چند مشرکان را ناپسند آید " .

### **نور و ظلمت :**

نور ضد ظلمت و نابودکننده آن است ، نور ظاهری جهان را روشن میکند ، ولی نور معنوی دلها و اندیشه ها را پر فروغ و نورانی میسازد ، نور خدا بخشاینده هدایت تکوینی و تشریحی و زدااینده ظلمت نیستی و تاریکی کفر است . " الله نور السموات والارض "

### **منظور از نور :**

منظور از " نور " در آیه فوق الذکر نور هدایت الهی است که در تعالیم عالیه اسلام و قرآن کریم متجلی است ، نوری است که سرچشمه حیات و جنبش ، و منشاء هرگونه پیشرفت و تحرک و راهگشای بشر بسوی سعادت و خوشبختی میباشد . اسلام آئین زنده و تحرک آفرینی است که جامعه انسانی را در مسیر تکامل ها به پیش میبرد و پایه هر خیر و سعادت است .

### **دشمنان اسلام یا ضد نور :**

دشمنان اسلام و ضد سعادت بشر میخواهند جهان را در تاریکی و ظلمت نگاه داشته تا بتوانند بمقاصد شوم خود برسند ، و از تاریکی فکر و کم بینشی مردم سوء استفاده نموده و به یغماگری خود ادامه دهند ، تلاشها و کوششهای فراوانی در خاموش کردن نور الهی میکنند و گویا با فوت دهان خود سعی میکنند که نور عظیم همچون نور آفتاب را خاموش کنند ، چه اندازه این عمل احمقانه است؟!

### **شکست قطعی دشمنان اسلام :**

برای مجسم کردن ناچیز بودن و حقارت تلاشهای دشمنان کور باطن تعبیری از این رساتر نمیشود تصور کرد ، که در قرآن کریم بدان اشاره فرمود :  
" یریدون ان یطفوا نور الله بافواهم "

کوششهای یک مخلوق ناتوان در برابر اراده بی پایان و قدرت بی انتهای خالق جهان غیر از این نمی تواند باشد . ( فوت کردن با دهان در برابر انبوه عظیم نور

(خورشید)

ولی آنچه که نصیب این دشمنان کوردل میشود همان شکست قطعی است، که خداوند عزیز بدان اشاره فرمود:

"و یأیی الله الا ان یتیم نوره و لوکره الکافرون"

یعنی اراده و مشیت حتمی پروردگار تعلق به تکمیل و روشنگری نور خود گرفته است، هرچند کافران را خوش نیاید و این وعده الهی مایه دلگرمی و امیدوارکننده مردم با ایمان است. که دین مقدس اسلام روزی جهانگیر شود بشرط آنکه مسلمانان مسلمان واقعی و پیرو اسلام باشند.

\* \* \*

#### حکومت جهانی اسلام:

جامعه بشر انتظار دارند که به حکومتی دست یابند که در برگیرنده همه ابعاد زندگی و جویگوی کلیه نیازمندیهای حیات فردی و اجتماعی بشر بوده باشد، و ما این انتظار را تنها در دین اسلام عملی میدانیم، زیرا حکومت اسلامی برپایه دلائلی روشن و براهینی آشکار و برنامه‌ئی دقیق استوار است، و عقیده ما درباره اسلام این است که بشر با مرور زمان و با تجربه تلخی که از کلیه مکتبهای فریبنده بدست خواهد آورد روزی بمکتب اسلام روی خواهد آورد، هرچند که دشمنان با آن مبارزه کنند، زیرا که مبارزه با حق بالاخره منتهی به رسوائی و زبونی و نابودی خواهد شد.

خدای عزیز در قرآن کریم - با وعده صریح - جهانی شدن دین اسلام را اعلام میدارد.

"هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون"  
منظور از (هدایت) ادله روشن و براهین آشکاری است که در دین اسلام وجود دارد و در دسترس همگان میباشد، و مراد از (دین حق) برنامه و آئین الهی است که اصول، و فروعش، حق و منکی به تاریخ و دلائل روشنی است که دوست و دشمن ناگزیرند که بدان اعتراف کنند، و چنین آئین و مذهبی باید سرانجام بر کلیه آئینها پیروز گردد.

و بالاخره با گذشت دورانها و پیشرفت علم و دانش و هشیار شدن بشر، و فاصله گرفتن از تعصبا چهره حقیقت و نور واقعیت از پشت پرده تبلیغات مسموم بدر خواهد آمد، و کارشکنی هائی که دشمنان اسلام بر سر راه پیشرفت آن انجام میدهند بی نتیجه و رسوا خواهد شد، و بدین ترتیب دین حق همه جا را فرا خواهد گرفت، زیرا هر حرکتی که برخلاف مسیر حق و سنن آفرینش و سیر تکاملی جهان بوده باشد، محکوم به زوال است.

#### حکومت قدرت، همراه با حکومت منطق :

آیا غلبه اسلام بر همه ادیان تنها به غلبه منطق و استدلال است و یا آنکه شامل غلبه قدرت نیز میباشد.

برخی از مفسرین گمان کرده اند که منظور از " لیظهره علی الدین کله " تنها غلبه منطق ( استدلال ) اسلام است، و میگویند این مطلب تحقق یافته است، زیرا که اسلام از نظر منطق و استدلال قابل مقایسه با آئینهای دیگر نیست، و بر همه آنها پیروز است.

ولی دقت در آیات کریمه قرآن و موارد بکار بردن کلمه " یظهره " چنین بدست میآید که منظور تنها غلبه استدلال نیست، بلکه غلبه ظاهری و پیروزی خارجی نیز داخل در مفهوم این کلمه میباشد.

علاوه آنکه آنچه راکه محرک و نیروبخش است و جامعه مسلمین را بیشتر امیدوار به مکتب و آئین خود میکند همان پیروزی خارجی و غلبه عینی است. و چون آیه فوق الذکر در مقام تشویق مسلمین و تقویت ارتباط ایشان با خدا و رسول الله (ص) و اعطاء نیرو در مقابل دشمنان است اراده پیروزی خارجی به هدف آیه نزدیکتر است. دیگر آنکه دشمنان اسلام هرگز نتوانستند و نمی توانند که با نیروی علمی با اسلام جنگ کنند، و به ادله محکم و استوار آن کمترین خدشه‌ئی وارد نمایند، و لذا همیشه در مقام خرابکاری و کارشکنی و یا جنگ با اسلام بوده اند، و اگر می توانستند که اسلام را با دلیل محکوم کنند، هرگز نیازی باین کارشکنی ها و جنگها نبود. و از اینجا بدست میآید که آنها که میخواستند نور خدا را خاموش کنند در مقام

توطئه و مغلوب کردن نیروی ظاهری اسلام بودند، نه با دلیل و برهان و خداوند در برابر همین نقشه های شوم دشمن، که برای خاموش کردن نور اسلام کشیده شده و میشود، وعده پیروزی میدهد و روشن است که منظور از این پیروزی همان پیروزی خارجی است.

**چه کسی تشکیل دهنده حکومت جهانی اسلام است؟**

پس از آنکه وعده قرآنی را به پیروزی جهانی اسلام دانستیم، نه منطقه‌ئی، و نه تنها منطقی، بلکه بمعنی حکومت جهانی و غلبه و سلطه ظاهری - خواهیم دریافت که چنین چیزی تاکنون بر تاریخ اسلام نگذشته، زیرا تا کنون غلبه منطقی و یا منطقه‌ئی بوده، نه جهانی و عمومی، بنابراین باید در انتظار چنین حکومتی بود، و در مسیر تحقق آن قدم برداشت.

ولی سخن در این است که چه کسی پرچمدار این پیروزی خواهد بود آیا ما میتوانیم او را بشناسیم، آیا اسلام او را بما معرفی کرده است، با اینکه در سه جای قرآن صریحا " به جهانی شدن اسلام وعده صریح داده است (۲) و باید در انتظار فراگیر شدن حکومت اسلام به کره زمین باشیم.

آری اگرچه اسلام به سرعت در جهان پیش میرود، یعنی: برسمیت شناخته میشود، و در کشورهای مختلف اروپائی نفوذ نموده و بسیاری از دانشمندان در کشورهای جهان بدان ایمان آورده اند، اما همه اینها آن نیست که قرآن وعده داده، ما، در انتظار فراگیری حکومت رسمی اسلام در کل کره زمین هستیم.

پرچمدار و تشکیل دهنده این حکومت جهانی چه کسی است آیا یک فرد عادی از مسلمانان میتواند چنین حکومتی را تاسیس کند، یا آنکه این حکومت نیرومند بلکه فوق نیروی بشری باید بدست مبرمردی الهی و بشر مافوق تشکیل یابد؟

**مهدی موعود :**

در پاسخ به سؤال فوق تنها میتوان به گفتار معصومین (علیهم السلام) متکی شد، زیرا راه شناخت فردی که تشکیل دهنده حکومت جهانی اسلام است یکی ازدو

چیز میتواند باشد یکی روءیت و حضور در آن زمان که هنوز نرسیده است، و دیگری معرفی بوسیله اشخاص مورد اعتماد، و ما چون هنوز بمرحله عمل (جهانی شدن حکومت مهدی ع) نرسیده ایم و باید پیش شناختی در این زمینه داشته باشیم. رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) او را بما معرفی نموده اند، از جمله:

۱- امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق الذکر چنین میفرماید:

"ان ذلک یكون عند خروج المهدي فلا یبقی احد الا اقر بمحمد (ص)" (۳)

یعنی "وعده ای که در این آیه است به هنگام ظهور "مهدی" از آل "محمد" صورت خواهد گرفت و در آن روز هیچکس در روی زمین نخواهد بود مگر اینکه اقرار به حقانیت محمد (ص) میکند."

۲- از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود:

"لا یبقی علی ظهر الارض بیت مدرولاوبر الا ادخله الله کلمة لاء سلام" (۴)

یعنی "بر روی زمین هیچ خانه ای باقی نمی ماند نه خانه های سنگی و نه گلی و نه خیمه های موئی مگر اینکه خداوند نام اسلام را در آن وارد میکند"

۳- از امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق چنین نقل شده:

"والله ما نزل تاویلها بعد ولا ینزل تاویلها حتی یخرج القائم فاذا خرج القائم لم یبق کافر بالله العظیم" (۵)

یعنی "بخدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است، و تنها زمانی تحقق می پذیرد که "قائم" خروج کند و وقتیکه او قیام نمود کسی که خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی نخواهد ماند" (۶)

حکومت جهانی، همراه با عدل جهانی:

قدرتمندان بسیاری در جهان حکومت کردند تا آنجا که برخی از آنها مانند اسکندر و غیره بیشتر کره زمین را تحت نفوذ خود در آوردند، ولی هیچکدام باندازه وسعت قدرت و وسعت عدالت نداشتند، بلکه اکثرا "ستمگر و یا خالی از ستمگری نبودند، اما موعود اسلام حکومت جهانی را همراه با عدالت جهانی است، قرآن کریم



اشاره بحکومت جهانی او نمود. " لیظهره علی الدین کله " غلبه آئین او بر کلیه آئینها همان حکومت آن بر عموم است، و چون دین او برپایه هدایت راستین و حق مطلق است حکومتش مساوی با عدالت مطلقه میباشد و این یکلازم قهری است. ولی در عین حال نوید عدالت مطلقه و جهانی او نیز در گفتار رسول اکرم (ص) صریحا آمده است حتی علماء اهل سنت نیز آنرا در کتابهای خود آورده اند از جمله در مسند احمد: " عن علی بن ابی طالب (علیه السلام) :

" قال: قال النبی (ص) لولم یبق من الدنیا الا یوم لبعث الله رجلا " منايملاء ها عدلا کما ملئت جوراء " (۷)

در مسند احمد از ابوالطفیل از علی بن ابی طالب (ع) روایت میکند که رسول خدا (ص) فرمود: " اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی را از خاندان من برانگیزد، که زمین را از عدل و داد پر کند، همچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد."

۲- سنن ابی داود

عن ابی سعید الخدری :

" قال: قال رسول الله (ص): المهدی منی، اجلی الجبهه، اقنی الأنف یملاء الارض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا، و ظلما و یملک سبع سنین " (۸)

یعنی: " رسول خدا (ص) فرمود: مهدی از من است و دارای پیشانی بلندی است، و وسط بینی او کمی برآمده است، زمین را از عدل و داد پر کند، همچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد و دوران حکومت او هفت سال خواهد بود"

۳- فرائد السمطین :

عن جابر بن عبدالله الانصاری

قال: قال رسول الله (ص): المهدی من ولدی اسمہ اسمی و کنیتہ کنیتی اشبه الناس بی خلقا و خلقا یكون له غیبة و حیرة یضل فیها الاءم یقبل کالشهاب الثاقب یملاها عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما " (۹)

یعنی: " رسول خدا (ص) فرمود: " مهدی " از فرزندان من است، نامش نام من، و کنیه اش کنیه من است، به سیرت و صورت از همه مردم به من شبیه تر است

برای او غیبت و نگرانی است، که ملت ها در آن گمراه شوند، ناگهان مانند تیر شهاب بیاید و زمین را از عدل و داد پر کند، همچنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد" (۱۰)

#### اتفاق مسلمین بر قیام مهدی (عج)

عموم مسلمین اتفاق نظر دارند که: "مهدی موعود(عج)" پرچمدار عدل جهانی است و علماء شیعه و اهل تسنن در این باره کتابهای فراوانی نوشته و یا قسمتی از کتاب خود را به حضرت "مهدی (عج)" پرچمدار حکومت و عدل جهانی اختصاص داده اند.

و جالب اینکه اخیراً "گروهی از دانشمندان حجاز که افراطی ترین جناح های اسلامی "یعنی وهابیان" میباشند نشریه ئی از طرف (رابطه العالم الاسلامی) - در جواب سؤال کسیکه از رابطه مزبور درباره ظهور "مهدی منتظر" نموده است - منتشر نموده اند که در آن صریحاً "اعتراف بظهور مصلح جهان بنام (مهدی موعود) باستناد بسیاری از کتب اهل سنت - نموده اند.

اینک برای آگاهی بیشتر خوانندگان، متن رساله مزبور را که از طرف (رابطه العالم الاسلامی) انتشار یافته است ذیلاً می آوریم.

در کتاب (تفسیر نمونه ج ۷ ص ۳۷۵) رساله مزبور را به پنج نفر از علماء معروف فعلی حجاز نسبت داده است و چنین نقل میکند:

"در این رساله پس از ذکر نام حضرت (مهدی علیه السلام) و محل ظهور او یعنی مکه چنین می خوانیم:

"... به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی علیه السلام) جهان را پر از عدل و داد میکند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است...

و آخرین خلفاء راشدین دوازده گانه است که پیامبر (صلی الله علیه واله) خیر از آنها در کتب صحاح داده است.

احادیث مربوط به "مهدی" را بسیاری از صحابه پیامبر (ص) نقل کرده اند از جمله

عثمان بن عفان ، علی بن ابی طالب ، طلحة بن عبیدالله ، عبدالرحمن بن عوف ، قره ابن اساس مزنی ، عبدالله بن حارث ، ابوهریره ، حذیفه بن یمان ، جابر ابن عبدالله ، ابوامامه ، جابر ابن ماجد ، عبدالله بن عمر ، انس ابن مالک ، عمران ابن حصین ، وام سلمه .

اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات "مهدی" را نقل کرده اند و غیر از آنها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند .

سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده که در آن بحث از ظهور "مهدی (ع) " به میان آمده که آنها را نیز میتوان در ردیف روایات پیامبر (ص) قرار داد ، زیرا این مسئله از مسائلی نیست که با اجتهاد بتوان چیزی پیرامون آن گفت (بنا بر این آنها نیز طبعا " این مطلب را از پیامبر (ص) شنیده اند) . سپس اضافه میکند :

هم احادیث بالا که از پیامبر (ص) نقل شده و هم شهادت و گواهی صحابه که در اینجا در حکم حدیث است در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث اعم از (سنن) و (معجم) و (مسانید) آمده است . از جمله :

سنن ابوداود ، سنن ترمذی ، ابن ماجه ، ابن عمروالدانی ، مسند احمد ، وابن یعلی و بزاز ، و صحیح حاکم ، و معجم صبرانی (کبیر و متوسط) و رویانی ، و دارقطنی ، و ابونعیم ، در ( اخبار المهدی ) و خطیب در تاریخ بغدادی ، و ابن عساکر در تاریخ دمشق ، و غیر اینها .

بعد اضافه میکند :

بعضی از دانشمندان اسلامی در این زمینه کتابهای مخصوصی تالیف کرده اند از جمله :

ابونعیم در ( اخبار المهدی ) ابن حجر هیثمی در ( القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر ) شوکانی در ( التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر والدجال والمسیح ) ادریس عراقی مغربی در کتاب ( المهدی ) ابوالعباس بن عبدالموءمن المغربی در کتاب ( الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون ) .

و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته مدیر دانشگاه اسلامی

مدینه است ، که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است .  
باز اضافه میکند :

عده‌ای از بزرگان و دانشمندان اسلام از قدیم و جدید نیز در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث در زمینه ( مهدی ) در سرحد تواتر است ، و بهیچوجه قابل انکار نیست از جمله :

السخاوی در کتاب ( فتح المغیث ) " محمد بن احمد سفاوینی " در ( شرح العقیده )  
" ابوالحسن الابری " در ( مناقب الشافعی ) و " ابن تیمیه " در کتاب فتاوی ( سیوطی )  
در ( الحاوی ) " ادریس عراقی " در تالیفی که در زمینه مهدی دارد " شوکانی " در  
کتاب ( التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر ) " محمد جعفر کنانی " در ( نظم التناثر )  
" ابوالعباس ابن عبدالموءمن " در ( الوهم المکنون ) .

در پایان بحث میگوید : تنها ابن خلدون است که خواسته احادیث مربوط به  
" مهدی " را با حدیث بی اساس و مجعولی که میگوید : " لامهدی الاعیسی " مهدی  
جز عیسی نیست ، مورد ایراد قرار دهد ، ولی بزرگان پیشوایان و دانشمندان اسلام  
گفتار او را رد کرده‌اند بخصوص " ابن عبدالموءمن " که در گفتار او کتاب ویژه‌ای  
نوشته است که سی سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته ، حافظ احادیث ، و بزرگان  
دانشمندان حدیث ، تصریح کرده‌اند که احادیث " مهدی (ع) " مشتمل بر احادیث  
" صحیح " و " حسن " است و مجموع آن متواتر می‌باشد .

بنا بر این اعتقاد به ظهور " مهدی " بر هر مسلمانی واجب است و این جزء  
عقاید اهل سنت و جماعت محسوب میشود و جز افراد نادان و بیخبر یا بدعت‌گذار  
آنها انکار نمی‌کنند "

ما در اینجا سعی کردیم که متن این رساله را در این نوشتار درج کنیم تا روشن  
شود که مسئله ظهور " حضرت مهدی (عج) " یک امری نیست که تنها مخصوص شیعه  
باشد بلکه عموم مسلمین با اختلاف مذاهبی که دارند حتی ( وهابیان افراطی ) به  
ظهور آنحضرت کاملاً معتقد اند ، و ما آن " مهدی " را امام دوازدهمین از اهل بیت  
( علیهم السلام ) میدانیم که اکنون در پس پرده غیبت بسر می‌برد .

\* \* \*

امام غایب یا خورشید پنهان :

با الهام از قرآن کریم و گفتارهای رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) "مهدی موعود" عجل الله تعالی فرجه الشریف را تحت عناوین گوناگونی مانند : بقیة الله، حجة الله، خلف صالح، قائم، منتظر، مهدی، ماء معین، و امثال آن از عناوین روح افزا و امیدبخش، می شناسیم، و از آن جمله است عنوان " امام غائب" که این نیز از القاب و صفات آموزنده آن رهبر جهان است، که در ضمن روایات نیز بدان اشاره شده است. (امام) است، زیرا دوازدهمین رهبری است که رسول اکرم (ص) او را بنام و نشان خاص معرفی نموده است، و چون در پس پرده غیبت قرار گرفته است عنوان " امام غائب" به او داده شده است.

و چون نفع او به جهان و جهانیان - از پشت پرده غیبت - میرسد، درگفتار رسول اکرم (ص) به (خورشید پشت ابر) تشبیه شده است.

جابر بن عبدالله انصاری میگوید : از رسول خدا (ص) سؤال کردم :

فهل یقع لشیعته الانتفاع به فی غیبتة؟ فقال : ای والذی بعثنی بالنبوه، انهم لیستضیئون بنوره و ینتفعون بولایتة فی غیبتة کانتفاع الناس بالشمس ان سترها سحاب. (۱۱)

" آیا به شیعیان سودی از قائم در زمان غیبت میرسد؟ فرمود :

آری قسم بخدائیکه مرا به نبوت فرستاد آنان از نور او کسب روشنائی میکنند و از ولایت او در زمان غیبتش بهره مند میشوند، همچنانکه مردم از نور خورشید بهره می برند، هر چند که ابر روی آنرا گرفته باشد "

و بهمین مضمون حدیثی از امام صادق (ع) نیز رسیده است که ( امام غائب ) را به خورشید پشت ابر تشبیه فرموده. (۱۲)

بلکه در توقیعی از خود امام غائب (عج) در پاسخ سئوالی که از چگونگی انتفاع

مردم از وجود آن حضرت در زمان غیبت شده است چنین آمده :

"واما وجه الاء نتفاع بی فی غیبتی کالشمس اذا غیبتها عن الاء بصار السحاب ... " (۱۳)  
یعنی : " اما چگونگی استفاده از وجود من در زمان غیبتم ، مانند خورشید  
است که ابر آنرا از دیده ها پنهان کند . "

در اینجا دو سؤال مطرح میشود .

۱ - چرا امام علیه السلام غائب شده است ؟

۲ - چه فائده ئی از وجود امام غائب بمردم میرسد ؟

اما در پاسخ به سؤال اول باید گفت :

اولاً : " غیبت ( کناره گیری ) رهبران الهی در تاریخ بی سابقه نیست ، به هر  
دلیلی که غیبت انبیاء گذشته توجیه شود ، همان دلیل در غیبت امام حضرت مهدی  
( عج ) نیز جاری است ، زیرا کوتاهی غیبت با فرض نیاز مردم - در هر آن و زمان -  
بحضور رهبر در جامعه مشکل را حل نمیکند . "

رسول اکرم ( ص ) چند سالی در شعب ابی طالب از مردم کناره گیری کرد ، و  
عموی بزرگوارش ابوطالب ( ع ) او را از آزار قریش حمایت می نمود .  
و پیش از آن در غار حراء نیز مدتی پنهان شد تا از آزار مشرکین در امان باشد .  
ادریس پیامبر خدا ، مدت بیست سال از امت خود دوری جست تا از آزار  
مخالفین و دشمنان بیاسوید .

جناب موسی ( ع ) نیز از قوم خود فرار کرد ، و فرمود : " ففررت منکم لما خفتکم  
فوهب لی ربی حکما و جعلنی من المرسلین " ( ۱۴ )

و همچنین پیامبران دیگری که این روش را اجرا کردند .

ثانیا : علت این کناره گیریها دو چیز میتواند باشد یکی خوف و دیگری یاس  
از پیروی ملت . که تا علت رفع نشود حضور بی نتیجه است و جز درگیری حاصلی  
نخواهد داشت ، و انبیاء و رهبران الهی برای هدایت بشر آمده اند نه درگیری با ایشان .  
خلاصه آنکه کناره گیری رهبران الهی از مردم بدلیل نافرمانی و عصیان خود  
مردم صورت میگیرد ، نه اینکه کوتاهی از طرف نمایندگان الهی باشد .

تاریخ زندگانی امامان گذشته گواه همین مدعی است ، زیرا که امامان به دست  
دولتهای جائز وقت ، یا به زندان میافتادند و یا تحت مراقبت شدید قرار داشتند ،

که هر نتیجه مردم از برکات وجود آنان محروم میشدند، پس حجاب بدست خود مردم کشیده میشد، نه امام.

در اینجا سئوالات دیگری درباره خصوص امام زمان (عج) ممکن است مطرح شود.  
الف: ما درباره امام زمان (عج) چنین میدانیم که خداوند او را به گونه استثنائی و فوق العاده یاری خواهد کرد تا بر کل جهان تسلط یابد، و این مطلب در ضمن احادیث بسیاری در تاریخ امام زمان (عج) کاملاً روشن است (۱۵) چرا این عمل هرچه زودتر صورت نمی‌گیرد، و خداوند با قدرت استثنائی آنحضرت را وارد عمل نمیکند.

پاسخ: پاسخ این سؤال در متن احادیثی (۱۶) از رهبران الهی نیز رسیده است، بدین صورت که سبب تاخیر در قیام مهدی (عج) عدم آمادگی مردم است، و تا مردم آزمایش نشوند و از هر دری نا امید برنگردند، و از هر مکتب و ایده غی سر خورده و مایوس نشوند، قیام امام غائب مصلحت نیست، زیرا که پیش از آمادگی، پذیرش مردم بر اساس خوف صورت خواهد گرفت و این در مکتب رهبران الهی روا نیست، زیرا که مکتب آنان بر اساس اعتقاد درونی و ایمان واقعی پی ریزی شده است، و این بستگی به آمادگی کل بشر دارد، زیرا حکومت مهدی (عج) حکومت جهانی است، نه منطقه غی، و نیروی مافوق باید در زمینه آماده بکار گرفته شود، نه هر زمان،  
ب: سؤال دیگر این است که چرا خداوند آن امام غائب (عج) را تحت محافظت و حراست شدید خود ظاهر نمی‌کند که هم در امان الهی باشد و هم در اختیار دلخواهان.

پاسخ: البته خداوند بر این عمل قادر است ولی این روش تضاد شدیدی با مسئله اختیار خواهد داشت، زیرا که پایه هدایت بشر بر اساس اختیار پی ریزی شده، نه بر اساس جبر و اکراه، و گرنه جا داشت که این روش در انبیاء گذشته نیز انجام شود، یعنی خداوند آنانرا در حیطة قدرت خود از هر گزندی بطور اعجاز و خرق عادت محافظت میکرد، چرا این پیشنهاد عملی نشد؟ هیچ جوابی جز اینکه بگوئیم پایه هدایت بشر بر اساس اختیار است، نه جبر همین پاسخ درباره امام عصر (عج) نیز جاری است.

علاوه آنکه از کجا میتوانیم اطمینان پیدا کنیم که هوادارانی با وفا پیدا خواهند کرد، با اینکه هنوز غرائز شهوت و خودخواهی دامنگیر بشر است و غرائز نفسانی آنها تحت فرمان عقل قرار نگرفته، و هنوز در حال طغیان احساسات بسر میبرد، آیا این احتمال وجود ندارد که مردم او را تنها گذارده و زیر بار فرمان او نروند، همانگونه که پیروان جناب موسی (ع) باو گفتند: " اذهب انت وربک فقاتلا، انا ها هنا قاعدون " (۱۷)

دیگر آنکه اگر بنا بود که با اعمال قدرت بشر براه هدایت بیاید اصولاً نیازی به فرستادن پیامبران نبود و از راه جبرایمان و عقیده در نفوس بشر پدید میآید. ج: سؤال دیگری نیز قابل طرح است و آن اینکه تضاد، میان مردم و یادولت‌های وقت با امام عصر (عج) در صورتی بوجود میآید که اختلاف بر سر کسب قدرت و به دست آوردن حکومت باشد، و اما اگر بنا شود که امام (عج) تنها اکتفاء به ارشاد و راهنمایی مردم کند، و فقط مردم از رهبریهای معنوی امام بهره مند گردند، تضادی پیدانمی‌شود، آیا احتمال نمی‌دهیم که این روش بهتر از غیبت مطلق می‌بود؟ و تا این اندازه مردم محرومیت از وجود امام نکشند.

اگر حضرت مهدی (عج) نقش پدران خود را در جامعه داشت باز هم مورد تهدید بقتل قرار میگرفت؟

پاسخ: قدرت طلبان ستمگر و حکومت‌های خودکامه هرگز تحمل وجود رهبران الهی - و عدالت خواهان واقعی را هرچند در سطح ارشاد و راهنمایی - ندارند، و از این روی بود که امامان گذشته - با اینکه از حکومت بر کشور کناره‌گیری کرده بودند، و بدلیل رعایت مصالح مسلمین اکتفاء به ارشاد آنها در سطح محدودی ( شیعیان ) میکردند - با این وصف دولت‌های ستمگر بنی امیه، و بنی العباس تحمل حتی این مقدار از حضور آنها را در جامعه نداشتند، و پیوسته در مقام ایذاء و زندان کردن و یا فشار بر آنها بودند، تا آنجا که هیچکدام بمرگ طبیعی از دنیا نرفتند بلکه همه آنها را بوسیله شمشیر و یا زهر بدرجه شهادت رسانیدند.

آری در یک صورت ممکن است که از تعرض در امان باشند و آن در صورت سازش امام با دستگاه حکومت طاغوت، و امضاء کارهای نامشروع آنها، ولی چنین سازشی



در مکتب رهبران الهی محال و غیر ممکن است و هرگز مکتب را فدای خود نکنند بلکه خود فدائی مکتب میشوند. بنابراین، این فرض هم در باره امام عصر (عج) غیر عملی است.

د: باز سؤال دیگری مطرح میشود و آن اینکه ما از همه سخنان بیاد شده میگذریم و این سؤال را مطرح میکنیم، چرا امام غائب خود را به دوستانش معرفی نمی‌کند، تا از فیض وجودش بهره مند شوند و مشکلات خود را حل کنند.

پاسخ: این سؤال دقیقی است، ولی کدام دوست، و کدام مشکل، و کجا و چگونه خود را معرفی کند، و از کجا که نمی‌کند؟.

در حل این عقیده باید بگوئیم که آن امام عزیز و دلسوز هرگز شیعیان واقعی را تنهانگذاشته، و آنها را از فیض وجودش بطور شناس و یا ناشناس محروم ننموده است، و نمونه‌های بسیاری در این زمینه در کتابها نوشته شده، که فرصت باز گوئی آن نیست، ولی همین قدر، ایمان داریم که او یار مستضعفین و کمک بیچارگان و فریادرس بی‌نویان بوده و هست، و واسطه فیض ظاهری و باطنی الهی است.

اللهم ارزقنا لقاءه و يسر لنا رضائه واجعلنا من أعيانه وأنصاره .

### خورشید پنهان :

دومین سؤال اساسی که مطرح کردیم: (۱۸) این بود که مردم را از وجود امام غائب چه بهره و سودی؟

طرح این سؤال تازگی ندارد و تاریخ آن با تاریخ اصل طرح رهبری امام غائب در گفتار رسول خدا (ص) سابقه دارد، زیرا که جابر بن عبدالله انصاری همین سؤال را از رسول خدا (ص) نمود:

"هل ينتفع الشيعة بالقائم في غيبته... " (۱۹) آیا شیعیان از امام غائب بهره‌ئی می‌برند، و رسول خدا (ص) در پاسخش فرمود: "آری نور ولایت او بعموم می‌تابد هر چند که او را نبینند همچنانکه نور خورشید از پشت ابر بجهان تابش میکند"

هیچ پاسخی رساتر از این مثالی که رسول خدا (ص) در این زمینه فرموده است، وجود ندارد، هر چه را که گویندگان و نویسندگان بگویند و بنویسند جامع‌تر و رساتر

از این مثال نخواهد بود، زیرا که این مثال میتواند از ابعاد مختلفی آثار وجودی امام غائب را نشان دهد.

### ۱- بُعد اول: نقش امام در افاضه نور،

نور وجود، نور علم، نور هدایت تکوینی و تشریحی، نور سعادت دنیوی و اخروی، مادی و معنوی - به جامعه بشریت - از پشت حجاب غیبت مانند نور خورشید از پس ابر.

زیرا بگواهی ادله‌ئی که در بحث امامت مطرح شده است وجود معصوم (ع) واسطه کلیه فیوضات الهیه در جهان خلقت است. (۲۰)

در قرآن کریم در این زمینه آیاتی رسیده است که میتوان از آنها اثر وجودی پیامبر و امام را در جامعه - علاوه بر ارشاد - استفاده نمود.

و آن جمله آیاتی است که در آن خداوندگاه ضرورت عذاب و تاءدیب کافران به پیامبران خود دستور میدهد که از میان مردم بیرون روند و این بدین معنی است که بود آنان در میان مردم مانع از نزول عذاب است.

در داستان نوح چنین میفرماید:

"حتی اذا جاء امرنا و فارالتنور قلنا حمل فیها من کل زوجین اثنین و اهلک الا من سبق علیه القول و من آمن و ما آمن معه الاقلیل" (۲۱)

وقتی که فرمان (قهر) ما فرارسید و از تنور آتش آب بجوشید (و عالم را به طوفان داد) در آن هنگام بنوح خطاب کردیم که تو با خود از هر جفتی دو فرد (نر و ماده) با جمیع زن و فرزندان جز آن (پسر "کنعان" و زن "واحله" نام) که وعده هلاکش در علم ازلی گذشته همه را در کشتی همراه بر (که از غرق شدن برهند) و مؤمنان به نوح در عالم عده قلیلی بیش نبودند"

خداوند به جناب نوح دستور میدهد که خود با پیروان در کشتی نجات سوار شوید، که هلاک قوم حتمی است و میفرماید:

"ولا تخاطبونی فی الذین ظلموا انهم مفرقون" (۲۲)

"با من درباره ستمگران هیچگونه سخنی مگوی که اینان باید غرق شوند"

از مجموع گفتار چنین برمیآید که تنها مانع از نزول عذاب وجود نوح در میان مردم بوده آیا همین احتفال نسبت به نوح اسلام (امام غائب) تحقق ندارد که وجودش در جامعه بشریت مانع از نزول عذاب برایشان باشد.

باز درباره (لوط) در همین زمینه در قرآن کریم چنین آمده :

(فاسر باهک بقطع من الليل ولايلتفت منكم احدا الا امرت انه مصيبها ما اصابهم ان موعد هم الصبح اليس الصبح بقريب) " (۲۳)

یعنی : (ای لوط) تو یا خانوادهات شبانه از این دیار بیرون شو، و از ایشان کسی را - جز آن زن کافرت که آنها با قوم باید هلاک شود - وامگذار که وعده عذاب صبحگاه است و تا صبح وقت بسیار باقی نمانده"

باز درباره (ابراهیم علیه السلام) چنین میفرماید که به ملت خود گفت :

"واعتزلکم و ماتدعون من دون الله و ادعوا ربی عسی الا کون بدعاء ربی ثقیاً" (۲۴)  
فلما اعتزلهم و ما یعبدون من دون الله... " (۲۵)

یعنی : "من از شما و بتنهائی که بجای خدا پرستش میکنید دوری کرده و خدای یکتا رامیخوانم و امیدوارم که چون او را بخوانم مرا از درگاه لطفش محروم نگرداند، چون ابراهیم از آن قوم و بتانیکه بجای خدا می پرستیدند دوری گزید خداوند اسحق و یعقوب را باو عطا فرمود" و قوم را نیز به عذاب و هلاکت رسانید چنانچه فرمود :  
"ونجیناه و لوطا الی الارض الی بارکنا فیها للعالمین" (۲۶)

"و ما او (ابراهیم) و (برادرزاده اش) لوط را نجات داده و بسرزمین (شام) که مایه برکت جهانیان قرار دادیم بفرستادیم"

و درباره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) میفرماید :

"و ما کان الله لیعذبهم و انت فیهم" (۲۷)

"یعنی خداوند مردم را بعذاب نگیرد مادامیکه تو (ای محمد) در میان ایشان هستی" خلاصه آنکه وجود معصوم (ع) در میان جامعه هرچند بصورت ناشناسی منشاء همه گونه رحمت الهی و فیوضات ربانی است.

فیض رحمت از پشت پرده غیبت، همچون نور خورشید از پس ابر به بشر میرسد زیرا که وجود ابر مانع از نور افشانی خورشید نیست، و پرده غیبت نیز حاجب از

افاضه نور الهی نخواهد شد .

وجود امام ( علیه السلام ) در پیکر جامعه همچون وجود قلب در پیکر انسان است که خون را به تمام رگهای بدن میرساند ، و حیات انسان را با فعالیت و حرکت مداوم خود ضمانت میکند .

هشام بن الحکم در گفت و شنودی با عمر بن عبید ( دانشمند اهل تسنن ) اشاره به نقش امام در جامعه - بگونه قلب در پیکر انسان - نموده و نیاز ضروری جامعه را بوجود او مستدل نمود ( ۲۸ ) و امام صادق ( علیه السلام ) هشام را در این روش از استدلال تحسین فراوان نمود .

## ۲ - بُعد دوم : انتظار ،

زیرا که مسلمین در انتظار ظهورش بسر می‌برند ، همچنانکه مردم در انتظار نمودار شدن خورشید از پس ابر میباشند ولی نه انتظاری که مانع از کسب فیض شود بلکه انتظاری سازنده و پرورش دهنده ، همچون پرورش یافتن موجودات زمین با نور خورشید از پشت ابر .

## ۳ - بُعد سوم : لغویت انکار

بدین معنی که انکار وجود امام غائب ( عج ) همچون انکار نور خورشید است که در پشت ابر نهان شده است ، که انکاری نابجا ، و برخلاف واقعیتی است که باکمترین جستجو روشن میگردد .

## ۴ - بُعد چهارم : مصلحت در غیبت

همچنانکه احیانا " پنهان شدن خورشید در پس ابر به صلاح موجودات زمینی است زیرا که بشر یا دیگر موجودات زمینی احیانا " نیاز به تابش نور ملایمی دارند ، که در این حال وجود ابر بر روی خورشید ضروری تشخیص داد میشود .  
صلاح بشر پیش از شایستگی کافی برای پذیرفتن مصلحان الهی نیز در اینست که از نور ملایم هدایت استفاده کنند تا بدین وسیله بتدریج و با مرور زمان میوه دل و

عقل آنان بهتر بشمر برسد و تجربه تلخ دوری از رهبر لایق، در تربیت ایشان بهتر مؤثر خواهد افتاد، زیرا که ارزش نعمت بهنگام فقدان بیشتر احساس میگردد.

#### ۵- بُعد پنجم: پیشگیری از عمل ضد نور

همانگونه که انسان توانائی نگاه کردن مستقیم بنور آفتاب را ندارد و احیاناً "ممکن است در اثر تداوم این عمل بکلی بینائی خود را از دست بدهد همینطور نمیتواند که با ضعف بینش و عدم آشنائی کافی بمقام امامت حضور امام را در جامعه تحمل کند زیرا که با نداشتن بینش کافی این خطر وجود دارد که انسان در برابر تابش مستقیم نور امامت عکس العمل منفی از خود نشان دهد، چه آنکه افراد بشر پیش از تزکیه نفس و رسیدن بمرحله کمال تاب اجراء عدالت را درباره خود ندارد، هرچند که در باره دیگران خواهانند، و از این روی ممکن است، در برابر امام که مجری عدالت مطلقه است موضع گیری نموده و ای چه بسا کارش بانکار اصل امامت، یا بالاتر از آن کشیده شود،

مگر نه این است که انسان وقتی که در برابر نور قوی قرار گرفت کلیه نواقص وجودی و عیوب نهانی، و لکه هائی که بر اندامش قرار دارد ظاهر میگردد، و تحمل این رسوائی برایش کار بسیار دشواری است بگونه ایکه بناچار یا از نور فاصله میگیرد و یا دست به خاموش کردن نور میزند تا عیب خود را نهان کند

همینطور بشر در برابر نور عدالت الهی تاب استقامت ندارد

آری تجربه تاریخ نسبت به واکنش مردم در برابر رهبران الهی نیز همین را نشان داده است، چرا که مردم چون در برابر رهبران بحق قرار گرفته و میگیرند - از آنجا که آماده پذیرش حق نیستند - در برابر آنان جنبه گرفته و از خود عکس العمل منفی نشان میدهند، و احیاناً تا آنجا در این تضاد پیش میروند که گویا بصیرت خود را بکلی از دست داده و بهر عمل باطلی دست میزنند.

آیا تفسیر این روش جز عدم شایستگی مردم برای بهره برداری از نور عدالت رهبران الهی چیز دیگری میتواند باشد؟ آیا برای بدست آوردن وضع این قبیل افراد مثالی گویاتر از این میتوان بیان داشت، که گویا در مقابل نور خورشید قرار گرفته

و با چشمان ناتوان خود بنور مینگرند ، ولی بعلت ضعف بینائی بالاخره کور و نابینا خواهند شد ، آیا قاعده لطف درباره این قبیل افراد ایجاب نمیکند که ابری در میان فاصله گردد تا نور مستقیم به چشمان آنان نتابد .

آیا انسانی که هنوز شایسته درک فیض وجود رهبر معصوم و امام عدل گستر نشده و در فرض حضور امام عکس العمل منفی از خود نشان خواهد داد ، قاعده لطف الهی درباره اش ایجاب نمیکند که پرده غیبت میان او و خورشید امامت فاصله گردد آیا باین فرض غیبت امام (عج) ضروری نیست ؟ آیا غیبت همانگونه که حجاب از روایت امام است حجابی بر عیوب ما نیز نیست ؟

#### ۶- بُعد ششم : لطف خاص

خورشید احیانا از لابلای ابر خود را نشان داده و مجددا در پس ابر پنهان میگردد ، امام غائب (عج) نیز بآنها که شیفته جمالش و دلباخته لقائش میباشند و گمشده خود را در هر گوشه و کناری جستجو میکنند ممکن است احیانا " از لابلای پرده غیبت رخی بآنان نشان داده و باز در ابر غیبت فرو رود .

#### ۷- بُعد هفتم : فیض مطلق

خورشید از آنجا که فیض مطلق است سعی میکند که نور خود را در هر لانه و کاشانه‌ئی بتابد و از هر در و پنجره‌ئی وارد هر اطاق و گوشه و بیشه‌ئی شده و ظلمت آنرا برطرف کند ، و کوشش میکند که بهر وسیله‌ئی در اعماق وجود هر موجودی نفوذ نموده و آنرا پرورش دهد ، این نعمت خدادادی و این نیروی لایزال الهی در اختیار عموم افراد بشر و همه موجودات جهان قرار دارد ، تا از آن بهره کافی ببرند ، ولی این ما هستیم که درها را بروی تابش نور خورشید می‌بندیم و یا دیواری بین خود و روشنائی آفتاب بنا می‌کنیم و در تاریکی بسر می‌بریم .

خورشید امامت نیز همچون خورشید آسمان است که سعی میکند از هر روزنه‌ئی به دل تاریک بشر بتابد ، و آنرا نورانی نموده و پرورش روحانی دهد .

ولی این بشر است که حجابهای بر روی قلب خود میکشد ، و موانعی از تابش

نور امامت یعنی ( هدایت مطلقه الهیه ) ایجاد میکند و سعی بر این دارد که خود را در تاریکی ها و ظلمتها نگاه داشته و در محرومیت ها بسر برد .

کدامین حجاب غلیظ تر از حجاب شهوت و خود خواهی ؟ حجاب علائق مادی و جسمانی ، حجاب مقامجوئی و ریاست طلبی ؟ و بالاخره همه حجابها ، همه دیوارها بدست خود انسان کشیده میشود ، و تا این حجابها بر طرف نگردد و خانه دل آماده تابش نور امامت نشود ، هرگز بنور نخواهد رسید ، و هر اندازه که پرده حجاب را کنار زند بهمان اندازه از نور امامت بهره مند خواهد شد ، و هر اندازه که حجاب را بر روی دل بکشد ، از فیض نور محروم خواهد ماند ، همچنانکه حجاب ابرهرا اندازه غلیظ تر و پر دوامتر باشد از تابش نور خورشید به زمین بیشتر مانع میشود .

در خاتمه عموم برادران مسلمان ، مخصوصاً " شیعیان و پیروان اهل البیت (علیهم السلام) باید توجه داشته باشند که نعمت ولایت مطلقه الهیه که بوسیله امام عصر (عج) به بشر ارزانی شده است تنها راه سعادت و مایه خوشبختی است ، چه آنکه امام بقیه الله و خلیفه الله و انسان مافوق و وسیله امداد غیبی الهی است ، که حکومتش حکومت الله ، و قانونش شریعت الله و هدفش لقاء الله است و این چه استوار حکومتی و چه نیکو قانونی و چه زیبا هدفی است ، آنان که بنعمت ولایت اهل البیت دست یافته اند ، قدر این نعمت را بدانند و هشیار باشند که از دست ندهند ، و آنان که فاصله دارند سعی کنند که از فیض این نعمت - که تا کنون مجهول مانده و مسلمانان قدر آنرا ندانسته با اینکه اکمال دین خدا و اتمام نعمت الهی بدان بوده و هست - خود را محروم نگاهدارند .

که فرمود :

" الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاء سلام دیناء " ( ۲۹ )

والسلام علی جمیع اخواننا المؤمنین

و رحمة الله و برکاته

نیمه شعبان ۱۴۰۱

محمد مهدی الموسوی الخلیالی

مسجد صدریه

پاورچی ہا



### پاورقی گفتار دوم

- ۱ - اقتباس از احادیث باب ۲۱ کمال الدین ص ۲۱۰ - ۲۰۱ طبع مکتبه صدوق و کتابهای دیگر.
- ۲ - غیبت نعمانی باب ۸ حدیث ۱۰ ص ۱۳۹ طبع مکتبه صدوق.
- ۳ - پیرامون علم انبیا و اولیا به مفیات و چگونگی و واقعیت آن که امری انکارناپذیر است مراجعه شود به کتابهایی که یا در خصوص این موضوع نوشته شده یا مناسبتی این مباحث در آنها پی گیری شده است از جمله تالیفات ابن حقیر مثل (نوید امن و امان) و (پرتوی از عظمت حسین علیه السلام) و (فروغ ولایت در دعای ندبه)
- ۴ - ترجمه او در تاریخ بغداد و لسان المیزان مذکور است.
- ۵ - رازی در (الجرح و التعديل) عبدالله بن امیه قرشی را ترجمه کرده است که ظاهراً "غیر از عبدالله بن امیه مولی مجاشع است و در جامع الرواه عبدالله بن امیه سکونی را ترجمه کرده است که از اصحاب حضرت صادق علیه السلام است.
- ۶ - ترجمه یزید بن ابان رقاشی در تهذیب التهذیب ابن حجر مذکور است.
- ۷ - انس بن مالک از صحابه معروف است و ترجمه و تاریخ حالات او در کتابهای تاریخ و تراجم مثل استیعاب و اصابه و اسد الغابه و غیرها آمده است.
- ۸ - کشف الاستار ص ۹۹ پوشیده نماند که احادیث بر امامت ائمه اثنی عشر علیهم السلام از طرق اهل سنت متواتر است و بیش از سی نفر از صحابه این احادیث را روایت کرده اند و این روایات بر صحت مذهب شیعه اهل بیت علیهم السلام که معتقد به امامت ائمه اثنی عشر میباشند دلالت دارند و بر هیچ یک از مذهب سائر فرق مسلمین قابل انطباق نیست خصوصاً " که در خود این روایات روایات مطلقه تفسیر شده و در

مثل روایت حافظ معروف ابوالفتح بن ابوالفوارس در اربعین خود به اسامی ایشان نیز تصریح شده است .

۹ - مخفی نماند که این حدیث در کتابهای معتبر شیعه نیز روایت شده ، از جمله در امالی شیخ مفید قدس سره مجلس ۱۷ از سلمان روایت شده است .  
۱۰ - رجوع شود به کتابها و جوامع حدیث مثل کافی و وافى و بحار و دررالبحار و غیرها .

۱۱ - کشف الاستار ص ۷۸ و ۷۹

۱۲ - نهج البلاغه خ ۱۵۰

عالم جلیل حاج میرزا ابوالفضل تهرانی قدس سره در شرح زیارت عاشورا در موضوع معرفت امام کلامی دارد که عیناً "نقل میشود: معرفت امام علیهم السلام مراتبی دارد اول: احاطه بمقام ایشان است کما هو حقه و این مرتبه در حیز افهام ما نیست . جمله ادراکات بر خرهای لنگ ، او سوار باد پایان چون خدنگ .

و حدیث شریف ( من عرفنا فقد عرف الله ) میتواند اشاره باین معنی باشد و حدیث معروف که شیخ صدوق علیه الرحمه روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی ما عرف الله الا انا و انت ولا عرفنى الا الله و انت ولا عرفك الا الله و انا . بنا بر عموم ثبوت احکام امیرالمؤمنین برای ائمه علیهم السلام چنانچه در اخبار وارد شده شاهد صدق این مدعی باشد .

مرتبه ثانیه : اطلاع بر اسرار و سرایر و وقوف بر بواطن و ضمائر ایشان است بحدیکه طاقت بشر اقتضا کند اینهم مراتبی دارد و مقول به تشکیک است و این درجه خصیصین شیعه و صدیقین و اولیاء است و از اخبار اهل بیت علیهم السلام معلوم میشود که سلمان فارسی و ابو حمزه ثمالی و یونس بن عبدالرحمن مولی آل یقطین و جماعتی دیگر هر یک بمرتبه از مراتب این مقام رسیده اند و مستفاد از مجموع اخبار آنستکه در صحابه افضل از سلمان نیست و این حکم جاری در اهل بیت نیست چهاو به تنزیل از ایشان شده و ایشان بتحقیق از این طایفه هستند .

مرتبه ثالثه: اطلاع بر مراتب کمالات و مدارج مقامات عالیه ایشان است چنانچه از اخبار اهل بیت و آثار شریفه ایشان ظاهر میشود از علم و حلم و تقوی و شجاعت

و سماحت و احتیاج جمیع خلق در امور بایشان و وساطت ایشان در صدور جمیع فیوض الهیه و مواهب ربانیه و اینکه امامت بر جمیع مافی الوجود دارند و این مقام علماء و فقهاء و مؤمنین از حکما و عرفا است و هرکس هرچه بیشتر از مشکوه انوار مقدسه ایشان اقتباس کرده و زیاده‌تر از بحر محیط فضائلشان اغتراف نموده در این مرحله ثابت قدم تر و صاحب منزله‌تر است .

مرتبه رابعه : اعتراف به امامت ایشان و دارائی کمالات است احتمالا " و این حظ عوام است و جمیع مراتب از تشکیک و اختلاف بحسب اختلاف استعداد اصحاب آنها خالی نیست . الخ .

( شفاء الصدور ص ۲۱۳ و ۲۱۴ )

۱۳ - نهج البلاغه خطبه ۸

۱۴ - سورهٔ کهف آیه ۱۰۹

۱۵ - سورهٔ روم آیه ۷

۱۶ - نهج البلاغه ۱۰۷

۱۷ - مناسب این توجیه است این اشعار از مرحوم حاج میرزا حبیب اله خراسانی

ای چرخ کهن به طلعتت نو	از روی تو مه گرفته پرتو
بندی ز کمند تو مجره	نعلی ز سمند تو مه نو
از حزم تو شد زمین گرانبار	و از عزم تو شد فلک سبک رو
حزمت بزمین که این چنین باش	عزمت بفلک که آنچنان رو
ای چاکر درگه تو قیصر	و ای بنده درگه تو خسرو
جان بر لب و لب بجان رسیده	و این کارد به استخوان رسیده
شمیر تو در غلاف تا کی	گیتی بتو در خلاف تا کی
این ذلت و انکسار تا چند	و این محنت و اعتساف تا کی
از دشمن و دوست طعنه تا چند	این فرقت و اختلاف تا کی
در دین نبی خلاف تا چند	از راه حق انحراف تا کی
از دیده مردم از چه دوری	در مردم دیده عین نوری

۱۸ - چه مناسب است این دو شعر از کتاب " گنج دانش " مرحوم آیت اله والد قدس سره

ز قبر آیم برون چون روز محشر      مرا بس چارده شخص مطهر  
علی چار و محمد چار و زهرا      حسین و دو حسن موسی و جعفر  
و دیگری از شعراء و مدیحه سرایان اهل بیت علیهم السلام گفته است .  
نگسند رشته امید گرانباری جرم      زمره ای را که شما حیل میتنید همه  
سیزده تن ز شما چاشنی از یکتن یافت      زان نمکدان حقیقت نمکینید همه  
۱۹ - چه نیکو فرموده سید رضی در اشعاری که بنی عباس را مخاطب قرار داده است .  
رد و اترات محمد رد وا      لیس القضیب لکم ولا البرد  
هل اعرفت فیکم کفا طمه      ام هل لکم کمحمد جد  
جل افتخارهم بانهم      عند الخصام مصاقع لبد  
ان الخلائف والا ولی فخروا      بهم علینا قبل او بعد  
شر فوا بنا ولجد نا خلقوا      فهم صنائعنا از اعد وا

۲۰ - کمال الدین ب ۲۳ ح ۴ ص ۲۵۴ ج ۱ ط دارالکتب .

۲۱ - سوره البقره آیه ۲۹

۲۲ - سوره الرحمان آیه ۱۰

۲۳ - سوره البقره آیه ۲۲

۲۴ - سوره الذاریات آیه ۵۶

۲۵ - سوره البقره آیه ۳۰

۲۶ - سوره البقره آیه ۳۰

۲۷ - سراینده این نباته مصری است

۲۸ - سراینده این ابیات نیز ابن نباته است

۲۹ - سوره واقعه آیه ۶۳ و ۶۴

۳۰ - سوره واقعه آیه ۵۸ و ۵۹

۳۱ - اعیان الشیعه ج ۴ ق ۲ ص ۷۶ . الامام الصادق علم و عقیده ص ۱۵۹ - این ابیات را از آن حضرت از تفسیر صافی یا یکی دیگر از کتابهای مرحوم فیض که سالها پیش دیده و حفظ کرده ام نوشتم و چون در حال حاضر محل آن در نظرم نبود این دو کتاب را بعنوان مصدر نوشتم که کتاب اول سه بین اول و کتاب دوم هر چهار بیت را

نقل کرده و بجای " لغائصها " " لغائصکم " و بجای " رضوان " " ولدان " نقل کرده اند .  
 ۳۲ - مخفی نماند که در کتاب فوائد السمطين بعض احادیث مبشره بحضرت مهدی علیه السلام را روایت کرده است و در مقام مدح آنحضرت در دیباچه کتاب میگوید .  
 ( الحجه القائم بالحق العارف بحقائق ما صدر من الكاف و النون المحيط علما " بدقائق ماجری به القلم و نفت به النون سبحانه من لطیف خبیر زرع فی اراضی الایجاد و التکوین حبه الولایه فاخرج شطاءها علی المرتضی سیف الله المنتضی ، و آزره بالاعمه المعصومین من ذریته اهل الهدایه و التقوی فاستغلظیمیا من اجتهاد اولیاء الله الصالحین . ذوی المجاهدات و المكاشفات المجدین فی قمع الهوی فاستوی علی سوقه بالمهدی الهادی المکین الامین ) و بالاخره این عالم سنی یکی از علماء اهل سنت معتقد بامامت ائمه اثنی عشر علیهم السلام است .

۳۳ - در نهج البلاغه در ضمن خطبه دوم در شان اهل بیت علیهم السلام میفرماید :  
 الیهم یفی الغالی و بهم یلحق التالی یعنی غالی و پیش افتاده باید بسوی آل محمد علیهم السلام باز گردد و عقب مانده باید به ایشان ملحق شود .  
 و در حکمت ۱۵۹ میفرماید نحن النمرقه الوسطی بها یلحق التالی و الیه یرجع الغالی یعنی مائیم منکای میانه که وامانده بآن ملحق میگردد و تجاوز کننده به آن رجوع مینماید .

۳۴ - پیرامون سند و متن احادیث ثقلین و امان و سفینه و مفاد آنها در کتاب ( امان الایمه من الضلال ) تالیف نگارنده توضیحات کامل داده شده است .

۳۵ - سوره اعراف آیه ۱۸۵

۳۶ - سوره جمعه آیه ۱

۳۷ - سوره اعراف آیه ۱۸۵

۳۸ - ترجمه آیه شریعه پیش از این گفته شد .

۳۹ - سوره نمل آیه ۱۳۱

۴۰ - سوره رعد آیه ۴۳ - در تفسیر این آیه در تفسیر صافی روایت شده است که از حضرت صادق علیهم السلام سؤال شد کسی که نزد او علمی از کتاب ( علم من الکتاب ) است داننا تر است یا آنکسی که نزد او علم کتاب ( علم الکتاب ) است حضرت فرمودند

نبود آنکسی که نزد او علمی از کتاب است در برابر آنکه نزد او علم کتاب است مگر بمقداری که بال مگس از آب دریا میگیرد و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :  
علمی که آدم بزمین آورد و آنچه جمیع پیامبران تا حضرت خاتم الانبیاء صلی اله علیه وآله بآن فضیلت داده شدند در عترت خاتم النبیین صلی اله علیه وآله است  
۴۱ - حدیث معروف است و صدر آن باین متن در تفسیر صافی در تفسیر آیه ۲ سوره بقره نقل شده است ( الصورة الانسانية هي اكبر حجة الله على خلقه و هي الكتاب الذي كتبه الله بيده )

۴۲ - سوره بقره آیه ۳۵

۴۳ - سوره قصص آیه ۸۳

۴۴ - سوره حج آیه ۴۱ حاکم حسانی که از علماء بزرگ اهل سنت است در کتاب شواهد التنزیل که اخیراً " بهمت یکی از علماء پرتلاش و مخلص با تحقیق و تعلیق چاپ شده است و در آن در رابطه با فضائل اهل بیت علیهم السلام ۲۱۵ آیه از آیات قرآن مجید و ۱۱۶۳ حدیث جمع آوری شده در تفسیر این آیه سه حدیث روایت کرده است در یکی از این سه حدیث که حدیث ۵۵۵ کتاب میاشد از فرات مفسر معروف مسنداً " از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که ای عبیده حذا پرسش کرد چگونه صاحب الامر را بشناسیم حضرت در پاسخ این آیه شریفه را قرائت فرمود و فرمود  
اذا رآیت هذا الرجل منا فاتبعه فانه هو صاحبه یعنی وقتی مردی از ما را دیدی که برنامه‌های را که این آیه اعلام میکند اجرا مینماید او را پیروی کن که همان صاحب الامر است .

و در حدیث ۵۵۶ از همان فرات مسنداً " از جناب زیدین علی بن الحسین علیهم السلام روایت کرده است که گفت : اذا قام القائم من آل محمد يقول :  
يا ايها الناس نحن الذی و عدکم الله فی کتابه " الذین ان مکناهم فی الارض " الایه  
یعنی وقتی قائم آل محمد علیهم السلام قیام مینماید میفرماید : ای مردم ما ئیم  
آنانکه خدا شما را در کتابش وعده داده است . " الذین ان مکناهم فی الارض "  
۴۵ - اکنون مصدر این حدیث شریف را در نظر ندارم و محتاج بمراجعه جدید است  
لذا حدیث دیگری را که در منتخب الاثر ص ۳۵۸ - از ارشاد شیخ مفید نقل نموده‌ام

و در کتاب غیبت شیخ طوسی ( ص ۲۸۲ طبع مطبعه نعمان نجف اشرف ) و بحار الانوار علامه مجلسی ( ج ۵۲ طبع حدید ص ۲۸۲ ) نیز روایت شده است نقل می‌نمائیم متن حدیث بروایت غیبت شیخ طوسی از حضرت باقر علیه السلام اینست :

دولتنا آخر الدول و لم یبق اهل بیت لهم دوله الا ملکوا قبلنا لثلاثیقولوا اذا را سیرتنا : اذا ملکنا سرنا مثل سیره هوء لاء وهو قول الله عزوجل (والعاقبه للمتقین)

۴۶ - راجع به عدل و قسط و جور و ظلم بر حسب تحقیق و مطالعاتی که اینجانب نموده ام هر کجا عدل و قسط در کنار هم در برابر جور و ظلم آورده شود مراد از قسط تجاوز نکردن بملک و حق غیر و نصیب و سهم بعدل است در آنچه حقیقتا " یا حکما " قابل تقسیم و توزیع باشد و مراد از عدل اعم از آن یا خصوص عدل حاکم است چنانکه مراد از جور جور در حکم است و مراد از ظلم یا اعم از آن یا خصوص ترک عدالت در نصیب و سهم و تجاوز بحقوق و ملک دیگران و انواع خیانتها است و در صورتیکه به تنهایی در کلامی آورده شوند دلالت جور بر جور در حکم اظهر است از دلالت آن بر مطلق بیعدالتی و ترک میانروی و لذا اطلاق ظالم به خائن و متجاوز بنفس و مال و ناموس غیر ابلغ و اغلب است از جائز چنانکه اطلاق قسط در خصوص نصیب و سهم بعدل و اقامه حقوق اظهر از عدل است هر چند به ملاحظه قرائن و مناسبات ظهور این کلمات متفاوت میشود که باید در مواردی که به تنهایی مذکور میشوند قرائن حالیه و مقالیه را در فهم مقصود گوینده در نظر گرفت .

۴۷ - این احادیث در کتابهای اهل سنت نیز روایت شده است برای نمونه مراجعه شود به تاریخ ابن عساکر ج ۱ ترجمه امیرالمؤمنین علیه السلام ص ۱۵۱ ج ۱۸۵ و ۱۸۶ و کفایه الطالب ب ۸۷ ص ۳۱۵ و میزان الاعتدال ج ۱ ص ۲۳۵ و مناقب ابن مغزلی ص ۱۳۵ و فرائد السمطین ج ۱ ب ۱ ص ۳۶ ج ۱ ب ۱ ص ۴۱ و ج ۶ و ۷ ص ۴۲ و ۴۳ و ج ۸ ص ۴۴ و کتابهای دیگران مثل سیوطی و ابن ابی الحدید و صفوری .

#### پاورقی گفتار چهارم

- ریک قدیر (سورهٔ فرقات آیه ۵۴) او است که از آب بشر آفرید و آنرا بصورت پیوندی سببی و نسبی درآورد. استواری نظریه سوم را ثابت میکند.
- ۲- برای آگاهی از مشروح این خطوط به کتاب "حکومت اسلامی در چشم انداز ما" تالیف نگارنده صفحات ۴۸ و ۵۰ مراجعه فرمائید.
- ۳- المیزان ج ۴ ص ۱۴ .
- ۴- منتخب الاثر ص ۴۸۲ .
- ۵- منتخب الاثر ص ۴۸۳ .
- ۶- منتخب الاثر ص ۴۸۳ .
- ۷- منتخب الاثر ص ۲۹۹ .

### پاورقی گفتار پنجم

- ۱- سورهٔ ۱۲ آیه ۸۷ .
- ۲- پیروزی حتمی ص ۱۱۳ .
- ۳- سورهٔ نور آیه ۵۴ .
- ۴- در فجر مسائل ص ۱۵ .
- ۵- پیشوایان فکر / ۱۱۳ .
- ۶- کمال الدین / ۱۶۳ .
- ۷- کمال الدین / ۱۶۳ .
- ۸- منتخب الاثر فصل هفتم باب دوم - حدیث سوم .
- ۹- بحار الانوار ج ۵۲ / ۳۳۶ .
- ۱۰- کمال الدین باب ۳۳ حدیث ۳۱ .
- ۱۱- بحار الانوار ج ۵۲ / ۳۵۲ .
- ۱۲- کمال الدین ۷ / ۱۹۰ .
- ۱۳- الاختصاص / ۲۴ .



- ۱۴/ - وسائل الشیعه ج ۲ کتاب العشره .
- ۱۵ - "سألت ابا عبد الله (ع) عن الخیر الذی روی ان ربح المؤمن علی المؤمن ربنا ما هو؟ فقال : ذلک اذا ظهر الحق وقام قائمنا اهل البیت فاما الیوم فلا یأس بان ینبع من الاخ و تریح علیه" (وسائل الشیعه ابواب التجاره)
- ۱۶ - الزام الناصب / ۱۶۳ .
- ۱۷ - بحار الانوار .
- ۱۸ - کمال الدین باب ۵۵ - حدیث سوم .
- ۱۹ - کمال الدین باب ۲۵ - حدیث ششم .
- ۲۰ - کمال الدین باب ۳۱ - حدیث هفتم .
- ۲۱ - بحار الانوار ج ۵۲ / باب ۱۲ - حدیث ۲۸ .

### پاورقی گفتار ششم

- ۱ - سوره انبیاء آیه ۱۰۵ .
- ۲ - کتاب مزامیر، مزمور ۳۷ بندهای ۹ - ۱۲ - و ۱۷ - ۱۸ .
- ۳ - کتاب مزامیر، مزمور ۹۶ بندهای ۱۰ - ۱۳ .
- ۴ - سفر پیدایش، فصل ۱۷ بندهای ۵ - ۸ - ۲۰ و فصل ۱۸ بند ۱۹ .
- \* - "یسی" بمعنی قوی، نام پدر داود است . (قاموس کتاب مقدس ص ۹۵۱) .
- ۵ - کتاب اشعیا نبی فصل ۱۱ بندهای ۱ - ۱۰ .
- ۶ - کتاب اشعیا نبی فصل ۶۵ بندهای ۹ - ۱۳ و ۱۸ - ۲۰ .
- ۷ - کتاب دانیال نبی فصل ۱۲ بندهای ۱ - ۵ و ۱۰ - ۱۳ .
- ۸ - کتاب حبقوق نبی فصل ۲ بندهای ۳ - ۵ .
- ۹ - انجیل متی فصل ۲۴ بندهای ۲۷ و ۳۰ و ۳۵ - ۳۷ و ۴۵ .
- ۱۰ - انجیل متی فصل ۲۵ بندهای ۳۱ - ۳۲ .
- ۱۱ - انجیل مرقس، فصل ۱۳ بندهای ۲۶ و ۲۷ و ۳۱ - ۳۳ .

- ۱۲ - انجیل لوقا، فصل ۱۲ بندهای ۳۵ - ۳۶، و بهمین مضمون:
- انجیل لوقا، فصل ۲۱ بندهای ۲۷ و ۳۳ - ۳۶.
- ۱۳ - قاموس مقدس، ماده "پسر خواهر" ص ۲۱۹.
- ۱۴ - "کشن" در لغت هندی اسم پیامبر اکرم (ص) میباشد.
- ۱۵ - ریک ودا، ماندالای ۴ و ۱۶ و ۲۴.
- ۱۶ - "منصور" از القاب حضرت مهدی است.
- ۱۷ - "فرخنده و خجسته" در عربی به "محمد و محمود ترجمه میشود.
- ۱۸ - "معتاطا" در زبان هندی بمعنای "محمد" است.
- ۱۹ - "پشن" نام هندی علی بن ابیطالب (ع) است.
- ۲۰ - "راهنما" به عربی "هادی" و "مهدی" میشود که هر دو از القاب حضرت امام زمان (ع) است.
- ۲۱ - "رام" به لغت سانسکریتی نام خدا است.
- ۲۲ - "بهمن یشت" که "زند و هومن یسن" نیز نامیده میشود، شامل یک رشته رویدادهائی است که راجع به آینده ملت و آیین ایران است، که اهورمزدا وقوع آنها را به زردشت پیشگوئی میکند. این کتاب توسط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی کنونی ترجمه شده است.
- ۲۳ - جاماسب نامه ص ۱۲۱ و ۱۲۲.
- ۲۴ - با توجه باینکه "شهربانو" مادر امام سجاد (ع) بنا بر مشهور دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است، روشن میشود که او واقعا "پدر حضرت ولی عصر (ع) میباشد.
- ۲۵ - مقتضب الاثر ص ۴۰، احمد بن عیاش یا شیخ صدوق معاصر بود و در سال ۴۰۱ هجری در گذشت.
- ۲۶ - سوره رعد آیه ۷.
- ۲۷ - مفهوم نسبیت انیشتین ص ۳۵.
- ۲۸ - تأثیر علم بر اجتماع ص ۵۶.
- ۲۹ - طالبین میتوانند به کتاب پر ارج "شواهد التنزیل" (حسکانی حنفی و

- "المهدی فی القرآن" (صادق شیرازی) و "بحار الانوار" (ج ۵۱ - ۵۳) مراجعه نمایند.
- ۳۵ - متن آن در جلد دوم "نامه دانشوران" و ترجمه اش توسط "عبد الحجه بلاغی" در سال ۱۳۸۳ قمری، در تهران چاپ شده است.
- ۳۱ - نگارنده یک نسخه خطی آنرا در کتابخانه سلیمانیه استانبول، و یک نسخه اش را در کتابخانه سلطنتی برلین دیده است، و اخیراً "از روی نسخه خطی کتابخانه مسجد الحرام (مکه مکرمه) در سال ۱۳۹۸ بکوشش آقای علی اکبر غفاری در تهران چاپ شده است. و نسخه ای هم در کتابخانه الامام امیرالمؤمنین در نجف اشرف موجود است.
- ۳۲ - این کتاب در سال ۱۳۲۴ قمری بضمیمه کتاب "الغیبه" شیخ طوسی در ایران چاپ شد، چاپ دوم آن در استانبول (۱۳۳۱) و سومش در نجف (۱۳۸۲) و کبار هم در آخر "کفایه الطالب" و اخیراً "بصورت بسیار جالبی با مقدمه" "سید مهدی خراسان" در بیروت چاپ شده است.
- ۳۳ - نسخه ای از آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول و نسخه ای دیگر در دارالکتب مصر موجود است.
- ۳۴ - نسخه ای از آن در کتابخانه برلین و چندین نسخه در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است.
- ۳۵ - یک نسخه از آن در کتابخانه برلین و نسخه ای دیگر در کتابخانه سلیمانیه و نسخه سومی در کتابخانه آیت الله نجفی در قم موجود است.
- ۳۶ - نسخه ای از آن در کتابخانه الامام امیرالمؤمنین "نجف" و نسخه ای دیگر در کتابخانه ناصریه (لکنه - هند) موجود است.
- ۳۷ - نسخه ای از آن در کتابخانه برلین و نسخه ای دیگر در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است.
- ۳۸ - این رساله در ۴۵ به چاپ رسیده است.
- ۳۹ - نسخه ای از آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است. و در ضمن کتاب "الحاوی للقتاوی" (جلد ۲ ص ۵۷ - ۸۶ چاپ شده است.

- ۴۰ - یک نسخه از آن در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است .
- ۴۱ - نسخه ای از آن در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است .
- ۴۲ - نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های : آیت الله حکیم در نجف ، مدرسه هندیهها در کربلا ، علی پاشا در استانبول ، معهد مخطوطات عربی در مصر موجود است ، و اخیراً " از روی نسخه برلین در مصر بچاپ رسیده است .
- ۴۳ - این جزوه در پاسخ یک مسلمان کنیائی ، از طرف رابطه العالم الاسلامی (مکه) منتشر شده است . متن عربی آن در " البیان " ص ۷۶ - ۷۹ و ترجمه فارسی‌اش در کتاب " مهدی انقلابی بزرگ " ص ۱۴۶ - ۱۵۵ و ترجمه لاتینش توسط نگارنده از مرکز اسلامی استانبول منتشر شده است .
- ۴۴ - نسخه ای از آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است .
- ۴۵ - یک نسخه از آن در کتابخانه سلیمانیه موجود است .
- ۴۶ - یک نسخه از آن در کتابخانه سلیمانیه موجود است . و در سال ۱۳۴۵ هجری در مصر بضمیمه کتاب " فتح رب الارباب " چاپ شده است .
- ۴۷ - نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های برلین و استانبول و دارالکتب مصر موجود است .
- ۴۸ - نسخه ای از آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است .
- ۴۹ - یک نسخه از آن در کتابخانه برلین و شش نسخه از آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است .
- ۵۰ - چندین نسخه از آن در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است .
- ۵۱ - یک نسخه از آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است .
- ۵۲ - ابن ندیم آنرا در ص ۲۲۳ فهرست خود آورده است .
- ۵۳ - اسامی آنها را در کتاب " موعودیکه جهان در انتظار اوست " ص ۵۱ - ۶۸ بخوانید .
- ۵۴ - رجال نجاشی ص ۲۸ ، فهرست شیخ طوسی ص ۷۵ .
- ۵۵ - رجال نجاشی ص ۱۹۳ ، رجال شیخ طوسی ص ۳۵۲ و فهرست شیخ طوسی ص ۱۱۸ .
- ۵۶ - رجال نجاشی ص ۱۹۴ .
- ۵۷ - قاموس الرجال ج ۳ ص ۱۹۳ ، رجال نجاشی ص ۲۸ و فهرست شیخ طوسی ص ۷۵ .
- ۵۸ - رجال نجاشی ص ۲۱۵ ، رجال شیخ طوسی ص ۳۸۴ و فهرست شیخ طوسی ص ۱۴۷ .

- ۵۹ - رجال نجاشی ص ۲۳۵، رجال شیخ طوسی ص ۴۲۵ و فهرست شیخ طوسی ص ۱۵۰  
۶۰ - رجال نجاشی ص ۱۵ و فهرست شیخ طوسی ص ۲۹ .  
۶۱ - الذریعه‌الی تصانیف الشیعه ج ۱۶ ص ۸۰ .  
۶۲ - برای تحقیق بیشتر مراجعه شود بگفتار چهارم از کتاب "نور مهدی" ۷۵ - ۹۵  
۶۳ - اعلام الوری ص ۴۱۶

### پاورقی گفتار هفتم

- ۱ - یکی از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) که با " ابوالسرایا " رهبری قیام برضد حکومت عباسی را بر عهده داشت .  
۲ - مقاتل الطالبین ص ۳۴۶ .  
۳ - تاریخ طبری ج ۸ ص ۲۶۷ .  
۴ - کارنامه انقلابهای شیعیان ، کتابهایی مانند ( مقاتل الطالبین " تالیف ابوالفرج اصفهانی و " جهاد الشیعه " تالیف دکتر سمیره مختاراللیثی ( از دانشمندان معاصر مصری ) تشکیل میدهد .  
۵ - غریزدگی .  
۶ - بعضی از خلفای ستمگر عباسی نیز با استفاده از همین تاکتیک ، می خواستند قیامها و انقلابهای شیعیان را خنثی سازند . بیجهت نبود که منصور دوانیقی خلیفه ستمگر معروف عباسی که با قیام " محمد نفس زکیه " روبرو شده بود . و در آن زمان شایع بود که نفس زکیه همان مهدی موعود است ! ( نام پسر خود را " مهدی " گذاشت ! ) (مقاتل الطالبین ص ۱۶۲) .  
۷ - کتاب اقدس ص ۲۷ طبق نقل مزدوران استعمار ص ۱۹ .  
۸ - البهائیه و القادیانیه ص ۹۲ .  
۹ - مدرک گذشته ص ۱۵۵ .  
۱۰ - مدرک گذشته ص ۹۵ .  
۱۱ - اللهم ان سرادق العدل قد ضربت اطنا بها علی هذه الارض المقدسه فی مشارقها

و مفاریها و نشکرک و نحمدک علی حلول هذه السلطة العادله و الدوله القاہرہ  
الباذلہ القوہ فی راحہ الرعیہ و سلامیہ البریہ ! اللهم ایدالامیراطورالاعظم  
جورج الخامس عاہل انگلسترا ! بتوفیقاتک الرحمانیہ ، و ادم ظلہا الظلیل  
علی هذه الاقلیم الجلیل بعونک و صونک و حمایک انک انت المقتدر المتعالی  
العزیز الکریم ! ( مکاتیب عبدالبہاء ص ۳۴۶ ) .

### پاورقی گفتار ہشتم

- ۱ - هوالذی ارسل رسولہ بالہدی و دین الحق لیظہرہ علی الدین کلہ ولولہ المشرکون .
- ۲ - ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثہا عبادی الصالحون .
- ۳ - وعد اللہ الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنہم فی الارض کما استخلف  
الذین من قبلہم لیمكنن لہم دینہم الذی ارتضی لہم و لیبدلنہم من بعد  
خوفہم امانا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا .
- ۴ - اثبات الوصیہ جلد ۷ ص ۲۴۷ .
- ۵ - الزام الناصب ص ۸۱ .
- ۶ - نہج البلاغہ خطبہ ۱۵۹ .
- ۷ - نہج البلاغہ نامہ ۴۵ .
- ۸ - منتخب الاثر ص ۳۰۷ .
- ۹ - ارشاد مفید ص ۳۹۹ - بحار ط قدیم ج ۱۳ ص ۲۲۳ - سفینہ البحار ج ۱ ص ۴۴۰ .

### پاورقی گفتار نہم

- ۱ - شیعہ در اسلام صفحہ ۱۵۲ - ۱۵۱ .
- ۲ - شیعہ در اسلام علامہ طباطبائی صفحہ ۱۵۲ .
- ۳ - سورہ ۶ یوسف آیہ ۴۷ .

- ۴ - مجله المعتطف شماره ۳ از سال ۵۷ در تحت عنوان "هل يخلد الانسان في الدنيا"
- ۵ - اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ ص ۲۲۰ .
- ۶ - مصلح جهانی ص ۶۷
- ۷ - مقدمه نوید اسلام .
- ۸ - مقدمه نوید اسلام .
- ۹ - مجله المعتطف سال ۹۵ شماره ۳ .
- ۱۰ - اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ ص ۲۲۰ .
- ۱۱ - مجله مرز های ایران و امریکا شماره ۱۰ ص ۱۴ .
- ۱۲ - همان مجله .
- ۱۳ - مجله دانشمند شماره ۴ سال ۴۷ صفحه ۴ .
- ۱۴ - اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ ص ۲۰۶ .
- ۱۵ - مجله دانشمند شماره ۴ ص ۵ .
- ۱۶ - اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ ص ۲۲۴ .
- ۱۷ - ۱۸ - مجله الهلال پال ۳۸ شماره ۵ .
- ۱۹ - سالنامه شهرت سال ۳۲ / صفحه ۲۸۹ .
- ۲۰ - دادگستر جهان صفحه ۱۸۱ - ۱۸۲ .
- ۲۱ - سالنامه شهرت سال ۴۲ - ص ۲۸۹ .
- ۲۲ - اعلام الوری صفحه ۴۰۱ .
- ۲۳ - منتخب الاثر ص ۲۸۵ .

### پاورقی گفتار دهم

- ۱ - خلاصه جهان پدیده خداست که تمام اجزاء آنها بهم مرتبط است و همه بخدا نیازمندند و چنانکه گفته اند : عالم بجهت وجود مرتبط و مفتقر است بحق جل و علا ، و حق بجهت ظهور مرتبط به عالم ، پس همه موجودات نیازمند به خدا هستند در حدوث و بقاء ؛ فالکل مفتقر ماالکل مستغنی - هذا هوالحق قد

- قلناه لانكنى - فالكل بالكل مربوط فليس له - عند انفصال خذوا فلتة عنى .  
( نصوص الخصوص ۱۴۲ ) .
- ۲ - عن الجعفر عليه السلام لوان الامام رفع من الارض لماجت باهلها كما يموج البحر باهله .
- ۳ - تفسير صافى ذيل آيه والسما رفعها - سوره الرحمن .
- ۴ - سوره الرحمن آيه ۷ .
- ۵ - سوره النساء آيه ۵۹ .
- ۶ - سوره الحجر آيه ۹ .
- ۷ - سوره المائده آيه ۶۷ .
- ۸ - سوره الفتح آيه ۱ - ۲ .
- ۹ - ان هذا و شيعته هم الفائزون - يا على انك ستقدم على الله انت و شيعتك راقبين مرضيين و تقدم عليه عدول غضايا مقمحين ( صواعق ابن حجر نهايه ابن اثير در المنثور سيوطى ) والذى نفسى بيده ان هذا و شيعته لهم الفائزون در المنثور .
- ۱۰ - در كتاب الامام الثاني عشر ص ۹۱ : ميگويد احاديثى كه از پيامبر اكرم رسیده كه امامت يا خلافت به دوازده نفر ميرسد و همه آنها از قریش ميباشند بحد تواتر رسیده و بخارى و مسلم و ترمذى و ابوداود در صحاح خود و احمد در مسند و حاكم در مستدرک و خطيب بغدادى در تاريخ خود و ديگران در كتب خویش مفصلاً نقل نموده اند (همه در انتظار اويند ص ۵۳)
- ۱۱ - سوره البقره آيه ۲۱۴ .
- ۱۲ - اسفار (۷) باب دخول شرور فى الكائنات .
- ۱۳ - از اعمال متقى هندی .
- ۱۴ - سوره الحشر آيه ۷ .
- ۱۵ - خواجه نصيرالدين طوسى در قواعد العقائد ميگويد : الامام هو الحاكم فى عالم الباطن ولا يصير غيره عالما بالله الا بتعليمه اياه ولذا لك يسمونهم بالمتعلمين ص ۴۵۹
- ۱۷ - العصمه و هى ما يمتنع معه من العصيه متمكنا منها ولا يمتنع منها مع عدمه .





- ۱۶ - مروج الذهب ، تاریخ ابن خلکان و تاریخ ابن اثیر ج ۵
- ۱۷ - ابن اثیر ج ۵ و عقد الفرید ج ۲ ملل و نحل ص ۱۱۱ .
- ۱۸ - ۱۹ - ادیان و مهدویت ، و مدعیان نبوت و مهدویت ، تاریخ بخارا کتاب مهدی  
۲۰ - ابن خلکان و ابن اثیر .
- ۲۱ - ۲۲ - ابن اثیر جلد ۸ فهرست ابن ندیم ص ۲۴۶ .
- ۲۲ - به کتابهای معتبر یاد شده در بالا مراجعه شود .
- ۲۳ - کتاب مبین ص ۲۲۹ باب در سال ۱۸۵۰ میلادی در تبریز کشته شد .  
و بهاء در ۱۳۰۹ هجری قمری ۱۸۹۳ میلادی در عکاء که جزو سرزمینهای اشغالی  
فلسطین است مرد و همانجا دفن شد .
- \* و دعی الناس الی الاسلام جدیداً که در برخی از روایات آمده است ، کنایه از  
احیاء اسلام واقعی یعنی اسلام زمان پیامبر و پیروانش و زدودن پیرایه هائی  
است که خلفاء و دیگران به اسلام بسته اند .
- ۲۴ - اعیان الشیعہ ص ۱۵۰ و النوادر و منتخب الاثر .
- ۲۵ - قال الصادق از قام قائمنا سار بسیره رسول اله الا انه یبین آثار محمد .  
بحار ج ۵۲ ص ۳۴۷ و تاریخ ابن عساکر ج ۱ ص ۶۲ طبع شام بنقل از منتخب الاثر .
- ۲۶ - اما شبهه من جده المصطفی فخروجه بالسیف و قتله اعداء اله و رسوله و الجبارین  
و الطواغیت و انه ینصر بالسیف و العرب انه لاترد له رایه بحارج ۵۲ ص ۲۱۸  
النوادر و منتخب الاثر .
- ۲۷ - تاریخ ابن عساکر ج ۱ ص ۶۲ و منتخب الاثر ص ۴۷۱ ( ۴۷۷ ) .
- ۲۸ - نهایی المرام بنقل از منتخب الاثر ص ۴۷۷ .
- ۲۹ - منتخب و النوادر و بحارج ۵۲ ص ۳۴۰ .
- ۳۰ - منتخب الاثار ص ۴۷۸ .
- ۳۱ - منتخب الاثر ۴۷۸ ولا یوقظ نائما ولا یهریق دما "
- ۳۲ - منتخب الاثر ۴۷۵ .
- \* بحارج ۵۲ ص ۳۴۶ .
- ۳۳ - منتخب الاثر ۴۷۲ ضرب الاسلام بحرانه ای استقر و ثبت (المنجد)

- ۳۴ - منتخب الاثر ص ۴۸۷
- ۲۵ - مستدرک حافظ بنقل از منتخب ص ۴۷۲ .
- ۳۶ - بحار ج ۵۲ ص ۱۳۲ و ۳۴۵ .
- ۳۷ - تذکره الخواص و نیایع المورثه و صحیح مسلم طبع مصر ۱۳۴۸ قمری ج ۱ ص ۶۳ .  
منتخب الاثر .
- ۳۸ - النوادر ص ۱۸۹ .
- ۳۹ - النوادر ص ۱۸۲ و بحار ج ۵۲ ص ۱۳۷ .
- ۴۰ - منتخب الاثر ص ۴۸۳ بحار ج ۵۲ ص ۳۶ کافی ج ۱ ص ۱۵ .
- \* بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۶۶ .
- ۴۱ - بحار ج ۵۲ ص ۳۲۱ .
- ۴۲ - غیبت نعمانی ص ۱۶۴ .
- ۴۳ و ۴۴ - منتخب الاثر ص ۴۸۲ و ۵۱۸ و ۱۶۸ لایقی فی الارض خراب الا و عمر .
- ۴۵ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۶ و ۳۱۵ . و منتخب الاثر .
- ۴۶ و ۴۷ - النوادر ۱۸۹ و اعیان الشیعه حالات امام دوازدهم ص ۱۵۰ .

### پاورقی گفتار دوازدهم

- (۱) اصول کافی ج ۱ ص ۵۱۴ چاپ ۱۳۸۸ .
- (۲) مزمور ۳۷ بند ۳۰ - ۱۰
- (۳) سوره انبیاء آیه ۱۰۵
- (۴) عبارت زبور را قبلا " نقل کردیم که در آنجا همین مضمون را اعلام داشته که مردم شایسته جهان حکومت جهان را بعهدہ میگیرند .
- (۵) سوره نور آیه ۵۵
- (۶) سوره صف آیه ۹
- (۷) سوره قصص آیه ۵

(۸) آیه های دیگری که بکمک روایات بحضرت مهدی علیه السلام تفسیر و تأویل شده است ( مانند آیه الذین یؤمنون بالغیب و آیه امن یجیب المضطر اذا دعاه و غیر آن ) فراوان است که مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب " المحججه فیما نزل فی القائم الحججه " قسمت مهمی از آنها را جمع آورده است .

(۹) کشف الظنون ج ۱ و ۲ - هدیه العارفین ج ۱ و ۲ - ایضاح المکنون - نویدامن و امان .

(۱۰) منتخب الاثر ص ۲۴۹

(۱۱) المهدی ص ۶۰

(۱۲) منتخب الاثر ص ۲۲۵

(۱۳) ذخائر العقبی ص ۱۳۶

(۱۴) اثبات الهداه ج ۲ ص ۵۶۲

(۱۵) " فلیت فیهم الف سنه الاخمسین عاما " سوره عنکبوت آیه ۱۴

(۱۶) العهدی ص ۱۳۶ - ۱۳۲

(۱۷) اثبات الهداه ج ۶ ص ۳۸۶

(۱۸) اثبات الهداه ج ۶ ص ۳۹۴ - ۳۹۵

(۱۹) اثبات الهداه ج ۶ ص ۳۵۰

(۲۰) اعلام الوری ص ۴۱۶

(۲۱) کمال الدین ج ۱ ص ۱۱۲

(۲۲) اثبات الهداه ج ۶ ص ۴۳۸

(۲۳) بحار ج ۵۲ ص ۱۱۳

(۲۴) منتخب الاثر ص ۲۶۹

(۲۵) اثبات الهداه ج ۶ ص ۴۳۶

(۲۶) اصول کافی ج ۱ ص ۱۷۸ چاپ آخوندی

(۲۷) اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۷ چاپ آخوندی

(۲۸) منتخب الاثر ص ۲۷۱

(۲۹) دکتر کرین استاد فلسفه در دانشگاه سوربن (فرانسه) و رئیس انستیتو فرانسه و

ایران

(۳۵) سالنامه مکتب تشیع سال ۲ ص ۲۰ - ۲۱

### پاورقی گفتار سیزدهم

- ۱ - هوالذی . . . ۲۸ الفتح - ۹ الصف - ۳۳ التوبه .
- ۲ - اقوال ج ۵ .
- ۳ - نهج البلاغه جزو ملاحم .
- ۴ - و كذلك اوحينا اليك روحا من امرنا ما كنت تدري ما الكتاب ولا الايمان ، ولكن جعلناه نورا نهدى بهامن نشاء من عبادنا وانك لتهدى الى صراط مستقيم . ۵۲ الشورى (۴) ان الذين يكفرون بالله ورسله ويريدون ان يفرقوا بين الله ورسله ويقولون نومن ببعض ونكفر ببعض ، ويريدون ان يتخذوا بين ذلك سبيلا . ۱۵۰ النساء . اولئك هم الكافرون حقا ، واعدت ناللكافرين عذابا مهينا . - ۱۵۱ النساء - والذين آمنوا بالله ورسله ، ولم يفرقوا بين احد منهم اولئك سوف يؤتيهم اجرهم وكان الله غفورا رحيما . - ۱۵۲ النساء -
- ۵ - هوالذی ارسل رسوله بالهدى ، ودين الحق ليظهره على الدين كله وكفى بالله شهيدا . - ۲۸ الفتح -
- ۶ - الاوان اليوم عمل ولا حساب و غدا حساب ولا عمل . - نهج البلاغه -
- ۷ - وعدالله لا يخلف الله وعده ولكن اكثر الناس لا يعلمون . - ۶ الروم - ( لا يخلف الميعاد ) جمله لا يخلف در شش موضع قرآن كريم آمده است . - ۶ الروم - ۲۵ الرمزم - ۳۱ الرعد - ۹ آل عمران - ۸۰ البقره -
- ۸ - تبارك الذى نزل الفرقان على عبده ليكون على العالمين نذيرا - الفرقان : ۱ -
- ۹ - در جاماسب نامه شاگرد زردشت گوید "مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزند هاشم مردی بزرگ سر ، و بزرگ تن ، و بزرگ ساق ، و به دین جد خویش و زمین را پراز داد کند ." (بشارات عهدین)

۱۰ - ابن خلدون : عبدالرحمن بن محمد خلدون اشبیلی فاضل مورخ صاحب "مقدمه" که خزانه ای از علوم اجتماعی و سیاسی و ادبی است متوفی بسنه ۸۰۸ هـ - ق (هدیه الاحباب ۵۷)

۱۱ - اعتراف ابن خلدون .

( آنچه در میان تمام مسلمانان و در تمام قرون معروف بوده است اینست که ناچار در آخر الزمان مردی از خاندان پیغمبر (ص) ظهور کند و دین را تاءبید بخشد و عدل و داد را آشکار سازد و مسلمانان ازو پیروی خواهند کرد ، و او را مهدی می نامند .  
(ترجمه فارسی مقدمه از پروین گنابادی ج ۱)

عاقبت " احمد امین " در این باره گفت و نوشت :

(واما اهل السنة فقد آمنوا بها ايضا ) اهل سنت نیز بمهدی ایمان آوردند ، (المهدی المنتظر و العقل - ۵۹)

و نیز گوید : (وقد احصى ابن حجر الاحاديث المروية في المهدي فوجدناها نحو الخمسين) تنها ابن حجر احادیث مروی درباره مهدی موعود را تا پنجاه حدیث برشمرده است . پاسخ بد اندیشان : را شخصیت های بزرگ علمی شیعه محکم و استوار داده اند که با کمال ادب نام شریف چند نفر از ایشان ، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء - سید عبدالحسین شرف الدین - سید محسن امین جبل عاملی - شیخ عبدالحسین امینی شیخ لطف الله صافی - علامه خنیزی در کتابهای چون اصل الشیعه - المراجعات - النص والاجتهاد - کشف الارتیاب - الغدیر - سیرتنا و سنتنا - المنتخب الاثر مع الخطیب - والدعوة الاسلامیه - و آیت الله صدر در "المهدی" و این برای نمونه بود ورنه سخن بسیار است .

ترجمه ابن تیمیه مفصلاً" در جلد دوم (شیعه میپرسد) آمده است ، از صفحه ۱۱۹ تا ۱۵۹ .

۱۲ - الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحق ولا یكونوا كالذین اوتوا الكتاب من قبل فطال علیهم الامد فقست قلوبهم و کثیر منهم فاسقون .  
( ۱۶ - الحديد )

۱۳ - از فارسی زبانان عذر میخواهد که این چند حدیث ترجمه نشد ، طالب تفصیل

رجوع کنید بشرح دعای ندبه از نگارنده ضمن سلسله ( راز دلباختگان قسمت چهارم )  
نشر یافته است .

۱۴ - شفاء آخر الهیات .

۱۵ - ۲ - البقرة .

۱۶ - نهج البلاغه کلام ۱۳۹ .

۱۷ - المقصد الخامس - از تجريد العقائد خواجه - این قسمت از کتاب را که درباره  
امام و عصمت و ولایت است نگارنده بفارسی و عربی شرح کرده است و آماده چاپ  
است و خداوند توفیق نشر آنرا عنایت فرماید .

۱۸ - فصول خواجه طوسی ۳۸ بعد نشریه دانشگاه تهران - این کتاب خلاصه ای از  
اعتقادات شیعه اثنی عشری برپایه عقل است .

۱۹ - قال الشيخ محی الدین العربی فی فتوحاته : ( اعلم ان لله خلیفة یخرج ، وقد  
املئت الارض جورا و ظلما فیملأها قسطا و عدلا و لولم ببق من الدنیا الا یوم واحد  
طول الله ذلك الیوم حتی یخرج هذا الخلیفه من عترة رسول الله (ص) من ولد فاطمه  
یواطی اسمه اسم رسول الله (ص) جده الحسین بن علی بن ابیطالب (ع) بیایع بین  
الركن والمقام یشبه رسول الله (ص) فی الخلق . وینزل عنه فی الخلق ، لانه لا یكون  
احد مثل رسول الله (ص) فی خلقه لان الله سبحانه و تعالی یقول :

( وانك لعلى خلق عظیم ) ثم قال :

و عین امام العالمین فقید	الا ان ختم الایاء شهید
هوا لصارم الهندی حین بیید	هوا لسید المهدی من آل احمد
هوا لوایل الوسمی حین یجود	هوا لشمس یجلوکل غیم و ظلمه

( شرح الاسماء الحسنی حاج ملاهادی سبزواری - ۲۷ بعد ) و شرح دعای ندبه ۲۱۲  
از این جانب

۲۰ - اینجا بانواع حرکتها چون حرکت ( کمی - کیفی - صوری - جوهری - وضعی -  
انتقالی و ... ) نظر داریم یعنی ضد سکون یعنی " حیات " و ضد " موت " .

۲۱ - من ساوی یوماه فهو مغبون و ... - الحدیث .

۲۲ - قزوینی در کتاب ( اخبار العباد و آثار البلاد ) نوشته شیعیان قم و کاشان هر

صبح جمعه مسلح و مجهز با اسبان سواری از شهر بیرون می‌آیند و در بیابان حالت "انتظار" دارند که (مهدی موعود) بیاید و اینان در رکابی باشند، وقت میگذرد و اینان بر میگردند اما با تأسف و میگویند (این جمعه هم نیامد) ...

توجه فرمائید اگر حالت انتظار چنین باشد که بوده است آیا زندگی چنین درهم و برهم و بدهکاریها بخلق و خالق بدینصورت خواهد بود که ما اکنون گرفتاریم، آیا حساب انسان با خلق و خالق روشن نخواهد بود،

و این حالت آمادگی معنی و خاصیت انتظار "مهدی موعود" است.

۲۳- یریدون ان یطفئوا نورالله بافواههم و یابی الله الا ان یتم نوره و لوکره الکافرون (۳۲- التوبه)

پای چو اندر رکاب آن شه والا کند	رفع کند ظلم و جور عدل هویدا کند
خرمی از روی وی عالم پیدا کند	چو آیت فتح را به دهر برپا کند
جمله احکام را یک یک برجا کند	خار غم از دل کند چو روی برما کند

از گل رویش شود روی زمین لاله‌زار

(محمد طبسی "عارفچه")

۲۴- ولقد آتینا موسی الکتاب و قفینا من بعده الرسل، و آتینا عیسی بن مریم البینات و ایدناه بروح القدس افکلما جائکم رسول بما لاتهوی انفسکم استکبرتم ففریقا کذبتم و فریقا تفتلون . (۸۷- البقره)

وقفینا علی آثارهم بعیسی بن مریم مصدقا لما بین یدیہ من التوراة، و آتیناه الانجیل فیه هدی و نور و مصدقا لما بین من التوریه و هدی و موعظة للمتقین . (۴۶- المائده)

ثم قفینا علی آثارهم برسلسنا، و قفینا بعیسی بن مریم و آتیناه الانجیل و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه راءفة و رحمة و رهبانية ابتدعوها، کتبناها علیهم الابتغاء رضوان الله فمارعوها حق رعایتها فاتینا الذین آمنوا منهم اجرهم، و کثیر منهم فاسقون (۲۷- الحديد)

۲۵- کسانیکه حضورا برسول الله (ص) ایمان آورده و از ایشان استفاده کرده و مورد تصدیق رسول (ص) بوده اند "اصحاب گفته میشوند و طبقه بعد که پیامبر (ص) را ندیده اما از اصحاب رسول (ص) استفاده کرده اند "تابعین" و همچنین طبقه بعد



"تابعی تابعین" مثلا "حسنین علیہما السلام جزو اصحاب اما حضرت علی بن الحسین زین العابدین (ع) جزو تابعین بشمارند .

۲۶۔ ونسکت عن حرب الصحابة فالذي جرى بينهم كان اجتهادا "مجردا" وقد صح في الاخبار ان قتلهم فهذا اعتقاد الشافعي امامنا و مالك والنعمان ايضا " واحمدا" ( مجموع متون الكبرى - ۴۱ - ط قاهره )

۲۷۔ الذين يؤمنون بالغيب و يقيمون الصلوة و ممارزقناهم ينفقون ، (۳۔ البقره)  
۲۸۔ قصيده ميلاديه امام زمان (عج) اثر حكيم و فقيه جليل خراساني ، چهل بيت است ناگزير هفت بيت انتخاب شد . بديوان حبيب رجوع فرمائيد .

۲۹۔ نواب خاص۔ عثمان بن سعيد ، محمد بن عثمان ، حسين بن نوح نوبختي ، علي بن محمد سمري۔ آخرين نايب ۳۲۹ وفات نمود .

۳۰۔ رجوع كنيد به اكمال الدين۔ المهدي۔ سيزدهم بحار الانوار۔ قديم ياترجمه فارسي آن۔ منتخب الاثر كه اين كتب به مآخذ ديگر رهنمون است .

(۳) من كان من الفقهاء صائنا " لنفسه حافظا لدينه مخالفا " لهواه مطيعا لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه۔ و اما الحوادث الواقعة فارجعوا الي رواة احاديثنا فانهم حجتى عليكم و انا حجة الله و . . .

### پاورقی گفتار چهاردهم

- ۱۔ اضواء على السنه المحمديه ، محمد ابوريه ص ۲۳۲ .
- ۲۔ رجال كشي ص ۲۹۶ نوبختي در الفرقاص ص ۳۴ ، شهرستاني ملل و نحل ص ۱۵۲ مقالات اشوي .
- ۳۔ المهدي ص ۲۱ - ۲۴ چاپ دارالتعارف بيروت .

### پاورقی گفتار پانزدهم

- ۱ - قرآن میفرماید: افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لایهدی الا ان یهدی آیا کسی که بسوی حق هدایت میکند سزاوار اطاعت است یا کسی که خودهنوز هدایت نیافته، مگر اینکه ابتدا خود هدایت شود. (سوره یونس آیه ۳۵)
- ۲ - بحار الانوار جلد ۵۳ ص ۱۹۰، کمال الدین ص ۳۴۶.
- ۳ - اثبات الهداة جلد ۶ ص ۴۳۷.
- ۴ - بحار الانوار ج ۵۲ حدیث ۵۸ ص ۳۳۲.
- ۵ - نمونه‌ای از آنها را می‌توان در کمال الدین ص ۲۸۶ به بعد و کتب دیگر مشاهده نمود.
- ۶ - کمال الدین ص ۲۵۶ حدیث ۲۱.
- ۷ - کمال الدین ص ۲۵۷ حدیث ۲۲.
- ۸ - انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون (سوره حجر آیه ۹)
- ۹ - نمونه‌ای از آن ص ۲۲۱ کمال الدین حدیث ۴ و ص ۲۵۳ حدیث ۱۱ آمده است (و ص ۵ رجال کشی)
- ۱۰ - کمال الدین ص ۲۲۱ حدیث ۷.
- ۱۱ - منتخب الاثر ص ۲۷۲ حدیث ۵.
- ۱۲ - میتوان برای اطلاع بیشتر به تواریخی همچون تاریخ یعقوبی.
- ۱۳ - کامل ابن اثیر ج ۳ ص ۲۵۵.
- ۱۴ - کتاب احتجاج طبرسی گویای نمونه‌ای از آنهاست.
- ۱۵ - تفسیر صافی، مقدمه هشتم، ان للقرآن بظنا و لیظنه بظنا الی سبعته.
- ۱۶ - اصول کافی کتاب الحج، با بهای ان مستقی لعلم من بیت ال محمد " و "انه لم یجمع القرآن کله الا الائمة" و ...
- ۱۷ - اصول کافی کتاب الحج باب جهات علوم الائمة.
- ۱۸ - نمونه‌هایی از داستان ملاقات اینگونه افراد را میتوان در کتابهای مهدی موعود النجم الثاقب، دارالسلام و غیره میتوان دید.
- ۱۹ - مهدی موعود با ترجمه جلد ۱۳ بحار باب ۲۹ ص ۷۵۴ و نیز در کتابهای دیگر

میتوان حالات چنین اشخاصی را مطالعه کرد .

۲۰ - کمال الدین ص ۳۴۶ حدیث ۳۳ .

۲۱ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۱۲ .

### پاورقی گفتار شانزدهم

- ۱ - قال الصادق (ع) من اهان علی مؤءمن بشرکلمه لقی الله عزوجل مکتوب بین عینیه : آیس من رحمه الله - سفینه البحار - امن
- کسی که کمتر از یک کلمه بکار برد که موجب اهانت به مسلمانی باشد ، در روز قیامت بر پیشانی‌ش چنین نوشته خواهد شد : "بی نصیب از رحمت خدا" .
- ۲ - نقل از " الشیعه والحاکمون " تالیف مرحوم علامه مغنیه . در این مورد در مجلهٔ مکتب اسلام ، به سلسله مقالات : انقلابهای شیعه مراجعه شود .
- ۳ - سفینه البحار - "حقیق" این حدیث را محدثین شیعه و سنی نقل نموده اند .
- ۴ - فرمودهٔ رسول اکرم (ص) .
- ۵ - از زیارت ابا عبدالله الحسین (ع)
- ۶ - آل عمران ۱۶۹ " گمان نبرید ، آنان که در راه الله جان داده اند ، مردگانند آنان زندگان جاویدان و در پیشگاه الهی روزی داده میشوند " .
- ۷ - مقدمهٔ : کتاب تاریخ آل محمد ، تالیف محقق شهیر "بهلول بهجت افندی"
- ۸ - هود ۴۶ .
- ۹ - عنکیوت ۳۳ .
- ۱۰ - نهج البلاغه و وسائل الشیعه ، کتاب امریه معروف و نهی از منکر باب ۱۵ روایت ۶ .
- ۱۱ - کافی ج ۲ ص ۲۷ .
- ۱۲ - کافی ج ۲ ص ۳۴ .
- ۱۳ - مدرک قبل ص ۳۸ .
- ۱۴ - در این مورد روایات بسیاری هست ، به جزوهٔ مکتب "ایمان و عقل" تالیف نگارنده مراجعه شود .

- ۱۵ - ان صلواتی ونسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین . انعام ، ۱۶۲ .
- ۱۶ - بقره ۸۵ .
- ۱۷ - کافی ج ۲ کتاب الایمان و الکفر ۷۴ .
- ۱۸ - مدرک قبل ص ۷۵ .
- ۱۹ - مدرک قبل ص ۷۷ .
- ۲۰ - کافی ج ۲ کتاب الایمان و الکفر ص ۷۷ .
- ۲۱ - مدرک قبل ص ۷۸ .

### پاورقی گفتار هفدهم

- ۱ - سورة التوبه : ۳۲ ، ۳۳ .
- ۲ - یکی آیه مورد بحث و دیگری در سوره (صف : ۹) و سوم در سوره (الفتح : ۲۸)
- ۳ - مجمع البیان ج ۵ ، ۶ ص ۲۵ .
- ۴ - مجمع البیان ج ۵ ، ۶ ص ۲۶ .
- ۵ - اکمال الدین صدوق به نقل از نورالثقلین ج ۲ ص ۲۱۱ .
- ۶ - احادیث بسیاری در این زمینه در منتخب الاثر ص ۲۹۲ - ۲۹۶ و ۴۷۱ و نقل شده است .
- ۷ - مسند احمد ج ۱ ص ۹۹ ط مصر - بنقل از احقاق الحق ج ۱۳ ص ۱۷۱ -
- ۸ - سنن ابی داود ج ۴ ص ۱۵۲ ط مصر - بنقل از احقاق الحق ج ۱۳ ص ۱۳۲ -
- ۹ - فرائد السمطین - بنقل از احقاق الحق ج ۱۳ ص ۱۵۴ .
- ۱۰ - احادیث بسیاری بمضمون فوق در منتخب الاثر ص ۲۴۷ و ۴۷۸ نقل شده است .
- ۱۱ - منتخب الاثر ص ۱۰۱ ح ۴ .
- ۱۲ - منتخب الاثر ص ۲۷۱ ح ۳ .
- ۱۳ - منتخب الاثر ص ۲۷۲ ح ۴ .
- ۱۴ - الشعراء : ۲۱ .
- ۱۵ - در ابواب گوناگونی از منتخب الاثر باین مطلب اشاره شده است .

۱۶- منتخب الاثر ص ۳۱۴، ضمن ۲۴ حدیث مسئله امتحان بشر پیش از ظهور امام (عج) مطرح شده است.

۱۷- سوره المائده : ۲۴ .

۱۸- در صفحه : ۲۹۴

۱۹- متن حدیث در صفحه ۲۹۳ ذکر شده است .

۲۰- در کتاب شریف ( اکمال الدین مرحوم صدوق علیه الرحمه صفحه ۲۰۱ به بعد (باب العله التي من اجلها يحتاج الى الائمة عليه السلام) احادیث بسیاری در زمینه نیاز مردم به امام علیه السلام آورده است .

از جمله : ۱- عن ابي عبدالله (ع) قال : قلت له : اتبقى الارض بغير امام قال : لو بقيت الارض بغير امام لساخت - ح ۱ ص ۲۰۱ -

۲- عن ابي جعفر (ع) قال : قال : لو ان الامام رفع من الارض ساعة لماجت باهلها كما يموج البحر باهله - ح ۳ ص ۲۰۲ -

۳- امير المؤمنين (عليه السلام) در حدیثی از رسول خدا (صلى الله عليه واله) چنین نقل میکند .

قال : الاثمۃ من ولدك بهم تسقى امتى الغيث و بهم يستجاب دعاءهم ، و بهم يصرف الله عنهم البلاء ، و بهم ينزل الرحمه من السماء و هذا اولهم - و او ماء بيده الى الحسن ( عليه السلام ) ثم او ماء بيده الى الحسين ( عليه السلام ) ثم قال : (ص) الاثمۃ من ولده " - ح ۲۱ ص ۲۰۶ -

جمعا " (۲۳ حدیث) در زمینه نیاز ضروری مردم بوجود امام (ع) در این باب جمع آوری نموده است ، طالبین میتوانند مراجعه نمایند .

و در کتاب اصول کافی ج ۱ ص ۱۷۸ (باب ان الاءرض لاتخلو من حجة) نیز احادیثی در این زمینه آورده است .

۲۱- سوره هود : ۴۰ .

۲۲- سوره هود : ۳۷ .

۲۳- سوره هود : ۸۱ .

۲۴- سوره مریم : ۴۸ .

- ۲۵ - سوره مریم : ۴۹ .
- ۲۶ - سوره الانبیاء : ۷۱ .
- ۲۷ - سوره الافقال : ۳۳ .
- ۲۸ - مراجعه شود به کتاب ( اکمال الدین صدوق ) ص ۲۰۷ - ۲۰۸ .
- ۲۹ - سوره الماعده : ۳ .

# فہرست

# فهرست

آنچه در این گفتارها میخوانید

## گفتار اول

نوشته: استاد سید رضا صدر - قم

صفحه	
۱۱	نور امید
۱۲	امید و آرزو
۱۲	امید فرد و اجتماع
۱۳	امید اجتماعی
۱۴	مانع بزرگ
۱۴	خطای بشر
۱۵	راه نزدیک
۱۶	از نظر فلسفی
۱۷	عدل موهب
۱۹	عقل بشر در اسارت دل
۲۰	نظریه مهدی
۲۳	مهدی کیست؟



### گفتار دوم

نوشته: استاد لطف الله صافی - قم

۲۸	علل احتیاج موجودات به امام
۳۱	توجیه و تفسیر اول رابطه عالم صغیر و کبیر
۳۵	دوم علت غائی و غرض از خلقت " " "
۴۰	سوم امام واسطه فیض است . " " "
۴۱	چهارم امام الگو و نمونه و اسوه است " " "
۴۲	پنجم امام آیت کبری و اسم اعظم الهی است . " " "

### گفتار سوم

نوشته: استاد مکارم شیرازی

۵۵	ابعاد حکومت جهانی مهدی (ع)
۵۶	اقدام بیک انقلاب فرهنگی وسیع و همه جانبه
۵۸	جهشی فوق العاده ای در صنایع
۶۰	طرح عظیم اقتصادی
۶۲	کنترل و نظارت دقیق

### گفتار چهارم

نوشته: استاد جعفر سبحانی

/ ۶۹	انقلاب مهدی موعود و سرانجام جامعه ها
۷۰	علت امیدواری
۷۰	افزایش رشد اجتماعی
۷۱	عشق به تکامل از درون انسان شعله میگیرد .
۷۲	آیا وحدت جامعه ها و تمدن ها و فرهنگها امکان پذیر است
۷۵	صلح و صفا بجای خونریزی
۷۶	قرآن و آینده جامعه ها

۷۶	وارثان زمین صالحانند
۷۷	استقرار آئین خدا و گسترش امنیت در جهان
۷۸	گسترش اسلام در سراسر جهان
۷۸	پیروزی پیامبران
۷۹	در مبارزه حق و باطل حق پیروز است
۸۰	کمکهای غیبی در سرانجام جامعه ها
۸۱	سرانجام جامعه ها از نظر احادیث اسلامی
۸۱	تکامل عقول و خردها
۸۱	تکامل صنایع
۸۲	جهانیان در پوشش اسلام میآیند
۸۲	تکامل اخلاقی
۸۳	ترمیم خرابیها

### گفتار پنجم

نوشته: حسین حقانی زنجانی

۹۰	۱ - فلسفه تاریخی امید و انتظار در طول تاریخ در مذهب شیعه .
۹۳	۲ - قیام مهدی در افق روشن آینده ( امید بآینده ) .
۹۴	۳ - فضیلت انتظار از نظر روایات و اخبار و اینکه مراد از انتظار چیست ؟
۹۵	۴ - تحقق این دولت حق چگونه است ؟
۹۶	۵ - مشخصات بارز جامعه ادعائی شیعه ؟
۹۷	۶ - مشخصات طرح شیعه برای ایجاد جامعه ایده آل .
۹۸	الف : ایجاد حکومت واحد جهانی .
۹۹	۷ - رشد عقل و اندیشه .
۹۹	۸ - بالا بودن سطح علم و دانش .
۱۰۰	۹ - اقتصاد سامان یافته و تعمیم آن بر سراسر گیتی .
۱۰۱	۱۰ - مساوات و برادری .

- ۱۰۳ ۱۱ - صفای زندگی و نزول برکات برای همه بندگان .  
 ۱۰۴ ۱۲ - فضیلت انتظار .

### گفتار ششم

نوشته : آقای مهدی پور - قم

- ۱۰۹ اصالت مهدویت  
 ۱۱۰ مهدی موعود در زبور داود  
 ۱۱۱ مهدی موعود در عهد عتیق (تورات و ملحقات آن)  
 ۱۱۳ مهدی موعود در عهد جدید ( اناجیل و ملحقات آن)  
 ۱۱۴ مهدی موعود در کتب مقدسه هندیان  
 ۱۱۶ مهدی موعود در منابع زردشتیان  
 ۱۱۹ ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی  
 ۱۲۲ مهدی موعود از دیدگاه وسیعتر  
 ۱۲۳ مهدی موعود از دیدگاه اسلام  
 ۱۲۵ مهدی موعود در منابع اهل تسنن  
 ۱۲۸ سیری در مسئله غیبت  
 ۱۳۰ مدعیان مهدویت

### گفتار هفتم

نوشته : آقای مهدی پیشواشی

- ۱۳۳ رابطه انقلابهای شیعه با عقیده به انتظار  
 ۱۳۵ آئین رهائی بخش  
 ۱۳۵ انتظار عاملی حرکت آفرین  
 ۱۳۷ نقشه های استعمارگران  
 ۱۳۸ لغو جهاد  
 ۱۳۹ دعا بجان رژیم پنجم

گفتار هشتم

نوشته : محمد مهدی اشتیاردی

- ۱۴۳ پاسخ به پنج پرسش دربارهٔ حضرت قائم (عج)
- ۱۴۳ ۱ - قرآن و مسئله حکومت جهانی  
پاسخ
- ۱۴۵ ۲ - آرامش و صفا در سرتاسر قلمرو حکومت  
پاسخ
- ۱۴۶ ۳ - لقب "قائم" چرا ؟  
پاسخ
- ۱۴۶ ۴ - چگونگی وضع زندگی حضرت مهدی (عج)  
پاسخ
- ۱۴۷ ۵ - باران مهدی (عج) کیانند ؟  
پاسخ

گفتار نهم

نوشته : داود الهامی - قم

- ۱۵۱ راز طول عمر امام غائب
- ۱۵۱ این جهان نظامی دارد
- ۱۵۴ نظم کلی این جهان برای بشر ناشناخته است
- ۱۵۶ تحقیقات جهان پزشکی درباره طول عمر
- ۱۵۷ پیری خود یک نوع بیماری است
- ۱۵۹ عمر هر موجود زنده تابع شرایط خاص زندگی است
- ۱۶۱ طول عمر امام زمان از یک واقعیت علمی پرده برداشته است

### گفتار دهم

نوشته : آقای حسن سعید

مهدی اهل البیت در مسیر تکاملی انبیاء برای تشکیل حکومت عدل جهانی  
توان می‌بخشد .

۱۶۵

### گفتار یازدهم

نوشته : علی اکبر حسنی - قم

کارنامه مهدی (ع) و سوء استفاده از مهدویت ؟  
در این بحث فشرده ای از مطالب زیر را میخوانید .

- ۱ - سوء استفاده از اعتقاد به مهدی (ع) ۱۸۵
- ۲ - تقلب در اشیاء و اشخاص، نطیانگر اهمیت، ارزش و نیاز بآنها است . ۱۸۷
- ۳ - سوء استفاده، معلول عدم شناخت و آگاهی لازم است . ۱۸۸
- ۴ - لزوم آگاهی و شناخت کامل . ۱۸۹
- ۵ - مدعیان کاذب و کسانی مهدی پنداشته شده اند . ۱۹۰
- ۶ - نظری به کارنامه قیام مهدی !! ۱۹۴
- الف - مبداء قیام ! ۱۹۴
- ب - پیامبر گونه بودن قیام ! ۱۹۴ /
- ج - قیام مسلحانه . ۱۹۵
- د - با کدامین سلاح . ۱۹۵
- ه - برقراری نظام توحید و پذیرش حکومت جهانی . ۱۹۶
- و - گسترش عدالت در زمین ۱۹۷
- ح - تامین امنیت برای همه . ۱۹۸
- ط - تکامل اخلاقی و معنوی . ۱۹۹

- ۲۰۰ ی - تکامل علوم و اندیشه .
- ۲۰۰ ک - پیشرفت هضم وسایل ارتباط جمعی و استفاده عموم از آن .
- ۲۰۱ ل - استخراج معادن و گنجینه ها .
- ۲۰۱ م - احیاء زمین و آبادی آن .
- ۲۰۱ ن - توسعه کشاورزی و دامداری .

### گفتار دوازدهم

نوشته : هیئت تحریریه مؤسسه اصول دین

و در راه حق - قم

- ۲۰۵ امام دوازدهم دادگر غیبی و خدائی
- ۲۰۶ عقیده به حضرت مهدی (ع) و اصلاح جهانی
- ۲۰۶ قرآن و اعتقاد به حضرت مهدی (ع)
- ۲۰۷ مهدویت در منابع اهل تسنن
- ۲۰۹ مصلح غیبی از نظر شیعه
- ۲۰۹ احادیث
- ۲۱۱ نظر دانشمندان جامعه شناسی
- ۲۱۲ طول عمر آن حضرت
- ۲۱۴ غیبت امام عصر
- ۲۱۶ چرا امام غایب است؟
- ۲۱۷ ۱ - آزمایش مردم
- ۲۱۷ ۲ - محفوظ ماندن آن حضرت از کشته شدن
- ۲۱۸ ۳ - نبودن بیعت هیچکس بر او
- ۲۱۸ فوائد وجود امام غایب
- ۲۲۰ یادآوری لازم

گفتار سیزدهم

نوشته : آقای محب الاسلام

۲۲۳	کلاف نخ و خریداری یوسف
۲۲۵	اعتقاد انسانها به تکامل
۲۲۵	اعتقاد مسلمین به قرآن
۲۲۸	سخره و دوروئی دنیای کمونیسم
۲۳۰	ولی عصر (عج) و قرآن کریم
۲۳۱	المهدی و السنه
۲۳۳	اظهار ادب نوابغ علمی به پیشگاه ولی عصر (عج)
۲۳۴	امید بخیر
۲۳۵	زمان و مهدی موعود (ع)
۲۳۷	غیبت ولی عصر (ع)
۲۳۷	غیب در جهان مادی
۲۳۷	ایمان به غیب
۲۳۸	ختم سخن
۲۳۹	غیبت صغری
۲۴۰	غیبت کبری

گفتار چهاردهم

نوشته : عقیقی بخشایشی

۲۴۳	متمهدی ها و مدعیان "باب" در تاریخ اسلام
۲۴۴	کیسانیه
۲۴۵	مهدی سفیانی
۲۴۶	مدعیان بابیت
۲۴۶	۱ - شریعی

- ۲۴۷ - ۲ - محمد بن نصیر نمیری  
 ۲۴۷ - ۳ - ابوظاهر محمد پسر علی پسر بلال  
 ۲۴۸ - ۴ - حسین بن منصور حلاج

گفتار پانزدهم  
 نوشته : الف ، ح ، م

فائده امام غائب

- ۲۵۲ - ۱ - واسطه فیض و ایمنی از عذاب  
 ۲۵۳ - ۲ - نگهبان شریعت  
 ۲۵۵ - ۳ - پناهگاه علمی  
 ۲۵۶ - فوائدی دیگر  
 ۲۵۶ - الف - بهره امام در طول عمر  
 ۲۵۶ - ب - نجات گرفتاران  
 ۲۵۶ - ج - احساس مسئولیت در شیعه

گفتار شانزدهم

نوشته : آقای هادی دوست محمدی

- ۲۶۱ رسالت شیعه  
 ۲۶۱ شیعه رسول رسولان .  
 ۲۶۲ شیعه انقلابی است .  
 ۲۶۴ شیعه بی تفاوت نیست .  
 ۲۶۴ شیعه و انتخاب حق .  
 ۲۶۶ عقیده و جهاد .  
 ۲۶۶ شیعه و شهادت .  
 ۲۶۷ شیعه و پاسداری از اسلام .  
 ۲۶۸ دستور العمل شیعه .



۲۶۸	سمبل و الگوی خانواده های شیعه .
۲۶۹	جهان بینی شیعه
۲۶۹	۱ - عدالت
۲۶۹	۲ - امامت
۲۷۰	دشمنی با شیعه
۲۷۱	مسئولیت شیعه
۲۷۳	"عمل" رکن اساسی است .
۲۷۴	شیعه ، یک بعدی نیست .
۲۷۶	اسلام تجزیه بردار نیست .
۲۷۷	شیعه از زبان امامان (ع)
۲۷۹	وظیفهء خطیر شیعه در غیبت امام (ع)

بخش دوم :

### مسئولیت شیعه در غیبت امام (ع)

شیعه یعنی چه ؟  
ارزش و مقام شیعه  
آغاز تشیع  
شیعه از زبان رسول اکرم (ص)  
مسئولیت‌های شیعه  
الف - در پیشگاه امام (ع)  
دعا به حضرتش  
اوقات دعا  
انتظار فرج آن حضرت

	اشک در فراق و هجران او
	بیاد او
	دوستی با دوستان او
	دعوت مردم بسوی او
	پایداری در دوستی ...
	خود سازی و تزکیه
	اقتدا و تاسی به روش و اخلاق او
	همنوائی با او در گریه بر حسین (ع)
	ب - شیعه در مقابل جامعه
	سیاست جهانی شیعه
	شیعه و تعبیر تاکتیک "تقیه"
	شیعه و وحدت مسلمین
	این بخش هنوز آماده نشده است

### گفتار هفدهم

نوشته: سید محمد مهدی موسوی خلخالی

۲۸۳	امام غائب یا خورشید پنهان
۲۸۳	آیاتی از قرآن کریم
۲۸۴	نور و ظلمت
۲۸۴	منظور از نور در قرآن کریم
۲۸۴	دشمنان اسلام یا ضد نور
۲۸۴	شکست قطعی دشمنان اسلام
۲۸۵	حکومت جهانی اسلام
۲۸۶	حکومت قدرت همراه با حکومت منطق
۲۸۷	چه کسی تشکیل دهنده حکومت جهانی اسلام است؟
۲۸۷	مهدی موعود

۲۸۸	حدیث امام باقر (ع)
۲۸۸	" رسول خدا (ص)
۲۸۸	" امام صادق (ع)
۲۸۸	حکومت جهانی همراه با عدل جهانی
۲۸۹	حدیث مسند احمد
۲۸۹	" سنن ابی داود
۲۸۹	" فرائد السطین
۲۹۰	اتفاق مسلمین بر قیام مهدی (ع)
۲۹۱	بیست نفر اصحاب رسول الله (ص) خبر از ظهور مهدی (عج) میدهند.
۲۹۱	احادیث حضرت مهدی (عج)
۲۹۱	در (سنن) و (معجم) و (مسانید) اهل سنت
۲۹۱	اعتراف وهابیان افراطی بظهور حضرت مهدی (عج)
۲۹۳	امام غائب یا خورشید پنهان
۲۹۳	تشبیه امام غائب به خورشید پنهان در اثر
	در گفتار رسول الله (ص)
۲۹۳	و امام صادق (ع)
۲۹۳	و در توقیع شریف خود حضرت بقیه الله
۲۹۴	اینجا دو سؤال مطرح است
	۱ - چرا امام (ع) غائب شده است؟
	۲ - چه فائده‌ئی از وجود امام غائب بعردم میرسد؟
۲۹۴	پاسخ به سؤال اول
۲۹۴	غیبت رهبران الهی بی سابقه نیست
۲۹۴	علت کناره گیری دو چیز است
۲۹۴	یک : خوف
۲۹۴	دو : یأس از پیروی مردم
۲۹۵	سوالاتی درباره خصوص امام غائب (ع)

- ۲۹۵ چرا با کمک نیروی ما فوق قیام نمیکنند؟  
پاسخ
- ۲۹۵ چرا تحت مراقبت و حفاظت شدید ظاهر نمیشود؟  
پاسخ
- ۲۹۶ تضاد میان قدرتها در اثر قدرت طلبی است، چرا امام غائب اکتفاء  
به تنها ارشاد نمیکنند؟  
پاسخ
- ۲۹۷ چرا امام غائب تنها برای دوستانشان ظاهر نمیشود؟  
پاسخ
- ۲۹۷ خورشید پنهان  
دومین سؤال کلی  
امام غائب و تشبیه به خورشید پنهان در پس ابر  
بعد اول : افاضه نور  
۲۹۸  
بعد دوم : انتظار  
۳۰۰  
بعد سوم : لغویت انکار  
۳۰۰  
بعد چهارم : مصلحت در غیبت  
۳۰۰  
بعد پنجم : پیشگیری از عمل ضد نور  
۳۰۱  
بعد ششم : لطف خاص  
۳۰۲  
بعد هفتم : فیض مطلق  
۳۰۲  
خاتمه  
۳۰۳

فهرست پاورقیها

۳۳۹	پاورقی گفتار اول
۳۴۰	دوم " "
۳۴۰	سوم " "
۳۴۰	چهارم " "
۳۴۱	پنجم " "
۳۴۲	ششم " "
۳۴۲	هفتم " "
۳۴۲	هشتم " "
۳۴۳	نهم " "
۳۴۴	دهم " "
۳۴۴	یازدهم " "
۳۴۵	دوازدهم " "
۳۴۶	سیزدهم " "
۳۴۶	چهاردهم " "
۳۴۷	پانزدهم " "
۳۴۷	شانزدهم " "
۳۴۹	هفدهم " "